

فصلنامه گنجینه اسناد

سال سی و دوم، دفتر سوم، پاییز ۱۴۰۱
شماره پیاپی ۱۲۷
شاپا (شماره استاندارد بین‌المللی پیاپیها): ۱۰۲۳-۳۶۵۲
شاپای الکترونیک: ۲۵۳۸-۲۲۶۸



فصلنامه تحقیقات تاریخی مطالعات آرششیوی
طبق آیین‌نامه نشریات علمی مورخ ۱۳۹۸/۲/۹ به شماره
۱۱/۲۵۶۸۵ فقط عنوان «علمی» برای نشریات علمی-پژوهشی ذکر می‌شود.

صاحب امتیاز: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران-پژوهشکده اسناد
مدیرمسئول: دکتر غلامرضا عزیز greazizi@gmail.com

سر دبیر: دکتر سعید رضائی شریف آبادی srezaei@alzahra.ac.ir

هیئت تحریریه

دکتر ری ادموندسون، مدرس برنامه حافظه جهانی یونسکو، استرالیا / دکتر تری ایستوود، استاد دانشگاه بریتیش کلمبیا، کانادا / دکتر فریبرز خسروی، دانشیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر سعید رضائی شریف آبادی، استاد دانشگاه الزهرا / دکتر سید امیرمسعود شهرام‌نیا، دانشیار دانشگاه اصفهان / دکتر غلامرضا فدائی، استاد دانشگاه تهران / دکتر عبدالحسین فرج پهلوی، استاد دانشگاه شهید چمران اهواز / دکتر حسین میرجعفری، استاد دانشگاه اصفهان / دکتر مرتضی نورائی، استاد دانشگاه اصفهان / دکتر نرگس نشاط، دانشیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر محمدباقر وثوقی، استاد دانشگاه تهران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
پژوهشکده اسناد

دبیر اجرایی: دکتر سید محمود سادات بیدگلی m.sadat@yahoo.com

مترجم: دکتر ابراهیم افشارزنجانی

ویراستار انگلیسی: ری ادموندسون

ناشر: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

صفحه آرا: مرتضی میرزائی

ویراستار فنی: دکتر سید محمود سادات بیدگلی

چاپ و صحافی: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، ابتدای خ کوشا، ساختمان گنجینه اسناد ملی ایران، طبقه هفتم.

صندوق پستی ۶۵۵-۱۹۹۳۵ | تلفن: ۰۲۱ ۸۱۶۲۵۵۵۴

وبگاه: ganjineh.nlai.ir

پیام‌نگار: ganjinehasnad@gmail.com

فروشگاه: تهران، بزرگراه شهید حقانی، بلوار کتابخانه ملی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، فروشگاه کتاب، تلفن: ۸۱۶۲۳۳۱۵

این نشریه در SID, ISC, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال (نظام نمایه سازی مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری) نمایه می‌شود.

www.ISC.gov.ir | www.sid.ir | www.ricest.ac.ir | www.researchgate.net | Scholar.google.com



وهرست مطالب

گنجینه اسناد

(علمی)

سال ۴۳، دفتر ۳، پاییز ۱۴۰۱

شماره پیاپی ۱۲۷

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲

شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

تحقیقات تاریخی

پیامدهای اجتماعی جنگ جهانی دوم در همدان (۱۳۲۰-۱۳۲۵ ش) / مجید فروتن، کیوان شافعی، محمد

۶-۳۶(۳۱)

قربان کیانی، انور خالندی

تحول ساختار نیروی انتظامی ایران در عصر قاجار (۱۱۷۵ تا ۱۳۰۴ ش) براساس اسناد تاریخی /

۳۸-۶۵(۲۸)

علی رشیدیان زرینی، فاطمه جان احمدی، محمد قصری

۶۶-۱۰۸(۴۳)

نبرد در «دره شلیبر» (عملیات والفجر ۴) / کیومرث فیضی، نصرالله پورمحمدی املشی، باقرعلی عادل فر

نظام تیول داری در مازندران در دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۴ ق) / معصومه یدالله پور عربی، شهرام یوسفی فر،

۱۱۰-۱۳۵(۲۶)

محمدعلی کاظم بیگی

مطالعات آرشیوی

۱۳۶-۱۶۵(۳۰)

سندشناسی مکتوبات صدراعظم‌های قاجار (حکم، تعلیقه، نوشته) / علیرضایک نژاد

نقش سرمایه‌گذاری سازمان‌های آرشیوی در سرمایه اجتماعی، بر عملکرد آرشیویست‌ها /

۱۶۶-۱۹۹(۳۴)

زهرا نصرالهی، نادر نقشینه، مریم صراف‌زاده

شرایط پذیرش مقاله

۱. هر مقاله علمی که در راستای تحقیقات تاریخی مبتنی بر اسناد، و مطالعات آرشیوی باشد، برای بررسی و چاپ در نشریه، پذیرفته می‌شود.
۲. در پذیرش مقالات، اولویت با مقالات پژوهشی است.
۳. مسئولیت مطالب مندرج در هر مقاله، بر عهده نویسنده است.
۴. مقاله، نباید پیش‌تر در نشریات فارسی زبان داخل یا خارج از کشور چاپ شده باشد.

ضوابط تهیه مقاله

۱. مقاله، در محیط Microsoft Word با قلم ۱۳ Blotus تهیه و به دفتر نشریه ارسال شود.
۲. چکیده ساختار یافته فارسی و انگلیسی مقاله، هر کدام حداکثر در ۲۰۰ کلمه ارائه شود.
۳. توضیحات، معادل‌های خارجی واژه‌ها و اصطلاحات علمی، به ترتیب استفاده در متن، با شماره‌گذاری پیاپی در هر صفحه درج گردد.
۴. حجم مقاله، از ۱۵ صفحه فراتر نرود.
۵. نام و مشخصات نویسنده/ نویسندگان، همراه با نشانی پیام نگار و وابستگی سازمانی در پانویست ذکر شود.
۶. ملاک ارجاع‌دهی، شیوه‌نامه انجمن روانشناسی آمریکا (A.P.A) است.

ملاحظات

۱. هیئت تحریریه نشریه، در قبول یا رد مقاله‌ها آزاد است.
۲. نشریه، در ویرایش، اصلاح و هماهنگ‌سازی اصطلاحات، آزاد است.
۳. ترتیب تنظیم مقالات تأیید شده برای چاپ، بنا به نظر هیئت تحریریه نشریه خواهد بود.
۴. مقالاتی که در اولویت چاپ قرار نمی‌گیرند، مسترد می‌شوند.

نام مراکز آرشیوی کشور، به منظور ارجاع درون متنی به سند، به شیوه زیر در این فصلنامه سرواژه‌سازی شده است:

- ساکما (sākma): سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

- مارجا (mārjā): مرکز اسناد ریاست جمهوری اسلامی ایران.

- کهام (kemām): کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- مَراسان (marāsān): مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- استادوخ (estādux): اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.

- مُتما (motmā): مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

- ساکماق (sākmaq): سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

- مپس (maps): مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

- کمشا (kamšā): کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان.

- ماد (mād): موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

- مَکَم (mokamem): مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک.

کوتاه‌تنتها



Social consequences of World War II in Hamadan (1941-1946)

Majid Forotan¹ | Kayvan Shafei² | Mohammad-Ghorban Kiyani³ | Anvar Khalandi⁴

Abstract:

Purpose: The occupation of Hamadan by Allied powers in World War II had political, economic, social and cultural consequences for the city. Among which social consequences such as the bread crisis, migration and social disintegration, the epidemic disease, the arrival of immigrants, xenophobia, convergence and exile were the most important ones. The purpose of this study is to describe and analyze these consequences using archival records and other written documentaries.

Method and Research Design: Library research used to investigate archival records, reports and other written documentaries.

Findings and Conclusion: The social consequences of World War II in Hamadan were continuous and more than the other ones; such consequences and the condition continued for a long time even in the post-war period. Besides, the mentioned consequences had some positive effects on components such as xenophobia and convergence as well.

Keywords: Hamadan; World War II; The Allies; Social Consequences.

Citation: forootan, M., Shafei, K., Kiani, M., & Khalandi, A. (2022). Social consequences of World War II in Hamadan (1941- 1946). *Ganjine-ye Asnad*, 32(3), 6-36 | doi: 10.30484/ganj.2022.2946

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. Phd student of History, Department of History, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran, (Corresponding Author)

majidforotan88@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of History, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

kaivan_shafei@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of History, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

mohammadkiani@yahoo.com

4. Assistant Professor, Department of History, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

a.khalandi@alumni.ut.ac.ir

Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«127»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2022.2946

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No.3, Autumn 2022 | pp: 6 - 36 (31) | Received: 3, Mar. 2021 | Accepted: 19, Jun. 2021

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

پیامدهای اجتماعی جنگ جهانی دوم در همدان (۱۳۲۰-۱۳۲۵ ش)

مجید فروتن^۱ | کیوان شافعی^۲ | محمد قربان کیانی^۳ | انور خالندی^۴

چکیده:

اشغال همدان توسط نیروهای متفقین در جنگ جهانی دوم پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی متعددی برای این شهر به وجود آورد. در بین این پیامدها، تأثیرات اجتماعی جنگ هم چون بحران نان، مهاجرت و گسست اجتماعی، شیوع بیماری، ورود مهاجران، بیگانه‌ستیزی، همگرایی، و تبعید برجسته‌تر بود.

هدف: تحلیل و بررسی پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جنگ جهانی دوم در همدان با استفاده از منابع، اسناد و اطلاعات جدید و مستند از شرایط و اوضاع این دوران.

روش / رویکرد پژوهش: روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای-اسنادی و براساس گزارش‌های موجود گردآوری شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: پیامدهای اجتماعی جنگ جهانی دوم بر همدان بیش از پیامدهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن بود و در دوران پساجنگ هم تا مدت زیادی ادامه داشت. این جنگ علاوه بر تأثیرات منفی و مخرب، تأثیرات مثبتی هم در زمینه بیگانه‌ستیزی و همگرایی به ارمغان آورد.

کلیدواژه‌ها: همدان؛ جنگ جهانی دوم؛ متفقین؛ پیامدهای اجتماعی.

استناد: فروتن، مجید، شافعی، کیوان، کیانی، محمد قربان، خالندی، انور. (۱۴۰۱). پیامدهای اجتماعی

جنگ جهانی دوم در همدان (۱۳۲۰-۱۳۲۵ ش). *گنجینه اسناد*، ۳۲(۳)، ۳۶-۶.

doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲,۲۹۴۶

۱. دانشجوی دکتری تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. (نویسنده مسئول).
majidfrotaan88@gmail.com
۲. استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.
kaivan_shafei@yahoo.com
۳. استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.
mohammadkiani@yahoo.com
۴. استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.
a.khalandi@alumni.ut.ac.ir



گنجینه اسناد

۱۲۷

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۲,۲۹۴۶

نمایه در: ISC, SID, Researchgate, Google Scholar | ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۲، دفتر ۳، پاییز ۱۴۰۱ | صص: ۶-۳۶ (۳۱)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۹

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

با شروع جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵ م/ ۱۳۱۸-۱۳۲۴ ش) توسط آلمان‌ها، ناپره جنگ به دیگر کشورها نیز کشیده شد و در پی آن - با وجود اعلان بی طرفی دولت ایران - کشور ایران در شهریور ۱۳۲۰ به اشغال متفقین درآمد. جنگ جهانی دوم و اشغال ایران یکی از تأثیرگذارترین حوادث تاریخ معاصر ایران به‌شمار می‌آید که پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی بسیاری در ایران به‌بار آورد و ایران در این دوره پل پیروزی متفقین بر متحدین لقب گرفت و محل تدارک قوا و موقعیتی برای حفظ منافع آن‌ها به‌ویژه انگلیس و شوروی شد. در این زمان همدان نیز مانند برخی از شهرهای دیگر ایران به اشغال قوای انگلیس و شوروی درآمد و تحولات زیادی در تمامی ساختارهای آن ایجاد شد. جنگ جهانی دوم و اشغال همدان عوارضی را در این منطقه به‌وجود آورد؛ از جمله: تشدید حس بیگانه‌ستیزی و همگرایی اجتماعی؛ بحران و قحطی نان؛ تبعید مخالفان توسط متفقین؛ و مهاجرت و گسست اجتماعی. با وجود اهمیت زیاد بررسی پیامدهای اجتماعی جنگ جهانی دوم بر همدان و وجود منابع و اسناد متعدد در این زمینه، پژوهش‌گران تاکنون تحقیق و پژوهشی علمی در این زمینه انجام نداده‌اند. پژوهش‌هایی هم که تاکنون در این زمینه انجام شده‌اند صرفاً به روایت جنگ توجه داشته‌اند و تبعات اجتماعی جنگ جهانی دوم بر همدان را به‌شکل جامع بررسی نکرده‌اند.

تحقیق حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که:

اشغال همدان در جنگ جهانی دوم چه پیامدهای اجتماعی‌ای بر این منطقه داشته‌است؟ هدف از نگارش این نوشتار در حوزه تاریخ محلی همدان تحلیل و بررسی اوضاع این دوران با استفاده از منابع و اسناد و گزارش‌های موجود و عرضه اطلاعات جدید و مستندی از پیامدهای اجتماعی جنگ جهانی دوم در همدان است. در این تحقیق سعی می‌شود تا تبعات اجتماعی جنگ بر همدان از زوایای مختلف بررسی شود.

۲. پیشینه تحقیق

در زمینه موضوع تحقیق حاضر، مطالعات اندکی وجود دارد و اغلب مطالعات اطلاعاتی تازه و تصویری کامل و روشن از پیامدهای اجتماعی جنگ جهانی دوم بر همدان ارائه نمی‌دهند. اغلب گزارش‌های این مطالعات در زمینه جنگ جهانی دوم در همدان حاوی همان مطالب نوشته‌ها و منابع پیشین است. از جمله این تحقیقات عبارت‌اند از:

الف) کتاب «پل پیروزی، سرزمین قحطی: ایران در جنگ جهانی دوم» تألیف محمدرحمانی مجد (۱۳۹۵). این منبع بیشتر در متن تاریخ سیاسی و دیپلماتیک ایران، علل

۱. ناپره: آتش



و پیامدهای قحطی ایران در بین سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۳م را بازگو کرده‌است. امتیاز این کتاب دسترسی به اسناد و گزارش‌های دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا است. در این کتاب بیشتر، آسیب‌های اجتماعی، بحران‌های سیاسی و بی‌ثباتی داخلی ایران در دوران اشغال و کم‌کاری دولت‌های خارجی بیان شده‌است. دربارهٔ اوضاع همدان در جنگ جهانی دوم اخبار و اسنادی از قحطی و گرانی و بلوای نان در جنگ جهانی دوم ذکر شده‌است که اهمیت زیادی دارد.

ب) «اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم» نوشتهٔ همایون الهی به ریشه‌های تاریخی شکل‌بندی بلوک‌های مختلف جنگ در اروپا و موجبات جنگ، روابط ایران با قدرت‌های بزرگ و موقعیت استراتژیکی ایران در روابط با آلمان، روسیه و انگلیس، موضوع اشغال ایران و دستاویز متفقین در اشغال ایران، کناره‌گیری رضاشاه از قدرت و اهمیت اقتصادی ایران از نظر متفقین اشاره دارد. مباحث و اطلاعات این کتاب دربارهٔ همدان در دوران جنگ جهانی دوم چندان زیاد نیست.

ج) کتاب «ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم» تألیف ایرج ذوقی (۱۳۳۸) از تحقیقات کامل و تحلیلی ایران در دورهٔ جنگ و حوادث این دوران در روابط کشورها با ایران به حساب می‌آید که نویسندهٔ آن تاریخ دیپلماسی ایران در نیمهٔ اول قرن بیستم میلادی یا به‌طور دقیق‌تر تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران با کشورهای بزرگ از ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۹م را بررسی کرده‌است. اغلب تحقیقات بعدی و به‌ویژه مقالات مرتبط با جنگ جهانی دوم از این کتاب بهرهٔ زیادی برده‌اند.

د) «اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم». در این مجموعهٔ ۸جلدی اسناد مختلفی گردآوری و روایت شده‌است با عناوین: بازداشت و تبعید و مداخله؛ تحمیل پیمان سه‌جانبهٔ اعلان جنگ به آلمان؛ تصرف اماکن و اموال؛ قتل و تعددی؛ تجاوز و نقض حاکمیت؛ سانسور و مداخله در امور پولی و مالیاتی؛ ورود نیروهای آمریکایی به ایران؛ راه‌ها، راه‌آهن و فرودگاه‌ها؛ قطع درختان؛ نان و غله؛ و مهاجران لهستان در ایران. برخی از اسناد این مجموعه به همدان مربوط است.

ه) کتاب «بحران دموکراسی در ایران ۱۳۲۰-۱۳۳۲» تألیف فخرالدین عظیمی به بررسی اقدامات و شرایط دولت‌های ایران از ۲۰ شهریور ۱۳۲۰ تا مرداد ۱۳۳۲ و تفوق نهضت ملی و افول سلطنت پرداخته‌است. درارتباط با موضوع تحقیق حاضر بخش‌های مرتبط این کتاب تا سال ۱۳۲۵ش قابل‌اعتنا است.

و) «انقلاب اسلامی در همدان» تألیف ابوالفتح مؤمن (۱۳۸۶). در بخشی از جلد اول این کتاب به اوضاع همدان در جنگ جهانی دوم پرداخته شده و به‌صورت مختصر شرایط

این شهر و منطقه و اقدامات نظامی شوروی و انگلیس در همدان بیان شده است. (ز) اسناد «آرشیو دیجیتال کشور قطر» شامل اسناد و گزارش‌های سفارت انگلیس در ایران. قسمتی از این اسناد و مدارک به انتصابات کنسول‌گری همدان از بین افراد نظامی و یادداشت‌های ماهانه معاون کنسول همدان در اواخر دوران جنگ مربوط است و برای اولین بار استفاده شده است و حاوی مطالبی درباره وضعیت امنیت شهر و منطقه، رفت‌وآمد شخصیت‌های انگلیس و شوروی به همدان، فعالیت احزاب و گروه‌های اجتماعی و به‌ویژه انتخابات مجلس پانزدهم در همدان است.

(ح) مقاله «آثار و پیامدهای اجتماعی اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰» تألیف سمانه بایرامی (۱۳۸۸). این مقاله پیامدهای اجتماعی و اقتصادی کوتاه‌مدت و بلندمدت اشغال ایران را بررسی کرده است و مطالب آن کلی است و کمتر به اوضاع ایالات و ولایات ایران توجه داشته است.

همان‌طور که ملاحظه شد هیچ‌یک از تحقیقات مذکور روی موضوع پیامدهای اجتماعی جنگ جهانی دوم در همدان تمرکز ندارند و کمتر به این موضوع وارد شده‌اند؛ از این رو می‌توان گفت که رویکرد پژوهش حاضر تا حدودی جدید و متفاوت از تحقیقات و نوشته‌های پیشین است؛ به‌ویژه این که بخش زیادی از مطالب مقاله حاضر بر اسناد و مدارک جدید و رسمی متکی است.

۳. بحران نان و واقعه آبان ۱۳۲۰ در همدان

یکی از پیامدهای عمومی حضور قوای متفقین در ایران کمبود و گرانی نان بود که تمامی ایالات و ولایات را با شدت و ضعف درگیر کرده بود. این موضوع به هیجان عمومی و ازدحام مردم در نانواپی‌ها منجر شد. در این هیجان، مردم بیشتر به احتکار و کمبود گندم و در نتیجه گرانی و نامرغوبی نان اعتراض داشتند. اعتراض مردم به وضعیت نان دلیلی بر بی‌کفایتی دولت در تأمین قوت مردم و ممانعت از سوءاستفاده نیروهای خارجی و محتکران داخلی بود. نیاز قوای متفقین به گندم از یک سو و کم‌شدن تولید گندم از سوی دیگر باعث شد تا کمبود آرد و نان به وجود آید و به بحران تبدیل شود. تصاحب غلات در این دوره توسط متفقین با هدف تأمین مصارف نیروهایشان، یکی از عوامل کمبود گندم در زمان اشغال ایران بود. در این بین، نیروهای شوروی در تداوم بحران نان سهم بیشتری داشتند؛ زیرا آن‌ها از حمل غله از مناطق تحت نفوذ خود به نواحی قحطی‌زده جلوگیری می‌کردند (نجاتی، ۱۳۷۸، ص ۵۹۰). فروش سهمیه‌ها توسط نانواپی‌ها به صورت آزاد این کمبود و گرانی را تشدید کرد. در این دوران نان نامرغوب و مخلوطی از آرد



گندم و جو و بعضی اوقات ارزن و دانه خشخاش بود. دولت برای حل این بحران گریبان گیر عموم مردم ایران علاوه بر دادن راهکارهایی برای جیره بندی و توزیع کوپن نان، «آرتور میلسپوی» آمریکایی را هم به سمت رئیس اداره کل دارایی استخدام کرد. یکی از مأموریت های اصلی میلسپو در این زمان حل بحران نان بود. او در اولین اقدام برای رفع مشکل نان به یکباره قیمت گندم را افزایش داد که باعث واکنش مردم شد (سلیمانی و عزیزخواه، ۱۳۹۱، ص ۹۳). افزایش قیمت گندم به نفع کشاورزان بود و بر مردمی که قوت غالبشان نان بود تأثیر منفی داشت؛ به این دلیل او نتوانست به سرعت بر بحران نان فائق آید. بحران نان و کمبود آرد و گندم در همدان پیامد موقتی اشغال شهر بود و با تخلیه شهر به تدریج این پیامد منفی برطرف شد. دلایل متعددی باعث شده بود قضیه نان در همدان به بحرانی همگانی تبدیل شود. لوئیس دریفوس^۲ سفیر آمریکا در ایران کمبود گندم و نان را به چند دلیل می دانست. قبل از جنگ مقداری گندم به آلمان صادر شده بود و به این دلیل موجودی انبارهای گندم کاهش یافته بود. دوم این که محصول گندم کشور در سال ۱۹۴۰م اصلاً خوب نبود، ارتش هم نتوانسته بود با برنامه ایجاد انبار استراتژیک خود به بهبود اوضاع کمکی بکند^۳ (مجد، ۱۳۸۹، ص ۴۵۸). یکی دیگر از عوامل کمبود گندم خشک سالی هایی بود که در منطقه حادث می شد. طبق گزارش های موجود، در آستانه جنگ و ورود متفقین به ایران، خشک سالی بر منطقه حادث و تولید گندم کم شده بود. سال ۱۳۱۹ش به علت خشک سالی سالی بد برای تولید و برداشت گندم در همدان و در نتیجه منطقه اطراف بود.

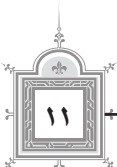
احتکار گندم از سوی مالکان و زمین داران فقط مختص به زمان جنگ نبود و عاملی دائمی در کمبود گندم در منطقه به شمار می آمد که گاهی شدت بیشتری می یافت. این اقدام خوانین در احتکار گندم در زمان جنگ یکی از مهم ترین عوامل کمبود و قحطی گندم و نان در منطقه به شمار می آمد. خوانین و ملاکان بزرگ منطقه دست کمی از نیروهای بیگانه و دولت نداشتند و در ایجاد و تداوم بحران نقشی تأثیرگذار داشتند. اغلب ملاکان و خوانین با توجه به این که در شهر و منطقه سیلو وجود نداشت خودشان محصولشان را به قصد گران فروشی انبار می کردند و در دوران جنگ هم با فرماندهان متفقین همکاری می کردند و گندم را به عوامل آن ها می فروختند (علی اصغر نژادیان، مصاحبه، ۱۳۸۰/۱۰/۳۰).

بر اساس روالی همیشگی هر ساله مازاد محصول گندم همدان به دیگر شهرهای کشور ارسال می شد. باین که میزان ارسال گندم از همدان به دیگر نقاط کشور با نزدیک شدن به زمان جنگ کمتر شده بود (روزنامه اطلاعات، ش ۴۷۶۶، ص ۴) و در سال ۱۳۱۹م/۱۹۴۱ش فقط ۱۱۸۰۰ تن گندم از همدان به دیگر مناطق ایران ارسال شد (مجد، ۱۳۹۵، ص ۵۹۴)، ولی

1. Arthur Millspugh

2. Louis Dreyfus

۳- گزارش لوئیس دریفوس به شماره ۳۷ مورخ ۳۰ ژانویه ۱۹۴۱ به وزارت خارجه آمریکا.



در زمان اشغال کشور و نیاز بیشتر به گندم و کمبود محصول ناشی از خشک‌سالی، ارسال همین مقدار کم مازاد گندم از همدان هم در بین مردم التهاب ایجاد کرد و اعتراض‌های عمومی را در پی داشت.

با ورود قوای متفقین به همدان، نظارت دولتی بر انباشت و ذخیره غلات در هنگام برداشت محصول کم شده بود و بیشتر محصولات را قوای متفقین به خارج از کشور برای تهیه آذوقه و مصرف قوای روس ارسال می‌کردند. در سال ۱۳۲۲ش روس‌ها حدود یکصد هزار تن غله را از ایران خارج کردند. آن‌ها به‌غیر از معامله‌ای که برای تهیه گندم با دولت انجام می‌دادند، از بازار آزاد هم گندم می‌خریدند و به روسیه حمل می‌کردند. روس‌ها در سال ۱۳۲۳ش ده هزار تن غله را از مرزهای ایران خارج کردند (ذوقی، ۱۳۶۸، ص ۷۱). انگلیسی‌ها برای این‌که ذهنیت منفی ایرانیان از دزدی گندم را بزدایند، از همکاری خود در حمل گندم همدان و بارگیری گندم در کامیون‌های ارتش انگلیس برای حمل به راه‌آهن و توزیع در تهران و دیگر شهرها فیلم می‌گرفتند و پخش می‌کردند تا شایعات مربوط به بردن گندم به خارج از کشور را خنثی کنند (مجد، ۱۳۹۵، ص ۷۳۶).

کمبود وسایل حمل‌ونقل و قطع ارتباط بین روستاها و شهر به دلیل گسترش ناامنی در زمان اشغال منطقه و بودن اختیار راه‌های ارتباطی روستاها و شهر در دست نیروهای متفقین در ارسال دیر هنگام گندم بی‌تأثیر نبود. با تأسیس شرکت حمل‌ونقل ازسوی نیروهای انگلیس و آمریکا در منطقه اغلب خودروهایی حمل گندم در اختیار این شرکت‌های حمل‌ونقل قرار گرفتند و رانندگان ایرانی به استخدام آن‌ها درآمدند. آن‌ها نزدیک به ۷۵ درصد شبکه حمل و توزیع و نیمی از کامیون‌های دولتی را در اختیار خود گرفتند (احمدی و صادقی، ۱۳۹۲، ص ۱۱). نیروهای متفقین پس از ورود به همدان برخی از زمین‌های زیر کشت را به تصاحب خود درآوردند و در نقاط ورودی شهر در اطراف زمین‌های کشاورزی روستاها مراکز نظامی خود را مستقر کردند. با این اقدام انجام امور زراعت در محدوده نظامی متفقین که منطقه وسیعی را شامل می‌شد تا پایان جنگ و ترک این اراضی مقدور نشد.

این عوامل تأثیرگذار در کمبود گندم و نان به هیجان و شورش در شهر، و ازدحام در مقابل نانوائی‌ها و حمله به اداره دارایی و انبارهای گندم منجر شد. ارسال گزارش‌های متعدد دولتی از شدت بحران کمبود نان در همدان حکایت دارد. گزارش فرمانداری همدان به وزارت کشور در مورخ ۱۳۲۰/۸/۲۹ معلوم می‌دارد که همدان خیلی زودتر از دیگر شهرها و به فاصله دو ماه بعد از آمدن قوای متفقین به این شهر به بحران نان وارد شده و در پی آن زدو خورد خونین رخ داده‌است. در روز ۲۸ آبان ۱۳۲۰ جمعی از مردم شهر



به سمت قلعه کهنه و اداره دارایی حرکت می‌کنند و در راه با اتومبیل‌های سربازان انگلیسی مواجه می‌شوند و شروع می‌کنند به سنگ‌اندازی که سنگی به پیشانی یکی از شوورها برخورد می‌کند و در نتیجه اتومبیل منحرف می‌شود و در گودالی سقوط می‌کند. همان موقع جمعیت هجوم می‌آورند و سربازان تیراندازی می‌کنند. در این موقع رئیس شهربانی سر می‌رسد و جلو سربازان می‌رود و آن‌ها را به ترک تیراندازی دعوت می‌کند و خود به میان جمعیت می‌رود و آن‌ها را از این عمل سرزنش می‌کند. جمعیت پراکنده می‌شوند و نزدیک ظهر تقریباً اجتماع آن‌ها به هم می‌خورد (ساکما، ۲۹۳/۰۰۳۲۹۲/۰۰۰۴). تعداد تلفات این واقعه به روایتی شش نفر (سه نفر مقتول، سه نفر مجروح) (قطبی، ۱۳۸۹، ص ۵۸) و در روایت دیگر چهار کشته از اهالی گزارش شده است (ساکما، ۲۹۳/۰۰۳۲۹۲/۰۰۱۰).

فرماندار همدان این غائله را به برخی ولگرد، و بی‌کار و بی‌خانمان ربط می‌دهد که تعداد آن‌ها در شهر با آمدن فصل زمستان و گرانی خواربار روبه‌افزایش است و ممکن است باز هیجان ایجاد کنند (ساکما، ۲۹۳/۰۰۳۲۹۲/۰۰۰۵). البته در شرایط سخت تهیه نان برای مردم، دولت به جای رفع مشکل و قصور خود نانوایی‌های شهر را مقصر اصلی می‌دانست که اغلب مواد مختلف را با آرد مخلوط می‌کنند و یا گران‌فروشی و کم‌فروشی می‌کنند (ساکما، ۲۹۰/۰۰۸۳۶۲/۰۰۰۵). برای آن‌که نانوایان شهر از تقلب و تخلف دست بردارند مقرر شد از هر نانوای پنج هزار ریال وثیقه در صندوق شهرداری نگهداری شود تا در صورت ادامه تقلب علاوه بر اینکه ودیعه آنان به نفع شهرداری بایگانی و به مصرف امور خیریه برسد، پروانه آنان نیز اخذ و به دیگران واگذار شود (ساکما، ۲۹۰/۰۰۸۳۶۲/۰۰۰۵). در این ارتباط برای جلوگیری از سوءاستفاده نانوایان از تفاوت نرخ آرد دولتی با آزاد و ممانعت از هجوم روستائیان (که خود سهمیه آرد و گندم داشتند) به شهر برای تهیه نان، مقرر شد تا بین مردم شهر کوپن نان توزیع شود (روزنامه اطلاعات، ش ۴۹۸۶، ص ۴). در نهایت برای این‌که به همه مردم نان برسد نان را کوپنی کردند و درازاء تحویل کوپن، نان به مردم می‌دادند. «دو نوع نان در آن زمان تحویل مردم می‌شد. یکی خاصه و یکی هم کوپنی که بسیار نان بدی بود که می‌گفتند هسته خرما است. نان‌های خاصه نانی بود که می‌شد بخوری، البته گران‌تر بود و نان کوپنی که بسیار سیاه بود و بد و نامرغوب که عوام‌الناس اکثراً می‌خریدند و به ناچار آن را می‌خوردند» (غلام‌حسین زنگنه، مصاحبه، ۱۳۷۹/۱۱/۵). در راهکار دیگر مقرر شد بر کار نانوایی‌های شهر بیشتر نظارت شود و معتمدان شهر بر تولید و توزیع نان نظارت کنند (آبادیان، ۱۳۹۰، ص ۹). با اجرای این طرح‌ها هرچند مشکل تهیه نان موقتاً حل می‌شد، ولی تا پایان نیافتن اشغال شهر، بعد از مدتی دوباره مردم با مشکل تهیه نان و کمبود آن مواجه می‌شدند.

۴. افزایش ناامنی در منطقه

یکی دیگر از پیامدهای اجتماعی جنگ جهانی دوم در همدان، ناامنی و افزایش نارضایتی مردم از عواقب آن بود. ناامنی در نگاه اول حاصل رفت‌وآمد نیروهای متفقین و نقش آن‌ها در ناامن کردن منطقه و مشارکتشان در برخی از هرج‌ومرج‌های شهری و روستایی، و ناکارایی نیروهای انتظامی بود (که در زمان اشغال همدان دیگر توان برقراری امنیت در منطقه را نداشتند و دائماً از کمبود نیرو گله داشتند و برای افزایش نیرو و حقوق تقاضا می‌کردند) (احمدی، ۱۳۷۴، ص ۵۷). این ناامنی در نگاه دوم به بی‌تفاوتی حکومت محلی که مدیریت منطقه را به اشغالگران واگذار کرده بود و آزادی اشرار و غارت‌گران از زندان که در حال پرسه‌زدن در شهر و راه‌ها بودند، برمی‌گشت. گاهی همین اشرار و دزدان با هدایت و حمایت نیروهای متفقین و یا خوانین منطقه چپاول و دزدی می‌کردند و در این کار برخی اوقات با مأموران انتظامی هم‌دست می‌شدند. رواج غارت و چپاول در روستاها و بین عشایر منطقه، دزدی و راهزنی کالاهای تجاری و حتی دستبرد به اموال نیروهای متفقین برای به‌دست‌آوردن مواد غذایی و تسلیحات نظامی، دستبرد به دکاکین و منازل به‌ویژه منازل متمولین شهر از مصادیق ناامنی بود که با گسترش آن، آسایش و آرامش از منطقه رخت برپست و نارضایتی مردم روبه‌افزایش نهاد. گسترش فقر و گرسنگی ناامنی را تشدید و تأثیرات آن را عمیق‌تر کرد. در دوره جنگ، دزدی در شهر زیاد شد و نیروهای انتظامی توان جلوگیری از دزدی و غارت را نداشتند. در دی ۱۳۲۰ چند نفر دزد از پشت‌بام به یکی از کاروان‌سراهای معروف همدان رفتند و به چند حجره دستبرد زدند (روزنامه اطلاعات، ش ۴۷۶۶، ص ۱). اخبار نشریات این دوران هم از دزدی و سرقت خبر می‌دهند: «ده هزار لوله تریاک از اداره دارایی اقتصادی همدان سرقت شده است» (روزنامه اطلاعات، ش ۴۸۳۴، ص ۱). در این زمان اموال و دارایی زیادی از مردم به‌غارت رفت و تعداد زیادی بر اثر همین بی‌نظمی و ناامنی جان خود را از دست دادند. تلاش‌نکردن حکومت مرکزی برای جلوگیری از دزدی و ناامنی باعث گسترش عملیات غارتگران و گستاخی آن‌ها می‌شد. گاهی بی‌نظمی و اغتشاش به‌حدی می‌رسید که خود مردم و افراد لوطی و گروه‌های خودجوش، مأمور انتظام و امنیت محلات شهر می‌شدند و با افراد برهم‌زننده نظم شهر مبارزه می‌کردند. در این زمان با شکل‌گیری زدوخوردهای عمومی آمار مراجعه به بیمارستان‌ها بر اثر مجروحیت با چاقو ماهیانه به ۳۰ الی ۴۰ نفر افزایش یافت (آرشیو دیجیتال کشور قطر، ۱۲/۳۶۸۵/۰۰۱۰).

در برخی از دزدی‌ها خود کارکنان ادارات و مأموران انتظامی هم‌دستی داشتند و این کارها با حمایت آن‌ها انجام می‌شد: «به‌همت دیوان کیفری کارمندان دولت، شاه‌رخی



رئیس اداره آگاهی شهربانی همدان و یکی از کارمندان آن اداره به اتهام هم‌دستی با سارقین دستگیر شده‌اند. از قرار معلوم در طی دو ساله اخیر این دو نفر با سارقین در دزدی‌ها و ایجاد بی‌نظمی در شهر مشارکت داشته‌اند» (روزنامه اطلاعات، ش ۴۹۳۱، ص ۱). طبق گزارش فرمانداری همدان علاوه بر این افراد، عده زیادی از کارکنان اداره خواربار همدان هم به جرم ارتشاء دستگیر و بازجویی شدند (ساکما، ۲۵/۰۰۱۶۱۲/۰۰۲۴). باین که در این ایام دزدی و غارت بیشتر از گذشته شده بود و اغلب پیگیری‌های مأموران شهربانی به نتیجه نمی‌رسید و مردم چندان به کار آن‌ها امیدوار نبودند، ولی دستگیری این افراد موجب خوش‌وقتی عموم مردم می‌شد (روزنامه اطلاعات، ش ۴۹۴۴، ص ۱). معاون کنسول انگلیس در همدان در یادداشت‌های ماهانه خود علاوه بر ذکر کاهش امنیت شهر بهبود آن را به تبانی نکردن رئیس پلیس همدان با سارقان و متخلفان امنیت منوط می‌داند (آرشیو دیجیتال کشور قطر، ۱۰۰/۳۳۶۸۵/۱۲). در اوضاع بی‌سامان منطقه، گاهی خود نیروهای متفقین عامل برهم‌زدن امنیت شهر و روستاها بودند و به شرارت، دستگیری و حتی به‌یغما بردن اموال و محصولات منطقه دست می‌زدند. در برخی مواقع آن‌ها اشرار منطقه را زیر چتر حمایت خود قرار می‌دادند تا به اهداف خود برسند. با وجود این که در زمان جنگ راه‌های ارتباطی در اختیار متفقین بود، ولی اشرار و غارت‌گران به راحتی در این راه‌ها حضور داشتند و اموال مردم و حتی اموال دولت را غارت می‌کردند. «سیمون» جاسوس انگلیس در همدان با ارباب و تهدید انبارهای گندم را به اجبار از صاحبان آن‌ها مصادره می‌کرد، در حالی که شهر با کمبود گندم روبه‌رو بود.

حضور نیروهای آمریکایی هم برای مردم منطقه بی‌دردسر نبود. گزارش ژاندارمری همدان به ژاندارمری کل کشور از برخورد خودرویی نیروهای آمریکایی با شخصی روستایی و درگذشت او خبر داده است (ساکما، ۱۲/۰۰۳۲۹۱/۰۰۲۹۳). حتی مأموران دولتی هم در مقابل این سیاست برهم‌زنی نظم عمومی توسط نیروهای متفقین یارای برخورد و مقابله نداشتند. دسته‌ای از نیروهای انگلیس به مهمان‌خانه‌ای در شهر می‌روند و علاوه بر کتک‌زدن کارگر آن، اموال مهمان‌خانه را چپاول می‌کنند، بدون این کسی پیگیر این تعدی آن‌ها باشد. جالب آن که صاحب مهمان‌خانه نه تنها با شکایت به حق ضایع شده خود نمی‌رسد، بلکه نیروهای انگلیسی او را به جرم مخالفت با خود دستگیر می‌کنند (ساکما، ۱۴/۰۰۳۲۹۱/۰۰۲۹۳).

۵. برخورد با مخالفان متفقین

در زمان تسلط قوای انگلیس در همدان عده زیادی از مردم شهر دستگیر و یا تبعید شدند. هر کس که علیه نیروهای انگلیس در شهر اقدامی انجام می‌داد و یا به طرف‌داری از آلمان‌ها متهم

می شد، دستگیر و زندانی می شد. مخالفت افراد عادی و اظهار نظر چند کلمه‌ای علیه متفقین و له متحدین هم می توانست موجب بازداشت آن‌ها شود. به غیر از یک نفر از دستگیر شدگان که به اتهام طرف‌داری از آلمان تبعید شد، مابقی کسانی که دستگیر و یا تبعید می شدند، چهره سیاسی معروف و مبارزی علیه حکومت و نیروهای متفقین نبودند. اکثر افراد دستگیر شده در زمان اشغال شهر فاقد ثروت و املاک و ضیاع بودند که انگلیسی‌ها به اموال آن‌ها چشم طمع داشته باشند و حتی بدون پایگاه اجتماعی بودند که نیروهای انگلیسی از جایگاه و موقعیت آن‌ها و اهمیت‌ای داشته باشند. اغلب اینان شغل‌های خدماتی، اداری و کارگری داشتند. در میان این افراد دبیر، نانوا، کارمند، کارگر و مسافر خانه‌دار وجود داشت. هم‌چنین این افراد هیچ‌گونه سوابق سیاسی و یا وابستگی به گروه و یا حزب سیاسی نداشتند و از سوی هیچ گروهی هم حمایت نمی شدند. دلیل دستگیری تمامی این افراد به نظر می رسد به سیاست غیرمستقیم انگلیسی‌ها در همدان مربوط بوده باشد. انگلیس با هدف اجرای سیاست ارعاب و تهدید و افزایش قدرت خود در اداره شهر و جلوگیری از شکل گرفتن مخالفت‌های مردمی، این افراد را دستگیر و تبعید می کرد. یکی دیگر از اقدامات نیروهای انگلیسی در راستای این سیاست، گماشتن افراد نظامی در کنسول‌گری همدان و انتصاب این افراد به‌عنوان معاون کنسول همدان بود. تا قبل از اشغال شهر این‌گونه انتصابات سابقه چندانی نداشت و اغلب اعضای کنسول‌گری همدان سوابق دیپلماتیک داشتند. دستگیری و تبعید مخالفان حضور نیروهای متفقین در زمان تصدی این افراد نظامی در شهر تشدید شد. برخی از اسناد انگلیس از انتصاب و آمدورفت افراد متعدد نظامی در رأس کنسول‌گری همدان در دوران جنگ حکایت دارد (آرشیو دیجیتال کشور قطر، ۱۲/۳۳۸۵/۰۰۲۳). در سال ۱۹۴۲ م کاپیتان «جانسون»^۱ عهده‌دار امور کنسول‌گری همدان شد (آرشیو دیجیتال کشور قطر، ۱۲/۳۳۸۵/۰۰۲۵). بعد از او کلنل «جی. آر. هابینز»^۲ در سال ۱۹۴۳ م به معاونت کنسول همدان منصوب شد. بیشترین تعداد دستگیری‌ها و تبعید افراد در زمان این افسر انگلیسی اتفاق افتاد. در سال بعد فرد نظامی دیگری به نام «جی. ای. دیث»^۳ عهده‌دار امور شد که به دلیل بیماری در سال ۱۹۴۴ م تا بهبود وضعیتش کاپیتان «بی. ای. ال. تامست»^۴ معاون کنسول همدان شد (آرشیو دیجیتال کشور قطر، ۱۲/۳۳۸۵/۰۰۰۹). در جریان دستگیری و تبعید مخالفان متفقین در همدان آنچه بیش از همه جالب به نظر می آمد واکنش و عملکرد دولت ایران بود که بدون هیچ‌گونه دلیلی این افراد را دستگیر و زندانی می کرد. متفقین در جریان دستگیری و تبعید افراد هیچ سند و مدرکی دال بر اتهام افراد به خود آن‌ها و یا دولت ایران ارائه نمی دادند. باین که دستگیری افراد با مخالفت آمریکایی‌ها مواجه شده بود، ولی انگلیسی‌ها تا پایان اشغال همدان به این روند ادامه دادند و افراد زیادی را دستگیر و تبعید کردند.

1. Johnson.
2. J. R. Habbins.
3. J.E. Daeth
4. B.A.L. Thomsett.



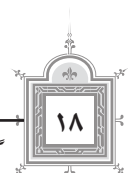
در گزارش شهربانی همدان از فردی به نام «فرهاد سرکانی» یاد شده که نانوا بوده است و در محل کارش حرفی در انتقاد از انگلیسی‌ها زده بوده است. او به درخواست «هابینز» معاون کنسول همدان و رابط قشون انگلیس در همدان بازداشت شد (قطبی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷). بهانه دستگیری او تبلیغ دروغ علیه ایران و متفقین ذکر شد؛ ولی دلیل اصلی این دستگیری ترس از نفوذ او در بین نانوایان برای ایجاد هیاهو ضد منافع انگلیس در شهر بود. از سوی دولت ایران جرم او «عاملیت در شورش مردم، گران کردن نان و مخالفت با گرانی قیمت گندم اعلام شده است» (ساکما، ۲۹۳/۰۰۳۲۹۲/۰۰۱۰). در مورد دیگر شهربانی کشور از شهربانی همدان می‌خواهد که به درخواست نظامیان انگلیسی فردی به نام «علی اصغر اصال‌لو» را دستگیر کنند (قطبی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۰). این فرد نیروی پیشین شهربانی کرمانشاه بود که توسط شهربانی همدان دستگیر و زندانی شد. جالب آن است که با وجود مکاتبات متعدد و استعلام درباره علت بازداشت این فرد کسی علت بازداشت او را نمی‌دانست. او در مهرماه ۱۳۲۱ به قید کفالت آزاد شد تا خود را به سفارت انگلیس در تهران معرفی کند. در پی آن کنسول یار انگلیس در همدان از شهربانی خواست که زندانیان سیاسی امثال اصال‌لو را تحت مراقبت بیشتری قرار دهند (ساکما، ۲۹۰/۰۰۳۳۰۸/۰۰۰۶). در گزارش دیگری از فرمانداری همدان به وزارت کشور معلوم می‌شود که به درخواست کنسول انگلیس سه نفر از اهالی همدان به نام‌های محمد شریفی، غلام‌حسین شریفی، محمدعلی نجیب بدون دلیل در زندان شهربانی بازداشت هستند. فرماندار ضمن کسب تکلیف از آن بیم دارد که از طرف دادگستری ایراد گرفته شود و آن‌ها نتوانند دلیل بازداشت این افراد را بیان کنند (قطبی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۶). علت دستگیری این افراد این بیان شده بود: «شرکت در تحریکات منجر به شورش آبان‌ماه [۱۳۲۱] و تشکیل اجتماعات طرفداران آلمان در منزل که در آن اجتماعات تبلیغاتی علیه متفقین موردشور قرار گرفته و بعداً در بین اهالی شهر منتشر می‌شد» (ساکما، ۲۹۰/۰۰۳۳۰۸/۰۰۰۸).

از دیگر دستگیرشدگان این دوران «محمد زمان»، «عباس خزانلی کرد» و «سیدهاشم فیض» بودند. مأمور انگلیسی از فرماندار همدان می‌خواهد که عباس خزانلی کرد را -که با جونسون انگلیسی سابقه شناسایی دارد و با سوءاستفاده از نام مأموران دولت انگلیس در همدان رشوه می‌گرفته است- برای مدتی زندانی و از همدان اخراج کند (ساکما، ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۰۷). «مفتون» شاعر همدانی هم به اتهام طرف‌داری از آلمان و فعالیت برای آن‌ها بازداشت و به روستای سوزان^۱ تبعید شد. او اوضاع شهریور ۱۳۲۰ و تبعید خود را به زبان شعر به تصویر کشیده است (مفتون همدانی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۶).

۱. از توابع درجین همدان.

۶. مهاجرت و گسست اجتماعی

در زمان جنگ جهانی دوم مسیر مهاجرت و گونه‌های آن به چند شکل خود را در منطقه نشان داد. برخی از مهاجرت‌ها دائمی و برخی موقتی بود. برخی جابه‌جایی‌ها درون منطقه‌ای و برخی برون منطقه‌ای بود. علت مهاجرت ناامنی در شهر و راه‌های ارتباطی، کمبود مایحتاج، گسترش بیکاری و رکود و تورم و اشغال شهر توسط نیروهای متفقین بود. خالی شدن منطقه از نیروی انسانی و جمعیت فعال، در آینده تأثیر مخربی بر آبادانی منطقه گذاشت. پدیده مهاجرت خود به تنهایی عاملی مهم در گسست اجتماعی و طبقاتی و دگرگونی ساختار جمعیت و افزایش جمعیت شهری و خالی شدن روستاها از سکنه، ادغام خرده فرهنگ‌های ساکن در منطقه و از بین رفتن بسیاری از فرهنگ‌های بومی و سنتی بود که تاکنون منطقه را تحت الشعاع خود قرار داده‌است. سیر جابه‌جایی جمعیت منطقه در زمان جنگ جهانی دوم را در دو مسیر می‌توان مشاهده کرد: مهاجرت بیرونی؛ مهاجرت درونی. مهاجرت بیرونی در زمان جنگ شامل مهاجرت جمعیت شهری همدان به شهرهای بزرگ و پایتخت، مهاجرت روستاییان به دیگر شهرها و مهاجرت اقلیت‌های دینی به پایتخت و خارج از کشور می‌شد. علت عمده مهاجرت به شهرهای بزرگ حفظ و افزایش درآمد و ثروت در زمان اشغال شهر بود. اغلب این مهاجران سرمایه‌داران، تجار بزرگ و متمولان شهر بودند که برای حفظ و گسترش کار و فعالیت خود به شهرهای بزرگ و یا پایتخت مهاجرت می‌کردند. به محض ورود نیروهای انگلیسی عده‌ای از مردم شهر را وحشت فراگرفت و خیلی از آن‌ها به قصد رفتن به اصفهان و شهرهای جنوبی، همدان را ترک کردند (مجد، ۱۳۹۵، ص ۵۰۲). هم‌چنین در زمان اشغال منطقه جمعیت زیادی از روستاها به دیگر شهرها مهاجرت کردند. در پی اجحاف خوانین و زمین‌داران بزرگ منطقه، خشک‌سالی و کمبود محصول، تصرف زمین‌های کشاورزی توسط نیروهای متفقین و در نتیجه کم شدن زمین‌های زیر کشت و بی‌نیازی به کارگر و زارع عده زیادی به شهرهای دیگر گسیل شدند. فصلی بودن کار کشاورزی هم در این مهاجرت تأثیر عمده‌ای داشت. در زمان اشغال منطقه جمعیت زیادی از روستاییان منطقه در دیگر نقاط به کار مشغول شدند. در این نوع مهاجرت علاوه بر دستیابی به فرصت‌ها و شرایط بهتر اقتصادی، رهایی از مخاطرات جنگ نیز مدنظر افراد مهاجر بود (نقدی، ۱۳۷۴، ص ۸۷). وقوع جنگ در خروج جمعیت زیادی از اقلیت‌های دینی مقیم شهر بی‌تأثیر نبود. هرچند روند کوچ اقلیت‌های دینی به دلیل موانع حکومت در باب فعالیت اقتصادی و آموزشی آن‌ها از زمان به حکومت رسیدن رضاشاه شروع شده بود، ولی جنگ این مهاجرت را تسریع کرد. در این زمان جمعیت زیادی از اقلیت‌های دینی همدان به تهران و در مرحله بعد به خارج از کشور



مهاجرت کردند. این روند در میان یهودیان شهر بیشتر و در بین ارامنه و مسیحیان کمتر بود. در ترک خانواده‌های ارمنی از همدان به قصد تهران و ارمنستان، روس‌ها تلاش زیادی داشتند (آرشیو دیجیتال کشور قطر، ۱۲/۳۶۸۵/۰۰۱۲). این مهاجرت و کم شدن جمعیت اقلیت‌های مذهبی علل سیاسی، اقتصادی و دینی داشت (نغزگوی کهن، ۱۳۸۷، ص ۱۴۰). مهاجرت درونی در زمان جنگ شامل مهاجرت روستاییان به همدان، مهاجرت از دیگر شهرها به همدان و مهاجرت موقت ساکنان همدان به روستاها می‌شد. در این زمان جابه‌جایی جمعیت به تدریج از روستاها به شهرها و با سرعت بیشتری از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ جریان داشت و در نتیجه آن جمعیت شهری روبه‌افزایش گذاشت (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۴۴۲). از بین رفتن زمین‌های حاصلخیز در جنگ و بیکاری زارعان به ناچار آن‌ها را به ترک زراعت و تخلیه روستاها و مهاجرت به شهر و روی آوردن به کارهای عملگی، دست‌فروشی، دوره‌گردی و گدایی، و بیکاری درازا گرفتن حقوق از نیروهای متفقین مجبور کرد. همان‌گونه که جمعیت روستاها کم می‌شد اقامت در مناطق حاشیه شهر بیشتر می‌شد و جمعیت کارگری در مقابل جمعیت دهقانی افزایش می‌یافت. مهاجرت از روستاها به شهر در دوران جنگ جهانی دوم در همدان شتاب گرفت و علت آن «کشاورزی و بازرگانی» بود؛ چون اگر محصولی هم در روستا تولید می‌شد به دلیل «مسدود بودن راه تجارت» ثمری نداشت (اسنادی از مهاجرت داخلی در ایران، ۱۳۹۰، ص ۷). این نوع از مهاجرت باعث تغییر ساختار جمعیت منطقه شد و اثراتی مثبت و منفی در جامعه شهری و روستایی به بار آورد و سبب دگرگونی اساسی در فرهنگ و ساختار اجتماعی و درهم‌شدن سطوح و طبقات اجتماعی و خرده‌فرهنگ‌های منطقه و غالب شدن برخی از عناصر فرهنگی مهاجران در شهر شد. یکی دیگر از شکل‌های مهاجرت در دوران جنگ جهانی دوم در منطقه گسیل شدن جمعیت زیادی از شهرهای مجاور به همدان بود. این نوع از مهاجرت بیشتر از شهرهای غربی کشور به همدان انجام می‌شد. این افراد برای به‌دست‌آوردن شغل و امنیت بیشتر از شهرهای اشغال‌شده خود به همدان مهاجرت می‌کردند. در این نوع مهاجرت همدان نقش باراندا را داشت؛ یعنی مهاجران پس از مدتی سکونت و به‌دست‌آوردن تجربه و تاحدودی گرفتن بن‌مایه همدان را به قصد پایتخت و شهرهای بزرگ ترک می‌کردند و به نقاط دیگر می‌رفتند. این نوع مهاجرت علاوه بر شکل‌گیری ارتباطات بین فرهنگی باعث برخورد و ادغام فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های منطقه شد.

برای درامان ماندن از صدمات جنگ به‌ویژه بمباران و تعدیات نیروهای متفقین در شهر، خانواده‌های زیادی موقتاً از همدان به روستاهای خود مهاجرت کردند. این نوع مهاجرت قبل از حادث شدن جنگ هم در برخی مواقع به دلیل مخالفت مردم با برنامه‌های

فرهنگی و مذهبی حکومت انجام می‌شد. چنان‌که برخی از روحانیون به‌سبب مخالفت با حکومت همراه با خانواده‌های خود به زندگی در روستاها روی آوردند. عده‌ای هم به‌لحاظ اقتصادی برای درامان‌ماندن از گرسنگی و کمبود ارزاق در شهر به روستاها مهاجرت می‌کردند (صادقی، ۱۳۸۴، ص ۲۳). پس از پایان جنگ اغلب این مهاجران موقتی دوباره به شهر برگشتند و به‌ندرت در روستاهای خویش ماندگار شدند.

حاصل مهاجرت‌های مختلف در این زمان -که حادث‌شدن جنگ به تشدید آن کمک کرد- ایجاد گسست اجتماعی و فرهنگی و گسترش شکاف طبقاتی در بین جماعت شهری و افزایش جمعیت روستایی مهاجر در حاشیه شهر بود.

کمبودها در زمان اشغال شهر باعث تشدید حس سودجویی در بین مردم شد؛ تاجایی که دولت با صدور اطلاعیه‌ای سودجویان به‌ویژه محتکران را تهدید کرد: «دولت نمی‌تواند نسبت به اشخاصی که در این موقع از رحم و شفقت به هم‌نوع صرف‌نظر نموده و در مقام استفاده نامشروع برآیند اغماض و ارفاق نماید؛ بلکه اشد مجازات از حبس طولانی و جریمه فوق‌العاده حتی سیاست اعدام ... [برای] محتکرین اعمال خواهد شد» (ساکما، ۲۹۰/۰۰۸۳۶۲/۰۰۳). در ذیل این اطلاعیه دولت، از سوی فرمانداری همدان آمده است: «شایسته است آقایان مالکین مفاد دستور بالا را نصب‌العین قرار داده و بی‌جهت خود را دچار کیفر شدید و تعقیب منع احتکار ننمایند» (ساکما، ۲۹۰/۰۰۸۳۶۲/۰۰۳).

فرهنگ بومی و سنتی موجود در پی مهاجرت‌ها و آمدورفت اقوام و بیگانگان کم‌رنگ شد و یا از بین رفت و جای آن را فرهنگ و عناصر فرهنگی جدید گرفت. برخورد فرهنگی در پی ارتباطات قومی و خرده‌فرهنگ‌ها، پایه و اساس تغییر و تحول و دگرگونی ناخواسته را برای بافت‌های بومی و سنتی منطقه به‌وجود آورد و در پی آن به دگرگونی ساختارهای رسمی و غیررسمی آن منجر شد. شکاف طبقاتی در شهر روزبه‌روز بیشتر شد و باعث فاصله‌گرفتن مردم از یکدیگر، و افزایش عناد و ضدیت شد. این گسست اجتماعی و کم‌رنگ‌شدن مفاهیم پایداری و ایثار با بروز فحطی، گرانی، کمبودها و ایستادگی نکردن در مقابل نیروهای متفقین خود را نشان داد.

۷. مهاجران لهستانی در همدان

برطبق قرارداد اولیه متفقین با ایران قرار بود فقط نیروهای نظامی لهستانی وارد ایران شوند و متفقین مایحتاج اولیه آن‌ها را تأمین کنند؛ ولی در عمل این‌گونه نشد و شمار زیادی از آوارگان لهستانی ساکن در اردوگاه‌های شوروی شامل زن، کودک و افراد مسن هم به



نظامیان لهستانی اضافه شدند. نخستین گروه از لهستانی‌ها در اوایل فرودین ۱۳۲۱ با چهار کشتی روسی حامل ۲۹۰۰ نفر سرباز و آواره لهستانی وارد بندر انزلی شدند تا از طریق همدان و کرمانشاه به عراق برده شوند (کریمی و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۲۴). تعداد این مهاجران در اردیبهشت همان سال به نزدیک ۱۳ هزار نفر رسید. در جریان مهاجرت این آوارگان که تا تابستان ۱۹۴۳ م/۱۳۲۲ ش ادامه داشت، دست کم ۱۵۰ هزار نظامی و غیرنظامی لهستانی وارد ایران شدند (مجد، ۱۳۹۵، ص ۲۳۸). به دلیل شرایط بحرانی جنگ تعدادی از این مهاجران در شهرهای ایران به کسب و کار مشغول شدند و با ایرانیان ازدواج کردند و برای همیشه در ایران ساکن شدند. برای اقامت مهاجران لهستانی اردوگاه‌هایی در شهرهای مختلف احداث شده بود و به دلیل موقعیت جغرافیایی و ارتباطی همدان اقامتگاهی هم در این شهر تعبیه شده بود که بیشتر به مهاجران لهستانی اختصاص داشت که پس از بهبود و استراحت از این شهر به عراق اعزام می‌شدند تا در جبهه‌های جنگ اروپا به نبرد مشغول شوند. علاوه بر نظامیان و سربازان، عده زیادی از زنان و کودکان لهستانی تبعیدی ساکن قزوین و تهران هم به همدان منتقل شدند. برخی از این جمعیت پس از اقامت موقت، دوباره در فرصتی مناسب به دیگر شهرها مثل تهران و اصفهان گسیل شدند و برخی در همان زمان به قصد جنگ به عراق و آفریقای جنوبی اعزام شدند و یا پس از به دست آوردن نیروی از دست رفته برای پیوستن به ارتش آزادی‌بخش لهستان، از طریق همدان ایران را ترک کردند^۱ (بیات، ۱۳۷۴، ص ۷۲). «سر کلارمونت اسکرین»^۲ سرکنسول انگلیس در مشهد آورده است: برخی [از مهاجران] از طریق خشکی با اتوبوس به تهران و همدان و از آنجا به بغداد گسیل می‌شدند (اسکرین، ۱۳۷۰، ص ۳۲۷). با وجود این که اردوگاه همدان موقعیت نظامی داشت و محل اقامت موقت نیروهای نظامی لهستانی و اسراء نظامی بود، ولی باین حال تعدادی از خانواده‌های لهستانی از زمان جنگ در همدان مقیم شدند و خانواده تشکیل دادند و به کارهای خدماتی مشغول شدند. همدانی‌ها به این افراد ارمنی و روسی می‌گفتند. چندین نفر از افراد صاحب نفوذ و متمکن شهر هم با برخی از زنان لهستانی ازدواج کردند که در حال حاضر فرزندان آن‌ها در همدان زندگی می‌کنند. برخی از مردان لهستانی مقیم شهر در میدان اصلی شهر به کار دوخت کفش لاستیکی - که از لاستیک ماشین درست می‌شد - اشتغال داشتند و از این طریق امرار معاش می‌کردند (پرویز اذکایی، مصاحبه، ۱۳۹۸/۸/۲۵). وجود مدارس و مراکز مذهبی مسیحیان، برای اقامت مهاجران لهستانی در همدان بی‌تأثیر نبود. اغلب این مهاجران در شیرخوارگاه‌ها و مراکز نگهداری کودکان و در کارهای خدماتی در بیمارستان‌ها فعالیت داشتند. تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این مهاجران در همدان از دیگر شهرهای ایران چون اصفهان و

۱. عده‌ای از این افراد به آندرس کمونی در شمال فرانسه اعزام شدند.

2. Sir Klaromont Screen



تهران کمتر بود. آن‌ها پس از بهبود اوضاعشان، در کنار کارهای خدماتی به تأسیس مراکز آموزشی و فرهنگی چون آموزشگاه صنایع دستی، مدرسه، نشریه، رادیو، و تولید نمایش هم در شهرهای مذکور اقدام کردند که علاوه بر کسب درآمد توانستند جمعیت زیادی را هم جذب فعالیت و آموزش‌های خود کنند (بهشتی سرشت و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۵۵).

در گزارش فرماندار قزوین آمار ورود برخی از مهاجران لهستانی به همدان شامل افسر، سرباز، زن و مرد و بچه ذکر شده است. برحسب این گزارش طی دو ماه جمعیت زیادی از آن‌ها به همدان آورده شدند. تعداد این افراد در روزهای اول کمتر بود و هرچه زمان می‌گذشت بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شد. طبق گزارش مذکور از تاریخ ۱۳۲۱/۳/۱۵ تا ۱۳۲۱/۳/۲۳ تعداد ۱۴ نفر از مهاجران از قزوین به همدان اعزام شدند. در روز ۱۳۲۱/۳/۲۹ این آمار به ۱۷۴ نفر رسید. در ۳ و ۴ تیرماه ۱۷۷ نفر و در روز ۱۳۲۱/۴/۸ تعداد ۲۲۷ نفر از قزوین به همدان آورده شدند (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ج ۲، ۱۳۸۹، ص ۳۶۶). حضور اسرای لهستانی در همدان به کمبود ارزاق، شیوع بیماری‌های عفونی چون تیفوئید و تیفوس، و کمبود دارو و امکانات درمانی دامن زد و مدت زیادی شهر را تحت تأثیر خود قرار داد.

یکی از پیامدهای حضور لهستانی‌ها در ایران، شیوع بیماری تیفوس بود که شهرهای مختلف ایران را فراگرفت و باعث از بین رفتن جمعیت زیادی از ایرانیان شد. علت شیوع این بیماری آن بود که روس‌ها برخی از لباس‌های آلوده اسراء لهستانی و سربازان مهاجر را به مبلغی ناچیز به ایرانیان بی‌بضاعت می‌فروختند که همین عامل باعث گسترش این بیماری بین ایرانیان شد (اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۲۱/۲۴/۲). زنان لهستانی هم پس از آنکه وارد ایران شدند چون در وضع اسفناکی به سر می‌بردند و اغلبشان بسیار کثیف بودند و به شپش آلوده بودند، باعث بروز همه‌گیری بیماری تیفوس شدند (بولارد و اسکرابین، ۱۳۳۳، ص ۹۷). در پی گسترش بیماری تیفوس، دولت برای جلوگیری از شیوع بیشتر آن در اواخر سال ۱۳۲۱ اعلام کرد که تیفوس به صورت اپیدمی درآمده است و مدارس را مدتی تعطیل کرد. طبق گزارش‌ها، در حدود ۳۰۰ هزار ایرانی در سال ۱۹۴۳/م ۱۳۲۲ ش بر اثر شیوع تیفوس جان خود را از دست داده‌اند (مجد، ۱۳۹۵، ص ۶۳۹). مرکز اطلاعات مشترک عراق در هفته منتهی به ۱۵ فوریه ۱۹۴۴/۲۵ بهمن ۱۳۲۲ ضمن گزارش از اوضاع آرام همدان، از شیوع بیماری تیفوس در زندان همدان و گسترش آن بین زندانیان خبر می‌دهد: «به علت تراکم شدید جمعیت در زندان شهر، بیماری تیفوس در میان زندانیان شیوع پیدا کرد. اکثر آن‌ها را به زندان دیگری منتقل کرده‌اند، ولی ظاهراً وضعیت این بخت‌برگشته‌ها بدتر از قبل شده است؛ زیرا می‌گویند زندان جدید به علت رطوبت و فقدان تهویه، وضعی به مراتب بدتر از زندان قبلی دارد» (مجد، ۱۳۹۵، ص ۶۴۵). روزنامه اطلاعات در مطلبی



در سال ۱۳۲۲ ش به اوضاع نامناسب همدان از شیوع تیفوس در سال گذشته اشاره دارد: زمستان سال گذشته [۱۳۲۱ ش] همدان از تیفوس و تیفوئید تلفات زیادی داد و متأسفانه به دلیل نبود پیش‌بینی‌های لازم وسیله مبارزه هم [فراهم] نبود (روزنامه اطلاعات، ش ۵۳۰۸، ص ۳). شرایط غیربهداشتی حاکم بر شهر در این دوران هم چنین باعث شد تا بیماری «تب عودکننده» هم در همدان شایع شود و مردم مدتی هم با این بیماری درگیر شوند (آرشیو دیجیتال کشور قطر، ۱۲/۳۶۸۵/۰۰۵۸).

از دیگر تأثیرات ورود آوارگان لهستانی، کمبود امکانات درمانی و دارو بود. به دلیل ناکافی بودن امکانات درمانی و پزشکی و ناکارآمدی کادر درمان جمعیت زیادی از مردم به بیماری‌های مذکور مبتلا شدند و عده زیادی از این مبتلایان از بین رفتند. به دلیل پاسخ‌گونی نبودن بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، جمعیت زیادی از این مبتلایان در محلات و خانه‌های شهر و روستاها رها شده بودند.

تا سال ۱۳۲۰ ش چندین مرکز درمانی و بیمارستان در همدان فعال بودند که توسط میسیونرهای خارجی، دولت و افراد خیر و متمدول شهر ساخت شده بودند. اولین مرکز درمانی نوین در همدان بیمارستان آمریکایی‌ها بود که در زمان جنگ و اشغال همدان به بیمارستان آمریکایی‌ها و در زمان پهلوی دوم بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به بیمارستان مسیحی‌ها معروف بود. اولین قدم برای احداث این بیمارستان را جیمز هاکس از میسیونرهای آمریکایی مقیم همدان برداشت. در زمان اشغال همدان این بیمارستان را نیروهای نظامی آمریکایی اداره می‌کردند. این مکان یکی از مراکز استقرار فرماندهان آمریکایی و مرکز پشتیبانی و درمان نیروهای متفقین و مجروحان بمباران‌های شهر بود و هم چنین مکانی برای کمک‌های آمریکایی‌ها به فقرا و خسارت‌دیدگان جنگ و نگهداری از آن‌ها محسوب می‌شد.

گسترش بیماری‌های عفونی به افزایش تقاضا و کمبود دارو در همدان منجر شده بود. توزیع دارو در بازار سیاه و با قیمت‌های چندبرابری -که همگان توان تهیه آن را نداشتند- دلیلی بر شیوع بیشتر بیماری شد. به سبب شرایط جنگی ورود اغلب داروهای بیماری‌های عفونی از کشورهای اروپایی به ایران متوقف شد. این کمبود دارو سبب تلف شدن جمعیت بیشتری از شهر و روستاهای منطقه شد. «گرانی دارو به جایی رسید که یک نسخه ۲ ریالی قبل از جنگ، در این دوره شیوع بیماری به قیمت ۸ تومان از سوی داروخانه‌دار تحویل می‌گردید» (روزنامه پارس، ۱۳۲۲، ش ۱۰۳). هم چنین در گزارشی از گرانی دارو در همدان آمده است: «بهای دارو بی‌اندازه ترقی نموده و اهالی مخصوصاً طبقه سوم و چهارم در زحمت هستند» (روزنامه اطلاعات، ش ۴۷۶۳، ص ۱).

1. James Hawkes



۸. تشدید حس بیگانه‌ستیزی و همگرایی اجتماعی

حس بیگانه‌ستیزی و مقاومت مردمی در مقابل نیروهای متفقین و همگرایی و مشارکت اجتماعی از پیامدهای مثبت جنگ جهانی دوم در همدان محسوب می‌شد. شرایط خاص جنگ و اشغال شهر باعث تشدید این ستیزه‌گری و همگرایی در بین تمامی طبقات اجتماعی شهر شد و بسیج مردمی در دوران ناامیدی، ناامنی، قحطی و گرسنگی به کمک آسیب‌دیدگان و افراد بی‌بضاعت شتافت و مانع هرگونه همکاری و ارتباط مردم شهر با بیگانگان شد. به‌همت مدیران و اولیاء دانش‌آموزان مدرسه آلیانس ۲۵۰ دست لباس (۱۸۰ دست پسرانه و ۷۰ دست دخترانه) تهیه و بین دانش‌آموزان بی‌بضاعت تقسیم شد (روزنامه اطلاعات، ش ۴۵۲۲، ص ۸). باین‌که مردم توان آن را نداشتند که در مقابل نیروهای متفقین مقاومت کنند، ولی با همگرایی و مشارکت اجتماعی تفرشان را از اقدامات ویران‌کننده متفقین و مخالفتشان را با هرگونه مداخله و فعالیت آن‌ها بروز می‌دادند. انزجار و بیزاری ایرانیان از انگلیس و شوروی سابقه‌ای طولانی داشت؛ ولی اثرات سوء سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اقدامات نیروهای متفقین در کشور این حس بیگانه‌ستیزی را تشدید کرد. اغلب مردم ایران گرفتاری‌های پیش‌آمده از جنگ جهانی دوم را به عملکرد نیروهای متفقین ارتباط می‌دادند و همیشه در حال اعتراض به وضع نامناسب خود بودند. خود انگلیسی‌ها هم به این انزجار و تنفر ایرانیان اعتراف داشتند. ریدر بولارد^۱ سفیر انگلیس در ایران هم به این تنفر ایرانیان از انگلیس اشاره دارد و هشدار می‌دهد که انگلیس به‌شدت محبوبیت خود را در ایران از دست داده‌است و انگلیسی‌ها روزبه‌روز بیشتر موردانزجار ایرانیان قرار می‌گیرند (ذوقی، ۱۳۹۵/۱۰/۵). در یادداشت‌های مأموری انگلیسی^۲ هم آمده‌است: «شکی نیست که ما به‌هیچ‌وجه در سیاست خود که ارسال حداکثر میزان تدارکات به شوروی است تغییری نخواهیم داد؛ بنابراین کمبود در ایران ادامه خواهد داشت و تنفر و انزجار از ما بیشتر خواهد شد و ما هم‌چنان نامحبوب خواهیم ماند» (ذوقی، ۱۳۹۵/۱۰/۵). نیروهای متفقین اقدامات متعددی را برای رفع کمبودهای شهر انجام دادند تا نگاه مردم را به خود تغییر دهند؛ ولی مردم کماکان به آن‌ها اطمینان نداشتند و متفقین را مسبب وضع رقت‌بار خود قلمداد می‌کردند. نیروهای آمریکایی در بیمارستان خود به کمک افراد آسیب‌دیده می‌آمدند و بیماران را درمان می‌کردند و به آن‌ها داروی رایگان می‌دادند و میسیونرهای مذهبی با کارهای عام‌المنفعه و کمک به افراد بی‌بضاعت سعی داشتند با مردم شهر ارتباط برقرار سازند و حتی انگلیسی‌ها در زمان اشغال شهر چندین نوبت به افراد بی‌بضاعت کمک کردند و قبل از جنگ در اقدامی بی‌سابقه در دو روز چهارصد نفر دانش‌آموز بی‌بضاعت خردسال را در پرورشگاه نهار دادند (روزنامه اطلاعات، ش ۴۸۱۹، ص ۳). در اقدامی دیگر

1. Reader Bullard

۲- یادداشت‌های آقای باکستر، مورخ

۸مارس ۱۹۴۳



هم کمیته اعانه انگلیس و ایران دو هزار متر چیت از کارخانه شاهی خرید و برای توزیع بین نیازمندان به همدان ارسال کرد (روزنامه اطلاعات، ش ۵۲۷۶، ص ۱). این کمک‌ها تا زمان تخلیه شهر از طرف انگلیسی‌ها ادامه داشت و در مارس ۱۹۴۶/اسفند ۱۳۲۴ قائم مقام معاون کنسول همدان ۲۳۰۰ ریال بین محصلان دختر و پسر مدارس دولتی شهر توزیع کرد (آرشیو دیجیتال کشور قطر، ۱۲/۳۶۸۵/۰۰۹۰). ولی این اطعام و کمک به فقرا چندان زیاد نبود و بیشتر در حد تبلیغ بود و هریک از این کشورها با تبلیغات گسترده سعی داشتند نشان دهند که در کمک به نیازمندان پیشتازند (الهی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۵). با وجود تمامی این اقدامات بیگانگان حس بیگانه‌ستیزی و عناد مردم شهر به آن‌ها کم نشد؛ بلکه در زمان جنگ شعله‌ورتر از گذشته شد. هدف عمده نیروهای متفقین در انجام برخی اقدامات عام‌المنفعه و ارسال کمک‌های موردی بیشتر بر مبنای سیاست جلوگیری از اعتراضات مردمی در شرایط سخت جنگ بود. آن‌ها برای اینکه در اشغال شهر کمتر هزینه بدهند و صدمات کمتری ببینند، برخی اوقات به این سیاست‌های عوام‌فریبانه دست می‌زدند. ولی مشکلات متعدد اقتصادی ناشی از جنگ و آسیب‌های وارده به مردم را نمی‌شد با چند نوبت کمک ناچیز جبران کرد و مردم را به خود جذب کرد.

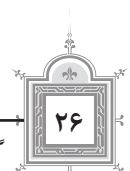
مصادیق مقاومت و پایداری و نشانه‌های آن در قالب گروه‌های غیررسمی اجتماعی و یا اقتصادی چون اصناف، تحصیل‌کردگان، و جمعیت محلات متبلور شد. در ترکیب این ساختار غیررسمی، معتمدان، روحانیون، فرهنگیان، زنان و حتی افراد شرور شهر حضور داشتند. نهادهای صنفی بازار و صاحبان حرف هم در این تشکلهای نقش زیادی داشتند و حمایت مادی از برنامه‌ها را به عهده داشتند. در این ارتباط کمیته خیرین و کمک به مستمندان شهر تشکیل شد که از محل اعتبار جشن ۱۰۲۰ نفر اطعام و بیست نفر مستمند کمک نقدی شدند (روزنامه اطلاعات، ش ۵۰۳۸، ص ۱). در اقدامی دیگر، کمیته از محل وجوه موجود خود ۲۲۷ جفت کفش برای دانش‌آموزان بی‌بضاعت تهیه کرد (روزنامه اطلاعات، ش ۵۳۱۳، ص ۳). به علت اشغال شهر فعالیت‌های مردمی بیشتر از گذشته شده بود. غالب این اقدامات و واکنش‌ها بدون سازمان‌دهی قبلی انجام می‌شد. آنچه این افراد و گروه‌ها را تحت لوای مشترک در آورده بود و باعث شده بود که بدون برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی خاصی اقداماتی مؤثر انجام دهند، مقابله با اقدامات دول متفق، و وطن‌پرستی و انسان‌دوستی در شرایط سخت زندگی در دوران جنگ بود. تهییج خودجوش مردم در رقابت با یکدیگر در کمک‌رسانی و پناه‌دادن به گرفتاران از ویژگی‌های این همگرایی در زمان جنگ بود. با آن‌که این حرکات مردمی بدون مدیریت واحد و شخص خاصی بود، ولی معمولاً این مشارکت‌های اجتماعی مردم در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی با

هدایت بزرگان مذهبی و افراد صاحب نفوذ سازمان‌دهی می‌شد. با گرانی چوب و زغال در زمستان ازسوی مردم کمک‌هایی انجام شد تا فقرا که قادر نبودند سوخت تهیه کنند از نداشتن سوخت و از شدت سرما نمیرند (ساکما، ۲۴۰/۰۰۰۹۹۳/۰۱۰۰). جالب آن‌که دولت به‌جای آن‌که در فکر سوخت فقرای شهر باشد به فرمانداری همدان دستور داده بود که برای تأمین مایحتاج متفقین چون هیزم و زغال با مأموران آن‌ها همکاری کنند (ساکما، ۲۴۰/۰۵۴۸۰۳/۰۰۰۸).

در زمان اشغال همدان همگرایی اجتماعی برای کمک به افراد بی‌بضاعت بیشتر ازسوی مردم شکل گرفت. این حس نوع‌دوستی چندان به کمک‌های نهادهای دولتی و بیگانه وابسته نبود. اگر هم در شرایط حاد کمکی از طرف دولت می‌شد ناچیز و موقتی بود. بیشتر فعالیت‌های مورد نیاز جامعه در قالب تشکل‌های مردمی و بدون ضوابط خاصی شکل گرفته بودند و عمده کارکرد آن‌ها در شرایط قحطی و گرسنگی و قتل و غارت جنبه عام‌المنفعه و خیرخواهانه داشت. این افراد با ارتباط‌گیری با نهادهای مذهبی شهر و افراد خیر و سرشناس و صاحب تمکن مالی در جهت رفع نیازهای نیازمندان قدم‌هایی برمی‌داشتند. «سید نصرالله بنی‌صدر از علماء همدان با موعظه و نصایح خود، توجه معتمدان همدان را جلب کرد و در حدود هشتصد هزار ریال جمع‌آوری کرد؛ خود ایشان هم یکصد و سی هزار ریال نقداً پرداخت کرد و با این پول در هشت نقطه شهر هشت باب دکان نانویی دایر کرد که در برابر کوپن‌هایی که چاپ و در بین فقرا تقسیم شده بود روزانه به هر نفر چهارصد گرم نان مناسب داده می‌شد» (روزنامه‌اطلاعات، ش ۵۱۵۲، ص ۱).
ایجاد مراکز خیریه در کمک به مردم نیازمند، تأسیس مراکز نگهداری از کودکان بی‌سرپرست و دادن آموزش‌های لازم، و دادن خدمات بهداشتی و درمانی رایگان از دیگر کارکردهای گروه‌های داوطلب بود. با توجه به شرایط جنگ آموزش، بهبود وضع بهداشتی و فعالیت‌های فرهنگی از اولویت‌های کاری این مراکز محسوب می‌شد. پناه‌دادن به مبارزان و افراد تحت تعقیب نیروهای متفقین و فراری‌دادن آن‌ها، برگزاری برنامه‌های خودجوش مشارکتی و گاهی اعتراض به عملکرد بیگانگان و دولت و حکومت محلی - که توان رتق و فتق امور منطقه را نداشتند و باعث ناامنی در شهر و منطقه می‌شدند - از دیگر کارکردهای گروه‌های غیررسمی در زمان جنگ در همدان بود.

۹. ایستادگی مردم و برخورد قهری متفقین با آن‌ها

از پیامدهای حضور نیروهای انگلیسی در همدان تقابل مردم علیه تعدیات آن‌ها و برخورد قهری این نیروها با مردم با هدف جلوگیری از حرکت‌ها و هیجانات خودجوش در



شهر بود. استفاده از این حربه تاحدودی توانسته بود تا با کنترل مردم، انگلیسی‌ها را در تمشیت امور شهر یاری کند. براساس این سیاست، انگلیسی‌ها چندان برخورد مناسبی با مردم شهر نداشتند و اغلب نزاع‌ها با حضور آن‌ها رخ می‌داد. رفتارهای نامناسب انگلیسی‌ها با مردم از ضعف و ناتوانی دولت ایران در احقاق حقوق مردم نشان داشت (تبرائیان، ۱۳۷۱، ص ۲۰۳). در برابر تعدی قوای انگلیس و هم‌چنین در جریان کمبود نان و ارزاق عمومی حرکت‌های مردمی به برخورد با نیروهای انگلیسی منجر شد و مردم در برابر اقدامات آن‌ها به مقابله پرداختند. در این باره در اسناد آمده است: «مردم شهر اغلب کمبودها و گرفتاری‌های خود را به حضور نیروهای متفقین به‌ویژه انگلیسی‌ها نسبت می‌دادند و به مراکز آن‌ها حمله می‌کردند. در جریان کمبود نان جمعیت متعرض شهر به سمت آن‌ها رفتند و در راه با سنگ به در و پنجره بانک شاهنشاهی و کامیون‌های حمل سربازان انگلیسی حمله کردند که آنان مجبور شدند شلیک کنند و شش نفر تیر خوردند که از آن‌ها سه نفر کشته و سه نفر مجروح شدند» (قطبی، ۱۳۸۹، ص ۵۸). البته فرمانده نیروهای انگلیس معتقد بود که عده‌ای، مردم را علیه آن‌ها تحریک می‌کنند. سرهنگ «کتاناتس»^۱ معاون اداره سیاسی ارتش انگلیس در همدان اظهار می‌داشت که ممکن است در این جریان تحریکاتی علیه ما در کار باشد و ما اجازه داریم کسی را که مردم را علیه ارتش انگلیس تحریک می‌کند تبعید کنیم (قطبی، ۱۳۸۹، ص ۵۹). در جای دیگر این اقدام را به جمعی ولگرد نسبت دادند که به سربازان انگلیسی حمله کرده‌اند. در حرکتی دیگر عده‌ای با کارد به سربازی هندی در شهر حمله کردند و او را مجروح کردند. حمله‌کنندگان سه نفر بودند که یکی از آن‌ها دستگیر شد (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ج ۵، ۱۳۹۰، ص ۱۴۰). سفیر انگلیس در گزارشی، از این افراد به‌عنوان اشرار نام می‌برد و از دولت می‌خواهد تا اقدامی قاطع در مقابل آن‌ها انجام دهد. علاوه بر این، انگلیسی‌ها زمانی که نمی‌توانستند مخالفان خود را ساکت کنند، به اتهام‌های متعدد از دولت ایران می‌خواستند تا آن‌ها را تعقیب کند. در اتفاقی دیگر طبق گزارش مدیر مهمان‌خانه روشن همدان در ۱۵ آبان ۱۳۲۰، سیزده نفر از افسران و دژبانان ارتش انگلیس به مهمان‌خانه می‌آیند و آب‌جو درخواست می‌کنند و به‌طرف قفسه مشروبات می‌روند و شیشه آن را می‌شکنند و مشروبات قفسه را برمی‌دارند و بدون پرداخت پول، آن‌ها را با خود می‌برند و مستخدم را هم با ضربات لگد مجروح می‌کنند و می‌روند (زرین کلک، ۱۳۸۲، ص ۵۲۵). در برخی از برخوردها با نیروهای انگلیسی روحانیون شهر نقش داشتند. در جریان ورود عده‌ای از افسران مست انگلیسی به مدرسه آخوند، «شیخ محمدحسین بهاری» یکی از استادان مدرسه به مخالفت برمی‌خیزد: «چوبی

1. Contanats

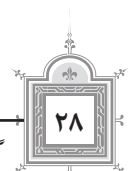


برداشته و همه آنها را می‌زند و سرودست تعدادی [را] شکسته و آنها را از مدرسه بیرون می‌اندازد. طلاب [هم] در بیم واکنش نیروهای انگلیسی به خود می‌لرزند که مبادا بلایی سرشان بیاید» (صادقی، ۱۳۸۴، ص ۲۵).

۱۰. نتیجه

بررسی منابع و اسناد حاکی از آن است که اشغال همدان توسط نیروهای متفقین پیامدهای متعدد اجتماعی به بار آورد. برخی از این پیامدها به گسست و برخی به همگرایی اجتماعی در این دوران منجر و به تحولات ناخواسته بدل شد. پیامدهایی چون تعدی، غارت و قحطی، افزایش فقر و نارضایتی و تبعید و زندان، به بیگانه‌ستیزی و نارضایتی مردم از عملکرد متفقین منجر شد. این ویژگی‌های مثبت مختص دوران جنگ بود و با پایان جنگ استمرار نیافت. کمبود نان و هیجان عمومی ناشی از آن در زمان جنگ پیامدی چندوجهی بود که تأثیرات آن طولانی‌تر و مخرب‌تر از دیگر پیامدهای اجتماعی بود. این قضیه با دخالت‌های متعدد نیروهای متفقین، ملاکان و محرکان، نانوایی‌ها و حکومت محلی به حادثه‌ای تأثیرگذار در زمان جنگ تبدیل شد.

تبعید و زندانی کردن مخالفان حضور متفقین در همدان، سیاست غالب انگلیسی‌ها در دوران جنگ در همدان بود. انگلیسی‌ها با این سیاست زمام شهر را در اختیار خود گرفته بودند. در زمان جنگ مهاجرت درونی به‌ویژه مهاجرت روستاییان به شهر پررنگ‌تر از مهاجرت بیرونی بود؛ ولی با دورشدن از فضای جنگ روند مهاجرت بیرونی بر مهاجرت درونی غالب شد که تاکنون نیز ادامه دارد. در مهاجرت اقلیت‌های دینی از همدان نقش روس‌ها پررنگ‌تر بود. تحولات ناشی از مهاجرت و گسست اجتماعی علاوه بر از بین بردن بسیاری از عناصر فرهنگی و اجتماعی جامعه، باعث شد فعالیت‌هایی در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی به وجود آید که خیلی از آنها اولین بار بود که مرسوم می‌شد. گسست اجتماعی در دوران جنگ سبب دگرگونی شدید در حوزه قومی، زبانی و ساختار اجتماعی منطقه شد. غارت، راهزنی و حتی دست‌درازی به اموال نیروهای متفقین برای به دست آوردن مواد غذایی، ایجاد هرج و مرج در شهر، و دستبرد به دکاکین و منازل از مصادیق ناامنی بود که با گسترش آن، آرامش از منطقه رخت بربست و نارضایتی مردم روبه‌افزایش نهاد. گسترش فقر بر تشدید ناامنی، هرج و مرج و نارضایتی در منطقه تأثیرگذار بود. حضور اسرای لهستانی در همدان به کمبود ارزاق، شیوع بیماری‌های عفونی چون تیفوس و تیفوئید، کمبود دارو و امکانات درمانی و اشاعه ناهنجاری دامن زد و مدت زیادی بر شهر و مردم تأثیر گذاشت.



منبع

اسناد

آرشیو دیجیتال کشور قطر (IOR/L/PS)، شماره سند: ۱۲/۳۶۸۵/۰۰۰۹؛ ۱۲/۳۶۸۵/۰۰۱۰؛ ۱۲/۳۶۸۵/۰۰۱۲؛ ۱۲/۳۶۸۵/۰۰۲۳؛ ۱۲/۳۶۸۵/۰۰۲۵؛ ۱۲/۳۶۸۵/۰۰۵۸؛ ۱۲/۳۶۸۵/۰۰۹۰؛ ۱۲/۳۶۸۵/۰۱۰۰؛ ۱۲/۳۶۸۵/۰۱۰۰.

اسناد وزارت امور خارجه، شماره سند: ۱۳۲۱/۲۴/۲.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند: ۲۴۰/۰۰۰۹۹۳/۰۱۰۰؛ ۲۴۰/۰۰۱۶۱۲/۰۰۲۵؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۰۷؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۰۸؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۰۹؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۱۰؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۱۱؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۱۲؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۱۳؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۱۴؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۱۵؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۱۶؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۱۷؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۱۸؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۱۹؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۲۰؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۲۱؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۲۲؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۲۳؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۲۴؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۲۵؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۲۶؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۲۷؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۲۸؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۲۹؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۳۰؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۳۱؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۳۲؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۳۳؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۳۴؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۳۵؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۳۶؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۳۷؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۳۸؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۳۹؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۴۰؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۴۱؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۴۲؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۴۳؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۴۴؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۴۵؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۴۶؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۴۷؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۴۸؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۴۹؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۵۰؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۵۱؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۵۲؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۵۳؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۵۴؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۵۵؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۵۶؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۵۷؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۵۸؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۵۹؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۶۰؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۶۱؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۶۲؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۶۳؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۶۴؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۶۵؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۶۶؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۶۷؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۶۸؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۶۹؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۷۰؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۷۱؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۷۲؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۷۳؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۷۴؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۷۵؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۷۶؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۷۷؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۷۸؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۷۹؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۸۰؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۸۱؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۸۲؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۸۳؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۸۴؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۸۵؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۸۶؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۸۷؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۸۸؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۸۹؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۹۰؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۹۱؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۹۲؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۹۳؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۹۴؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۹۵؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۹۶؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۹۷؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۹۸؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۰۹۹؛ ۲۹۳/۰۰۳۲۹۱/۰۱۰۰.

کتاب

احمدی، محمود طاهر. (۱۳۷۴). *اسناد روابط ایران و شوروی در دوره رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۱۸ ش)*. تهران: اسناد ملی ایران.

اسکرین، کلارمونت. (۱۳۷۰). *جنگ‌های جهانی در ایران*. (حسین نجف‌آبادی فراهانی، مترجم). تهران: نوین.

اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم. (ج ۲). (۱۳۸۹). تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.

اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم. (ج ۵). (۱۳۹۰). تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.

اسنادی از مهاجرت داخلی در ایران. (۱۳۹۰). تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.

الهی، حسین. (۱۳۸۰). *احزاب و سازمان‌های سیاسی و عملکرد آن‌ها در خراسان ۱۳۲۰-۱۳۳۲*. (طرح پژوهشی)، مشهد: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی.

الهی، همایون. (۱۳۶۵). *اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم*. تهران: نشر دانشگاهی.

بولارد، ریدر؛ اسکرین، کلارمونت. (۱۳۶۳). *شترها باید بروند*. (ج ۲). (حسین ابوترابیان، مترجم). تهران: نشر نو.

بیات، نصرالله. (۱۳۷۴). *لهستان*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

تبرائیان، صفاءالدین. (۱۳۷۱). *ایران در اشغال متفقین*. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

ذوقی، ایرج. (۱۳۶۸). *ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم*. تهران: پازنگ.

زرین‌کلک، بهناز. (۱۳۸۲). *اسنادی از روابط ایران و انگلیس (۱۳۲۰-۱۳۲۵ ش)*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

صادقی، مصطفی. (۱۳۸۴). *خاطرات آیت‌الله احمد صابری همدانی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

عظیمی، فخرالدین. (۱۳۷۲). *بحران دموکراسی در ایران ۱۳۲۰-۱۳۳۲*. (عبدالرضا هوشنگ) مهدوی و بیژن

نوذری، مترجمان. تهران: البرز.
قطبی، بهروز. (۱۳۸۹). *گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران*. تهران: اطلاعات.
کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۷۹). *دولت و جامعه در ایران: انقراض قاجار و استقرار پهلوی*. (حسن افشار، مترجم). تهران: مرکز.
مجد، محمدقلی. (۱۳۸۹). *رضا شاه و بریتانیا براساس اسناد وزارت خارجه آمریکا*. (مصطفی امید، مترجم). تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
مجد، محمدقلی. (۱۳۹۵). *پل پیروزی، سرزمین قحطی: ایران در جنگ جهانی دوم (۱۳۲۰-۱۳۲۴)*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
مفتون همدانی. (۱۳۷۸). *دیوان اشعار*. همدان: مفتون.
مؤمن، ابوالفتح. (۱۳۸۶). *انقلاب اسلامی در همدان*. (ج ۱). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
نجاتی، غلامرضا. (۱۳۷۸). *مصدق؛ سال های مبارزه و مقاومت*. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

مقاله

آبادیان، حسین. (۱۳۹۰). «آمریکا و اهمیت نظامی ایران در جنگ جهانی دوم». *تاریخ روابط خارجی*، شماره ۴۷.
احمدی، نعمت؛ صادقی، یونس. (۱۳۹۲). «جنگ جهانی دوم و حضور متفقین در ایران (با تأکید بر نقش انگلیس)». *پژوهش نامه تاریخ*، سال ۸، شماره ۳۲.
بایرامی، سمانه. (۱۳۸۸). «آثار و پیامدهای اجتماعی اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰». *فصل نامه مطالعات تاریخی*، سال ششم، شماره ۲۷.
بهشتی سرشت، محسن؛ محمدپور، محمد؛ یوسفی، غلامرضا. (۱۳۹۲). «تبعات اجتماعی اسکان مهاجرین لهستانی در ایران طی جنگ جهانی دوم (برپایه اسناد)». *گنجینه اسناد*، شماره ۹۲.
سلیمانی، کریم؛ عزیزخواه، جمیله. (۱۳۹۱). «اقدامات میلسپو برای حل بحران نان سال های ۱۳۲۱-۱۳۲۳».
مطالعات تاریخی فرهنگی (پژوهش نامه انجمن ایرانی تاریخ)، شماره ۱۲.
کریمی، علی رضا؛ کریمی سیدعلی. (۱۳۷۸). «لهستانی های مهاجر در ایران (۱۳۲۰-۱۳۲۳ش)». *تاریخ معاصر ایران*، شماره ۹.
نغزگوی کهن، مهرداد. (۱۳۸۷). «نگاهی به فرهنگ و زبان یهودیان همدان». *فصل نامه فرهنگ مردم*، شماره ۲۶ (ویژه همدان).
نقدی، اسدالله. (۱۳۷۴). «مهاجرت و حاشیه نشینی در ایران». *فصل نامه جمعیت*، شماره ۷۳-۷۴.



روزنامه

اطلاعات

شماره ۴۵۲۲، (۱۳۲۰)؛ شماره ۴۷۶۳، (۱۳۲۰)؛ شماره ۴۷۶۶، (۱۳۲۰)؛ شماره ۴۸۱۹، (۱۳۲۱)؛ شماره ۴۸۳۴، (۱۳۲۱)؛ شماره ۴۹۳۱، (۱۳۲۱)؛ شماره ۴۹۴۴، (۱۳۲۱)؛ شماره ۴۹۸۶، (۱۳۲۱)؛ شماره ۵۰۳۸، (۱۳۲۱)؛ شماره ۵۱۵۲، (۱۳۲۲)؛ شماره ۵۲۷۶، (۱۳۲۲)؛ شماره ۵۳۱۳، (۱۳۲۲)؛ شماره ۱۰۳، (۱۳۲۲)؛ پارس: شماره ۱۰۳، (۱۳۲۲).

تاریخ شفاهی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی مدیریت غرب کشور (ساکماهمدان). آرشیو تاریخ شفاهی: مصاحبه با غلامحسین زنگنه، ۱۳۷۹؛ مصاحبه با علی اصغر نژادیان، ۱۳۸۰. مصاحبه با پرویز اذکایی، ۱۳۹۸. (مصاحبه شخصی).

سایت

ذوقی، ایرج. (۱۳۹۵/۱۰/۵). «سر ریدر بولارد سفیر انگلیس در تهران: ما مورد تنفر ایرانی ها هستیم». برگرفته از:

سایت مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی: <https://psri.ir/?id=4wf5end2>

English Translation of References

Documents

“Āršiv-e Dijitāl-e kešvar-e Qatar (IOR/L/PS)” (Qatar Digital Archive (IOR/L/PS)), document number: 12/3685/0009; 12/3685/0010; 12/3685/0012; 12/3685/0023; 12/3685/0025; 12/385/0058; 12/3685/0090; 12/3685/0100. [Persian]

“Asnād-e Vezārat-e Omur-e Xārejeh (Estādox) (Documents from the Ministry of Foreign Affairs), document number: 1321/24/2. [Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran), document number: 240/000993/0100; 240/001612/0025; 290/003308/0006; 290/003308/008; 290/003291/0007; 290/003291/0012; 290/003292/0004; 290/003292/0005; 290/003292/0010; 290/054803/0008; 290/008362/0003; 290/008362/0005; 292/003291/0014. [Persian]



Books

- Ahmadi, MahmoudTaher. (1374/1995). *“Asnād-e ravābet-e IrānvaŠoravidardore-ye RezāŠāh (1304 – 1318 SH)”* (Documents on the Relations between Iran and the Soviet Union during the Reign of Reza Shah (1925-1939)). Tehran: Sāzmān-e Asnād-e Melli-ye Irān (National Library and Archives Organization of Iran). [Persian]
- “Asnādiazešqāl-e Irāndarjang-e jahāni-ye dovvom”* (Documents of the occupation of Iran during World War II) (vol. 2). (1389/2010). Tehran: Markaz-e PažuhešvaAsnād-e RiyāsātJomhuri (Islamic Revolution Document Center).[Persian]
- “Asnādiazešqāl-e Irāndarjang-e jahāni-ye dovvom”* (Documents of the occupation of Iran during World War II) (vol. 5). (1389/2010). Tehran: Markaz-e PažuhešvaAsnād-e RiyāsātJomhuri (Islamic Revolution Document Center).[Persian]
- “Asnādzamohājerat-e dāxelidarIrān”* (Documents of internal migration in Iran). (1390/2011). Tehran: Markaz-e PažuhešvaAsnād-e RiyāsātJomhuri (Islamic Revolution Document Center).[Persian]
- Azimi, Fakhreddin. (1372/1993). *“Bohrān-e demokrāsidarIrān 1320 – 1332”* (Iran, The crisis of democracy, 1989). Translated by AbdorrezaHoushangMahdavi&BijanNozari. Tehran: Alborz.[Persian]
- Bullard, Reader William; &Skrine, Clarmont. (1363/1974). *“Šotor-hābāyadberavand”* (The camels must go) (2nd ed.). Translated by Hossein Aboutorabian. Tehran: Našr-e no.[Persian]
- Bayat, Nasrollah. (1374/1995). *“Lahestān”* (Poland). Tehran: Mo’assese-yeČāpvaEntešārāt-e Vezārat-e Omur-e Xārejeh (The Ministry of Foreign Affairs Press).[Persian]
- Elahi, Homayoun. (1365/1986). *“Ahammiyat-e ešterātežiki-ye Irāndarjang-e jahāni-ye dovvom”* (The strategic importance of Iran in World War II). Tehran: Našr-e Dānešgāhi. [Persian]
- Elahi, Hossein. (1380/2001). *“Ahzābvasāzmān-hā-ye siāsivaamalkard-e ān-*



- hādarXorāsān: 1320-1332*” (Political parties, organizations and their functions in Khorasan 1320 -1332 SH (1941 – 1953)). [Research project]. Mašhad: Dāneškade-ye Adabiyātva ‘Olum-e Ensāni-ye Dānešgāh-e Ferdowsi (Faculty of Literature and human sciences, Ferdowsi University of Mashhad). [Persian]
- Ghotbi, Behrouz. (1389/2010). *“Gozide-ye asnād-e jang-e jahāni-ye dovvomdarIrān”* (Selected documents of World War II in Iran). Tehran: Ettelā’āt.[Persian]
- Katouzian, Mohammad Ali. (1379/2000). *“Dowlatvajāme’edarIrān: Enqerāz-e Qājārvaesteqrār-e Pahlavi”* (State and society in Iran: The eclipse of the Qajars and the emergence of the Pahlavis). Translated by Hasan Afshar. Tehran: Markaz. [Persian]
- MaftounHamedani. (1278/2009). *“Divān-e aš’ār”* (The collection of Poems). Hamedān: Maftun.[Persian]
- Majd, Mohammad Gholi. (1390/2011). *“RezāŠāhvaBritāniyā bar asās-e asnād-e vezārat-e Āmrikā”* (Great Britain Reza Shah: The plunder of Iran, 1921-1941). Translated by Mostafa Omid. Tehran: Mo’assese-ye Motālē’ātvaPažuheš-hā-ye Siāsi (Political Studies and Research Institute). [Persian]
- Majd, Mohammad Gholi. (1395/2016). *“Pol-e pruzi, sarzamin-e qahti: Irāndarjang-e jahāni-ye dovvom (1320 – 1324)”* (Iran under allied occupation in World War II; The bridge to victory a land of famine). Translated by Mostafa Omid. Tehran: Mo’assese-ye Motālē’ātvaPažuheš-hā-ye Siāsi (Political Studies and Research Institute). [Persian]
- Momen, Abolfath. (1386/2007). *“Enqelāb-e EslāmidarHamedān”* (The Islamic revolution in Hamedan) (vol. 1). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center). [Persian]
- Nejati, Gholam Reza. (1378/1999). *“Mosaddeq; Sāl-hā-ye mobārezevamoqāvemāt”* (Mossadegh: The years of struggle and opposition). Tehran: Mo’assese-ye Xadamāt-e Farhangi-ye Rasā. [Persian]
- Sadeghi, Mostafa. (1384/2005). *“Xāterāt-e Āyatollāh Ahmad Sāberi-ye Hamedāni”* (Memoirs of Ayatollah Ahmad SaberiHamedani). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi(Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center). [Persian]



- Skrine, Sir Clarmont Percival. (1370/1991). "*Jang-hā-ye jahānidar Irān*" (World war in Iran). Translated by Hossein Najafabadi Farahani. Tehran: Novin. [Persian]
- Tabraeeyan, Safa Al-Din. (1371/1992). "*Irāndarešqāl-e mottafeqin*" (Iran under occupation of the Allied Forces) (1st ed.). Tehran: Rasā. [Persian]
- Zarrinkelk, Behnaz. (1382/2003). "*Asnādzravābet-e IrānvaEngelis (1320 – 1325 SH)*" (Some documents on Iran - England relations (1941 - 1946)). Tehran: Sāzmān-e AsnādvāKetābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran). [Persian]
- Zoghi, Iraj. (1368/1989). "*Irānvaqodrat-hā-ye bozorgdarjang-e jahāni-ye dovvom*" (Iran and the great powers in World War II). Tehran: Pāžang. [Persian]

Articles

- Abadian, Hossein. (1390/2011). "Āmrikāvaahammīyat-e nezāmi-ye Irāndarjang-e jahāni-ye dovvom" (America and the military importance of Iran in World War II). *Tārix-e Ravābet-e Xāreji* (Foreign Relations History), 47. [Persian]
- Ahmadi, Nemat; & Sadeghi, Younes. (1392/2013). "Jang-e jahāni-ye dovvomvahozur-e mottafeqindar Irān (bāta'kid bar naqš-e Engelis)" (World war two and the allies' arrival in Iran & the issue of the England). *Pažuheš-nāme-ye Tārix* (Scientific Journal of History Research), 8 (32). [Persian]
- Bayrami, Samaneh. (1388/2009). "Āsārvapeyāmad-hā-ye ejtemā'ee-ye ešqāl-e IrāndarŠahrivar 1320" (Effects and social consequences of the occupation of Iran in Shahrivar 1320 / September 1941). *Fasl-nāme-ye Motāle'āt-e Tvrixī*, 6(27). [Persian]
- Beheshti-seresht, Mohsen; Mohammadpour, Mohammad; & Yousefi, Gholamreza. (1392/2013). "Tabā'āt-e ejtemā'ee-ye eskān-e mohājerin-e Lahestānidar Irāntey-ye jang-e jahāni-ye dovvom (bar pāye-ye asnād)" (Social Consequences of Polish migrants in Iran during WW2 based on). *Ganjine-ye Asnād*, 92. [Persian]
- Karimi, Alireza; & Karimi, Seyyed Ali. (1378/1999). "Lahestāni-hā-ye mohājerdar Irān (1320 – 1323 SH)" (Polish immigrants in Iran (1320-1323 SH / 1941 – 1944 AD)). *Tārix-e Mo'āser-e Irān* (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies),



9.[Persian]

Naghdi, Asadollah. (1374/1995). "Mohājeratvahāšie-nešinidarIrān" (Immigration and marginalization in Iran). *Fasl-nāme-ye Jam'eeyat* (Population Magazine), 73 – 74.[Persian]

Naghzgouy Kohan, Mehrdad. (1387/2008). "Negāhi be farhangvazabān-e Yahudiyān-e Hamedān" (Looking at the culture and language of Hamadan Jews). *Fasl-nāme-ye Farhang-e Mardom*, 26 (special issue of Hamedān).[Persian]

Soleimani, Karim; &Azizkhah, Jamileh. (1391/2012). "Eqdāmāt-e Milesobarāye hall-e bohrān-e nān-e sāl-hā-ye 1321 – 1323" (Millspaugh's policies for solving the crisis of bread in 1321-1323 AH). *Motāle'āt-e Tārix-e Farhangi (Pažuheš-nāme-ye Anjoman-e Irāni-ye Tārix)* (Cultural History Studies), 12.[Persian]

Newspapers

Ettelā'āt

Issue 4522 (1320/1941); Issue 4763 (1320/1941); Issue 4766 (1320/1941); Issue 4819 (1321/1942); Issue 4834 (1321/1942); Issue 4931 (1321/1942); Issue 4944 (1321/1942); Issue 4986 (1321/1942); Issue 5038 (1321/1942); Issue 5152 (1322/1943); Issue 5276 (1322/1943); Issue 5313 (1322/1943).[Persian]

Pārs

Issue 103 (1322/1943).[Persian]

Oral history

MosāhebehbāParvizAzkāri (Interview with ParvizAzkari), 1398/2019. (Personal interview)[Persian]

Sāzmān-e AsnādvaKetābxāne-ye Melli-ye Modiriyat-e Qarb-e Kešvar (SākmāHamedān) (National Library and Archives Organization of Iran, Hamedan Center). Āršiv-e Tārix-e Šafāhi (Oral history archive): MosāhebehbāQolām Hossein Zanganeh (Interview with Gholam Hossein Zanganeh), 1379/2000; MosāhebehbāAli AsqarNežādiyān (Interview with Ali AsgharNejadian), 1380/2001. [Persian]



Website

Zoghi, Iraj. (1395/10/5 SH / October 27, 2016). "Ser Rider Bulārdsafir-e Engelisdar Tehrān: Māmored-e tanaffor-e Irāni-hāhastim" (Sir Reader Bullard, British ambassador to Tehran: 'We are hated by Iranians'). Retrieved from Sāyt-e Mo'assese-ye Motālē'ātvaPažuheš-hā-ye Siyāsi (Political Studies and Research Institute website) <https://psri.ir/?id=4wf5end2>. [Persian]





The Police Force of Iran, Its Organization and Structure in The Qajar Period(1796 – 1925)

Ali Rashidiyani Zarrini¹ | Fatemeh Janahmadi² | Mohammad Ghasri³

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Purpose: To study and analyze the evolution of the structure, organization and equipment of the police force in the Qajar period.

Method and Research Design: Archival records and library resources were studied, described, and analyzed.

Findings and conclusions: The military and police training structures of the Qajar period began to modernize after the Russo-Iranian Wars. Elites such as Abbas Mirza, AmirKabir and Mirza Hussain Khan Sepahsalar accelerated this process. At that time, the modernization of law enforcement agency and its development became extremely important since public security and people's property and life protection, were among the priorities of political systems; however, various shortcomings were observed in its implementation. Swedish, Russian and English officer established modern law enforcement training in Iran based on modern and western police structures.

Keywords: The Qajar Period; Discipline; Gendarmeri; Police Forces; Structure; Organization.

Citation: Rashidian Zarrini, A., Janahmadi, F., & Ghasri, O. (2022). Transformation in structure and organization of law enforcement in Iran during the Qajar era (1796 – 1925). *Ganjine-ye Asnad*, 32(3), 38-65 | doi: 10.30484/ganj.2022.2947

1. PhD Student, Department of History, Islamic Azad University, Khomein Branch, Khomein, I. R. Iran, (Corresponding Author) ali.r.z.400@gmail.com

2. Professor, Department of History, Tarbiat Modarres University, Tehran, I. R. Iran janahmad2004@yahoo.com

3. Associate Professor, Department of Strategic Management, Amin University of Police Sciences, Tehran, Iran mo_ghasri324@yahoo.com

Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«127»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2022.2947

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | http://ganjineh.nlai.ir

Vol. 32, No.3, Autumn 2022 | pp: 38 - 65 (28) | Received: 21, Feb. 2021 | Accepted: 22, Mar. 2022

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیبیوی

مقاله پژوهشی

تحول ساختار نیروی انتظامی ایران در عصر قاجار (۱۱۷۵ تا ۱۳۰۴ ش) براساس اسناد تاریخی

علی رشیدیان زرینی^۱ | فاطمه جان احمدی^۲ | محمد قصری^۳

چکیده:

هدف: واکاوی تحول در ساختار نیروی انتظامی ایران در عصر قاجار.

روش / رویکرد پژوهش: این پژوهش بر رویکرد توصیفی-تحلیلی متکی است و با استفاده از اسناد آرشیوی و منابع کتابخانه‌ای تبویب شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: ساختار نظمیه و ژاندارمری و تحول در آموزش‌های انتظامی به تأسی از ساختارهای مدرن و غربی پلیس و توسط افسران سوئدی، روس و انگلیسی در ایران پایه‌گذاری شد. این اقدامات هم‌زمان با دوران گذار از سنت به مدرنیته در ایران آغاز شد و در سال‌های بعد گسترش یافت.

کلیدواژه‌ها: دوره قاجار؛ نظمیه؛ ژاندارمری؛ نیروهای انتظامی؛ سنت و مدرنیته.

استناد: رشیدیان زرینی، علی، جان احمدی، فاطمه، قصری، محمد. (۱۴۰۱). تحول ساختار نیروی انتظامی ایران در عصر قاجار (۱۱۷۵ تا ۱۳۰۴ ش). *گنجینه اسناد*، ۳۲(۳)، ۳۸-۶۵

doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲,۲۹۴۷

۱. دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمین، خمین، ایران،
(نویسنده‌مسئول)

ali.rz.400@gmail.com

۲. استاد، گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

janahmad2004@yahoo.com

۳. دانشیار گروه مدیریت راهبردی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

mo_ghasri324@yahoo.com



گنجینه اسناد

۱۲۷

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۲,۲۹۴۷

نمایه در: ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۲، دفتر ۳، پاییز ۱۴۰۱ | صص: ۳۸ - ۶۵ (۲۸)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

یکی از چالش‌های اصلی نظام‌های حکومتی ایران در طول تاریخ، برقراری امنیت در درون شهرها، نقاط دورافتاده، مناطق مرزی و ماندگاری آن بوده‌است. ناپایداری در اثر عوامل گوناگون، بر حیات سیاسی حکومت‌ها تأثیر منفی می‌گذاشت و آن‌ها را وادار می‌کرد تا تدابیری را برای مواجهه با ناامنی به‌کار بندند. در دوره قاجار نیز به‌سبب گسترده‌گی جغرافیایی کشور، وجود قبایل و عشایر گوناگون، راه‌های ناامن و ناهموار، تهاجمات مکرر ایلات به نواحی شهری و کاروان‌ها، ضعف نیروهای امنیتی، ساختار ناکارآمد نظام اداری، فقر و تنگ‌دستی و فشار مالی بر مردم به‌ویژه روستائینان، حضور قدرت‌های اروپایی و دخالت آن‌ها در امور داخلی و حتی دامن‌زدن به شورش‌ها و تمایلات جدایی‌خواهانه، جنگ‌های متعدد و شورش‌های شاه‌زادگان قاجاری به‌همراه ناامنی شهرها از سوی دزدان و راهزنان و اشرار، امنیت کشور در معرض خطر قرار داشت و ناامنی اجتماعی گریبان‌گیر جامعه بود. بنابراین برقراری امنیت در پایتخت و ایالات، راه‌ها و مرزها اهمیتی ویژه داشت و از چالش‌های عمده نظام قاجاری به‌شمار می‌رفت (ثواقب و معظمی، ۱۳۹۴، ص ۳۰). هرچند برقراری امنیت در کشور در تمامی دوره‌های تاریخی دغدغه‌ای دائمی برای حکومت‌ها بوده‌است، ولی این موضوع در دوره قاجار به‌سبب شکست در جنگ با روسیه و حضور و نفوذ بیگانگان - اهمیتی دوچندان یافت.

حاکمیت نظام سنتی بر ساختار اداری ایران در دوره قاجار، هر تغییری را با کندی مواجه می‌کرد. یکی از دلایل این کندی موروثی بودن مناصب اداری در بین خاندان‌های متنفذ دیوانی بود؛ چون آموزش این‌گونه امور تجربی تنها از طریق این خاندان‌ها انجام می‌شد. بسیاری از افراد این خاندان‌ها در سلک کارکنان اداری نظام‌های سیاسی جدید هم وارد می‌شدند (خسرویگی، ۱۳۸۱، ص ۵۵). در ایجاد تحول ساختاری در عصر قاجار دو نهاد جدید اهمیتی ویژه داشت. اولین نهاد تأسیسی نظمی بود که محدوده فعالیتش تأمین امنیت شهرها بود و شهروندان مأموران آن را آژان خطاب می‌کردند. دومین نهاد تأسیسی ژاندارمری بود که جغرافیای مأموریت آن بیرون از شهرها، و مناطق دورافتاده و روستایی و مرزی بود و عوامل اجرایی آن ژاندارم نامیده می‌شدند.

هدف مقاله حاضر بازنمایی چگونگی تشکیل سازمان انتظامی ایران در دوره قاجار با استناد به اسناد تاریخی است.

پیشینه موضوع: بررسی مقدماتی در زمینه پیشینه موضوع حاضر نشان داد که تاکنون بررسی‌های علمی با اتکا بر اسناد تاریخی در زمینه ساختار انتظامی دوره قاجار انجام نشده‌است. هرچند در مقالاتی مانند:



۱. پیری، محمد. (۱۳۹۴). «دگرگونی در ساختار نیروهای نظامی پس از مشروطه و زمینه‌گیری ارتش نوین ایران». فصل‌نامه علمی-ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی، شماره پنجم، تابستان ۱۳۹۴؛
 ۲. ثواقب، جهان‌بخش؛ هادی، معصومه. (۱۳۹۴). «بررسی تشکیلات انتظامی ایران و روند تغییرات آن در دوره قاجار». فصل‌نامه علمی-ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی، شماره چهارم، بهار ۱۳۹۴؛
 ۳. خسروییگی، هوشنگ. (۱۳۸۱). «مقدمه‌ای بر تشکیلات اداری و نظامی ایران در اوایل دوره قاجار (۱۳۶۴-۱۳۸۰ق)». نامه/انجمن، تابستان ۱۳۸۱ (شماره ۶)
- به این موضوع اشاره شده است، ولی نقطه کانونی این مقالات عمدتاً بر موضوع تحول نظامی در دوره قاجار استوار است و از طرفی هم این پژوهش‌ها بر پایه اسناد تاریخی شکل نگرفته‌اند.
- بررسی‌های انجام‌شده در سایت‌ها و پایگاه‌های آرشیو مقالات نشان داد که در پژوهش‌های صورت گرفته، تفکیک دو موضوع نظامی و انتظامی از هم کار دشواری است و همچنین در مقالات مذکور به رویکرد اسنادی کمتر توجه شده است. مقاله حاضر با نگاهی میان‌رشته‌ای (تاریخی، مدیریتی، علوم پلیسی) تلاش دارد تا با پایبندی به موازین مطالعات تاریخی، ساختار پلیس در دوره قاجار و تحولات آن در دوران گذار سنت به مدرنیته را با اتکا بر علم مدیریت و علوم پلیسی بررسی کند.
- روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و اسنادی است و با استفاده از آثار و منابع کتابخانه‌ای که مقوم مطالعات سندی است تلاش خواهد کرد تا به این پرسش اساسی بپردازد که:
- ساختار نیروهای انتظامی ایران در عصر قاجار چگونه بوده و چه تحولاتی را از سر گذرانده است؟
- گذار از ساختارها و کارکردهای سنتی انتظامی به ساختارهای مدرن انتظامی الزامات تاریخی و خاص خود را داشته است. ساختارهای پلیسی و انتظامی تا قبل از دوره قاجار به شدت تابع حوزه نظامی و به نوعی بخشی از آن بودند؛ ولی در دوره قاجار و تحت تأثیر شکل‌گیری ساختارهای مدرن در پلیس غرب و الگوپذیری ایران از این ساختارها با ساختارهای منفک‌شده پلیس از حوزه نظامی مواجهیم که در دهه‌های بعدی نمودی عینی‌تر می‌یابند. البته رویکردهای جدید در مدیریت اداری غربی مانند تمرکز، رسمیت و پیچیدگی در ساختارها با رویکردهای سنتی ساختار پلیس در ایران تفاوت زیادی داشته است که در این مقاله به آن بی‌توجه نبوده‌ایم.

۲. انتظام سنتی در عصر قاجار

در دوره قاجار، حکام ایالات و ولایات، مستقیماً از طرف شاه یا صدراعظم تعیین می‌شدند. بین حکام و شاه رابطه‌ای دوسویه برقرار بود. حاکم زیر نظر مستقیم شاه بود و وظیفه اصلی‌اش جمع‌آوری مالیات و ارسال به‌موقع آن به دربار بود و در مقابل، برای به‌مزایده‌گذاشتن مسئولیت و مداخله در امور منطقه نفوذ خود آزادی و اختیاراتی داشت (ثواقب و هادی، ۱۳۹۴، ص ۸). البته شاه در برخی موارد در جزئی‌ترین موضوعات مرتبط با زیردستان حکام -از جمله کلانتر و کدخدا- هم رأساً دخالت می‌کرد. حاکم هر شهر مسئول تمام امور و حفظ نظم و امنیت شهر بود. مردمان شهرها به دسته‌ها و گروه‌های مختلف تقسیم می‌شدند و گاهی به ستیز و جدال با یکدیگر می‌پرداختند. روش حفظ امنیت و جلوگیری از این برخوردها در تمامی شهرها یکسان نبود و به‌کرات اتفاق می‌افتاد که حاکم شهر برای اعمال نفوذ در قسمت‌هایی از شهر قدرت نداشت. این موضوع از نگاه اروپاییانی که در این دوران به ایران می‌آمدند نیز دور نمانده‌است؛ به‌گونه‌ای که برخی از سیاحان نقل کرده‌اند: لوطیان یا دیگر افراد در بعضی از شهرها از نظامیان دولتی بیشتر قدرت دارند و آن‌ها را به حساب نمی‌آورند (دوید، ۱۳۸۸، ص ۶۲). حاکم شهر تهران این اختیار را داشت که در صورت خروج شاه از شهر، به ارگ سلطنتی برود و از آنجا بر شهر حکومت کند (بروگش، ۱۳۸۹، ص ۱۶۳).

نیروهای انتظامی در دوره قاجار تا عصر ناصرالدین‌شاه به‌شکل سنتی و در قالب‌های زیر در شهرها و ولایات فعالیت می‌کردند:

الف. کلانتر

در حوزه وظایف کلانتران عهد قاجار، نسبت به کلانتران دوره صفوی تغییری محسوس به‌وجود نیامد. کلانتر که زیر دست بلافاصله حاکم بود، منصبی به‌جامانده از زمان ایل‌خانان بود. کلانتر رابط میان مردم و دربار بود و معمولاً کسی کلانتر انتخاب می‌شد که مقبول مردم و از افراد متنفذ محلی باشد و این خود بیانگر وابستگی حکومت به خانواده‌های متنفذ محلی بود. کلانتر از نظر موقعیت اجتماعی مقامی کشوری محسوب می‌شد و در بیشتر شهرها منصبی موروثی بود. این حقیقت از آنجا آشکار می‌شود که القاب بعضی از خانواده‌های ایرانی در شهرهای مختلف کلانتر یا کلانتری بوده‌است؛ مانند خاندان میرزاابراهیم‌خان اعتمادالدوله و خاندان قوام در شیراز، خاندان دنبلی در تبریز، خانواده میرزاقیاس کلانتر در کاشان، بازماندگان میرزا محمدرحیم حکیم‌باشی در اصفهان و...

(کیان‌فر، ۱۳۸۹، ص ۶۷).



ب. داروغه

در دوره قاجار از منصب داروغه بازار یاد شده است؛ بدین نحو که در هر بازار یک داروغه حکومت می کرد و افرادی را در اختیار داشت که به منزله پلیس بازار به شمار می رفتند (بروگش، ۱۳۸۹، ص ۲۷۳). دارنده این منصب را که نوعی مأمور پلیس خاص بود، حاکم شهر اغلب از میان یکی از خانواده های مهم محلی برمی گزید. وظایف داروغه اجرای دستورات حاکم و کلانتر یا شهردار و ختم کردن درگیری ها، نظارت بر اوزان و مقیاس ها، ایجاد نظم و ترتیب در بازار و نظارت بر اخلاق عمومی در قلمرو بازار، به ویژه نظارت بر روسپی خانه ها و مراکز فساد بود (فلور، ۱۳۶۶، صص ۶۸-۶۹).

ج. میرشب یا گزمه

میرشب (مخفف امیر شب) را رئیس نظمیه، شحنه، عَسَس، شبگرد (معین، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۴۸۹) و گزمه را شبگرد، عَسَس و پاسبان شب معنا کرده اند (معین، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۳۰۹). میرشب موظف بود افرادی را که پس از غروب آفتاب از خانه های خود بیرون می آمدند، دستگیر کند و از دزدی جلوگیری کند. او مسئول هر نوع دزدی بود و ناگزیر می بایست عین مال دزدیده شده یا معادل آن را با پول بپردازد (فلور، ۱۳۶۶، صص ۳۴-۳۵).

د. قراول

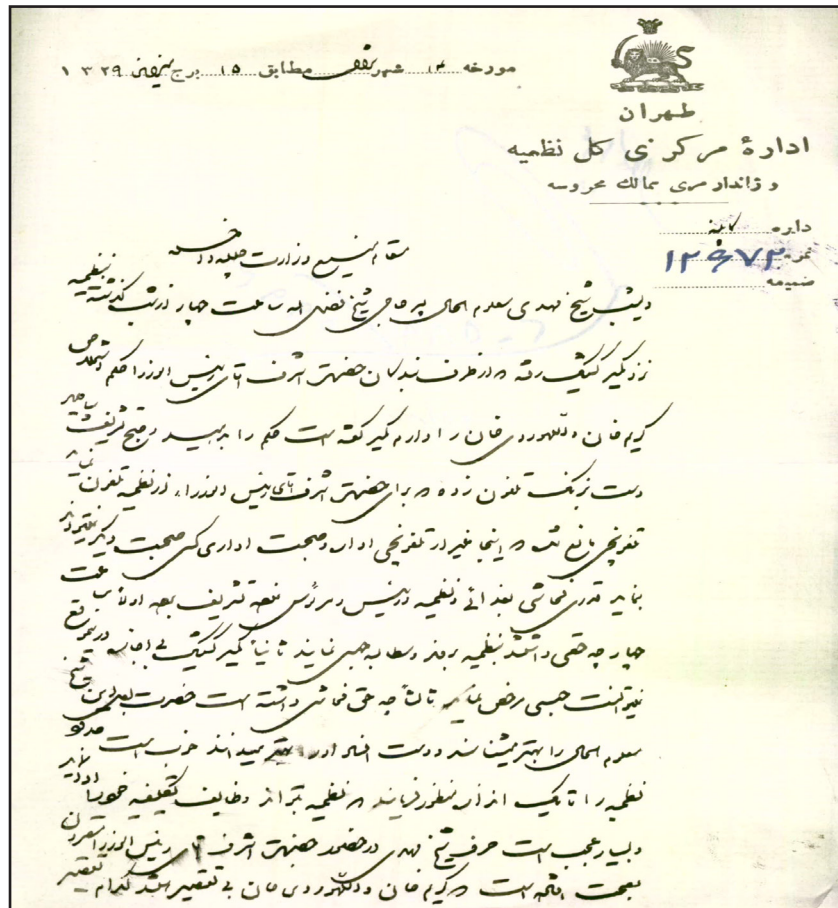
قراول به معنی نگاهبان، مستحفظ، پاسدار و دیده بانی که در برج و باروی اطراف شهر و جاده ها به مراقبت می پردازد یا سربازی که در محلی کشیک و نگهبانی می دهد آمده است (معین، ۱۳۷۱، ج ۲، صص ۲۶۵۴-۲۶۵۵). در عصر قاجار، به راهنمایی میرزاتقی خان امیرکبیر که صدارت ناصرالدین شاه را در اوایل سلطنت او برعهده داشت، در شهرها قراول خانه تأسیس شد که نگاهبانان این قراول خانه ها را قراول می گفتند. امیرکبیر در نظم و امنیت پایتخت و سایر بلاد، تعمیر و بازسازی راه ها، برانداختن رسم جور و ظلم و تاخت و تاز و چپاول و تطاول، بنای چاپارخانه و مهمان خانه و ایجاد قراول خانه، تلاشی گسترده انجام داد (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۸۴، ص ۵۱؛ ظل السلطان، ۱۳۶۲، ص ۳۱۴). سازمان انتظامی ایران در ابتدای دوره قاجار تا عصر ناصرالدین شاه ادامه همان شیوه دوره صفویان بود. هریک از محلات شهر، نیروی انتظامی خود را داشت و از نگاهبان روز، نگاهبان شب و نگاهبان بازار یاد شده است. در رأس ادارات گوناگون، شهردار، نظمیه، بیگلربیگی یا کلانتر وجود داشت (فلور، ۱۳۶۶، صص ۳۰-۳۴). نظمیه مختص دارالخلافه (تهران) بود. سلاطین قاجار به تقلید از پادشاهان صفوی، مانند سلاطین عثمانی که خود را

خلیفهٔ مسلمین و امر خود را برای مسلمانان لازم‌الاجرا می‌دانستند، داعیهٔ خلافتی مذهبی داشتند. آن‌ها به‌علت دریافت تنفیذ از طرف علما برای اعمال حاکمیت در کشور و هم‌چنین نبودن قوانین مدون عرفی، خود را مجری احکام مذهبی و ناظر بر اجرای آن احکام می‌دانستند و خود را خلیفه و پایتخت را دارالخلافة می‌خواندند (شمیم، ۱۳۷۹، ص ۱۴۷).

۳. انتظام مدرن در عصر قاجار

تا سال ۱۲۵۶ ش/ ۱۲۹۴ ق یعنی تاریخ دومین سفر ناصرالدین‌شاه به اروپا از تأسیس اداره‌ای مدرن به‌نام پلیس نشانه‌ای در دست نیست. هم‌چنین اداره‌ای که امور انتظامی تهران و شهرهای بزرگ را به‌صورت متمرکز زیرنظر داشته بوده باشد نیز قابل‌مشاهده نیست. تشکیلات نظمیه اولین‌بار به‌سبب پلیس غربی به دورهٔ ناصرالدین‌شاه و سفر فرنگ او و آمدن «کنت دومونت فورت» به ایران برمی‌گردد. ناصرالدین‌شاه در سفر دوم خود به فرنگ وقتی از شهر وین بازدید کرد، خیلی تحت‌تأثیر نظم و ترتیب پلیس وین قرار گرفت و از امپراتور اتریش خواست تا افسری را برای آموزش ایجاد چنین نظمیه به ایران اعزام کند. دولت اتریش نیز کنت دومونت فورت را معرفی کرد؛ او در سال ۱۲۹۵ ق/ ۱۲۵۷ ش به ایران آمد (تهرانی شفق، ۱۳۸۱، ص ۹۳). ظاهراً شخص نامبرده سروان ایتالیایی فراری از وطن بود (حکیمی، ۱۳۷۴، ص ۵۰). پس از تدارک مقدمات کار، نخستین تابلو نظمیه تهران، در سردر عمارتی واقع در ابتدای خیابان الماسیه (باب همایون) نصب شد. نظمیه در دوران کنت از نظر تابعیت سازمانی جزو دوایر سازمان حکومت تهران بود و از این‌رو تمام اخبار به اطلاع کامران‌میرزا نایب‌السلطنه می‌رسید و اخبار سایر ولایات نیز از مسیر نظمیه به وزیر داخله منتقل می‌شد. در پیوند با چنین نگرشی و بر مبنای نامهٔ ارسالی ادارهٔ مرکزی کل نظمیه خطاب به وزارت جلیلهٔ داخله، نحوهٔ برخورد افراد و رجال سیاسی با اقدامات نظمیه موردانتقاد قرار گرفته و از وزارت‌خانه درخواست رسیدگی شده‌است.





سند ۱

(ساکما، ۰۰۳-۱۶۷۹-۰۰۰۳-۲۹۳)

کنت دومونت فورت پس از تشکیل پلیس، ساختار اولیه‌ای را به شرح زیر برقرار کرد:

۱. یک معاون (عباس قلی خان)؛
۲. رئیس تحقیقات و دعاوی (میرزا زین العابدین خان کاشی)؛
۳. صاحب منصب اول پلیس (عبدالحسین خان).

۱. جرج ناتانیل کرزن (۱۸۵۹-۱۹۲۵ م) از سیاستمداران و رجال معرف بریتانیا و ایران شناس بود. لرد کرزن در ۱۹۱۹ (یک سال پس از پایان جنگ جهانی اول) در زمان وزارتش در امور خارجه سیاستی را اجرا کرد که بر اثر آن نزد ایرانیان منفور شد. در آن تاریخ به اشاره او میان وثوق الدوله نخست وزیر ایران و سرپرسی کاکس نماینده دولت بریتانیا قرارداد ۱۹۱۹ به امضا رسید که مقامات انگلیسی را ناظر بر سازمان های ارتشی و دارایی ایران می کرد. او کتابی هم با عنوان «ایران و قضیه ایران» در سال ۱۸۹۲ تألیف و منتشر کرده است.

گویا لباس پلیس ایران شبیه لباس پلیس وین بوده است (ورهام، ۱۳۳۸، ص ۳۳۵). یونیفرم پلیس ایران در دوره کنت سورمه‌ای سیر با یقه بلند و بسته و دکمه برنجی شیروخورشید، با شلوار آبی کم رنگ، و کلاه‌ای از پوست با نشان شیروخورشید بوده است (تهرانی شفق، ۱۳۸۸، ص ۹۸). جرج ناتانیل کرزن^۱ در پاییز ۱۸۸۹ م/۱۲۶۷ ش به عنوان خبرنگار روزنامه تایمز به ایران آمد. او درباره وضعیت، تشکیلات و وظایف پلیس در این دوره می نویسد: این نفرات پلیس پیوسته در پاسدارخانه - که در سراسر شهر پراکنده است - دیده می شوند و اینفورم سیاه با یقه و سردست مخملی بنفش بدون شک بسیار جالب و



زیباست (کرزن، ۱۳۷۳، ص ۴۳۹). کنت در سال ۱۲۹۶ق/۱۲۵۸ش برای آنکه اداره پلیس قانون داشته باشد و مردم و افراد پلیس از وظایف اداره جدید آگاه باشند و حدود اختیارات پلیس معلوم باشد، نظام‌نامه‌ای را تنظیم کرد و به شاه تقدیم داشت. ناصرالدین شاه نظام‌نامه کنت را توشیح کرد و ضمن فرمانی به کامران میرزا نایب‌السلطنه (حکمران تهران) دستور داد که آن را اجرا کنند؛ این نظام‌نامه بعدها به کتابچه قانون کنت معروف شد (افتخارزاده، ۱۳۷۷، صص ۱۵-۱۶). کتابچه کنت یک مقدمه و ۵۸ ماده داشت که در مقدمه آن وظایف پلیس و قوانینی در زمینه توطئه علیه خانواده سلطنتی، اعمال منافی عفت، جنحه، جنایت برضد دولت و مذهب، سرقت و توهین به مأموران دولت و هم‌چنین وظایف مستخدمان و نوکران در قبال اربابانشان درج شده بود (سیفی فمی تفرشی، ۱۳۶۲، ص ۷۱). در همین دوره، شرح‌نویسی، مراسلات و گزارش‌های نظامیه روندی جدی‌تر به خود گرفت که نمونه‌ای از آن در پی می‌آید:

کارتن ✓ دو-سیه ۱۳۴۰ سنه

صفحه ۳

وزارت داخله

نظم

شماره	تاریخ	شماره کتاب محبت	شرح مرامات	ضمیمه
۴۷	۱۸۹۸	۱۹۰۲	کتابخانه شرح مرامات پلیس	
۴۷	۱۸۹۸	۱۸۲۹	کتابخانه شرح مرامات پلیس	
۴۸	۱۸۹۸	۱۹۰۲	کتابخانه شرح مرامات پلیس	
۴۹	۱۸۹۸	۱۹۰۲	کتابخانه شرح مرامات پلیس	
۵۰	۱۸۹۸	۱۹۰۲	کتابخانه شرح مرامات پلیس	
۵۱	۱۸۹۸	۱۹۰۲	کتابخانه شرح مرامات پلیس	
۵۲	۱۸۹۸	۱۹۰۲	کتابخانه شرح مرامات پلیس	
۵۳	۱۸۹۸	۱۹۰۲	کتابخانه شرح مرامات پلیس	
۵۴	۱۸۹۸	۱۹۰۲	کتابخانه شرح مرامات پلیس	
۵۵	۱۸۹۸	۱۹۰۲	کتابخانه شرح مرامات پلیس	
۵۶	۱۸۹۸	۱۹۰۲	کتابخانه شرح مرامات پلیس	
۵۷	۱۸۹۸	۱۹۰۲	کتابخانه شرح مرامات پلیس	
۵۸	۱۸۹۸	۱۹۰۲	کتابخانه شرح مرامات پلیس	
۵۹	۱۸۹۸	۱۹۰۲	کتابخانه شرح مرامات پلیس	
۶۰	۱۸۹۸	۱۹۰۲	کتابخانه شرح مرامات پلیس	
۶۱	۱۸۹۸	۱۹۰۲	کتابخانه شرح مرامات پلیس	
۶۲	۱۸۹۸	۱۹۰۲	کتابخانه شرح مرامات پلیس	
۶۳	۱۸۹۸	۱۹۰۲	کتابخانه شرح مرامات پلیس	
۶۴	۱۸۹۸	۱۹۰۲	کتابخانه شرح مرامات پلیس	

سند ۲

(ساها، ۰۰۲-۰۰۶۵۴۹-۲۹۳)



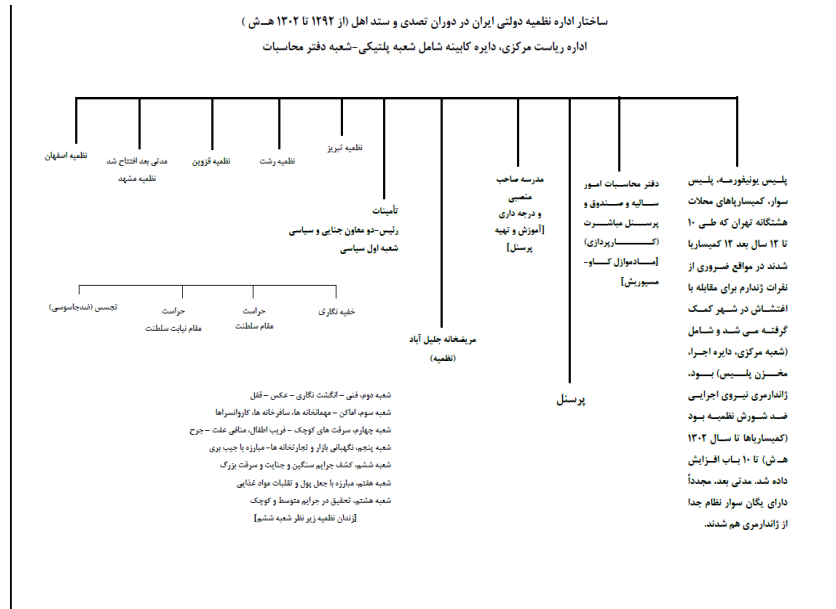
سازمان اداری پلیس در آن عصر از سازمان اداری پلیس وین تقلید شده بود و شامل اجزای زیر بود:

وزارت نظمیه؛ دفتر محاکمات وزارت نظمیه؛ دایره محاکمات و دعاوی؛ دفتر ثبت اسم و مسروقات؛ مأمور ابلاغ احکام همایونی به نظمیه؛ رئیس گردش شهر و نظم و ترتیب؛ رئیس فوج مأموران نظمیه دارالخلافه؛ رئیس دارالانشاء؛ رئیس مجلس تحقیق و استنطاق؛ منشی روزنامه جات؛ نایب اول مجلس استنطاق؛ محقق وزارت نظمیه؛ رئیس تدارکات و ملبوس (کریمیان، ۱۳۹۵، ص ۶). با توسعه شهر تهران و افزایش جمعیت، کنت بر اداره‌ها و مناصب جدید سازمان پلیس تهران افزود و در سال ۱۳۰۶ ق/۱۲۶۸ ش یعنی پس از یازده سال، ادارات زیر به تشکیلات نظمیه اضافه شدند: نایب کل اداره پلیس؛ مستشار اول اداره؛ کلاستر و مستشار اداره؛ ناظم مأموران اداره؛ داروغه بازار؛ منشی باشی اداره؛ رئیس مخزن اداره؛ منشی اطاق جنایات و منشی راپورت‌های شهر؛ (اشراقی، ۱۳۶۸، ص ۳). پس از کشته شدن ناصرالدین شاه در سال ۱۲۷۵ ش/۱۳۱۳ ق، نظمیه تهران در زمان مظفرالدین شاه به صورت وزارت خانه درآمد که البته هیچ گاه به شکل واقعی وزارت خانه نشد؛ چون فقط به شکل تشریفاتی به مسئول دستگاه نظمیه، وزیر پلیس هم می گفتند و این وزیر هیچ گاه مجاز نبود در تشکیلات حاکمیت شرکت کند (سیفی، ۱۳۶۲، ص ۱۱۶). هم‌زمان با نهضت مشروطه تا حدود سیزده سال بعد از آن ریاست پلیس شهر یا همان نظمیه برعهده ایرانیان بود. پس از اجرای فتح تهران به دست مشروطه خواهان در سال ۱۳۲۷ ق/۱۲۸۷ ش پیرم خان ارمنی از سران مجاهدین به ریاست نظمیه منصوب شد، پیرم خان تهران را به شش کمیساریا تقسیم کرد:

۱- کمیسر محله چاله میدان، گذر یحیی خان، خانه وقایع نگار؛ ۲- کمیسر محله عودلاجان، سر سه راه پامنار؛ ۳- کمیسر بازار، عباس آباد؛ ۴- کمیسر داروغه، کوچه چارسوق کوچک؛ ۵- کمیسر سنگلج، خیابان فرمان فرما؛ ۶- کمیسر ژاندارم (تهرانی شفق، ۱۳۸۸، ص ۱۰۴؛ سیفی فمی تفرشی، ۱۳۶۲، ص ۱۵۹). از آنچه در منابع نمود پیدا کرده است روشن است که در مدتی که نظمیه در دست ایرانیان بوده اقدام چشم گیری توسط نظمیه انجام نشده است. در نهایت در سال ۱۲۹۱ ش/۱۳۳۰ ق دولت به فکر افتاد تا مجدداً از افسران اروپایی برای سروسامان دادن به وضع نظمیه کمک بگیرد.

به طور کلی مستشاران خارجی در طول خدمتشان در ایران انتظام و انضباط جدیدی را در تشکیلات پلیس به وجود آوردند بانام نظمیه جدید که در آن مأموران نظمیه را پلیس می نامیدند. آن‌ها در طول مدت اقامتشان در ایران عده‌ای افسر ایرانی را نیز به خدمت گرفتند. سوئدی‌ها از سال ۱۲۹۱ ش-۱۳۰۲ ش / ۱۳۳۰ ق-۱۳۴۱ ق یعنی حدود ۱۱ سال

در ارزیابی کلی، ساختار مدرن نظمیه در دورهٔ وستداهل سوئدی شکل گرفت که نمودار آن به شرح زیر است:



شکل ۱

ساختار نظمیه دورهٔ قاجار (برگرفته از: سالور، ۱۳۵۵، ص ۲۶).

این تشکیلات نشان دهندهٔ آن است که برای اولین بار در ایران ساختاری مدرن در پلیس ایجاد شده بوده است که دارای رسمیت و تابعیت سازمانی مشخص و تشکیلاتی مشابه با ساختارهای پلیسی مدرن در دنیا و به ویژه اروپا بوده است.

۴. آغاز آموزش های مدرن انتظامی

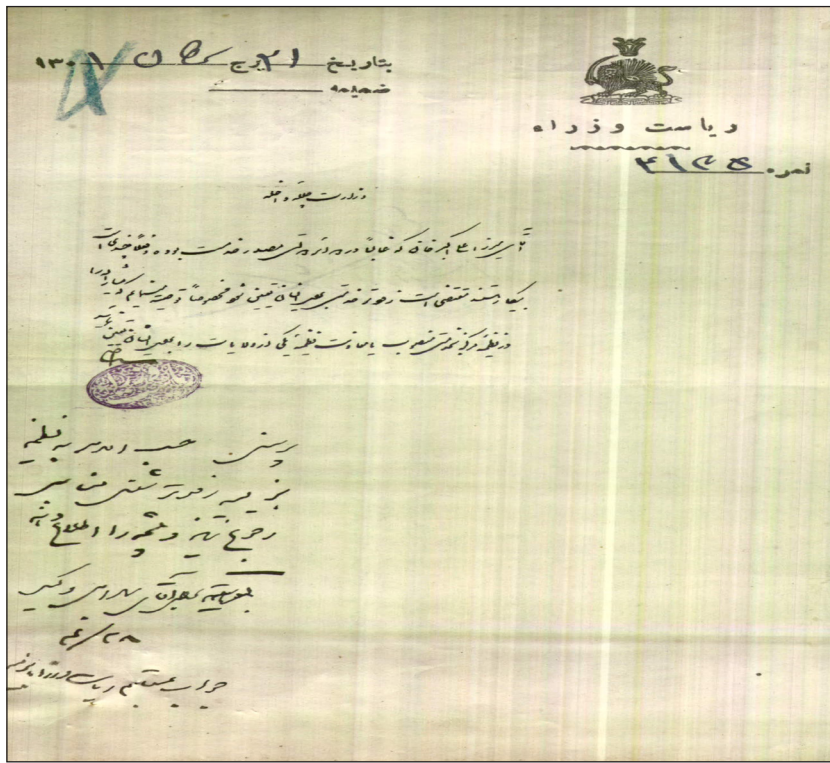
در اوایل دورهٔ قاجار و در جریان جنگ های ایران و روسیه، دولت مردان ایران بیش از پیش به ضعف های مفرط سازمان نظامی پی بردند و در صدد چاره جویی برآمدند. بدین منظور عباس میرزا چند تن از ایرانیان را برای فراگیری علوم و فنون جدید به اروپا اعزام کرد و افزون بر آن از مستشاران خارجی، از جمله از ژنرال گاردان فرانسوی دعوت کرد تا نظامیان ایران را آموزش دهد. در اقدامی بنیادی تر، میرزاتقی خان امیرکبیر، نخستین صدراعظم ناصرالدین شاه، در سال ۱۲۶۶ق/ ۱۲۲۹ش «مدرسه دارالفنون» را برای تربیت نیروی نظامی، قشون منظم و تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور تأسیس کرد. کامران میرزا نایب السلطنه فرزند دوم ناصرالدین شاه - که مسئولیت وزارت جنگ ایران را به عهده داشت - در سال ۱۳۰۳ق/ ۱۲۶۵ش «مدرسه نظام» دیگری، مانند دارالفنون، بنا نهاد. این



مدرسه تا اوایل انقلاب مشروطیت فعال بود و سرانجام به مدرسه «کادت» تبدیل شد (یکرنگیان، ۱۳۸۴، صص ۸۳-۸۴). وقتی از مدارس نظامی صحبت می‌شود روشن است که منظور تربیت نیروی نظامی برای قشون ارتش است و تا آن زمان آموزش نیروی نظامی (نظمیه، شهربانی) هنوز شکلی مستقل نداشته‌است.

در دوره مظفرالدین‌شاه، هنگامی که سرهنگ چرنوزویوف فرماندهی بریگاد قزاق را به‌عهده داشت، در سال ۱۲۸۲ش/۱۳۲۱ق مدرسه‌ای نظامی برای فرزندان افسران این بریگاد تشکیل شد که پس از تبدیل بریگاد قزاق به دیویزیون قزاق، این آموزشگاه به‌نام مدرسه دیویزیون قزاق نامیده شد. این مدرسه ابتدا پنج کلاس داشت؛ ولی در سال‌های ۱۲۹۳ و ۱۲۹۴ش / ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳ق کلاس‌های ششم و هفتم نیز به آن افزوده شد. مدرسه یادشده به دو شعبه تقسیم شد و شعبه بالا برای فرزندان افسران و شعبه پایین برای فرزندان درجه‌داران اختصاص یافت. در سال ۱۲۸۹ش/۱۳۲۸ق ژنرال وادبولسکی مدرسه دیگری به‌نام «مدرسه افراد» برای فرزندان قزاق‌ها تأسیس کرد. فارغ‌التحصیلان این آموزشگاه با درجه گروهبانی در پادگان‌ها در قسمت «صف» خدمت می‌کردند. هم‌چنین در سازمان قزاق آموزشگاه دیگری تأسیس شد به‌نام «اوپچینی کامان» که افزون‌بر فرزندان قزاق‌ها، افراد کم‌سواد را هم می‌پذیرفتند و آموزش می‌دادند (علی‌بابایی، ۱۳۸۲، صص ۲۲۲-۲۲۳). فرماندهان سوئدی ژاندارمری به نظام‌مندشدن قوای انتظامی ایران توجه ویژه داشتند. بخشی از این توجه تشویق نیروها از مسیر وزارت داخله بود. برای نمونه دو سند تأیید تشویق از مسیر وزارت جنگ برای فرماندهی انتظامی و درخواست والی وقت بنادر و جزایر خلیج فارس خطاب به نظمیه کل کشور برای تشویق رئیس نظمیه بنادر و جزایر خلیج فارس در پی آمده‌است.





سند ۸

(ساکجا، ۰۰۶۵۴۹-۰۰۲۴ ۲۹۳)

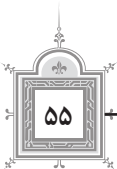
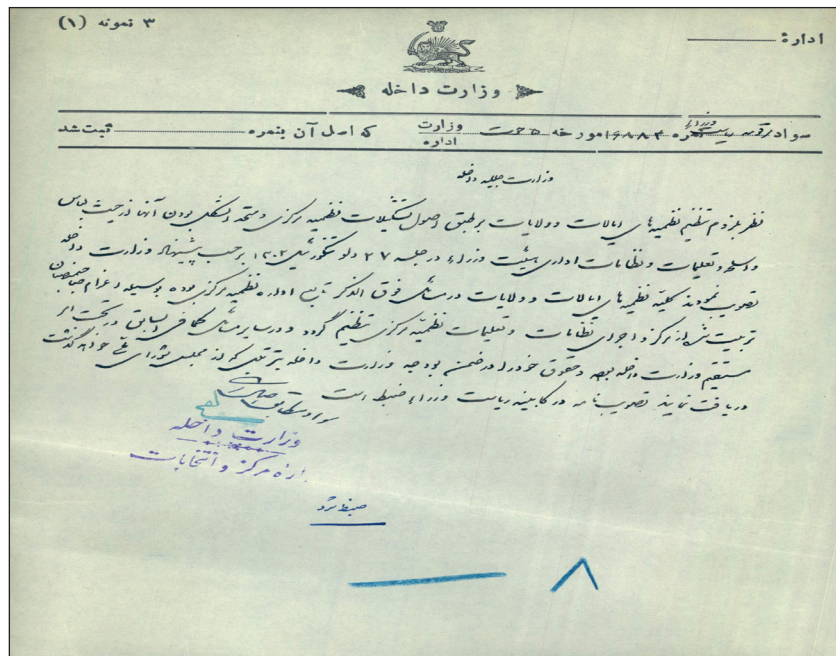
۵. تأسیس ژاندارمری

تحولات دوره مشروطه و تصویب قانون تأسیس ژاندارمری توسط مجلس دوم (۱۲۹۰ش/۱۳۲۹ق) نشانگر تلاش مهمی بود که به دست نمایندگان ملت ایران برای ایجاد قوای انتظامی ملی قدرتمند و پاسخگو در برابر مقامات دولت ایران انجام شد. در نخستین سال‌های مشروطیت، نیاز به نیروی نظامی متمرکز و کارآمدی که بتواند مشروعیت دولت مرکزی را در سرتاسر ایران تثبیت کند عمیقاً احساس می‌شد. تحولات دوره مشروطه موجب شد تا مشکلات ناشی از نبود نیروی مسلح قابل اعتماد بیش از پیش نمایان شود. تأسیس ژاندارمری دولتی تاحدودی در پاسخ به فشار انگلیس انجام شد و در طول سال‌های اولیه، این نیرو همواره از حمایت انگلیس مطمئن بود. البته ژاندارمری پس از مشورت‌هایی بین سه دولت روسیه، انگلستان و ایران تأسیس شد. لیکن در آن زمان هیچ شرطی مبنی بر تعیین تعداد نفرات و یا مناطق مجاز فعالیت این نیروی جدید تعیین نشد. دولت ایران امیدوار بود که ژاندارم‌ها مجاز باشند وظایف محوله را در سراسر کشور انجام دهند (کرونین، ۱۳۸۳، ص ۵۲). در مجموع ژاندارمری دولتی ایران



از هنگام تأسیس تا ۱۳۴۰ق/۱۳۰۱ش که جزو ارتش متحدالشکل شد، چهار دوره متمایز را به شرح زیر از سر گذرانند:

- ۱- دوره پیدایش و شکل گیری (۱۳۲۹-۱۳۳۲ق/ ۱۲۹۰-۱۲۹۳ش)؛
 - ۲- دوره تزلزل و بلا تکلیفی (۱۳۳۳-۱۳۳۴ق/ ۱۲۹۴-۱۲۹۵ش)؛
 - ۳- دوره ای که ژاندارمری امنیه خوانده می شد (۱۳۳۴-۱۳۳۶ق/ ۱۲۹۵-۱۲۹۷ش)؛
 - ۴- دوره تجدید سازمان (۱۳۳۶-۱۳۴۰ق/ ۱۲۹۷-۱۳۰۱ش) (قائم مقامی، ۱۳۵۵، ص ۱۲۲).
- بنیان گذار اولین واحد ژاندارمری، مورگان شوستر آمریکایی بود که از سوی دولت به عنوان خزانه دار کل استخدام شده بود و امور مالی کشور زیر نظرش قرار گرفته بود. او برای وصول کامل مطالبات دولتی، سازمان اجرایی نظامی ای را به نام «ژاندارمری خزانه (۱۹۱۱م/ ۱۲۸۹ش)» تأسیس کرد. اقامت او در ایران و اقدامات اصلاحی اش چند ماهی بیشتر طول نکشید و با اولتیماتوم روس و قبول آن از طرف دولت ایران، شوستر ایران را ترک کرد و در پی آن ژاندارمری خزانه هم منحل شد (شمیم، ۱۳۷۹، ص ۵۷۷؛ شوستر، ۱۳۶۵، صص ۸۹-۹۰). ماده ۳۵ تشکیل ایالات و ولایات قانون اساسی مشروطه، حاکمان را موظف کرده بود تا امنیت، جان و مال اهالی را در شهرها و دهات و نیز در راهها حفظ کنند (مجموعه قوانین، بی تا، ص ۴۲). بررسی سند وزارت داخله درباره تشکلات نظامیه در کشور و تشریح وظایف و متحدالشکل شدن آن مؤید چنین مطلبی است.

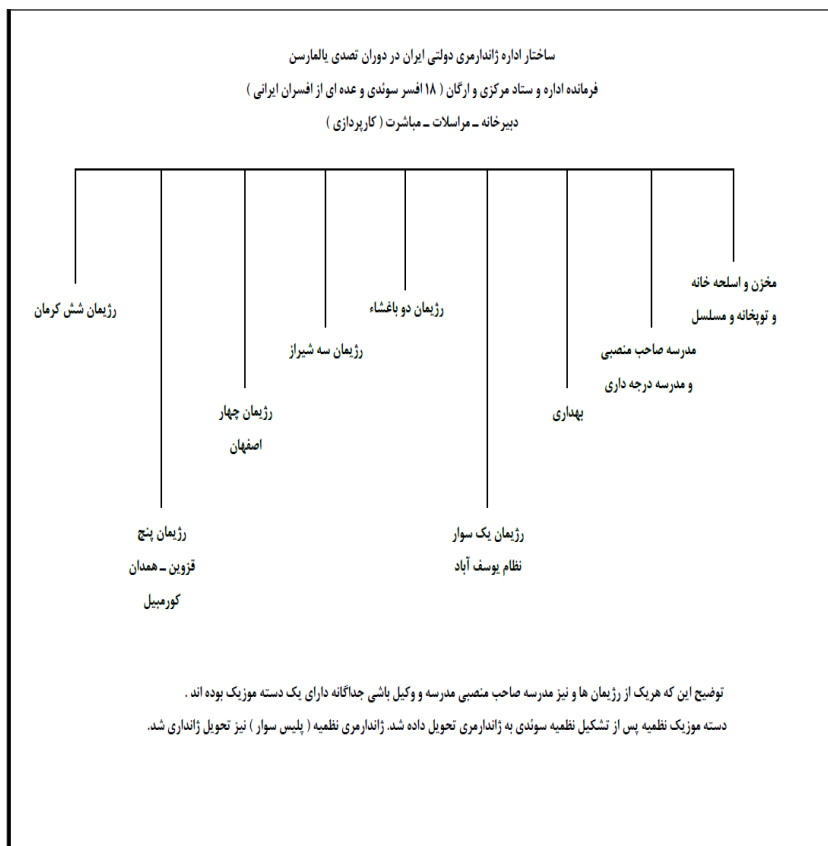


مدّت کوتاهی پس از به‌توپ‌بستن مجلس هرج‌ومرج آغاز شد و سردرگمی از نبود قدرت مرکزی چنان شد که نه‌تنها حاکمان محلی از تأمین امنیت فراماندند، بلکه در مرکز مملکت هم کار به‌جایی رسید که یکی از روزنامه‌ها در این‌باره نوشت: «تجارت اصفهان به‌کلی مسدود شده‌است؛ چراکه از اصفهان به هر نقطه بخواهید بروید، دزد پشت دزد ایستاده است. مال‌التجاره سهل است، پُست دولتی و کاغذ خشک‌وخالی هم به‌سلامت عبور و مرور نمی‌کند».

با توجه به این تهدیدات سرانجام دولت ایران تصمیم گرفت ژاندارمری دولتی را تأسیس کند و برای انجام این مقصود به کشورهای ایتالیا، آلمان، فرانسه، سوئیس و سوئد پیشنهاد داد که برای این کار مستشار نظامی در اختیار ایران قرار دهند. از بین این کشورها سوئد جواب مثبت داد و در نهایت پس از تصویب طرح استخدام مستشار از خارج هیئت افسران سوئدی به ریاست سرهنگ یالمارسون به ایران آمدند و ژاندارمری دولتی را پایه‌گذاری کردند (نخجوان، ۱۳۵۴، ص ۱۷۲). دولت سوئد از میان افسران داوطلب خدمت در ژاندارمری سه نفر را انتخاب و به وزارت خارجه ایران معرفی کرد. این سه افسر سروان هارولد اوسیان یالمارسون و ستوان هوگو اوسکار شلدبران افسران پیاده و ستوان کارل ژاکوب کارلسو پترسن افسر سوار ارتش سوئد بودند که پس از امضای قراردادشان با سفیر ایران در پاریس، عازم تهران شدند. شالوده اصلی ژاندارمری دولتی بر ژاندارمری خزانه پایه‌گذاری شد که پیشتر شوستر برای وصول مالیات‌ها ایجاد کرده بود (نوروزی فرسنگی، ۱۳۸۵، ص ۹۶).



یالمارسون سوئدی اولین ساختار مدرن ژاندارمری را به شکل زیر طراحی کرد:



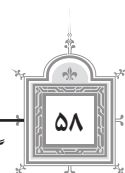
شکل ۲

اولین ساختار مدرن ژاندارمری در
دوره قاجار (برگرفته از: قائم مقامی،
۱۳۵۵، ص ۱۴۰).

از مهم ترین مشکلات دولت ایران پس از تشکیل ژاندارمری تأمین هزینه های فراوان تجهیزات و حقوق نیروهای آن بود. در سال ۱۳۲۹ق/۱۲۹۰ش دولت لایحه ای تصویب کرد و به موجب آن مبلغ ۵۸۳٬۷۳۰ قران در راستای استخدام بیست صاحب منصب سوئدی به وزارت جنگ پرداخت کرد (استادوخ، کارتن ۳۳، پرونده ۲۳). افسران سوئدی با وجود اینکه تعدادشان از پنجاه نفر تجاوز نمی کرد، در تمام درگیری های نظامی شرکت می کردند و حتی چند نفر از آنها نیز در راه انجام وظیفه کشته شدند. سوئدی ها در مدت کمتر از پنج سال هشت هزار افسر و درجه دار برای ژاندارمری ایران تربیت کردند. انضباط نظامی سوئدی ها به گونه ای بود که به جرئت می توان گفت نیروهای نظامی ایران کمتر مستشارانی را با این پایه از وظیفه شناسی و دلسوزی به خدمت گرفته است (یکرنگیان، ۱۳۸۴، ص ۱۵۶). تشکیلات ژاندارمری در بین مردم و نخبگان شهری اعتبار و ویژه های

داشت. این محبوبیت دلایل چندی داشت؛ از جمله اینکه افسران و مرئیان سوئدی مأمور کشوری بودند که برخلاف روس‌ها و انگلیسی‌ها مطامع استعماری در ایران نداشت. آنان در گزینش داوطلبان دقت فراوانی به خرج می‌دادند و با استخدام افراد قادر به خواندن و نوشتن و نیز کوشش در تربیت صحیح آنان به‌زودی نیروهای نظامی‌ای تدارک دیدند که با داشتن سواد، شجاعت، وطن‌پرستی و انضباط از دیگران متمایز شدند. این تشکیلات که با تصویب مجلس ایجاد شده بود، از مشروعیت قانونی برخوردار بود و برخلاف نیروی قزاق که عمده‌ترین قوای نظامی ایران بود، به دولتی استعماری وابستگی نداشت (پیری، ۱۳۹۴، ص ۳۲). ژاندارمری دولتی ایران که برای مواجهه با گروه‌های غارت‌گر در جاده‌های اصلی، به‌ویژه در مسیر بوشهر- شیراز- اصفهان تشکیل شده بود، با وجود موفقیت‌های چشمگیری که در تأمین منافع ملی انجام داد ولی نتوانست آن‌طور که انتظار می‌رفت، موفق باشد. افسران سوئدی با مشکلات زیادی روبه‌رو شدند. ناآگاهی از اوضاع کشور ایران و همراهی نکردن دولت مرکزی برای تأمین حقوق و تجهیزات آنان و نیز وجود رشوه و اختلاس در تشکیلات ژاندارمری و مخالفت و کارشکنی دولت‌های روس و انگلیس موجب ناکامی آنان شد. دولت انگلیس نیز وقتی فهمید نیروهای ایرانی ژاندارمری قصد دارند از این تشکیلات خارج شوند، چون این نیرو به‌گونه‌ای که انگلیس انتظار داشت، منافعی را در جنوب ایران برآورده نمی‌کرد، در صدد برآمد تا نقشه‌ای را اجرا کند که هم بتواند از افسران ایرانی جدا شده از ژاندارمری استفاده کند و هم منافع بازرگانی و سیاسی‌اش را در جنوب ایران تأمین کند. تعدادی از دولت‌مردان انگلیسی معتقد بودند ژاندارمری نباید از میان برود و دلیل آن را وجود قبایل راهزن در سیستان و بلوچستان و نواحی جنوب می‌دانستند. این طرح در قالب ایجاد پلیس جنوب ایران^۱ به اجرا درآمد. دولت‌های روس و انگلیس توافق کردند که امنیت داخلی ایران که تا آن زمان تنها برعهده نیروی قزاق و ژاندارمری بود، در شمال به نیروی قزاق و در جنوب به قوایی یازده‌هزار نفری از نیروهای ژاندارمری ایرانی با فرماندهی افسران انگلیسی و هندی واگذار شود. برای تأمین هزینه این نظامیان نیز بین لندن و پتروگراد توافق شد که وجوهی به‌طور مساعده در اختیار دولت ایران قرار گیرد و زیر نظارت کمیسیون خاصی مرکب از نمایندگان ایرانی، بلژیکی، روسی و انگلیسی به مصرف سربازگیری و نگهداری قوا و بعضی امور دیگر برسد (احرار، ۱۳۵۲، ص ۶۶). در اثر پیگیری‌های دولت انگلیس، سرانجام پلیس جنوب جایگزین ژاندارمری در مناطق جنوبی ایران شد. پلیس جنوب با وجود قتل و غارت‌هایی که انجام داد نتوانست بیش از چند سال در برابر مقاومت و حماسه‌آفرینی‌های مردم جنوب ایران دوام بیاورد و در نهایت در سال ۱۳۴۰/ق/۱۳۰۱ش منحل شد (راضی، ۱۳۸۱، ص ۵۳).

I. S.P.R



در پی مخالفت مردم ایران با قرارداد مالی-نظامی ۱۹۱۹م دولت انگلیس تمامی امکانات مادی و معنوی خود را برای تأسیس قشون متحدالشکل به کار انداخت. ادغام واحدهای ژاندارمری در وزارت جنگ که تا قبل از این به آن وزارتخانه وابسته بودند، نخستین گام در جهت تحقق این برنامه به شمار می‌رفت (علی‌بابایی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۱). از طرفی قیام افسرانی مانند لاهوتی در آذربایجان و کلنل محمدتقی خان پسیان در خراسان که هر دو از متفندان ژاندارمری بودند، سرانجام به نفع سردار سپه خاتمه یافت. به گونه‌ای که او از این قیام‌ها به عنوان حربه‌ای برای بدنام کردن ژاندارمری و برانگیختن حس بدبینی به آن استفاده کرد و موجبات ادغام ژاندارمری در قوای قزاق را فراهم کرد. تشکیلات ژاندارمری به صورت نیمه‌مستقل تا زمستان سال ۱۳۰۰ش به حیات خود ادامه داد و در این سال به کلی منحل شد و قوای مختلف و رنگارنگ ایران یکدست شد (قائم‌مقامی، ۱۳۵۵، ص ۱۹۲). بدین ترتیب ژاندارمری دولتی رسماً منحل شد و ارتش نوین متحدالشکل صورت عملی به خود گرفت. سردار سپه نیز در ۱۵ آذر ۱۳۰۰ش / ۱۳۴۰ق سرهنگ گلوپ سرپرست ژاندارمری را از کار برکنار کرد و سرهنگ عزیزالله خان ضرغامی فرمانده فوج یک ژاندارمری یوسف‌آباد را به کفالت آن منصوب کرد. نفرت و افسران ژاندارم هم تا ۱۷ دی ۱۳۰۰ش / ۱۳۴۰ق به وزارت جنگ منتقل شدند (پیری، ۱۳۹۴، ص ۴۴). با ایجاد ارتش متحدالشکل به دست رضاخان، سرانجام تمامی نیروهای رنگارنگ نظامی مشغول در کشور و از جمله ژاندارمری جذب این ارتش شدند. از این زمان به بعد تشکیلات نظامی ایران بر شالوده دیگری قرار گرفت و ساختاری متفاوت پدید آمد و امور انتظامی کشور وارد مرحله‌ای نوین شد (پیری، ۱۳۹۴، ص ۴۵).

۶. نتیجه‌گیری

در عصر قاجار ساختار، نیروهای انتظامی هم به عنوان نمادی از دنیای نوین، تحولی نسبی پیدا کرد. پادشاهان قاجار به‌ویژه از دوره ناصرالدین‌شاه برای تثبیت حکومت از قوای انتظامی سود می‌جستند. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و سندپژوهی میزان و نحوه تحولات در ساختار قوای انتظامی عصر قاجار بررسی شد.

طبق اسناد تاریخی، نیروی انتظامی در ابتدای دوره قاجار مستقل نبوده و جزئی از نهادهای نظامی بوده است. نیروی نظامی ایران پس از شکست کشور در سلسله جنگ‌های ایران و روس به سمت مدرنیزاسیون و توسعه سوق پیدا کرد و نخبگانی چون عباس میرزا، امیرکبیر، میرزا حسین خان سپه‌سالار و... به این روند سرعت بیشتری بخشیدند. در این فضا توجه به نوسازی نهادهای انتظامی و توسعه آن نیز اهمیتی فوق‌العاده پیدا کرد؛ چراکه

امنیت عمومی و حفظ و حراست از مال، جان و ناموس شهروندان به یکی از اولویت‌های نظام‌های سیاسی بدل شد؛ هرچند در اجرای آن کاستی‌های فراوانی وجود داشت. تأسیس نظمی و ژاندارمری و توجه بیش‌ازپیش به آموزش‌های نوین انتظامی به تأسی از ساختارهای مدرن و غربی پلیس و توسط افسران سوئدی، روس و انگلیسی در ایران پایه‌گذاری شد. مدرن‌سازی نیروهای انتظامی در ایران در راستای عبور از دوران سنت و ورود به دوران مدرنیته بود و در سال‌های بعد بیشتر گسترش یافت.

منبع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما):

۰۰۰۰۳-۰۰۱۶۷۹-۰۰۰۲۹۳۱؛ ۰۰۰۲۹۳-۰۰۶۵۴۹-۰۰۰۲۹۳۰۰۰۱۱۷۹-۰۰۰۳؛ ۰۰۰۲۹۳-۰۰۳۱۶۲-۰۰۰۰۸۱؛ ۰۰۰۰۴-۰۰۰۶۹۹۰-۰۰۰۲۹۳؛ ۰۰۰۲۵۳۲-۰۰۰۲۹۳؛ ۰۰۰۵۸۷۸-۰۰۰۲۹۳؛ ۰۰۰۲۴-۰۰۰۶۵۴۹-۰۰۰۲۹۳-۰۰۰۳-۰۰۰۴۹۶۲-۰۰۰۲۹۳.

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ): کارتن ۳۳، پرونده ۲۳.

کتاب

احرار، احمد. (۱۳۵۲). *توفان در ایران*. تهران: نوین.

افتخارزاده، یحیی. (۱۳۷۷). *نظمیه در دوره پهلوی*. تهران: اشکان.

بروگش، هینریش. (۱۳۸۹). *سفری به دربار سلطان صاحب‌قران*. (مهندس حسین کردبچه، مترجم). تهران: اطلاعات.

تهرانی شفق، اکبر. (۱۳۸۸). *نیروی انتظامی سه‌هزارساله ایران*. تهران: بوستان.

حکیمی، محمود. (۱۳۷۴). داستان‌هایی از عصر ناصرالدین‌شاه، چاپ هشتم، تهران انتشارات قلم.

دوبد، کلمنت اوگاستس. (بارن دوبد). (۱۳۸۸). *سفرنامه لرستان و خوزستان*. (محمدحسین آریا، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.

راضی، منیره. (۱۳۸۱). پلیس جنوب ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

سالور، سبکتکین. (۱۳۵۵). *پلیس ایران*. تهران: شهربانی کل کشور.

سیفی فمی تفرشی، مرتضی. (۱۳۶۲). *نظم و نظمیه در دوران قاجار*. تهران: یساولی (فرهنگ‌سرا).

شمیم، علی اصغر. (۱۳۷۹). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. تهران: مدبر.

شوستر، مورگان. (۱۳۶۵). *اختناق ایران*. تهران: جاویدان.

ظل السلطان، مسعودمیرزا. (۱۳۶۲). *تاریخ مسعودی*. تهران: یساولی (فرهنگ‌سرا).

علی بابایی، غلام‌رضا. (۱۳۸۲). *تاریخ ارتش ایران از هخامنشی تا عصر پهلوی*. تهران: آشنیان.



- فلور، ویلم. (۱۳۶۶). *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*. (ج ۱). (ابوالقاسم سری، مترجم). تهران: توس.
- قائم‌مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۵). *تاریخ ژاندارمری ایران از قدیمی‌ترین ایام تا عصر حاضر*. تهران: ژاندارمری کل کشور، اداره روابط عمومی.
- کرزن، جورج ناتانیل. (۱۳۷۳). *ایران و قضیه ایران*. (ج ۴). (غلام‌علی وحید مازندرانی، مترجم). تهران: علمی فرهنگی.
- کرونین، استفانی. (۱۳۸۳). *رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین*. (مرتضی ثاقب‌فر، مترجم). تهران: جامی.
- معین، محمد. (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*. (ج ۲، ج ۳، ج ۴). (ج ۸). تهران: امیرکبیر.
- ناظم‌الاسلام کرمانی، محمدبن‌علی. (۱۳۸۴). *تاریخ بیداری ایرانیان*. (ج ۷). (علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، کوشش‌گر). تهران: امیرکبیر.
- نخجوان، محمد. (امیرموتق). (۱۳۵۴). *تاریخ ارتش شاهنشاهی ایران*. تهران: ارتش.
- نوروزی فرسنگی، احمد. (۱۳۸۵). *ارتش در تاریخ و انقلاب اسلامی*. تهران: زهد.
- ورهرام، غلام‌رضا. (۱۳۶۸). *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر زند*. تهران: معین.
- یکرنگیان، میرحسین. (۱۳۸۴). *سیری در تاریخ ارتش ایران: از آغاز تا پایان شهریور ۱۳۲۰*. تهران: خجسته.

مقاله

- اشراقی، احسان. (۱۳۶۸). «پلیس عهد ناصری». *گنجینه اسناد*، دفتر دوم.
- پیری، محمد. (۱۳۹۴). «دگرگونی در ساختار نیروهای نظامی پس از مشروطه و زمینه‌گیری ارتش نوین ایران». فصل‌نامه علمی-ترویجی *مطالعات تاریخ انتظامی*، شماره پنجم، تابستان ۱۳۹۴.
- ثواقب، جهان‌بخش؛ هادی، معصومه. (۱۳۹۴). «بررسی تشکیلات انتظامی ایران و روند تغییرات آن در دوره قاجار». فصل‌نامه علمی-ترویجی *مطالعات تاریخ انتظامی*، شماره چهارم، بهار ۱۳۹۴.
- ثواقب، جهان‌بخش؛ معظمی‌گودرزی، سودابه. (۱۳۹۴). «اقدامات قاجارها در برقراری امنیت اجتماعی شهرها». پژوهش‌نامه *تاریخ اجتماعی و اقتصادی*، سال چهارم، شماره دوم، (پیاپی ۸)، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
- خسرویگی، هوشنگ. (۱۳۸۱). «مقدمه‌ای بر تشکیلات اداری و نظامی ایران در اوایل دوره قاجار (۱۳۶۴-۱۳۸۰ق)». *نامه انجمن*، ش ۶، تابستان.
- کریمیان، علی. (۱۳۹۵). «نظمیه تهران در عصر ناصری (به ریاست کنت دمونت فورث)». فصل‌نامه آرشیو ملی. سال دوم. شماره اول. شماره ۵. صص ۵۸-۷۲.
- کیان‌فر، جمشید. (۱۳۸۹). «ساختار تشکیلات حکومتی شهر تهران در نظام سنتی». *مجله فرهنگ مردم*، ش ۳۵ و ۳۶.

English Translation of References

Documents

Edāre-ye Asnād va Tārix-e Diplomāsi-ye Vezārat-e Omur-e Xārejeh(Estādox) (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs): Box 33, Folder 23.[Persian]

Sākmā(Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān) (National Library and Archives of Iran):

293-001679-0003; 293-006549-002; 290-0001179-003; 293-003162-0081; 293-006990-0004; 293-002532-0020; 290-005878-005; 293-006549-0024; 290-004962-003.[Persian]

Books

Ahrar, Ahmad. (1352/1973). *“Tufān dar Irān”* (Storm in Iran). Tehran: Novin.[Persian]

Ali Babayi, Gholamreza. (1382/2002). *“Tārix-e arteš-e Irānazhaxāmanešitā ‘asr-e Pahlavi”* (History of the Iranian army from the Achaemenid era to the Pahlavi era). Tehran: Āšiyān.[Persian]

Brugsch, Heinrich Karl. (1318/1939). *“Safari be darbār-e soltān-e sāheb-qerān”* (My life and my trips). Translated by Mohammad Hossein Kordbacheh. Tehran: Ettelā’āt. [Persian]

Curzon, George Nathaniel. (1373/1994). *“Irān va qazie-ye Irān”* (Persia and the Persian question) (vol. 4). Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. Tehran: ‘ElmiFarhangi. [Persian]

Cronin, Stephanie. (1387/2008). *“Rezāšāh va šeklgiri-ye Irān-e novin”* (The making of modern Iran: State and society under Riza shah 1921 - 1941). Translated by MortezaSaghebfar. Tehran: Jāmi. [Persian]

DeBode, Clement Augustus (Baron DeBode). (1388/2009). *“Safarnāme-ye Lorestān va Xuzestān”* (Travels in Luristan and Arabistan). Translated by Mohammad Hossein Ariya. Tehran: ‘ElmivaFarhangi.[Persian]



- Eftekharzadeh, Yahya. (1377/1998). "Nazmiyedardowre-ye Pahlavi" (Police in Pahlavis epoch). Tehran: Aškān.[Persian]
- Floor, Willem. (1366/1987). "*Jostār-hā-yiaz̄tārix-e ejtemā'ee-ye Irān Jeld-e 8: San'atīšodan-e Irān va šureš-e Šeīx Ahmad Madani*" (Industrialization in Iran and the revolt of Shaikh Ahmad Madani) (vol. 1). Translated by Abu Al-Ghasem-Serri. Tehran: Tus. [Persian]
- GhaemMaghami, Jahangir. (1355/1976). "*Tārix-e žāndārmeri-ye Irānazqadimi-tarinayyāmtā 'asr-e hazer*" (The history of Iran's gendarmerie from the earliest days to the present day). Tehran: Žāndārmeri-ye Koll-e Kešvar (Iranian Gendarmerie).[Persian]
- Moeen, Mohammad. (1371/1992). "*Farhang-e Fārsi*" (Persian dictionary) (vols. 2, 3 & 4) (8th ed.). Tehran: Amir Kabir.[Persian]
- Nakhjavan, Mohammad (Amir Movassagh). (1354/1975). "*Tārix-e arteš-e šāhanšāhi-ye Irān*" (History of the imperial army of Iran). Tehran: Arteš.[Persian]
- Nazem Al-EslamKermani, Mohammad Ibn Ali. (1384/2005). "*Tārix-e bidāri-ye Irāniyān*" (The history of the awakening of Iranians) (7th ed.). Edited by Ali Akbar Sirjani. Tehran: Amir Kabir.[Persian]
- NowrouziFarsangi, Ahmad. (1385/2006). "*Artešdartārix va emqelāb-e eslāmi*" (Army in the history Islamic revolution). Tehran: Zohd.[Persian]
- Salour, Saboktagin. (1355/1976). "*Polis-e Irān*" (Iranian police). Tehran: Šahrbanī-ye Koll-e Kešvar.[Persian]
- SeifiFamīTafreshi, Morteza. (1362/1983). "*Nazm va nazmiyeh dar dowrān-e Qājāriyeh*" (Order and police in the Qajar era). Tehran: Yasāvoli (Farhangsarā). [Persian]
- Shamim, Ali Asghar. (1252/1873). "*Irān dar dowre-ye saltanat-e Qājār*" (Iran during the reign of Qajar). Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Shuster, William Morgan. (1365/1986). "*Extenāq-e Irān*" (The strangling of Persia). Tehran: Jāvidān. [Persian]
- Tehrani Shafagh, Akbar. (1388/2009). "*Nīru-ye entezāmi-ye se-hezār sale-ye Irān*"

- (Iran's 3,000-year-old police force). Tehran: Bustān.[Persian]
- Varahram, Gholamreza. (1378/2009). *“Tārix-e siyāsivaejtemā’ee-ye Irāndar ‘asr-e Zand”* (The political and social history of Iran in the Zand period). Tehran: Mo’een.[Persian]
- Yekrangian, Mirhossein. (1384/2005). *“Seiridartārix-e arteš-e Irān: Azāqāztāpāyān-e Šahrivar-e 1320”* (Reza Shah and the modern Iranian army). Tehran: Xojasteh. [Persian]
- Zell Al-Soltan, Masoud Mirza. (1362/1983). *“Tārix-e Mas’udi”* (Masoudi History). Tehran: Yasāvoli (Farhangsarā).[Persian]

Articles

- Eshraghi, Ehsan. (1368/1989). “Polis-e ‘ahd-e Nāseri” (Police in Naser Al-Din Shah era). *Ganjine-ye Asnād*, 2.[Persian]
- Khosrobeigi, Houshang. (1381/2002). “Moqaddame-ee bar taškīlāt-e edārivanezāmi-ye Irāndaravāyel-e dowre-ye Qājār (1364 – 1380 AH)” (An introduction to the administrative and military organizations of Iran in the early Qajar period (1364-1380 AH / 1785 to 1826)). *Name-ye Anjoman*, 6, Summer.[Persian]
- Kianfar, Jamshid. (1389/2010). “Sāxtār-e taškīlāt-e hokumati-ye šahr-e Tehrāndarnežām-e sonnati” (Structure of the government organizations of Tehran city in the traditional system). *Majalle-ye Farhang-e Mardom*, 35 & 36.[Persian]
- Piri, Mohammad. (1394/2015). “Degargunidarsāxtār-e niru-hā-ye nezāmi pas azmašrutehvazamine-giri-ye arteš-e novin-e Irān” (Transformation in the structure of the post-constitutional military forces and the grounding of the new Iranian army). *Fasl-nāme-ye ‘Elmi-Tarviji-ye Motāle’āt-e Tārix-e Entezāmi* (Journal of Police Historical Studies), 5, Summer 1394/2015.[Persian]
- Savagheb, Jahanbakhsh; & Hadi, Masoumeh. (1394/2015). “Barresi-ye taškīlāt-e entezāmi-ye Irānvaravand-e taqyirāt-e āndardowre-ye Qājār” (Investigation of Iran's police organization and its changes during the Qajar period). *Fasl-nāme-ye ‘Elmi-Tarviji-ye Motāle’āt-e Tārix-e Entezāmi* (Journal of Police Historical

Studies), 4, Spring 1394/2015.[Persian]

Savagheb, Jahanbakhsh; & Moazzami Goudarzi, Soudabeh. (1394/2015). "Eqdāmāt-e Qājār-hādarbarqarāri-ye amniyat-e ejtemāee-ye šahr-hā" (Measures taken by Qajars to establish social peace and security in cities). *Pažuheš-nāme-ye Tārix-e Ejtemā'eva Eqtesādi* (EcoSocial History studies), 4(2), series no. 8, Fall 1394/2015, & Winter 1394/2016.[Persian]

Vezaei, Ali. (1383/2004). "Polis-e jonubvambārezā-e mosalmānān-e jonub-e Irān 'alayh-e este'mār-e Engelis" (Southern police and the struggles of Muslims in southern Iran against British colonialism). Tehran: *Našriye-ye Jomhuri-ye Eslāmi*. [Persian]





The battle in "Shalir Valley" (Operation Valfajr 4)

Kiyomars Feysi¹ | Nasrollah Pourmohammadi-Amlashi² | BagherAli Adelfar³

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract

Purpose: Operation Dawn 4 launched in 1983 by Hamzeh Seyed Al-Shohada Headquarters in Marivan region. The army of Iran changed the tactics of warfare from the plains to the mountains. In this research, first we investigated the reasons for the opening of the Northwest Front and the importance of the area of operation from a tactical point of view, then considered the process of the operation, and finally looked into its achievements and success factors.

Method and Research Design: Research method is historical analysis; so archival records and administrative correspondence of Iran-Iraq War were described and analyzed to find out the goals and motivation of Iranian military experts and commanders in designing and implementing Operation Dawn 4 and its result.

Findings and conclusions: Findings show that Operation Dawn 4 was carried out with the aim of reducing the pressure on the southern fronts, destroying the army camps of the counter-revolutionaries, having a reliable defense line, and quick access from Marivan to Baneh. As a result, parts of Sulaimaniyah province and Garmak garrison were occupied. Moreover, Marivan and some military bases of the area were safe.

Keywords: Iran-Iraq War; Holy Defense; Shalir Valley; Marivan; Operation Dawn 4.

Citation: Fayzi, K., Pourmohammadi-Amlashi, N., & Adelfar, B. (2022). The battle in "Shalir Valley" (Operation Valfajr 4). *Ganjine-ye Asnad*, 32(3), 66-108 | doi: 10.30484/ganj.2022.2948

1. PhD Student of History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, (Corresponding Author)
kyoumars.feizi@gmail.com

2. Associate Professor, Department Of History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran
poormohammadi@ikiu.ac.ir

3. Associate Professor, Department Of History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran
badelfar@ikiu.ac.ir

Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«127»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2022.2948

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No.3, Autumn 2022 | pp: 66 - 108 (43) | Received:16, May, 2021 | Accepted: 24, Aug, 2021

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

نبرد در «دره شلیر»^۱ (عملیات والفجر ۴)

کیومرث فیضی^۲ | نصرالله پورمحمدی املشی^۳ | باقرعلی عادل فر^۴

چکیده:

عملیات والفجر ۴ را سال ۱۳۶۲ قرارگاه عملیاتی حمزه سیدالشهدا (ع) در منطقه مریوان اجرا کرد. با این عملیات نیروهای مسلح ج.ا. ایران تاکتیک جنگ را از دشت به کوهستان تغییر دادند.

هدف: در این پژوهش ابتدا به چرایی گشایش جبهه شمال غرب و اهمیت تاکتیکی منطقه عملیات والفجر ۴، سپس به چگونگی روند این عملیات و عوامل موفقیت آن و درنهایت به دستاوردهای عملیات می‌پردازیم.

روش/ رویکرد پژوهش: پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی است و با روش تحلیل تاریخی، با تکیه بر اسناد و مکاتبات دوران جنگ، در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که اهداف کارشناسان و فرماندهان نظامی ایران از طراحی و اجرای عملیات والفجر ۴ چه بود و این عملیات چه نتایجی داشت؟
یافته‌ها و نتیجه گیری: عملیات والفجر ۴ با هدف کاهش فشار بر جبهه‌های جنوب، انهدام پایگاه‌ها و عقبه ضدانقلاب، برخوردارشدن از خط پدافند مطمئن، و دسترسی سریع از مریوان به بانه انجام شد. در نتیجه این عملیات، بخش‌هایی از استان سلیمانیه و پادگان گرمک در دهانه شلیر به تصرف درآمد. علاوه بر این، شهر مریوان و مراکز حساس نظامی اطراف آن، از زیر آتش توپ‌خانه دشمن خارج شد و زمینه وحدت کردهای معارض با حکومت مرکزی عراق (طالبانی و بارزانی) با دولت ایران و استفاده از آن در عملیات‌های آتی فراهم شد.

کلیدواژه‌ها: جنگ ایران و عراق؛ دفاع مقدس؛ دره شلیر؛ مریوان؛ والفجر ۴.

استناد: فیضی، کیومرث، پورمحمدی املشی، نصرالله، عادل فر، باقر علی. (۱۴۰۱). نبرد در «دره شلیر» (عملیات والفجر ۴)، *گنجینه اسناد*، ۳۲(۳)، ۶۶-۱۰۸ | ۱۰۸-۶۶، ۲۰۲۲، ۲۹۴۸ | doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲، ۲۹۴۸

۱. (salir): اسم کردی دخترانه به معنی لاله واژگون.
۲. دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین، ایران، (نویسنده مسئول) kyoumars.feizi@gmail.com
۳. دانشیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران poormohammadi@ikiu.ac.ir
۴. دانشیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران badelfar@ikiu.ac.ir



گنجینه اسناد

۱۲۷

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ/۲۰۲۲، ۲۹۴۸

نمایه در Researchgate, Google Scholar, SID, ISC و ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۲، دفتر ۳، پاییز ۱۴۰۱ | صص: ۶۶ - ۱۰۸ (۴۳)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۲

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه و بیان موضوع

وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تغییر شرایط منطقه‌ای و سیاست بین‌المللی، عراق را به تکاپو و توسعه‌طلبی ارضی ترغیب کرد. رژیم بعثی برای دستیابی به نقشی جدید در منطقه در فضای خصومت‌آمیز آمریکا و غرب با نظام انقلابی ایران، بی‌ثباتی ناشی از انقلاب در ایران را فرصتی استثنایی برای نجات از تنگنای ژئوپلیتیک و دسترسی بیشتر به آب‌های آزاد خلیج فارس ارزیابی کرد و رسماً در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به ایران حمله کرد.

جنگ ایران و عراق هم‌زمان در سه جبهه (جنوبی، میانی، و شمالی) آغاز شد؛ ولی تلاش اصلی ارتش عراق در جبهه جنوب بود؛ زیرا جغرافیا، مسائل قومی، و موقعیت لجستیک^۱ این منطقه قدرت مانور ارتش مکانیزه عراق را افزایش می‌داد. به‌همین دلیل تمرکز اصلی ارتش عراق بر جبهه‌های جنوب بود و این موضوع باعث شد تا تحرکات نظامی ایران در جبهه‌های جنوب به‌ویژه در سال‌های میانی جنگ با بن‌بست مواجه شود. از اوایل سال ۱۳۶۲ و بعد از انجام عملیات والفجر ۱ در منطقه فکه، تغییراتی بنیادین در فرماندهی و هدایت جنگ انجام شد؛ به‌نحوی که صحنه جنگ از جنوب ایران و مقابل شرق بصره و عماره عراق، به غرب و شمال غرب ایران منتقل شد. از طرفی دامنه عملیات‌های آفندی از حالت وسیع و گسترده خارج شد و به‌صورت آفندی نیمه‌گسترده محدود شد. علاوه بر این فرماندهان ایرانی فهمیده بودند که به‌دلیل تجهیزات نظامی عراق، در دشت‌های باز امکان موفقیت چندانی ندارند و دنبال تغییر تاکتیک جنگ بودند تا بتوانند امتیازی را در جنگ به‌دست بیاورند.

در چنین شرایطی کارشناسان و فرماندهان نظامی ایران، ضمن بررسی وضعیت موجود، به این نتیجه رسیدند که جنگ را به جبهه شمال منتقل کنند. عملیات والفجر ۴، براساس همین تدبیر برنامه‌ریزی شد. این عملیات نقطه عطفی در تاریخ جنگ ایران و عراق محسوب می‌شد؛ چراکه پیامدهای سیاسی و نظامی زیادی به‌دنبال داشت و ایران توانست با همکاری کردهای معارض عراقی سلسله عملیات‌های موفقیت‌آمیز برون‌مرزی در کردستان عراق انجام دهد.

بنابراین موضوع بنیادی پژوهش حاضر پاسخ به پرسش‌های زیر است.

اهداف فرماندهان نظامی ایران از گشایش جبهه جدید و انتقال جنگ به سمت

شمال عراق چه بود؟

فرضیه: فرماندهان باهدف کاهش فشار بر جبهه جنوب، جبهه شمال غرب را

گشودند. I.logistic



علل اهمیت منطقه عملیات (منطقه کوهستانی مریوان و دره شلیر) در جنگ ایران و عراق چه بود؟
نیروهای مسلح ایران از چه تاکتیک‌هایی در عملیات والفجر ۴ بهره بردند؟

۲. پیشینه پژوهش

در بررسی ادبیات تحقیق مدنظر یعنی جنگ ایران و عراق و حوزه دفاع مقدس، پژوهش‌های نسبتاً گسترده‌ای انجام شده است؛ ولی در رابطه با اهمیت جبهه شمال غرب و اجرای عملیات‌های مختلف و موفقیت‌آمیز در مناطق غربی کشور، به‌ویژه منطقه مریوان و تورفتگی دره شلیر و موقعیت لجستیکی و نظامی آن و حضور گروه‌ها و احزاب سیاسی کرد مخالف حکومت ایران (کومله و دمکرات) در منطقه، پژوهشی موردی و تألیفی ویژه انجام نشده است. منابع زیر به جنبه‌هایی از عملیات والفجر ۴ اشاره کرده‌اند.

۱. غلام‌حسن امیریگی (۱۳۸۶) از فرماندهان عملیات والفجر ۴ در کتابی با عنوان «عملیات والفجر ۴» به شرح این عملیات پرداخته است. مطالب نویسنده به‌عنوان واقعه و فرمانده عملیات اهمیت زیادی دارد. او هدف این عملیات را فریب دادن ارتش عراق در جبهه جنوب و غافلگیر کردنش در جبهه شمال غرب می‌داند.

۲. کتاب «جنگ صدام: جنگ ایران و عراق از دیدگاه فرمانده گارد ریاست جمهوری عراق» نوشته کوین وودز^۱ و همکارانش (۱۳۹۱) در دانشگاه دفاع ملی آمریکا است. این کتاب حاصل گفت‌وگو با «ژنرال راند مجید حمدانی» فرمانده گارد ریاست جمهوری عراق در زمان جنگ است که در آن حمدانی برخی از مسائل مربوط به عملیات‌های ارتش عراق و عملیات‌های ایران در جنگ ۸ ساله را تجزیه و تحلیل کرده و نقاط قوت و ضعف دو طرف را بررسی کرده است. حمدانی معتقد است، عملیات والفجر ۴، تغییر تاکتیک ایران از دشت به کوهستان بود و با انتقال جنگ به شمال از فشار ارتش عراق بر جبهه جنوب کاسته شد.

۳. کتاب «نبردهای سال ۱۳۶۲ تا پایان سال ۱۳۶۴» تألیف یعقوب حسینی (۱۳۹۰) از افسران نظامی توپخانه در دوران جنگ است. این کتاب به نبردهای سال‌های ۱۳۶۲ تا پایان ۱۳۶۴ پرداخته است. روش گردآوری داده‌های این کتاب، میدانی (استفاده از خاطرات جمعی از رزمندگان ایرانی در دوره جنگ) است. هم‌چنین اطلاعات ارزش‌مندی هم مانند دستورالعمل‌ها، تجزیه و تحلیل پیام‌ها، دستورات و خاطرات شخصی فرماندهان و افسران عملیات‌ها در سال ۱۳۶۴ در این اثر گردآوری شده است.

1. Kevin M Woods



۳. گشایش جبهه جدید در شمال غرب کشور (ضرورت و اهداف)

شمال عراق ویژگی‌های خاصی برای عملیات داشت. حضور فعال و گسترده کردهای مخالف رژیم بعثی عراق و جغرافیای منطقه (با میانگین ارتفاع ۱۰۰۰ تا ۲۷۰۰ متر) موقعیتی مناسب برای عملیات پیاده کردها به وجود آورده بود و نیروهای ارتش عراق به راحتی نمی‌توانستند در این مناطق دفاع کنند (علایی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۸۹). در منطقه عملیات والفجر ۴ سپاه یک ارتش عراق از سد دربندی‌خان^۱ تا کوه دالامپر^۲ (مرز مشترک ایران، عراق و ترکیه) مسئولیت داشت. نیروهای رزمی این سپاه شامل دو لشکر ۷ و ۱۱ (منها)^۳ و نیروهایی مردمی از مردم کردستان عراق موسوم به «فرسان»^۴ بود (علاماتی، ۱۳۹۷، ص ۹۶). گستردگی جبهه شمال و حضور نیروهای مردمی که در جنگ کلاسیک کارایی لازم را نداشتند، فرصت مناسبی را برای انجام عملیات در این منطقه فراهم کرده بود.

فرماندهان ارتش و سپاه پاسداران ایران به این نتیجه رسیده بودند که جبهه‌های جنوب، برای ابتکارات جدید و اجرای عملیات موفق مناسب نیست و ایران در حفظ ابتکار عمل در این منطقه به بن‌بست رسیده است. آب‌وهوای گرم و نامساعد، تمرکز نیروهای عراقی و... بخشی از مشکلات پیشروی نیروهای ایران در جبهه جنوب بود (اردستانی، ۱۳۹۰، ص ۵۵)؛ بنابراین ج.ا. ایران باهدف به دست آوردن ابتکار عمل و دستیابی به اهداف ارزشمند نظامی در داخل عراق، جبهه شمال غرب را در دستور کار خود قرار داد (علایی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۳۶؛ جعفری، ۱۳۹۱، ص ۹۴) و با هدف بهره‌گیری از ظرفیت کردهای مخالف عراق، قرارگاه رمضان را تشکیل داد و تقویت کردهای شمال عراق را شروع کرد (حق‌پناه، ۱۳۸۷، ص ۱۵۲). به طوری که از سال ۱۳۶۲ به بعد پیش‌مرگ‌های کرد عراقی به جای تماس مستقیم با وزارت دفاع ایران، با قرارگاه رمضان در ارتباط بودند و خود را برای جنگ‌های نامنظم و چریکی علیه ارتش عراق آماده می‌کردند (الخرسان، ۲۰۰۱م، ص ۲۶۶).

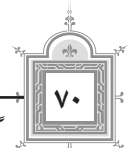
بعدها (سال ۱۳۶۵) فرمانده وقت سپاه پاسداران در رابطه با ضرورت گشایش جبهه شمال می‌گوید: «از عملیات کربلای ۵ ما در جنوب به بن‌بست رسیدیم... در ادامه کربلای ۵، عملیات کربلای ۸ را انجام دادیم و به طور کلی میدان نبرد در منطقه کربلای ۵ را آزمایش کردیم... دیگر هیچ آبی نبود که ما در منطقه جنوب از آن عبور نکرده باشیم. لذا همه این مسائل دست به دست هم داد که جنوب دیگر تمام شده است؛ بنابراین وارد جبهه شمال شدیم» (درودیان، ۱۳۹۰، ص ۱۸۰). بدین ترتیب کارشناسان نظامی ایران به این نتیجه رسیدند تا سرزمینی را برای طرح عملیات خود انتخاب کنند که اولاً با استفاده از جغرافیای طبیعی منطقه، توازن نظامی را به نفع خود تغییر دهند، ثانیاً ارتش عراق

1. Darbandikhan

2. dalamper

۳. لشکری که از لحاظ نیروی نظامی و تجهیزات لازم دارای استعداد کامل نیست.

۴. فرسان: به معنای مردان جنگ‌جو و اسب‌سوار و اصطلاحاً نیروی چریکی.



کارایی چندانی در آن منطقه نداشته باشد و بدین طریق بتوانند از تک‌جبهه‌ای پرهیز کنند (علایی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۲).

بنابه گفته ژنرال حمدانی فرمانده گارد ریاست جمهوری عراق، یکی از علل مهم تغییر تاکتیک ایرانیان آن بود که فرماندهان ایرانی فهمیده بودند که در دشت‌های باز جنوب امکان موفقیت چندانی ندارند؛ بنابراین دنبال رویکردی بودند که بتوانند از طریق آن حرکت نیروهای زرهی ما را با مشکل مواجه کنند. به همین دلیل سعی کردند نبرد را به دره‌ها و مناطق کوهستانی صعب‌العبور بکشانند. عملیات والفجر ۴ هم براساس این تاکتیک جدید، در منطقه کوهستانی مریوان انتخاب شد (وودز، ۱۳۹۱، ص ۱۱۶).

البته گشایش جبهه شمال غرب به این معنا نبود که جبهه جنوب رها شود، بلکه عملیات‌های شمال غرب برای منحرف کردن دشمن از جبهه جنوب و در نتیجه پشتیبانی از جبهه جنوب بود. در این راستا هاشمی رفسنجانی درباره گشودن جبهه جدید می‌گوید: «... تصمیم گرفتیم در شمال غرب هم عملیات کنیم؛ زیرا دشمن در جنوب خیلی هوشیار بود و آمادگی کامل داشت، ولی در نقاط دیگر ضعیف بود و امکان عملیات موفق هم برای ما وجود داشت. این عملیات‌ها می‌توانست پشتیبان ما در جنوب باشد... لذا تصمیم گرفتیم در کردستان عراق پیشروی کنیم. فکر کردیم باید نفت کرکوک را تهدید کنیم...» (حق‌پناه، ۱۳۸۷، ص ۱۵۲).

در جمع‌بندی کلی مهم‌ترین عوامل گشایش جبهه جدید در شمال غرب را به صورت زیر می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱. ضرورت تداوم جنگ و ممانعت از رکود آن؛
۲. حفظ ابتکار عمل در برابر عراق؛
۳. گشودن جبهه جدید علیه نیروهای عراق در شمال با هدف پراکنده کردن آن‌ها در جنوب؛
۴. گرفتن فرصت از عراق تا یافتن راهکاری مناسب در جنوب.

۴. اهمیت منطقه عملیات از نظر جنبه‌های تاکتیکی

قبل از عملیات والفجر ۴ قسمت عمده منطقه مرزی در قسمت شمالی و جنوبی شلیر در کنترل احزاب مخالف حکومت ایران (کومله و دمکرات) و در اشغال نیروهای عراقی بود. در این محور برخی تپه‌های مهم مرزی در منطقه حاج‌عمران و هم‌چنین ارتفاع ۱۸۶۴ قوچ‌سلطان (مشرف بر مریوان) به تصرف ارتش عراق درآمده بود (السامرای، ۱۳۸۸، ص ۷۳). این مناطق مراکزی مناسب برای جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات

برای ارتش عراق محسوب می‌شد و آن‌ها در مناطق مرزی مریوان اقدامات تحریک‌آمیز نظامی را در دستور کار خود قرار داده بودند. «... گزارش فرمانداری مریوان مبنی بر پرتاب یک گلوله توپ از جانب خاک عراق به داخل قریه بایوه ایران و تیراندازی مأمورین مرزی عراق به سوی قریه مذکور [بود] که به مجروح شدن یکی از اتباع ایران منجر شده [بود]» (ساکماهمدان، ۰۰۹۵۵۵۰۰۰۵-۲۹۳-۹۱).

به‌طور کلی علت اهمیت «مریوان» در جنگ ایران و عراق را می‌توان به‌صورت زیر بیان کرد:

الف. موقعیت جغرافیایی

مریوان به‌علت هم‌مرز بودن با عراق، در معادلات نظامی و سیاسی ایران و عراق موقعیتی ژئوپلیتیکی^۱ و ژئواستراتژیک^۲ داشت و سیطره بر مناطق عملیاتی آن به‌ویژه پیشرفتگی شلیر به‌منزله تحت فشار قرارداد طرف مقابل بود. پیشرفتگی شلیر که جزو قلمرو عراق محسوب می‌شود در بین مریوان و بانه به‌عمق [به‌طول] ۵۰ کیلومتر و عرض ۱۵ کیلومتر به‌صورت پیکانی در داخل خاک ایران فرو رفته‌است (حسینی، ۱۳۹۰، ص ۲۲۱).

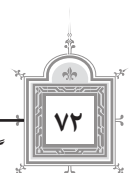
این منطقه به‌دلیل موقعیت مرزی و وضعیت توپوگرافیک^۳ (کوهستانی)، به‌ویژه همجواری با مناطق شمال بین‌النهرین و پالایشگاه کرکوک، و تسلط عراق بر ارتفاعات آن، به‌منابۀ دیواری امنیتی برای محافظت از شریان اقتصادی بغداد عمل می‌کرد. از این رو عراق در طول جنگ، به شیوه‌های مختلف کوشید تا از تقویت و تداوم نفوذ ایران در این مناطق بکاهد؛ به‌گونه‌ای که سپاه یکم خود را برای حفظ امنیت جبهه شمال غرب، تجهیز و آماده کرده بود. در مقابل ایران هم با تسلط بر مناطق عملیاتی مریوان می‌توانست با به‌خطر انداختن موقعیت جبهه شمالی عراق از فشار حملات بغداد به نواحی نفت‌خیز جنوب در خوزستان بکاهد و از کاهش صادرات نفت خودش جلوگیری کند.

ب. پوشش جنگلی

پوشش گیاهی (جنگلی) ارتفاعات حوالی مریوان عبور و مرور از مرز را آسان می‌کرد (نامی و عزتی، ۱۳۹۱، ص ۲۴۸). سردار رستگارپناه از فرماندهان سپاه کردستان درباره تأثیر عوارض زمین (کوهستان و جنگل) در منطقه مریوان می‌گوید: «... در تاریکی شب، نقاطی هست که شاید صد نفر، دو یست نفر آدم هم بتوانند از بین دو پست دیده‌بانی که فاصله مثلاً ۱۰۰ متر دارد، رد شوند و دیده نشوند» (صادقی، ۱۳۸۹، ص ۴۱۹).

البته بدون تیم شناسایی و بلدچی عبور از جنگل‌های منطقه مرزی مریوان به‌ویژه در

1. Geopolitics
2. Geostrategic
3. Topographic



شب دشوار بود و باعث سردرگمی می‌شد. امیربگی نیز حادثه ناگوار واژگونی اتومبیل تیم اطلاعات و شناسایی لشکر ۱۴ امام حسین در شب ۶۲/۷/۲۹ را ناشی از پوشش جنگلی منطقه و ابتکار عمل نیروهای عراقی در این شرایط می‌داند (امیربگی، ۱۳۸۶ صص ۶۰-۶۱). به نظر می‌رسد که هدف ایران در عملیات والفجر ۴، غافلگیری دشمن با استفاده از شیوه تک شبانه بدون روشنایی بوده‌است. در این نوع تک، بدون کشف شدن می‌توان به خط احتمالی گسترش رسید (سلمانی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۵۵)؛ هرچند که نبود بلدچی موجب سردرگمی و در مجموع عدم موفقیت نیروها در این مرحله از عملیات شد.

ج. پیشرفتگی شلیر

پیشرفتگی شلیر، در عملیات پدافندی و آفندی اهمیت ویژه‌ای داشت. پدافند در امتداد این پیشرفتگی مستلزم طرح‌ریزی دقیق و همه‌جانبه در شانه‌های شمالی و جنوبی بود؛ چراکه نیروهای آفندی عراق تا زمانی که موفق نمی‌شدند عرض پیشرفتگی را توسعه دهند، قادر نبودند به داخل خاک ایران پیشروی کنند؛ بنابراین نگهداری نیروی احتیاط کافی و آماده با هدف ضربه‌زدن به جناحین و عقبه دشمن مستقر در پیشرفتگی شلیر برای ایران ضروری بود.



شکل ۱

موقعیت دره شلیر

علاوه بر این، پیشرفتگی شلیر به داخل خاک ایران فاصله زمینی دو شهرستان مریوان و بانه را طولانی تر کرده بود. در قسمت غربی سرچشمه زرینه رود هم یکرشته ارتفاعات بلند جزو خاک عراق بود؛ بنابراین منطقه مریوان که در ناحیه پست تر از دره شلیر واقع شده بود وضعیت نظامی غیرمناسبی داشت. این منطقه به کلی کوهستانی و پوشیده از جنگل عملیات نظامی را با مشکل مواجه می کرد (نامی و عزتی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۴). مهم ترین ارتفاعات این منطقه، سورن، سورکوه، کانی مانگا^۱ و ارتفاعات زله^۲ (کله قندی) است. هم چنین شهر پنجویین^۳ که شهری نظامی به شمار می رود در دامنه این ارتفاعات قرار گرفته است. ارتفاعات زله بر پنجویین مشرف است و پادگان گرمک در نزدیکی دهانه شلیر واقع شده است. غلام علی رشید از فرماندهان ارشد نظامی در رابطه با اهمیت عملیات والفجر ۴ می گوید: هدف عملیات والفجر ۴، قطع پیشرفتگی عراق در دهانه شلیر بود که در یک طرف آن ارتفاع سورکوه و در طرف دیگر آن ارتفاع سورن قرار داشت و آنچه در این پیشرفتگی ارزش داشت شهر پنجویین بود که از مریوان بزرگ تر بود و در حد شهرستان بود (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۱۲۷۳۰/پ ن).

د) جایگاه سیاسی و نظامی

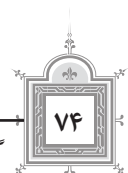
فضای ملتهب سیاسی و ظهور احزاب و گروه های متعدد در مناطق مختلف کشور در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، آشوب و هرج و مرج را بر کل مملکت حاکم کرده بود. مریوان به عنوان یکی از شهرهای مرزی یکی از کانون های فعالیت معارضان کرد علیه جمهوری اسلامی بود. این تنش های سیاسی و نظامی داخلی در کنار تهاجم خارجی روزهای سختی را برای مردم شهر و طرف های درگیر رقم زد.

همجواری مریوان با کردستان عراق و شهر سلیمانیه به عنوان خاستگاه اصلی حزب یه کیتی،^۴ مخالف بغداد بر پیچیدگی اوضاع جنگی در این مناطق می افزود. اختلافات احزاب و معارضان کرد با حکومت های متبوع خود زمینه را برای افزایش تنش و انجام عملیات های متعدد در این نواحی از سوی بغداد و تهران ایجاد می کرد.

عراق در منطقه شمال غرب ایران با نگرانی از معابر وصولی مریوان-پنجویین و نوسود-حلبچه، یک لشکر را برای تأمین امنیت مناطق نفتی کرکوک و کنترل معارضان کرد عراقی آرایش کرده بود. حکومت صدام با اتکا به نیروهای مخالف حکومت ایران در این منطقه (کومله و دمکرات) در صدد بود تا با درگیر کردن بخشی از نیروهای ایران، از عملیات ارتش عراق در جنوب پشتیبانی کند (درودیان، ۱۳۸۷، ص ۲۵).

1. Kani Manga
2. Zelah
3. Penjwin

۴. (Yekitiya) همان حزب ملی گرای کرد (اتحادیه میهنی کردستان) در منطقه اقلیم کردستان عراق است. اتحادیه میهنی کردستان در سال ۱۹۷۵ تأسیس شده است. رهبر این حزب ابتدا جلال طالبانی بود.



۵. تشکیل قرارگاه مقدم عملیاتی مشترک حمزه سیدالشهداء مریوان

پس از تصویب عملیات والفجر ۴ در دهانه شلیر در بهار ۱۳۶۲، مسئولیت اجرای این عملیات به قرارگاه حمزه سیدالشهداء ارومیه واگذار شد؛ ولی بعد از مدتی به علت کثرت مأموریت‌های داخلی و خارجی این قرارگاه، در روند آماده‌سازی عملیات والفجر ۴ مشکلاتی پدید آمد. برای رفع این مشکل در اواسط مرداد ۱۳۶۲، قرارگاهی با عنوان قرارگاه تاکتیکی حمزه با هدف تسریع در سیر آماده‌سازی عملیات در منطقه مریوان تشکیل شد و مسئولیت اجرای عملیات دهانه شلیر به آن واگذار شد. علی‌رضائیان از سپاه و سرهنگ امیریگی از ارتش به‌عنوان فرماندهان قرارگاه حمزه معرفی شدند؛ ولی هم‌چنان کار آماده‌سازی عملیات والفجر ۴ به‌کندی پیش می‌رفت. یکی از دلایل این کندی آن بود که مسئولان واحدهای ستادی قرارگاه، اغلب از میان افرادی انتخاب شده بودند که بیشتر در مقابله با بحران‌های امنیتی به‌ویژه کنترل ضدانقلاب در منطقه کردستان شرکت داشتند و برخلاف عناصر جبهه جنوب سابقه کمتری در زمینه اجرای عملیات‌های منظم داشتند. ضعف عملیاتی این مسئولان، در کندی روند آماده‌سازی عملیات در منطقه مریوان تأثیر زیادی داشت (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۵/۲۸۲). سرانجام از روز ۶۲/۵/۱۹ پاسگاه اصلی قرارگاه، در پادگان مریوان با حداقل امکانات موجود سازمان‌دهی شد و شناسایی مقدماتی روی زمین و نقشه آغاز شد (امیریگی، ۱۳۸۶، صص ۲۸-۲۹).

۶. تهیه طرح عملیاتی و آماده‌سازی یگان‌ها

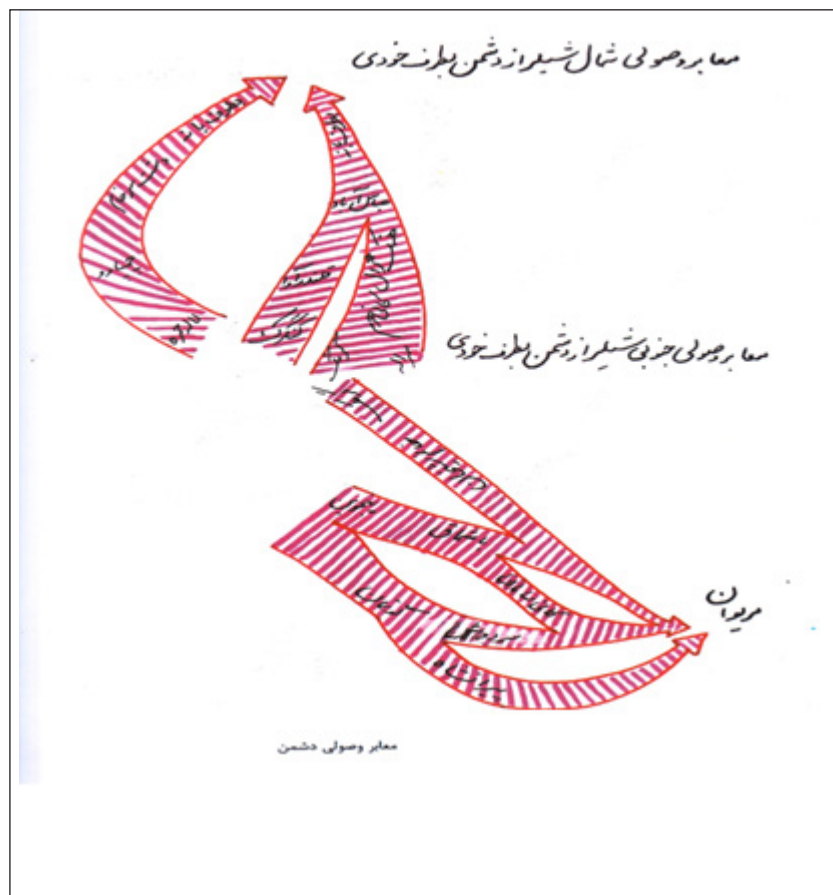
فرماندهان و کارشناسان نظامی با توجه به موقعیت جغرافیایی منطقه مریوان سه محور را برای عملیات مطرح کردند:

۱. محور دره شلیر؛
۲. محور کوه سورن؛
۳. محور مارو-بوخلان.

برخی از فرماندهان در زمینه محور اول معتقد بودند که به‌علت استقرار تمام واحدهای توپخانه و احتیاط دشمن در پشت ارتفاع سورن، نیروهای عراقی قادر نیستند از طریق شلیر-پنجوین پاتک کنند و با تصرف ارتفاعات کانی مانگا و کوه لری، راه دشمن به سمت داخل شلیر خودبه‌خود بسته می‌شود (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: سند شماره ۵/۲۸۲؛ سند شماره ۱۲۹۰۰/پ ن). از سوی دیگر، مصطفی ایزدی فرمانده قرارگاه حمزه سیدالشهداء، اولویت را به محور مارو-بوخلان می‌داد و ادامه عملیات روی کانی مانگا و حرکت به طرف شمال را به عملیات در بین پنجوین-مارو متکی می‌دانست (مرکز

مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۱۳۱/گ). غلام علی رشید به دلیل معایب محور مارو—بوخلان، برای محور دره شلیر اهمیت بیشتری قائل بود و از سوی دیگر عقیده داشت نیروهای خودی توانایی ندارند روی ارتفاعات سورن عملیات انجام دهند (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۱۳۱/گ). خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) نیز اجرای عملیات روی کوه سورن را بسیار سخت ارزیابی می کرد.

در نهایت به دلایلی نظیر مشکلات جاده سازی، تهیه تدارکات، و احتمال شدت نبرد و پاتک شدید دشمن در منطقه سورن، اجرای عملیات روی کوه سورن متفی شد. انجام عملیات در دره شلیر به دلایلی نظیر مناسب بودن منطقه به لحاظ تاکتیکی، کثرت جاده ها و معابر، جناح دهی کمتر نیروهای خودی به دشمن و... دارای تضمین بیشتری بود و اجرای آن آسان تر به نظر می رسید؛ بنابراین انجام عملیات در دره شلیر در دستور کار فرماندهان قرار گرفت.



شکل ۲

معابر وصولی ارتش عراق

یگان‌های اولیه شرکت‌کننده در عملیات عبارت بودند از: لشکر ۸ نجف اشرف و لشکر ۱۴ امام حسین (ع) از سپاه ولشکر ۲۸ کردستان از ارتش با استعداد کلی و برآورد ۶۰ گردان، متشکل از ۴۵ گردان سپاه و ۱۵ گردان ارتش. هم‌چنین لشکر ۳۱ عاشورا و گردان ۳۰۰ به استعداد منطقه افزوده شد و پیش‌بینی شد امکانات اضافی هوایروز منطقه مهران و دهلران در منطقه عملیاتی والفجر ۴ به کار گرفته شود و مقرر شد طرح عملیات در سه مرحله اجرا شود (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد شماره ۱۲۷۸۰/پ ن؛ ۱۲۸۹۹/پ ن). هم‌چنین لشکرهای ۲۷ محمد رسول‌الله و ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب و لشکر ثارالله نیز در این عملیات حضور داشتند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۷، ص ۲۳۵).

۷. استعداد و توانایی‌های دشمن در منطقه

ارتش عراق برای هدایت نیروهای خود در طول جنگ با ایران سه سپاه تشکیل داده بود که لشکرها به صورت قرارگاه مقدم برای هدایت یگان‌ها عمل می‌کردند. در منطقه عملیات والفجر ۴، سپاه یک ارتش عراق به فرماندهی نعمه فارس قرار داشت و هدف آن جداسازی ارتباط کردهای مخالف رژیم بعثی با ایران، پشتیبانی از احزاب ضدایرانی کومله و دمکرات و استفاده از آن‌ها در ناامن نگه‌داشتن شمال غرب ایران و هم‌چنین تأمین امنیت منطقه نفت‌خیز کرکوک در مقابل حمله احتمالی ایران بود (علاماتی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۰).

هم‌چنین عراق قادر بود با استفاده از پایگاه‌های هوایی کرکوک، بغداد و سایر پایگاه‌های خود روزانه با ۱۰۰ الی ۱۵۰ سورتی پشتیبانی و ۲۰ سورتی شناسایی عملیات خود را پشتیبانی کند. علاوه‌براین قادر بود با استفاده از امکانات موشکی زمین‌به‌زمین مناطقی را در عمق ۳۰۰ کیلومتری خاک ایران هدف قرار دهد که توانایی این کار ۵ الی ۱۵ موشک در شبانه‌روز بود (امیربیگی، ۱۳۸۶، صص ۳۴-۳۵).

قرارگاه عملیاتی نیروی زمینی ارتش در برآورد اطلاعاتی شماره ۱ خود در دهم شهریورماه استعداد و توانایی عراق در منطقه را چنین برآورد کرد. لشکر ۴ پیاده کوهستان (زیرمجموعه سپاه یکم ارتش عراق) با ۱۴ یگان در منطقه‌ای به شرح زیر گسترش پدافندی دارد:

۱. تیپ ۴۲۴ در ارتفاعات سورن؛
۲. تیپ ۹۶ پیاده در توتمان؛
۳. گردان کماندویی المهدی در جنوب پنجوین؛
۴. تیپ ۲۹ پیاده در شرق پنجوین؛
۵. تیپ ۵۰۴ در شمال شرقی پنجوین؛



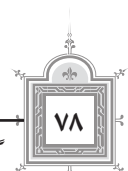
۶. گردان ۶ مستقل در ارتفاعات خالوزه؛
۷. گردان کماندویی لشکر ۴؛
۸. تیپ ۲۴۱ در براله؛
۹. تیپ ۴۲۸ در گرمک؛
۱۰. گردان مستقل مقداد؛
۱۱. تیپ ۶۰۱ در ارتفاع لری؛
۱۲. یک گردان از تیپ ۵ در ارتفاع لری؛
۱۳. تیپ ۱۰۵ در سورکوه؛
۱۴. تیپ ۶۰۹ از سورکوه تا ماووت (حسینی، ۱۳۹۰، ص ۲۲۴).

۸. نقاط برجسته و ضعف ارتش عراق

تجزیه و تحلیل مدارک و اسناد غنیمتی از عراق نشان می‌دهد که سازمان‌های اطلاعاتی و ارتش عراق از شایستگی نسبی برخوردار بوده‌اند؛ زیرا عراق به‌موقع از مقاصد و نیات ایران آگاه می‌شده است. آن‌ها از ترتیب نیروهای ایرانی اطلاعات تقریباً کاملی به‌دست آورده بودند و حتی به تاریخ و زمان تک نیروهای ایران هم پی برده بودند. اقدامات تاکتیکی عراق برای شناسایی و کسب اطلاعات، شامل گشتی‌های رزمی و شناسایی‌های هوایی و استفاده از عوامل دیگر از قبیل استفاده از جاسوسان، عوامل مخالف نظام، خبرچینان داخلی و خارجی و تجزیه و تحلیل اقدامات داخلی ایران از قبیل آماده‌شدن برای عملیات بود.

نقاط برجسته عملیاتی عراق عبارت بود از: آرایش‌های دفاعی زمینی؛ تحکیم بسیار عالی مواضع؛ بهره‌گیری از ترکیب مواضع طبیعی و مصنوعی؛ کارایی بسیار خوب یگان‌های مهندسی رزمی؛ تحرک بسیار خوب با توانایی در جابجایی سریع یگان‌ها و عملکرد نسبتاً خوب یگان‌های زرهی؛ اجرای پاتک‌های سریع و مکرر؛ و اجرای آتش‌های سنگین و طولانی توپ‌خانه و بمباران‌های شدید هوایی؛ و... (امیربیگی، ۱۳۸۶، ص ۴۰).

نقاط ضعف عراق عبارت بود از: کارایی ضعیف پیاده‌نظام؛ ازهم‌پاشیدگی سریع سیستم فرماندهی و عدم کنترل در مقابل هجوم‌های توأم با غافلگیری؛ ضعف در مقابله با تهدیدهای جناحی؛ اتکاء بیش‌ازحد به خاک‌ریزها و مواضع پدافندی که با اولین رخنه در آن‌ها نیروهای عراقی دست از مقاومت برمی‌داشتند؛ در طرح عملیاتی والفجر ۴، لشکر ۴ کوهستانی عراق که در برابر قرارگاه عملیاتی مشترک حمزه سیدالشهداء ایران عمل می‌کرد، بیش‌ازحد گسترش یافته بود و حدود ۲۰ یگان متفرقه را اداره می‌کرد که این امر لشکر را از نظر کنترل و هدایت، ضعیف و آسیب‌پذیر کرده بود؛ تمرکز توپ‌خانه در یک منطقه



و گستردگی جبهه و تعداد جبهه‌ها، مانور واحدهای توپخانه را با سختی و محدودیت روبه‌رو کرده بود (امیریگی، ۱۳۸۶، ص ۴۰).

به‌لحاظ نیروی انسانی، برابر اطلاعات به‌دست‌آمده از بازجویی اسرا و پناهندگان و سایر منابع اطلاعاتی روحیه پرسنل ارتش عراق روزبه‌روز تنزل می‌یافت و این تزلزل و بی‌میلی برای جنگیدن و نبود انضباط معنوی و آموزش کافی و مهم‌تر از همه ترس از هجوم غافلگیرانه نیروهای ایرانی، تمایل به فرار و اسارت را در میان عراقی‌ها بیشتر کرده بود. در همین راستا دو سرباز عراقی با عبور از مرز مریوان از ایران درخواست پناهندگی کردند (کیهان، ۱۳۶۲/۶/۱۳، ص ۲۲). هم‌چنین در هشتم شهریور سال ۱۳۶۲ تعداد ۱۴ نفر از اهالی عراق از طریق مرز مریوان وارد ایران شدند (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۳۵۱۳۴۵)؛ و در پانزدهم شهریور، ۴ نفر عراقی از طریق مرز مریوان و دو نفر از اهالی کرکوک و سلیمانیه با عبور از مرز بانه و مریوان به ایران پناهنده شدند (کیهان، ۱۳۶۲/۶/۱۶، ص ۱۷).

۹. واکنش عراق به اجرای عملیات والفجر ۴

الف. بمباران‌های شدید و پیاپی مریوان؛ اهداف و انگیزه‌ها

ارتش عراق به‌دنبال آگاهی از عملیات آتی ایران در منطقه مریوان، برای پیشگیری از اجرای این عملیات، در گام نخست بمباران شهر مریوان به‌عنوان عقبه عملیات را در دستور کار خود قرار داد. ارتش عراق از ابتدای شهریور ۱۳۶۲ تا ۲۱ شهریور ۱۳۶۲ بیش از ۶۰ بار منطقه را بمباران کرد (نعمتی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۴۴۳). مهم‌ترین حملات هوایی ارتش عراق به منطقه مریوان در بازه زمانی عملیات والفجر ۴ به‌شرح زیر بود:

۱. ۱۳۶۲/۶/۸: بمباران روستاهای اطراف مریوان (شهادت ۶ نفر از جمله ۳ تن از بانوان آموزگار مدارس روستایی) (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۶۷۴۰۲)؛
 ۲. ۱۳۶۲/۶/۱۰: بمباران شدید شهر مریوان (۷۵ شهید، ۲۰۰ مجروح و وارد آمدن خسارت به ۵۰۰ خانه و مغازه) (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۳۱۸۲۷۱)؛
 ۳. ۱۳۶۲/۶/۱۵: بمباران ارتفاعات شرقی و اطراف مریوان در چند نوبت (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۳۴۳۸۷۸)؛
 ۴. ۱۳۶۲/۶/۱۷: بمباران مکرر مریوان و پادگان شهر با بمب خوشه‌ای (شهادت ۹ نفر نظامی و ۷ نفر غیرنظامی و ۵ مجروح و تخریب ۲۰ باب واحد مسکونی و ...) (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۴۴۷۹۱)؛
۵. ۱۳۶۲/۶/۱۷: گشت‌زنی جنگنده‌های عراقی در سطح شهر مریوان به‌مدت ۳۰ دقیقه

و شلیک منور با هدف شناسایی اهداف مدنظر (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۳۴۳۹۶۷)؛

۶. ۱۳۶۲/۶/۱۸: بمباران مناطق مسکونی مریوان با بمب‌های خوشه‌ای و آتش‌زا (۳) شهید، ۲۷ زخمی و تخریب بیش از یک‌هزار واحد مسکونی و بیمارستان شهر (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد شماره ۳۴۳۹۷۵؛ ۳۵۴۴۱۳)؛

۷. ۱۳۶۲/۶/۱۹: حمله هوایی به مریوان از ساعت ۹:۳۰ تا ۱۴:۳۰ با استفاده از ۱۵ فروند جنگنده نظامی که بر اثر آتش پدافند هوایی یک فروند جنگنده عراق ساقط شد (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۲۹۳/د؛ روزنامه کیهان، ۱۳۶۲/۶/۲۰، ص ۲)؛
۸. ۱۳۶۲/۶/۲۰: حملات مکرر جنگنده‌های عراقی به مریوان (۳ شهید، ۷ مجروح و وارد آمدن خسارت به بیش از ۶۰ واحد مسکونی) (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۳۴۳۹۶۴)؛

۹. ۱۳۶۲/۶/۲۱: بمباران مریوان در چهار نوبت و تخریب بیش از ۵۰ ساختمان (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۳۴۳۹۶۳)؛

۱۰. ۱۳۶۲/۷/۸: حمله هوایی به مریوان (۲ شهید و ۱۵ مجروح)؛

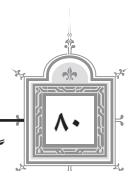
۱۱. ۱۳۶۲/۷/۱۴: بمباران مریوان (۳ شهید، ۸ مجروح)؛

۱۲. ۱۳۶۲/۷/۲۱: بمباران مریوان با جنگنده‌های میراژ (شهادت ۷ تن و مجروح شدن

۱۷ نفر) (نعمتی و همکاران، ۱۳۹۴، صص ۳۴-۳۵).

به دنبال بمباران‌های مریوان - که تقریباً هر روز تکرار می‌شد - خبرگزاری ج.ا. ایران از تخلیه تمام منازل مسکونی و تعطیل شدن برخی از ادارات این شهر و در پی آن تصمیم شورای تأمین شهرستان مریوان برای کنترل عبور و مرور در این شهر از ساعت ۷:۳۰ عصر تا ۶ صبح روز بعد خبر داد. در این گزارش ضمن اشاره به آثار هولناک بمباران‌های مکرر بیان شد که مردم مریوان برای حفظ جان خود به روستاهای اطراف پناه برده‌اند و از گرانی بعضی ارزاق در این روستاها نیز ابراز نگرانی شد (نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۷۳، ۱۳۶۲/۶/۱۸، ص ۱۱). در پی تشدید حملات هوایی عراق به مناطق مسکونی و غیرنظامی، نمایندگی ج.ا. ایران در سازمان ملل متحد، در نامه‌ای به دبیرکل این سازمان، بی‌تفاوتی مجامع بین‌المللی را از دلایل تکرار این گونه جنایات جنگی از سوی ارتش عراق برشمرد (خرمی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸). آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالی دفاع هم به دنبال حملات جنگنده‌های عراقی به مریوان و بمباران‌های شدید این شهر، پیامی را خطاب به مردم مریوان صادر کرد (صبح آزادگان، ۱۳۶۲/۶/۱۲، ص ۲).

به‌طور کلی، حملات هوایی عراق به مناطق مسکونی و نواحی اطراف شهر مریوان با



اهدافی احتمالی نظیر ناامن‌سازی عقبه منطقه عملیاتی آتی، تضعیف روحیه نیروهای ایرانی و افزایش روحیه نیروهای خودی، کاهش حمایت مردمی از ادامه راهبرد ایران مبنی بر تنبیه متجاوز، ضربه‌زدن به واحدهای پشتیبانی و توپ‌خانه و جلوگیری از فعالیت‌های مهندسی نیروهای ایران انجام می‌شد.

ب. تقویت نیروهای نظامی و استحکامات در منطقه

در گام بعدی عراق علاوه بر عملیات روانی، به تقویت نیروهای رزمی و استحکامات جبهه شمال به شرح زیر پرداخت:

۱. فعال کردن احزاب و گروه‌های مخالف در منطقه و هم‌چنین پخش کردن شایعاتی مبنی بر حمله عراق به مراکز و نقاط مرزی. برای نمونه شایع شد که ارتش عراق تا روستای کولان در دو کیلومتری شهر مریوان پیش آمده است (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۱۱۳۷۲۳).

۲. صدام حسین رئیس‌جمهور عراق، در مورخه ۱۳۶۲/۷/۱۲ در جلسه‌ای با هدف مقابله با دور جدید تهاجمات ایران (عملیات‌های والفجر) و تقویت روحیه فرماندهان و نیروهای نظامی عراق، اصول پانزده‌گانه‌ای را ابلاغ کرد. در این جلسه فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق، فرسایش نیروهای ارتش عراق را از جمله اهداف حملات ایران بر شمرد و برای اجتناب از این امر و کاهش تلفات انسانی، موارد متعددی را پیشنهاد کرد (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۳۵۴۴۱۳).

۳. تشدید تدابیر امنیتی در استان‌های شمالی (مناطق کردنشین عراق) با هدف ممانعت از همکاری کردها با جمهوری اسلامی. طبق گزارش واحد تبلیغات مجلس اعلاای انقلاب اسلامی عراق، پس از افزایش مخالفت کردهای شمال عراق با رژیم بعثی این کشور و همکاری آن‌ها با رزمندگان ایران، صدام با هدف رسیدگی به این موضوع و سرکوب معارضین کرد، مسلم الجوری، رئیس دادگاه امنیت عراق را به منطقه دهوک فرستاد و با صدور حکمی از تمام ساکنان مناطق مرزی شمال عراق خواست تا دهکده‌های خود را تخلیه کنند و به مناطق جنوبی و میانی عراق هجرت کنند (اطلاعات، ۱۳۶۲/۷/۲۰، ص ۲).

۴. بنابه گزارش قرارگاه حمزه در مریوان، ارتش عراق ۴۰ تانک به منطقه‌ای بین سیدصادق و خورمال فرستاد و تمام پرونده‌های استخبارات و دفتر منطقه خاص قیاده الثوره در پنجوین را به پادگان سیدصادق منتقل کرد تا در صورت سقوط شهر پنجوین، این پرونده‌ها به دست نیروهای ایران نیفتد (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۲۰۰۱۸).

ارتش عراق تعدادی نیرو با هویتی نامعلوم و گروهی هم از افراد جیش الشعبی را با توپ و تانک از کرکوک به منطقه پنجوین اعزام کرد و برخی از آنها را بین پایگاه‌های باسنی، شیوه گل، چمپاراو و سیدصادق مستقر کرد. عراق در مرحله اول، دور تمام پایگاه‌ها و خط چپ و راست خود را سیم‌خاردار تویی کشید و در نزدیکی ارتفاع ۱۷۱۷ (بین کله‌اسبی و کدو) در تپه‌ماهور علاوه بر سیم‌خاردار، سنگر و کانال احداث کرد (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۳۵۵۸۴۵).

ستاد منطقه ۷ سپاه، طی گزارشی در تاریخ ۶۲/۶/۲۰ دربارهٔ تحرکات نظامی عراق می‌نویسد: اعزام نیرو و انتقال تجهیزات نظامی عراق از جبهه جنوب به سمت مناطق پنجوین و سیدصادق به صورت شبانه‌روزی و در قالب کاروان‌های طولانی انجام می‌شود. در این گزارش تأکید شده است: «کلیه پادگان‌های نظامی مسیر راه از عربت به طرف حلبچه و پاسگاه‌ها و پست‌ها در دو طرف جاده‌ها و مناطق مدنظر شدیداً تقویت شده‌اند و به حالت آماده‌باش کامل جنگی درآمده‌اند» (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۶۷۴۲۸).

۱۰. اجرای عملیات

سرانجام پس از چند ماه برنامه‌ریزی، عملیات «والفجر ۴» در شب ۲۷ مهر ۱۳۶۲ در سه مرحله به شرح زیر اجرا شد:

الف. مرحله اول

۱. نخستین مرحله عملیات، تک شبانه و غافلگیرانه رزمندگان بود که پس از ده ساعت کوهنوردی ساعت یک نیمه شب به نیروهای عراق در خط‌الرأس حمله کردند و ساعت سه به اهدافشان رسیدند. همان روز عراق چندبار شهرستان‌های بانه و مریوان را بمباران کرد. در این مرحله یگان‌های لشکر ۸ نجف، لشکر عاشورا، پیش‌مرگان مسلمان گرد بومی، نیروهای گرد عراقی به‌عنوان راهنما، با تاکتیکی خاص نیروهای دشمن را منحرف کردند. به این تکنیک، جنگ الکترونیکی^۱ یا جنگال می‌گویند. عراقی‌ها طوری گمراه شدند که با نیروهای خودشان درگیر شدند (رستمی، ۱۳۹۸، ص ۱۷۹). مهم‌ترین مناطق متصرفی عبارت بودند از ارتفاعات کلو و مسعود، تپه گرمک و هفت‌توانان تا رود قزلچه و منطقه هرگینه و... (امیربیگی، ۱۳۸۶، صص ۶۵-۶۵).

هاشمی رفسنجانی در این رابطه می‌نویسد: «... به منطقه شلیر حمله کردیم که بخش وسیعی از اراضی عراق و روستاها و شهرها و پادگان‌ها و پایگاه‌هایی از آنها تصرف خواهد شد. می‌گویند تلفات ما هم خیلی کم است» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۷،

1. Electronic warfare



ص ۲۳۵). خاطرات رفسنجانی به علت جایگاه سیاسی و نظامی او در شناخت بسیاری از رویدادهای ایران به ویژه حوادث جنگ ایران و عراق اهمیت زیادی دارد؛ البته او به دلیل موقعیت سیاسی و نظامی آن زمان در بسیاری از موارد به کلی گویی رخدادها بسنده کرده است و از دادن اطلاعات بیشتر و جزئیات حوادث خودداری کرده است.

ب. مرحله دوم

در این مرحله، ویژگی های جغرافیایی منطقه بسیار تأثیرگذار بود. از ارتفاعات درهم و نامنظم این منطقه، رودخانه های متعددی سرچشمه می گیرند که به علت اختلاف ارتفاع زیاد دره هایی عمیق و شیارهایی متعدد ایجاد کرده اند. نیروهای ایران در عملیات والفجر ۴ به خوبی از این موقعیت بهره بردند. امیربگی از فرماندهان عملیات ضمن اشاره به نفوذ اکیپی از یگان ویژه همراه با گروه های جنگ نامنظم به پشت مواضع دشمن، می نویسد: «... به این نتیجه می رسند که بهترین نحوه عمل دورزدن دشمن از پشت خطوط پدافندی از طریق مسیر شیار عمیق واقع در جنوب کانی مانگا [است] که محل مناسبی برای نفوذ چندین لشکر به پشت مواضع دشمن می باشد» (امیربگی، ۱۳۸۶، ص ۷۱).

به نظر می رسد که احزاب کرد عراق (بارزانی ها) - که در این عملیات نیروهای ایران را همراهی می کردند - با توجه به شناخت منطقه، نقش اصلی را در شناسایی و انتقال نیروها به پشت مواضع دشمن داشته اند. نفوذ نیروها هم به شیوه تک شبانه انجام شد. در این شیوه، رده های تأمین دشمن دور زده شدند و حرکاتی مخفی، پوشیده و غافلگیرانه انجام شد (اصول و قواعد اساسی رزم، ۱۳۷۶، ص ۱۹۳). مرحله دوم عملیات موفقیت آمیز بود و نیروهای ایران به تمام اهداف مدنظر خود دست یافتند. از جمله ارتفاعات شاخ تارچر و کانی مانگا و روستاهای زیادی از جمله هرزله، چناره، شیخ لطیف، بادانه، نالپاریز و ... به تصرف درآمد که معمولاً اداره این مناطق به کردهای معارض حکومت مرکزی عراق واگذار می شد.

ج. مرحله سوم

در این مرحله مأموریت قرارگاه عبارت بود از تک در ساعت ۲۱:۴۵ دقیقه مورخه ۶۲/۸/۲۸ با هدف تصرف اهداف تعیین شده. ولی ارتش عراق از زمان حمله نیروی رزمی ایران باخبر بود و به محض حرکت رزمندگان، پایین ارتفاعات و داخل دره و شیارها را با انواع توپ و خمپاره و تیربارهای ضد هوایی گلوله باران کرد (امیربگی، ۱۳۸۶، صص ۸۱-۸۷). از سوی دیگر با روشن شدن هوا و آماده شدن دشمن برای واکنش شدید، امکان

به‌دام‌افتادن نیروهای خودی حتمی به‌نظر می‌رسید؛ بنابراین دستور عقب‌نشینی و بازگشت به پشت خاک‌ریزهای قبلی صادر شد (امیریگی، ۱۳۸۶، صص ۸۱-۸۷).

به‌طورکلی می‌توان گفت که مرحله سوم عملیات نتیجه‌ای نداشت و تمام نیروها مجدداً به مواضع قبلی خود بازگشتند. مهم‌ترین دلایل عدم موفقیت مرحله سوم عبارت بودند از:

۱. طولانی‌شدن عملیات و حضور مستمر و بی‌وقفه رزمندگان؛
۲. وسعت زیاد منطقه عملیات از بانی کوک تا شیخ گزنشین و شاخ تارچر به‌علت دوعارضه بودن منطقه (که از یک طرف به کوه متصل است، از سوی دیگر به دره و دشت)؛
۳. کمبود جاده‌های ارتباطی برای انجام پشتیبانی‌های رزمی؛
۴. وجود کانال‌های متعدد و میدان‌های مین ایجادشده به‌دست عراق.

۱۱. عوامل موفقیت ایران

مهم‌ترین عوامل پیروزی ایران در عملیات والفجر ۴ عبارت بودند از:

۱. اصل غافلگیری

جان کالینز^۱ در توضیح اصل غافلگیری به نکته‌ای مهم اشاره می‌کند: لزومی ندارد که دشمن کاملاً از عملیات محتمل‌الوقوع بی‌خبر باشد؛ تنها ضروری است که او دیرتر از آنکه بتواند واکنشی مؤثر نشان دهد، به اهمیت قضیه پی‌برد و آگاه شود (کالینز، ۱۳۷۳، ص ۶۷). غافلگیری چنانچه با ترکیب‌های مختلفی از پنهان‌کاری، سرعت، فریب، منحصربه‌فردبودن و جسارت تقویت شود، می‌تواند تعادل قدرت را قاطعانه جابه‌جا کند و راه دستیابی به پیروزی را با تلاشی بسیار کمتر از حد تصور هموار کند. تاکتیک اصلی ایران در عملیات والفجر ۴، غافلگیری ارتش بعثی بود. سرهنگ امیریگی در این رابطه می‌نویسد: «تکنیک این قبیل یورش‌ها به توضیح نیاز دارد و آن از این قرار است که: نیروها قبل از ساعت شروع حمله با توجه به طول معبر ایجادشده از منطقه خودی حرکت می‌کنند و قبل از اعلام آغاز تک به پای سنگرهای دشمن می‌رسند و با استفاده از غافلگیری در اختفای کامل پخش می‌شوند و منتظر اعلام آغاز تک می‌شوند که در عملیات والفجر ۴ نیز این‌گونه عمل شد» (امیریگی، ۱۳۸۶، ص ۵۵). اگرچه غافلگیری تنها یکی از شیوه‌های اجرای تاکتیک‌های نظامی است، ولی اهمیت این کار را تا سطح اصلی از اصول جنگ ارتقاء داده‌است. غافلگیری را «راه میان‌بر پیروزی» نامیده‌اند؛ زیرا در موفقیت نقشی مستقیم و بسیار اثرگذار دارد.

1. Joan Collins



۲. نقش نیروی چریکی و پارتیزان

کردهای معارض عراقی به رهبری (طالبانی و بارزانی) دو گروه مطرح در منطقه شمال عراق بودند که در توسعه و پیشرفت عملیات‌های ایران در جبهه شمال مؤثر بودند. این گروه‌ها در مدت کوتاهی اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی را در عمق خاک عراق آغاز کردند. اهداف اصلی ایران در نزدیکی به احزاب و گروه‌های کُرد عراق این بود که قوای دشمن در طول مرز تجزیه شوند و گروه‌های ضدانقلاب در شمال عراق کنترل شوند و کار شناسایی و انجام عملیات آسان شود تا عملیات‌هایی مشترک علیه رژیم بعث انجام شود. در عملیات والفجر ۴ نیروهای بارزانی علاوه بر نقش راهنما، حضوری پررنگ هم در میدان نبرد داشتند. کردهای معارض عراقی با حمایت آتش توپ‌خانه ایران و با همراهی نفرات مشترک ارتش و سپاه ایران موفق شدند از ارتفاعات کلاشین به سمت دره قادر حرکت کنند و آنجا را تسخیر کنند (Rubin, 2017, p56). لازم به توضیح است که برخلاف نظر روبین، بارزانی‌ها در عملیات والفجر ۴ بیشتر نقش راهنما داشتند و اتحادیه میهنی (طالبانی) هم در این عملیات نقشی ایفا نکرد و با حفظ مواضع خود نظاره‌گر عملیات بود؛ ولی در عملیات بعدی در شمال عراق با جمهوری اسلامی همکاری کرد.

۳. توپ‌خانه صحرائی

بالغ بر ۱۲ گردان توپ‌خانه از کالیبرهای مختلف در پشتیبانی از عملیات والفجر ۴ حضور داشتند. مرکز تطبیقی آتش‌های پشتیبانی را هم گروه ۳۳ توپ‌خانه در دره تفی (روستایی در حومه مریوان) تشکیل داده بود و هدایت آتش‌های پشتیبانی را برعهده داشت. امیریگی در کتاب خود ضمن اشاره به این موضوع می‌نویسد: «برای استفاده مناسب و خوب از تیرهای دیده‌بانی شده، با ابتکار فرماندهی نیروی زمینی تعداد ۱۰ افسر کادر و باتجربه از مرکز توپ‌خانه اصفهان به منطقه اعزام و بین گردان‌های توپ‌خانه تقسیم شد تا با طرح‌ریزی دقیق آتش در آتش‌بارهای توپ‌خانه، حداکثر آتش پشتیبانی از یگان‌های رزمی به عمل آید» (امیریگی، ۱۳۸۶، ص ۵۲). سرلشکر عراقی و فیق السامرائی در کتاب «ویرانی دروازه شرقی» در رابطه با نقش توپ‌خانه در پیروزی ایران می‌نویسد: «نیروهای ایران قدرت به‌کارگیری ماهرانه و بسیار گسترده‌ای از سلاح توپ‌خانه داشتند و افسران دیده‌بانی ایران به‌صورت بسیار شایسته آتش را هدایت و کنترل می‌کردند» (السامرائی، ۱۳۸۸، ص ۵۳).

۴. جغرافیای منطقه

مریوان از لحاظ دید و تسلط در منطقه جزء بهترین مناطق برای عملیات نظامی محسوب

می شد. درهم بودن کوهستان‌ها در هرطرف دره‌های ورودی بسیاری را به وجود آورده بود و مشجب بودن منطقه استتار کاملی را برای طرفین فراهم کرده بود؛ البته این شرایط، اشکالاتی را هم در عملیات نظامی به وجود می‌آورد (ایزدی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۳۱).
گردزمن^۱ معتقد است: «ایران از کوهستانی بودن منطقه عملیات به خوبی بهره گرفت. عراق با همه ضدحمله‌هایش و ۱۲ سورتی پرواز بالگردها و هواپیماهایش در روز نتوانست پیشروی ایرانیان را متوقف کند. ایرانی‌ها با پیشروی به سمت پنجوین، پنج اردوگاه عملیاتی حزب دمکرات کردستان ایران را هم تصرف کردند» (گردزمن و واگنر، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵).

۵. عملیات شبانه

تک شبانه اصطلاحی است در ادبیات نظامی و عبارت است از تکی که در تاریکی شب با هدف غافلگیری و فریب دشمن و اجتناب از تلفات زیاد اجرا می‌شود. امکان محروم شدن دشمن از استحکامبخشی به مواضع پدافندی و اشغال منطقه حساس از زمین برای تسهیل عملیات آتی، از ملاحظات است که امکان دارد فرمانده به علت آن تک شبانه انجام دهد (روشن و فرهادیان، ۱۳۸۵، ص ۵۸). محدودیت‌هایی که تاریکی شب، دود، مه و غبار برای دید دشمن به وجود می‌آورد، قابلیت پدافند دشمن را کاهش می‌دهد و در عوض، اغلب، امتیاز روانی فوق‌العاده‌ای را برای نیروی تکرور ایجاد می‌کند. با بهره‌برداری از وسایل دید در شب می‌توان احتمال غافلگیری دشمن را افزایش داد و امکان موفقیت را بیشتر کرد (کشاورزی، ۱۳۸۵، ص ۶۱). نیروهای رزمی ایران در عملیات والفجر ۴ از عملیات در شب بدون روشنایی به خوبی بهره بردند. استفاده از تاریکی شب و آثار روانی آن، وجود جنگل‌های انبوه در منطقه مریوان و اختفا باعث کاهش تلفات خودی و ممانعت از بهره‌برداری دشمن از توانایی‌هایش شد.

آیت‌الله رفسنجانی در خاطرات خود ضمن اشاره به موفقیت آمیز بودن عملیات، می‌نویسد: «عملیات والفجر ۴ پاسخ به تحویل سوپراتانداردهاست^۲ و اگر در آینده سلاح‌های دیگری مطرح شود، مشت‌های ما محکم‌تر خواهد شد.» او در ادامه می‌افزاید: «لازم بود در این زمان ضربه‌ای به آشیانه اصلی ضدانقلاب در غرب کردستان بزنیم و مرکز آموزش نظامی و فرهنگی عزالدین‌ها و قاسملوها و اخیراً شورای مقاومت را تصرف کنیم...» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۱۲۹؛ اطلاعات، ۱۳۶۲/۷/۲۹).

1. Cordesman Anthony

۲. اشاره (Dassault Super-Étendard): اشاره
هاشمی به تحویل جنگنده‌های فرانسوی سوپراتاندارد به ارتش عراق است. عصمت کتانی قائم‌مقام وزیر امور خارجه عراق ضمن اشاره به تحویل جنگنده‌های مذکور می‌گوید: عراق به محض کسب توانایی کافی، در متوقف ساختن صادرات نفتی ایران تردیدی به خود راه نخواهد داد. این موضوع در محافل خبری آن زمان بازتاب گسترده‌ای داشت. روزنامه واشنگتن‌پست، رادیو بی‌بی‌سی، روزنامه کویتی البیان، خبرگزاری آلمان غربی، رادیو آمریکا و روزنامه لوموند با انتشار مطالبی طرح تحویل هواپیماهای سوپراتاندارد فرانسوی و استفاده عراق از این جنگنده‌ها برای بمباران تأسیسات نفتی ایران، و تهدید ایران به بستن تنگه هرمز و احتمال گسترش جنگ دو کشور به منطقه خلیج فارس و پیامدهای آن را تحلیل کردند (بنگرید به: نعمتی و همکاران، ۱۳۹۴).



۱۲. نتیجه

عملیات والفجر ۴، از نظر وسعت آفندی نیمه‌گسترده بود و در رده عملیات‌های منظم کوهستانی دسته‌بندی می‌شود که تأثیر زیادی بر روند جنگ گذاشت. در این نبرد برخلاف اکثر نبردهای جنگ ایران و عراق، عوامل و موانع جغرافیایی نقشی تعیین‌کننده داشتند. ج.ا. ایران با تغییر تاکتیک جنگ از دشت به کوهستان، باعث پراکندگی و انتقال بخشی از ارتش عراق از جبهه‌های جنوب به جبهه شمال و در نتیجه خروج نیروهای ایرانی از بن‌بست گرفتار شده در جنوب شد. شیوه به‌کاررفته در این عملیات عبارت بود از استفاده از روش غافلگیری و تک‌شبان، هم‌چنین استفاده از آتش توپ‌خانه و استفاده از نیروهای خاص اجرای عملیات در کوهستان (چریک‌های بومی موسوم به «پیش‌مرگ» که با منطقه عملیات آشنایی داشتند).

عملیات والفجر ۴ در تحلیل کلی جنگ جایگاهی خاص داشت؛ چراکه این عملیات، آسیب‌پذیری دشمن در جبهه شمال را اثبات کرد و باعث شد که نیروهای ایران به ضعف ارتش بعثی و پاشنه آشیل عراق در جنگ واقف شوند؛ بنابراین دیگر عملیات‌های برون‌مرزی در شمال عراق با همکاری کردهای معارض عراقی در دستور کار نیروهای مسلح ایران قرار گرفت و بالغ بر ۳۵ عملیات مشترک با همکاری دو طرف انجام شد. بمباران منطقه مریوان و شهادت مردم هم نه تنها سبب واگرایی آن‌ها نشد، بلکه ایستادگی و مقاومت در برابر متجاوزان را تقویت و تثبیت کرد و باعث اتحاد و همبستگی میان مردم این منطقه با نظام اسلامی شد. این عملیات دستاوردها و تجربه‌هایی به‌شرح زیر به دنبال داشت:

الف. دستاوردهای عملیات

۱. انهدام پایگاه‌های احزاب کرد (کومله و دمکرات) و آزادسازی ۳۰۰ اسیر ایرانی از زندان آن‌ها؛
۲. فراهم کردن مقدمات عملیات‌های بزرگ در استان سلیمانیه با تصرف ارتفاعات سورکوه، زله و سورن؛
۳. اشرف بر شهر پنجوین (شهر نظامی عراق) و سیدصادق؛
۴. امکان دیده‌بانی بر روی مناطق نالپاریز و سیدصادق و اجرای آتش بر روی تأسیسات نظامی دشمن در عمق خاک عراق؛
۵. کاهش یافتن فشار دشمن بر جبهه‌های جنوب به‌علت انتقال بخشی از نیروهایش به جبهه شمال.

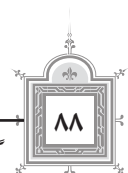
ب. تجربه‌های به دست آمده از عملیات

۱. اهمیت آمادگی نفرات در عملیات کوهستانی؛
۲. اهمیت فن نفوذ تاکتیکی؛
۳. اهمیت هوانیروز در مناطق دارای عارضه؛
۴. شکست دشمن به دلیل اتکاء بیش از حد به موانع طبیعی؛
۵. اهمیت استفاده از افسران باتجربه توپخانه در مشاغل دیده‌بانی؛
۶. اهمیت عوامل مهندسی رزمی در ایجاد جاده‌ها و مواضع کوهستانی.

منابع

اسناد و منابع آرشیوی

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی کشور مرکز همدان (ساکماهمدان): ۰۰۹۵۵۵۰۰۰۵-۲۹۳-۹۱-۱۳۷ شماره ۱۱۳۷۲۳، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: بولتن ویژه مناطق کردنشین غرب کشور، شماره ۱۳۷، ۱۳۶۲/۶/۱۵.
- سند شماره ۱۲۷۳۰/پ ن، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: جلسه بررسی وضعیت منطقه عملیات والفجر ۴، قرارگاه خاتم‌الانبیا، ۱۳۶۲/۶/۱۲، نوار شماره ۱۲۷۳۰.
- سند شماره ۱۲۷۸۰/پ ن، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: جلسه بررسی تحرکات نیروهای خودی و دشمن در عملیات والفجر ۴، قرارگاه خاتم‌الانبیا، ۱۳۶۲/۷/۹، نوار شماره ۱۲۷۸۰.
- سند شماره ۱۲۸۹۹/پ ن، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- سند شماره ۱۲۹۰۰/پ ن، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: جلسه بررسی منطقه شلیر عملیات والفجر ۴، قرارگاه خاتم‌الانبیا، ۱۳۶۲/۶/۸، نوار شماره ۱۲۹۰۰.
- سند شماره ۱۳۱/گ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: عملیات والفجر ۴، گزارش روایان قرارگاه خاتم‌الانبیا، داوود رنجبر ۱۳۶۲/۵/۲۴.
- سند شماره ۲۰۰۱۸، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: قرارگاه حمزه سیدالشهدا، ۱۳۶۲/۶/۱۲.
- سند شماره ۲۸۲/د، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: دفترچه ثبت راوی قرارگاه خاتم‌الانبیا در عملیات والفجر ۴، داوود رنجبر، ۱۳۶۲/۵/۲۴ تا ۱۳۶۲/۶/۱۵.
- سند شماره ۲۹۳/د، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: دفترچه ثبت جنگ راوی قرارگاه نجف (قبل از عملیات والفجر ۴) حسین اردستانی، ۱۳۶۲/۶/۱۵ تا ۱۳۶۲/۷/۱۱.
- سند شماره ۳۱۸۲۷۱، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش رکن ۳ قرارگاه عملیاتی شمال غرب ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۲/۶/۱۵.
- سند شماره ۳۱۸۳۳۶، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از رکن ۲ عملیاتی شمال غرب کشور به معاونت

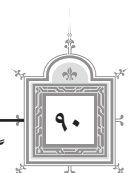


- عملیات و اطلاعات فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۲/۶/۱۰.
- سند شماره ۳۴۳۸۷۸، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از شهربانی کردستان به استانداری کردستان، ۱۳۶۲/۶/۱۶.
- سند شماره ۳۴۳۹۶۳، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن گرام ژاندارمری کردستان به استانداری کردستان، ۱۳۶۲/۶/۲۱.
- سند شماره ۳۴۳۹۶۴، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن گرام ناحیه ژاندارمری کردستان به استانداری کردستان، ۱۳۶۲/۶/۲۰.
- سند شماره ۳۴۳۹۶۷، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ناحیه ژاندارمری کردستان (رکن ۳) به فرماندهی عملیاتی قرارگاه ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران در شمال غرب، ۱۳۶۲/۶/۱۷.
- سند شماره ۳۴۳۹۷۵، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ناحیه ژاندارمری کردستان (رکن ۳) به استانداری کردستان ۱۳۶۲/۶/۱۸.
- سند شماره ۳۵۱۳۴۵، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- سند شماره ۳۵۴۴۱۳، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از فرماندهی قرارگاه حمزه سیدالشهدا (منطقه ۱۱) به فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲/۶/۲۱.
- سند شماره ۳۵۵۸۴۵، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از طرح و عملیات قرارگاه حمزه سیدالشهدا به اطلاعات - عملیات ستاد مرکزی، ۱۳۶۲/۶/۲۰.
- سند شماره ۴۴۷۹۱، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سازمان مرکزی ارتش جمهوری اسلامی ایران به دفتر امام خمینی، ۱۳۶۲/۶/۱۷.
- سند شماره ۶۷۴۰۲، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش اداره اطلاعات شهربانی جمهوری اسلامی ایران به دفتر اطلاعات و تحقیقات نخست‌وزیری، ۶۲/۶/۹.
- سند شماره ۶۷۴۲۸، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: نامه ستاد منطقه ۷ به ستاد مرکزی فرماندهی ۱۳۶۲/۶/۲۴.

کتاب فارسی

- اردستانی، حسین. (۱۳۹۰). *تنبیه متجاوز (بررسی تحولات سیاسی نظامی از تابستان ۱۳۶۱ تا فروردین ۱۳۶۷)*. (ج ۳). (چ ۴). تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- اصول و قواعد اساسی رزم، گروه زمینی*. (۱۳۷۶). دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- امیریگی، غلام‌حسن. (۱۳۸۶). *عملیات والفجر ۴*. تهران: ایران سبز.
- ایزدی و دیگران. (۱۳۸۶). *تاریخ بیست‌ساله پاسداری از انقلاب اسلامی در غرب کشور، جلد ۲*.

- اوضاع و احوال مناطق غرب و شمال غرب... تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- جعفری، مجتبی. (۱۳۹۱). *اطلس نبردهای ماندگار: عملیات نیروهای زمینی در هشت سال دفاع مقدس (شهریورماه ۱۳۵۹ - مردادماه ۱۳۶۷)*. (ج ۳۰). تهران: سوره سبز.
- حسینی، سیدیعقوب. (۱۳۹۰). *نبردهای سال ۱۳۶۲ تا پایان سال ۱۳۶۴*. تهران: ایران سبز.
- حق‌پناه، جعفر. (۱۳۸۷). *کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران.
- خرمی، محمدعلی. (۱۳۸۷). *جنگ ایران و عراق در اسناد سازمان ملل*. (ج ۲). تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- درودیان، محمد. (۱۳۹۰). *شلمچه تا حلبچه*. (ج ۷). تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- درودیان، محمد. (۱۳۸۷). *خرم‌شهر در جنگ طولانی*. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- رامشت، حسین؛ شاه‌زیدی، سمیه‌سادات. (۱۳۹۰). *کاربرد ژئومورفولوژی در برنامه‌ریزی ملی، منطقه‌ای، اقتصادی، تورسیم*. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- رستمی، رضا. (۱۳۹۸). *مربوان در جنگ*. سنندج: بنیاد حفظ و نشر آثار دفاع مقدس کردستان.
- روشن، علی‌اصغر؛ فرهادیان، نوراله. (۱۳۸۵). *فرهنگ اصطلاحات جغرافیای سیاسی - نظامی*. تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- السامرای، وفیق. (۱۳۸۸). *ویرانی دروازه شرقی*. (عدنان قارونی، مترجم). تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- صادقی، رضا. (۱۳۹۸). *تاریخ شفاهی دفاع مقدس؛ روایت حسن رستگارپناه: کردستان در بحران امنیت و محرومیت*. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- علاماتی، غلام‌رضا. (۱۳۹۷). *اسناد تبادل اسرا (جنگ تحمیلی عراق علیه ایران: ۱۳۵۹-۱۳۶۷)*. تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- علایی، حسین. (۱۳۹۱). *روند جنگ ایران و عراق*. (ج ۱، ج ۲). تهران: مرزوبوم.
- فریب‌نظامی. (۱۳۸۹). (گروه مترجمان دانشکده و پژوهشکده پدافند غیرعامل، مترجم). تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- کالینز، جان. ام. (۱۳۷۳). *استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها)*. (کورش بایندر، مترجم). تهران: دفتر مطالعات وزارت امور خارجه.
- کردزمن، آنتونی؛ واگنر، آبراهام. (۱۳۸۹). *درس‌های جنگ مدرن: جنگ ایران و عراق - جلد اول*. (حسین یکتا، مترجم). (ج ۱). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- کریمی، مرتضی؛ شاه‌زیدی، سمیه. (۱۳۹۷). *ژئومورفولوژی و آمایش دفاعی سرزمین ایران*. تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- کشاوری، تیمور. (۱۳۸۵). *فرماندهی گردان رزمی*. تهران: معاونت آموزش و تربیت ناجا.



معین وزیری، نصرت‌الله. (۱۳۷۹). *آیین‌نامه عملیات*. (ج ۱). تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
نامی، محمدحسن؛ عزتی، عزت‌الله. (۱۳۹۱). *تحلیل ژئوپلیتیکی مرز ایران و عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی*.
تهران: داناپناه.

نعمتی، یعقوب؛ کریمی، حجت‌الله؛ اکبرپور، جواد. (۱۳۹۴). *روزشمار جنگ ایران و عراق، کتاب
بیست‌وهفتم (آماده‌سازی عملیات والفجر ۴)*. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
وودز، کووین و همکاران. (۱۳۹۱). *جنگ صدام: جنگ ایران و عراق از دیدگاه فرمانده گارد ریاست جمهوری
عراق*. تهران: مرزوبوم.

هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۶). *خطبه‌های جمعه، جلد پنجم، (۶۱۸/۶۲-۶۱۹/۶۲)*. (محسن هاشمی
رفسنجانی، ناظر). تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۶). *آرامش و چالش: کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۲*. (ج ۷). (مهدی هاشمی،
کوشش گر). تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.

کتاب لاتین

Rubin, Michael. (2017). "Strategies Underlying Iranian Soft Power". *Foreign Military
Studies Office*.

کتاب عربی

الخرسان، صلاح. (۲۰۰۱م). *التيارات السياسية في كردستان العراق: قراءة في ملفات الحركات والاحزاب
الکردية في العراق ۱۹۴۶-۲۰۰۱*. (الطبع الاولى). بيروت: موءسسة البلاغ.

کتاب کردی

ریباز. (۲۰۰۸). *قه ندیل به غدای هه ژاند (یادداشته کانی پیشمه‌رگایه تی له سالانی ۱۹۷۶-۱۹۸۰)*. (چاپی
دوهم). سلیمانی: چاپ‌خانه پیوند.
طالبانی، مکرم. (۲۰۱۰م). *مراحل تطور الحركة القومية الكردية «مسيرة الحركة التحريرية الكردية»*. (المجلد
الثانی). سلیمانی: حمدي الطباعه و النشر.

مقاله علمی

سلمانی، عباس‌علی؛ بلخی، محمد؛ فیضی، حسین. (۱۳۹۵). «نقش عملیات شبانه در پیروزی عملیات‌های
هشت سال دفاع مقدس». *دوفصل‌نامه مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر*، دانشگاه افسری و
تربیت پاسداری امام حسین (ع)، سال اول، شماره اول، صص ۴۳-۷۱.



روزنامه‌ها و نشریات

- روزنامه اطلاعات: ۱۳۶۲/۷/۲۰؛ ۱۳۶۲/۷/۲۹.
- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲/۶/۹.
- روزنامه صبح آزادگان، ۱۳۶۲/۶/۱۲.
- روزنامه کیهان: ۱۳۶۲/۶/۱۳؛ ۱۳۶۲/۶/۱۶؛ ۱۳۶۲/۶/۲۰.
- نشریه گزارش‌های ویژه: (شماره ۱۶۶، ۱۳۶۲/۶/۱۱)؛ (شماره ۱۶۵، ۱۳۶۲/۶/۱۰)؛ (شماره ۱۷۱، ۱۳۶۲/۶/۱۶)؛ (شماره ۱۷۳، ۱۳۶۲/۶/۱۸).

خبرگزاری‌های رسمی

- خبرگزاری جمهوری اسلامی، مریوان، ۱۳۶۲/۶/۱۷.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، سنندج، ۱۳۶۲/۶/۱۰.
- رادیو بی‌بی‌سی، ۱۳۶۲/۶/۱۰، ساعت ۱۹:۴۵.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از رادیو صوت الجماهير عراق، ۶۲/۶/۱۵، ساعت ۱۹:۳۰.

English Translation of References

Documents and archival sources

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Kešvar Markaz-e Hamedān (Sākmā Hamedān) (National Library and Archives of Iran, Hamedan Center): 293-91-0095550005. [Persian]

Document no. 113723, Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Buletan-e vije-ye manāteq-e Kord-nešin-e Qarb-e Kešvar* (Center for War Studies and Research: Special bulletin of Kurdish regions in the west of the country), number 137, 1362/6/15 SH / September 6, 1983 AD. [Persian]

Document no. 12730/ پ، Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Jalase-ye barresi-ye vaz'eeyat-e mantaq-ye 'amaliyāt-e Val-Fajr 4, Qarārgāh-e Xātam-ol-Anbiyā* (Center for War Studies and Research: A meeting to review the situation of Wal-Fajr 4 operation area, Khatam al-Anbiya Construction Headquarters), 1362/6/12 SH / September 3, 1983 AD, tape no. 12730. [Persian]

Document no. 351345, Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang (Center for War Studies and Research). [Persian]



Document nos. 12780/ پ ن /12899 ن; پ ن, Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang (Center for War Studies and Research).[Persian]

Document no. 12771/ پ ن, Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Jalase-ye arzyābi-ye mahāsenvama'āyeb-e 'amaliyāt-e Val-Fajr 4, Qarārgāh-e Xātam-ol-Anbiyā* (War Studies and Research Center: Evaluation session on the merits and demerits of Wal-Fajr operation 4, Khatam al-Anbiya Construction Headquarters), 1362/7/7 SH / September 29, 1983 AD, tape no. 12771.[Persian]

Document no. 12780/ پ ن, Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Jalase-ye barresi-ye taharrokat-e niru-hā-ye xodivadošmandar 'amaliyāt-e Val-Fajr 4, Qarārgāh-e Xātam-ol-Anbiyā* (Center for War Studies and Research: A meeting to review the movements of internal and enemy forces in Wal-Fajr Operation 4, Khatam al-Anbiya Construction Headquarters), 1362/7/9 SH / October 1, 1983 AD, tape no. 12780.[Persian]

Document no. 12900/ پ ن, Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Jalase-ye barresi-ye mantaqe-ye Šalir 'amaliyāt-e Val-Fajr 4, Qarārgāh-e Xātam-ol-Anbiyā* (War Studies and Research Center: Review meeting of Shalir area of Wal-Fajr operation 4, Khatam al-Anbiya Construction Headquarters), 1362/6/8 SH / August 30, 1983 AD, tape no. 12900.[Persian]

Document no. 12903/ پ ن, Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Jalase-ye barresi-ye mantaqe-yer 'amaliyāti-ye Val-Fajr 5, Qarārgāh-e Xātam-ol-Anbiyā* (Center for War Studies and Research: Review meeting of operational area of Wal-Fajr 5, Khatam al-Anbiya Construction Headquarters), 1362/6/13 SH / September 4, 1983 AD, tape no. 12903.[Persian]

Document no. 131/ گ, Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *'Amaliyāt-e Val-Fajr 4, gozāreš-e rāviyān-e Qarārgāh-e Xātam-ol-Anbiyā* (Center for War Studies and Research: Wal-Fajr 4 Operation, report by the narrators of Khatam al-Anbiya Construction Headquarters), Davoud Ranjber, 1362/5/24 SH tā 1362/6/15 SH / August 15, 1983 to September 6, 1983 AD.[Persian]

Document no. 20018, Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Qarārgāh-e Hamzeh Seyyed-oš-Šohadā* (Center for War Studies and Research: Hamza Seyyed al-Shohada Headquarters), 1362/6/12 SH / September 3, 1983 AD.[Persian]



Document no. 282/ د، Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Daftarče-ye sabt-e rāvi-ye Qarārgāh-e Xātam-ol-Anbiyādar 'amaliyāt-e Val-Fajr 4* (Center for War Studies and Research: Record book of the narrator of Khatam al-Anbiya Construction Headquarters in Wal-Fajr Operation 4), DavoudRanjber, 1362/5/24 SH tā 1362/6/15 SH / August 15, 1983 to September 6, 1983 AD.[Persian]

Document no. 293/ د، Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Daftarče-ye sabt-e jangrāvi-ye Qarārgāh-e Najaf (qablaz 'amaliyāt-e Val-Fajr 4)*(War Studies and Research Center: Najaf Headquarters narrator's record book (Before Wal-Fajr Operation 4)), Hossein Ardestani, 1362/6/15 SH tā1362/7/11 SH/ September 6, 1983 AD to October 3, 1983 AD.[Persian]

Document no. 318271,Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Gozāreš-e rokn-e 3 qarārgāh-e 'amaliyāti-ye šomāl-e qarb-e Žāndārmeri-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān*(Center for War Studies and Research: Report of Pillar 3 of the Northwestern Gendarmerie Operational Base of the Islamic Republic of Iran),1362/6/15 SH /September 6, 1983 AD.[Persian]

Document no. 318336,Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Azrokn-e 2 'amaliyāti-ye šomāl-e qarb-e kešvar be mo'āvenat-e 'amaliyātvaettelā'āt-e farmāndehi-ye niru-ye zamini-ye artes-e Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān* (Center for War Studies and Research: From the 2nd operational pillar in the northwest of the country to the Deputy Operations and Information Command of the Islamic Republic of Iran Army Ground Forces), 1362/6/10 SH /September 1, 1983 AD.[Persian]

Document no.343425,Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Azšahrāni-ye Kordestān be ostāndāri-ye Kordestān* (Center for War Studies and Research: From the Kurdistan police to the Kurdistan governorate), 1362/6/12 SH /September 3, 1983 AD.[Persian]

Document no.343431,Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Gozāreš-ešahrāni-ye ostān-e Kordestān be ostāndāri-ye Kordestān* (War Studies and Research Center: Kurdistan province police report to Kurdistan governorate), 1362/6/9 SH / August31, 1983 AD.[Persian]

Document no. 343878,Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Azšahrāni-ye Kordestān be ostāndāri-ye Kordestān* (Center for War Studies and Research:

From the Kurdistan police to the Kurdistan governorate), 1362/6/16 SH /September 7, 1983 AD.[Persian]

Document no. 343963, Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Telefon-gerām-e žāndārmeri-ye Kordestān be ostāndāri-ye Kordestān* (War Studies and Research Center: Kurdistan gendarmerie phonogram to Kurdistan governorate), 1362/6/21 SH /September 12, 1983 AD.[Persian]

Document no. 343964, Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Telefon-gerām-e nāhiye-ye žāndārmeri-ye Kordestān be ostāndāri-ye Kordestān* (War Studies and Research Center: Kurdistan gendarmerie district phonogram to Kurdistan governorate), 1362/6/20 SH /September 11, 1983 AD.[Persian]

Document no. 343967, Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Aznāhiye-ye žāndārmeri-ye Kordestān (rokn-e 3) be farmāndehi-ye 'amaliyāti-ye Qarārgāh-e Žāndārmeri-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irāndaršomāl-e qarab* (Center for War Studies and Research: From Kurdistan Gendarmerie District (3rd pillar) to the operational command of the Gendarmerie Base of the Islamic Republic of Iran in the northwest), 1362/6/17 SH /September 8, 1983 AD.[Persian]

Document no. 343975, Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Aznāhiye-ye žāndārmeri-ye Kordestān (rokn-e 3) be ostāndāri-ye Kordestān* (Center for War Studies and Research: From Kurdistan Gendarmerie District (Pillar 3) to Kurdistan Governorate), 1362/6/18 SH /September 9, 1983 AD.[Persian]

Document no. 345957, Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Gozāreš-e ostāndāri-ye Kordestān* (War Studies and Research Center: Kurdistan Governorate Report), 1362/6/10 SH /September 1, 1983 AD.[Persian]

Document no. 346230, Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Gozāreš-e ostāndāri-ye Kordestān* (War Studies and Research Center: Kurdistan Governorate Report), 1362/6/10 SH /September 1, 1983 AD.[Persian]

Document no. 346231, Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Gozāreš-e ostāndāri-ye Kordestān* (War Studies and Research Center: Kurdistan Governorate Report), 1362/6/10 SH /September 1, 1983 AD.[Persian]

Document no. 354413, Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Az Qarārgāh-e Hamzeh Seyyed-oš-Šohadā (mantaqe-ye 11) be farmāndehi-ye koll-e Sepāh-e*

Pāsdārān-e Enqelāb-e Eslāmī (Center for War Studies and Research: From the command of Hamza Seyed al-Shohda Headquarters (region 11) to the general command of the Islamic Revolutionary Guard Corps), 1362/6/21 SH /September 12, 1983 AD. [Persian]

Document no. 35444, Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Az Qarārgāh-e Hamzeh Seyyed-oš-Šohadā be tarhva 'amaliyāt-e Qarārgāh-e Xātam-ol-Anbiyā* (Center for War Studies and Research: From Hamza Seyyed al-Shohda Headquarters to the design and operation of Khatam al-Anbiya Construction Headquarters), 1362/6/20 SH /September 11, 1983 AD. [Persian]

Document no. 355845, Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Az tarhva 'amaliyāt-e Qarārgāh-e Hamzeh Seyyed-oš-Šohadā be ettelā'āt 'amaliyāt-esetād-e markazi* (Center for War Studies and Research: From the design and operations of the Hamza Seyed al-Shohad Headquarters to the information-operations of the central headquarters), 1362/6/20 SH /September 11, 1983 AD. [Persian]

Document no. 369180, Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang, *gozāreš-e nobe-ee-ye rokn-e 3 Qarārgāh-e 'amaliyāti-ye šomāl-e qarb-e Žāndārmeri-ye Jomhuri-ye Eslāmi be markaz-e farmāndehi* (Center for War Studies and Research, interim report of the 3rd pillar of the North-West Gendarmerie operational base of the Islamic Republic of Iran to the command center), 1362/6/8 SH /August 30, 1983 AD. [Persian]

Document no. 44791, Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Azsāzmān-e markazi-ye arteš-e Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān be daftar-e Emām Xomeini* (War Studies and Research Center: From the Central Organization of the Islamic Republic of Iran Army to Imam Khomeini's office), 1362/6/17 SH /September 8, 1983 AD. [Persian]

Document no. 67402, Markaz-e Motāle'āt va Tahqiqāt-e jang: *Gozāreš-e edāre-ye ettelā'āt-e šahr bāni-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān be daftar-e ettelā'āt vatahqiqāt-e noxost-vaziri* (Center for War Studies and Research: Report of the Islamic Republic of Iran's Police Intelligence Department to the Prime Minister's Intelligence and Research Office), 1362/6/9 SH /August 31, 1983 AD. [Persian]



Document no. 67428, Markaz-e Motāle'āt va Tahqīqāt-e jang: *Nāme-yesetād-e man-taqe 7 be setād-e markazi-ye farmāndehi* (Center for War Studies and Research: Letter from the Headquarters of the 7th Region to the Central Command Headquarters), 1362/6/24 SH / August 31, 1983 AD. [Persian]

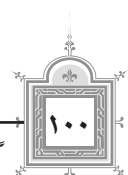
Books

- Alamati, Gholamreza. (1397/2018). "*Asnād-e tabādol-e osarā (Jang-e tahmili-ye 'Arāq 'alayh-e Irān; 1359 – 1367)*" (Prisoner exchange documents (Iran-Iraq war; 1980-1988)). Tehran: Dānešgāh-e Jāme'e Emām Hossein (Imam Hossein University). [Persian]
- Alayi, Hossein. (1391/2012). "*Ravand-e jang-e Irānva 'Arāq*" (The course of the Iran-Iraq war) (vol. 1 & 2). Tehran: Marz-o-bum. [Persian]
- Al-Kharsan, Salah. (2001). "*Al-tayārātes-siyāsīyah fi Kurdištan al- 'Araq: Qirā'ah fi malfāt al-harakāt wal-ahzāb al-Kurdiyah fel- 'Araq 1946-2001*" (Political currents in Iraqi Kurdistan: A reading of the files of Kurdish movements and parties in Iraq 1946-2001) (1st ed.). Beirut: Mo'assesa-tol-Balāq. [Arabic]
- Al-Samerrayi, Vafiqh. (1388/2009). "*Virāni-ye darvāze-ye šarqi*" (Hutam al-bawaabih al-sharqia) [The ruins of the eastern gate]. Translated by Adnan Gharouni. Tehran: Markaz-e Asnād va Tahqīqāt-e Defā'-e Moqaddas (Research Center for Sciences and Studies of the Holy Defense). [Persian]
- Amirbeigi, Gholam Hossein. (1386/2007). "*Amaliyāt-e Val-Fajr 4*" (Walfajr 4 operation). Tehran: Irān-e Sabz. [Persian]
- Ardestani, Hossein. (1390/2011). "*Tanbih-e motejāvez (Barresi-ye tahavvolāt-e siyāsi-nezāmiāz Tābeštān-e 1361 tā Farvardin-e 1367)*" (Punishing the aggressor: A study of political and military developments from summer 1982 to Spring 1988) (vol. 3) (4th ed.). Tehran: Markaz-e Asnād va Tahqīqāt-e Defā'-e Moqaddas (Research Center for Sciences and Studies of the Holy Defense). [Persian]
- Collins, John M. (1373/1994). "*Ešterāteži-ye bozorg: Osulvaraviye-hā*" (Grand strategy: Principles and practice). Translated by Kouros Bayandar. Tehran: Daftar-

- e motālē'ā-e Vezārat-e Omur-e Xārejeh (Institute for Political and International Studies).[Persian]
- Cordesman, Anthony, H.;& Wagner, Abraham, R. (1389/2010). *“Dars-hā-ye jang-e modern; Jeld-e 1: Jang-e IrānvaArāq”* (The lessons of modern war; Volume 1: Iran-Iraq war). Translated by Hossein Yekta. Tehran: Markaz-e Motālē'ātvaTahqiqāt-e jang (War Studies and Research Center). [Persian]
- Doroudian, Mohammad. (1390/2011). *“Šalamčeh tā Halabčeh”* (Shalamcheh to Halabcheh) (7th ed.). Tehran: Markaz-e AsnādvaTahqiqāt-e Defā'-e Moqaddas (Research Center for Sciences and Studies of the Holy Defense).[Persian]
- Doroudian, Mohammad. (1387/2009). *“Xorramšahr dar jang-e tulni”* (Khorramshahr in the Long War). Tehran: Markaz-e AsnādvaTahqiqāt-e Defā'-e Moqaddas (Research Center for Sciences and Studies of the Holy Defense).[Persian]
- “Farib-e Nezāmi”* (Military deception). (1389/2010). Goruh-e motarjemān-e DāneškadehvaPažuheškade-ye padāfand-e qeir-e 'āmel (Translated by a group of translators from Research Institute of Logistics and Defense-Technology & Passive Defense).Tehran: Dānešgāh-e Jāme'-e Emām Hossein (Imam Hossein University).[Persian]
- Haghpānah, Jafar. (1387/2008). *“Kord-hāvasiyāsāt-e xāreji-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān”* (The Kurds and the foreign policy of the Islamic Republic of Iran). Tehran: Mo'assese-ye Farhangi-ye Motālē'ātvaTahqiqāt-e bein-ol-melali-ye abrār-e mo'āser-e Irān (Tehran International Studies and Research Institute).[Persian]
- Hashemi Rafsanjani, Akbar. (1376/1997). *“Xotbe-hā-ye Jom'e, jeld-e panjom, (62/6/18 – 62/12/19 SH)”* (Friday sermons, Volume Five, (September 8, 1983 – March 9, 1984)). Supervised by Mohsen Hashemi Rafsanjani. Tehran: Sāzmān-e Madārek-e Farhangi-ye Enqelāb-e Eslāmi (Islamic Revolution Documents Center).[Persian]
- Hashemi Rafsanjani, Akbar. (1386/2007). *“Ārāmešvačāleš: Kārnamehvaxāterāt-e sāl-e 1362 SH”* (Hashemi Rafsanjani, Akbar -- Diaries) (vol. 7). Edited by Mehdi Hashemi. Tehran: Daftar-e Našr-e Ma'āref-e Enqelāb.[Persian]
- Hosseini, SeyyedYaghoob. (1390/2011). *“Nabard-hā-ye sāl-e 1362 tāpāyān-e sāl-e 1364”* (Battles from 1983 to the end of 1985). Tehran: Irān-e Sabz.[Persian]

- Izadi et al. (1386/2007). "*Tārix-e bišt-sāle-ye pāsdāri az enqelāb-e Eslāmidarqarb-e kešvar, jeld-e 2: Owzā' vaahvāl-e manāteq-e qarbvāšomāl-e qarb...*" (The twenty-year history of the guarding of the Islamic Revolution in western Iran). Tehran: Dānešgāh-e Jāme'e Emām Hossein (Imam Hossein University).[Persian]
- Jafari, Mojtaba. (1391/2012). "*Atlas-e nabard-hā-ye māndegār: 'Amaliyāt-e niru-hā-ye zaminidarhaštāl-e defā'-e moqaddas (Šahrivarmāh 1359 – Mordādmāh 1367)*" (Atlas of unforgettable battles: Ground forces operations in eight years of holy defense September, 1980 - August, 1988) (3rd ed.). Tehran: Sure-ye Sabz.[Persian]
- Karimi, Morteza; &Shahzeidi, Somayyeh. (1397/2018). "*Žeomorfoloživaāmāyeš-e defā'ee-ye sarzamin-e Irān*" (Geomorphology and defensive land-use planning of Iran). Tehran: Dānešgāh-e Jāme'e Emām Hossein (Imam Hossein University). [Persian]
- Keshavarzi, Teymour. (1385/2006). "*Farmāndehi-ye gordān-e razmi*" (Command of the combat battalion). Tehran: Mo'avenat-e ĀmuzešvaTarbiyat-e Nājā (Law Enforcement Command of the Islamic Republic of Iran, Vice President of Education and Training).[Persian]
- Khorrami, Mohammad Ali. (1387/2008). "*Jang-e Irānva 'Arāq dar asnād-e sāzmān-e melal*" (Iran - Iraq war in U.N documents) (vol. 2). Tehran: Markaz-e AsnādvāTahqiqāt-e Defā'-e Moqaddas (Research Center for Sciences and Studies of the Holy Defense).[Persian]
- MoeenVaziri, Nosratollah. (1379/2000). "*Āyin-nāme-ye 'amaliyāt*" (Operational procedures) (vol. 1). Tehran: Dānešgāh-e Jāme'e Emām Hossein (Imam Hossein University).[Persian]
- Name, Mohammad Hasan; &Ezzati, Ezzatollah. (1391/2012). "*Tahlil-e žeopolitiki-ye marz-e Irānva 'Arāqvata'sir-e ān bar amniyat-e melli*" (Geopolitical analysis of the Iran-Iraq border and its impact on national security). Tehran: Danapanah. [Persian]
- Nemati, Yaghoub; Karimi, Hojjatollah; &Akbarpour, Javad. (1394/2015). "*Ruzšomār-e*

- jang-e Irānva 'Arāq, ketāb-e bišt-o-haftom (Āmāde-sāzi-ye 'amaliyāt-e Val-Fajr 4)*" (Journal of the Iran-Iraq war, the twenty-seventh book (preparation of Walfajr operation 4)). Tehran: Markaz-e AsnādvāTahqiqāt-e Defā'-e Moqaddas (Research Center for Sciences and Studies of the Holy Defense).[Persian]
- "Osulvaqavā'ed-e asāsi-ye razm, goruh-e zamini"* (Fundamental principles and rules of ground combat). (1376/1997). Dāneškade-ye FarmāndehivaSetād-e Sepāh (). Tehran: Markaz-e AsnādvāTahqiqāt-e Defā'-e Moqaddas (Research Center for Sciences and Studies of the Holy Defense).[Persian]
- Ramesht, Hossein; &Shahzeidi, Somayyeh Sadat. (1390/2011). *"Kārbord-e žeomorfoložidarbarnāme-rizi-ye melli, mantaqe-ee, eqtesādi, turism"* (The application of geomorphology in national, regional, economic, and tourism planning). Esfahān: Dānešgāh-e Esfahān (University of Esfahan).[Persian]
- Ribaz. (2008). *"Qandil be qedāy-e Hežānd (Yādāšta-ye kāni-ye Peshmergā'itilah-e salā-ni 1976-1980)"* (Memoirs of a former Peshmerga fighter in the years 1976-1980) (2nd ed.). Soleimani: Čāpxāna-yaPaywand. [Kurdish]
- Roshan, Ali Asghar; &Farhadian, Nourollah. (1385/2006). *"Farhang-e ešelāhāt-e joqrāfiyā-ye siyāsi-nezāmi"* (Dictionary of military- political geography). Tehran: Dānešgāh-e Jāme'-e Emām Hossein (Imam Hossein University).[Persian]
- Rostami, Reza. (1398/2019). *"Marivān dar jang"* (Marivan in war). Sanandaj: Bonyād-e HefzvaNašr-e Āsār-e Defā'-e Moqaddas-e Kordestān (Foundation for the Preservation and Publication of Sacred Defense Works and Values, Kurdistan).[Persian]
- Sadeghi, Reza. (1398/2019). *"Tārix-e šafāhi-ye defā'-e moqaddas; Ravāyat-e Hasan Raštegārpanāh: Kordestāndarbohrān-e amniyatvamahrumiyat"* (Oral History of Holy Defense; Narration of Hasan Rastgarpanah: Kurdistan in the crisis of security and deprivation). Tehran: Sepāh-e Pāsdārān-e Enqelāb-e Eslāmi (Islamic Revolutionary Guard Corps).[Persian]
- Sadeghi, Reza. (1389/2010). *"Tārix-e šafāhi-ye Qarārgāh-e HamzehSeyyed-oš-Šohadā"* (Oral history of Hamza Seyyed al-ShohadaHeadquarters. [Mosāhe be hbā SardārSartipPāsdār Hasan Rastegārpanāh] (Interview with Brigadier General Hasan Rostgarpanah).[Persian]



- Talebani, Mokarram. (2010). "Marāhel-o tatavvor-el-harakat-el-qowmiyat-el-Kordiya (Masirat-ol-harekat-et-tahririyat-el-Kordiyah)" (Stages of the evolution of the Kurdish national movement: The path of the Kurdish liberation movement) (vol. 2). Soleimānīyah: Hamdi At-Tabā'ate van-Našr. [Kurdish]
- Woods, Kevin M. et al. (1391/2012). "*Jang-e Saddām: Jang-e Irānva 'Arāqzdidgāh-e farmāndeh-e gārd-e riyāsatjomhuri-ye 'Arāq*" (Saddams war: An Iraqi military perspective on the Iran-Iraq War). Tehran: Marz-o-bum.[Persian]

Articles

- Rubin, Michael. (2009). "Strategies underlying iranian soft power". *Foreign Military Studies Office*.
- Salmani, Abbas Ali; Balkhi, Mohammad; & Feizi, Hossein. (1395/2016). "Naqš-e 'amaliyāt-e šabānehdarpiruzi-ye 'amaliyāt-hā-ye haštsāldefā'-e moqaddas" (The role of night operations in the victory of the eight-year Iran-Iraq war). *Do-Fasl-nāme-ye Motāle'āt-e Defā'-e Moqaddasva Nabard-hā-ye Mo'āser* (Sacred Defense Studies and contemporary Battles), Dānešgāh-e Afsariva Tarbiyat-e Pāsdāri-ye Emām Hossein (The Imam Hossein Comprehensive University), 1(1), pp. 43 – 71.[Persian]

The press

- Našriye-ye *Gozāreš-hā-ye vīže*: (issue 166, 1362/6/11 SH / September 2, 1983); (issue 165, 1362/6/10 SH / September 1, 1983); (issue 171, 1362/6/16 SH / September 7, 1983); (issue 173, 1362/6/18 SH / September 9, 1983).[Persian]
- Ruznāme-ye *Ettelā'āt* (Ettelaat Newspaper), 1362/7/20 SH / October 12, 1983.[Persian]
- Ruznāme-ye *Ettelā'āt* (Ettelaat Newspaper), 1362/7/29 SH / October 21, 1983.[Persian]
- Ruznāme-ye *Jomhuri-ye Eslāmi* (Jomhour-e Eslami Newspaper), 1362/6/9 SH / August 31, 1983.[Persian]
- Ruznāme-ye *Keyhān* (Keyhan Newspaper), 1362/6/13 SH / September 4, 1983; 1362/6/16 SH / September 7, 1983; 1362/6/20 SH / September 11, 1983.[Persian]



Ruznāme-ye *Sobh-e Āzādegān* (Sobh-e Azadegan Newspaper), 1362/6/12 SH / September 3, 1983.

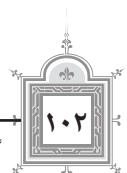
Official news agencies

Rādio Bi-Bi-Si (BBC Radio), 1362/6/10 SH / September 1, 1983, 19:45 pm.

Xabargozāri-ye Jomhuri-ye Eslāmi (IRNA) (The Islamic Republic News Agency) quoted by Rādio Sowt-ol-Jamāhir-e 'Arāq, 1362/6/15 SH / September 6, 1983, 19: 30 pm.

Xabargozāri-ye Jomhuri-ye Eslāmi (IRNA) (The Islamic Republic News Agency), Marivān, 1362/6/17 SH / September 8, 1983. [Persian]

Xabargozāri-ye Jomhuri-ye Eslāmi (IRNA) (The Islamic Republic News Agency), Sanandaj, 1362/6/10 SH / September 1, 1983. [Persian]



پیوست‌ها (نقشه و تصاویر)



پیوست ۱



پیوست ۲

ارتفاعات سورین



نمای قسمتی از منطقه عملیات در منطقه مروان در عملیات والفجر ۴



نمای قسمتی از منطقه عملیاتی والفجر ۴ در ارتفاعات مرزی شمال شیر



پیوست ۴

نقاط درمانی، بیمارستان صحرایی،
محل جمع‌آوری زندانیان جنگی

عملیات والفجر-۴ پاسخی است به سوپرا تانکدارها به حامیان صدام، قارونهای خلیج فارس و به اربابانسان

عملیات والفجر-۴ پاسخی است به حامیان صدام و تاروژی که انتقام شهدا را بگیریم ادامه دارد

مشرع گزارش دیدار نخستوزیر از استانهای میمان و مازندران

نخست وزیر: دولت بر نامه های تهیه کرده است تا در آمله های عمومی بصورت عادلانه ای در سراسر کشور سرمایه گذاری شود

بیتالمال در اختیار همه ملت است، مخصوصاً در وقت نود که هزینه تلف مردم و آجایی که امکان سرمایه گذاری نیست

اطلاعات

شماره: ۲۰۰۰۰۰۰۰
تلف: ۰۲۱-۱۲۳۴۵۶۷۸۹۰
پست: ۱۱۳۳۳۳۳۳۳۳۳

هواریماهای فرانسه بجای اینکه صدام را بجای بندهای نیکس باغز این عملیات شه و این عملیات جوان سوپر اتانکدار هاست

ما عملیات والفجر-۴ بصورت تدریجی و با نیروی حرفه ای و با استفاده از تجهیزات مدرن و با استفاده از تجهیزات مدرن و با استفاده از تجهیزات مدرن

باسخ امام به استفتائات

نخست وزیر در زمینه ادامه ندادن جهاد ازل و ازل در ادارات و بانکها کشور و ایجاد راه

جزئیات ۳ شبانه روز نبرد گسترده والفجر-۴

نقشه عملیات والفجر-۴

از آغاز عملیات تاکنون ۱۸۰ خودرو و ۳ تانک و غیر بر دشمن به آتش کشیده شده است

آب و گاز شیمیایی و گازهای سمی در اختیار دشمن نیست

کشته شده است

روز نبرد کن اسلام در یک کیلومتری شهر بنگونین عراق استقرار یافتند

اهداف اصلی عملیات والفجر-۴

توسعه منطقه بنگونین و ایجاد خط مقدمی در این منطقه

توسعه منطقه بنگونین و ایجاد خط مقدمی در این منطقه

دشمن در تمام طول نبرد هیچ سلاحی در اختیار نداشت

توسعه منطقه بنگونین و ایجاد خط مقدمی در این منطقه

توسعه منطقه بنگونین و ایجاد خط مقدمی در این منطقه

سخت روز

طلوع فجر

در تمام طول نبرد دشمن هیچ سلاحی در اختیار نداشت

پیوسته ۵
بازتاب عملیات والفجر ۴ در روزنامه اطلاعات

رئیس جمهور در دیدار با جمعی از روحانیون و اعضای حزب جمهوری اسلامی شهر های قم، کاشان، محلات و خمین:

تلاش قدرتهای شیطانی دنیا اینست که بین گروههای ایمانی فاصله بیندازند

سیاست حزب جمهوری اسلامی، سیاست ایجاد وحدت بین همه اهل اسلام است

ما می خواهیم توده های عظیم مردم پشت سر رهبر بزرگ و سادی انقلاب و ملت به پیش بروند

هردم کشور ما اکنون از چنان آگاهی سیاسی برخوردارند که این آگاهی در آنها همی از کار تحلیل گران سیاسی محسوب می شود

در صفحه ۱۲

الفجر و لیال عشر

توسط قوای آزاد بیخش اسلام در اولین مرحله از عملیات والفجر-۴

پیش از ۱۵ ارتفاع استراتژیک در عمق ۶ تا ۲۰ کیلومتری خاک عراق آزاد شد

در صفحه ۱۲

جمهوری اسلامی

شماره: ۲۰۰۰۰۰۰۰
تلف: ۰۲۱-۱۲۳۴۵۶۷۸۹۰
پست: ۱۱۳۳۳۳۳۳۳۳۳

پیوسته ۶
اخبار مربوط به عملیات والفجر ۴ در روزنامه ها





پیوست ۹

نمایی از مناطق مسکونی بمباران شده
شهر مریوان توسط جنگنده های عراقی



Fiefs in Mazandaran during The Qajar Period (1795-1925)

Masomeh Yadollahpour-Arabi¹ | Shahram Yousefifar² | MohammadAli Kazembeigi³

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: To investigate the policy, methods and development of fief in Mazandaran during the Qajar period and its consequences.

Method and Research Design: Archival records and library resources were described and analyzed.

Findings and conclusions: Through the first half of the 13th century, the Qajar government considered fief in Mazandaran on the basis of the province's foreign and domestic policy in order to provide security in the northern borders of the country as well as Mazandaran province. But in the second half of the century since the government was unable to manage and supervise the fiefs, it confronted economic crisis in Mazandaran. In order to solve its financial problems, the government adopted the policy of restoring and selling lands which was very effective in expanding private ownership and had its own consequences.

Keywords: Land rent; Land revenue; Fief; Qajar; Mazandaran.

Citation: Yadollahpour arabi, M., Yousefifar, S., & Kazembeyki, M. A. (2022). Tiyuldari system in Mazandaran during Qajar reign (1795-1925). *Ganjine-ye Asnad*, 32(3), 110-135 | doi: 10.30484/ganj.2022.2949

1. PhD student of Iranian Studies, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, (Corresponding Author).
masoom8227@yahoo.com

2. Professor, Department of History, University of Tehran, Tehran, Iran.
shyousefifar@ut.ac.ir

3. Associate Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, University of Tehran, Tehran, Iran.
mabeyki@ut.ac.ir

Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«127»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2022.2949

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No.3, Autumn 2022 | pp: 110 - 135 (26) | Received: 16, May, 2021 | Accepted: 24, Aug, 2021

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

نظام تیول داری در مازندران در دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۴ق)

معصومه یدالله پور عربی^۱ | شهرام یوسفی فر^۲ | محمدعلی کاظم بیگی^۳

چکیده:

هدف: بررسی سیاست تیول داری در مازندران دوره قاجار و تحولات و پیامدهای آن.
روش / رویکرد پژوهش: پژوهش در چارچوب مطالعه تبیینی-توصیفی و با استفاده از اسناد آرشیوی و دیگر منابع انجام شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: دولت قاجار در نیمه اول سده ۱۳ق بر بنیاد الزامات سیاست خارجی و داخلی ولایت مازندران، سیاست خالصه‌سازی اراضی این ولایت را به منظور بهره‌وری ثابت مدنظر داشت. دولت می‌خواست با واگذاری اراضی خالصه در قالب تیول به افراد، هم با تأمین نیروی نظامی ولایتی امنیت را در سرحدات شمالی کشور و در داخل ولایت مازندران محقق کند و هم موجب کارگزاران امور دیوان را پرداخت کند؛ ولی در نیمه دوم این قرن، به سبب کاهش توان دولت در اعمال نظارت بر تیول‌ها، اقتصاد روستایی در مازندران دچار آسیب شد و دولت به ناگزیر سیاست فروش خالصه‌جات و سپس استرداد انواع تیول‌ات مازندران را در دستور کار خود قرار داد که پیامد و تغییراتی چون کاهش اراضی دیوانی و گسترش مالکیت خصوصی را به دنبال داشت.

کلیدواژه‌ها: اجاره زمین؛ درآمدهای ارضی؛ خالصه؛ نظام تیول داری؛ قاجار؛ مازندران.

استناد: یدالله پور عربی، معصومه، یوسفی فر، شهرام، کاظم بیگی، محمدعلی. (۱۴۰۱). نظام تیول داری در مازندران دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۴ق). *گنجینه اسناد*، ۳۲(۳)، ۱۱۰-۱۳۵.

doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲,۲۹۴۹

۱. دانشجوی دکتری ایران شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
masoom8227@yahoo.com

۲. استاد، گروه تاریخ، دانشگاه تهران، تهران، ایران

shyousefifar@ut.ac.ir

۳. دانشیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

mabeyki@ut.ac.ir



گنجینه اسناد

۱۲۷

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۲,۲۹۴۹

نمایه در Researchgate, Google Scholar, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۲، دفتر ۳، پاییز ۱۴۰۱ | صص: ۱۱۰ - ۱۳۵ (۲۶)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۲

تحقیقات تاریخی

۱- مقدمه

در عصر قاجار انواع اصلی زمین داری (خالصه، خصوصی، وقفی) تحول چشمگیری را به خود ندید، ولی از نظر وسعت، در اقسام این اراضی تغییراتی پدید آمد که این مسئله نشان می‌دهد نظام تیول‌داری یا به عبارتی زمین‌داری در دوره قاجار را باید در ارتباط با اندیشه مالکیت و در بستر دگرگونی‌های اقتصادی-اجتماعی و تحولات سیاسی دوره مذکور بررسی کرد. سیاست اعطای اراضی تحت عنوان تیول و به تبع آن تیول‌داری که هر دو میراث ادوار پیش از قاجار بودند، در سده سیزدهم هجری قمری حیاتی تازه یافتند. زمین‌داری در چارچوب سیورغال^۱ دست‌کم در سطح واژگان و اصطلاح هم‌چنان کاربرد داشت، ولی در عمل جای خود را به تیول داده بود. بدین ترتیب که در این قرن، هر صاحب‌منصبی یک یا چند روستا را در تیول خود داشت و مواجب خودش و ابواب‌جمعی‌اش از محل سهم دریافتی از درآمد اراضی ذی‌ربط تأمین می‌شد. به‌طور کلی اعطای درآمد زمین به‌عنوان حقوق یا مواجب هم می‌توانست با معافیت مالیاتی و اختیارات محلی همراه باشد و هم بدون آن. تیول نوعی شیوه بهره‌برداری از عواید زمین بود و در مازندران به‌مفهوم واگذاری درآمد (نه مالکیت) مساحتی معین از اراضی کشاورزی از جانب دولت برای پرداخت مواجب افراد دیوانی و لشکری بود و تعریف واحدی نداشت. بدین صورت که تیول‌دار یا عواید اراضی و یا بنابه معمول بخشی از نتیجه تولید را که باید به‌صورت مالیات به دولت پرداخت می‌شد، تصاحب می‌کرد (لمبتن، ۱۳۶۲، ص ۲۶۶؛ ظل‌السلطان، ۱۳۶۸، ص ۵۱۰). اغلب قرای مازندران در این دوره به‌صورت خالصه‌جات تیولی بودند؛ یعنی تیول‌ها از املاک خالصه داده می‌شدند و روال واگذاری آن‌ها بنابه فرمان شاه بود (ساکما، ۵۳۰۹۲-۲۴۰، شماره برگ ۲).

در مطالعه موضوع حاضر، چند پرسش مدنظر است:

۱. سیاست و روش تیول‌داری در مازندران دوره قاجار چگونه بود؟
۲. پیامدهای سیاست تیول‌داری چه بودند؟
۳. به‌دنبال گسترش نظام تیول‌داری در مازندران چه تغییر و تحولاتی در این ولایت روی داد؟

موقعیت خاص جغرافیایی مازندران در اتخاذ نوع سیاست‌های اداره این ایالت نقش مهمی ایفا می‌کرد. سیاست اقتصادی حکومت در این منطقه خالصه‌سازی اراضی و واگذاری تیول به افراد برای تأمین منابع مالی لازم بود. در پی خالصه‌سازی، بسیاری از روستاها به‌شکل تیولی واگذار شدند و بعد از مدتی بهره‌برداری از این تیول‌ات موروثی شد. رویه ناکارآمد اداره تیول‌ات باعث شد تا دولت به ناگزیر این املاک را به صورت مشروط

۱. این واژه از سیورغ‌آمایش به‌معنای هبه و بخشش گرفته شده، ولی در دوره‌های مختلف از نظر معنا و محتوا تغییراتی داشته‌است. از دوره صفوی جهت‌گیری اعطای سیورغال به سمت طبقات مذهبی گرایید (حسن‌آبادی، ۱۳۸۶، ص ۶۵).



واگذار کند. یکی از نتایج این روند، رشد مالکیت خصوصی و تغییر شرایط اجتماعی کشاورزان در مازندران در اوایل قرن ۱۴ ق بود.

۲- پیشینه و روش تحقیق

آن کاترین سواين فورد لمبتن بخشی مفصل از کتاب «مالک و زارع در ایران» را به بررسی کلی زمین‌داری در دوره قاجار، از جمله تیول، اختصاص داده است. محمدعلی کاظم‌بیگی هم در کتاب «جامعه، سیاست و اقتصاد در مازندران، ایران ۱۸۴۸-۱۹۱۴م [۱۲۶۴-۱۳۳۲ق]» (۲۰۰۲م)^۱ و نیز در مقاله «اصلاحات مالی مجلس اول و اجرای آن در مازندران» (۱۳۸۹ش) به تیول‌داری و روش پرداخت حقوق نظامیان در این ولایت به‌ویژه اصلاحات مالی در مجلس اول و به موقعیت نظامی افرادی چون امیرمؤید سوادکوهی و اقدامات او می‌پردازد که با موضوع مقاله حاضر ارتباط دارد. زهرا نادى و همکاران نیز در مقاله «تأثیر تجاری‌شدن کشاورزی بر نظام مالکیت زمین در دوره قاجار» (۱۳۹۷ش) در مبحث روش‌های غیرقانونی تصرف زمین به وضعیت تیول در مازندران اشاراتی دارند. پژوهش حاضر با استفاده از اسناد و سایر منابع به بررسی توصیفی-تبیینی سیاست اعطای تیول از سوی دولت قاجار، و شیوه گسترش اراضی تیول و پیامدهای این سیاست در مازندران اختصاص دارد.

۳- روال واگذاری تیول

تیول در مازندران بنابه فرمان شاه و با رعایت تشریفات و اگذار و اغلب از خالصه‌جات مرغوب داده می‌شد (ساکما، ۹۲۲۶-۲۴۰، شماره برگ ۰۴). از فحوای فرمان‌های واگذاری تیول، چنین برمی‌آید که مستوفیان دیوان موظف بودند تا شرح فرمان را در دفاتر خلود ثبت کنند و گزارش‌های مالیاتی ولایات تحت نظارت خود را در دفاتر ثبت آن ولایات وارد کنند (ساکما، ۲۴۰-۴۳۹۸۷، شماره برگ ۱۰) در واقع محاسبه جمع‌وخرج کشور به‌ویژه تخمین مخارج اداره قشون با مستوفیان دیوان بود.

صاحبان تیول در مازندران اغلب رؤسای طوایف و افراد دیوانی بودند. آنان تیول را درازای مواجب خود دریافت می‌کردند و این نوع پرداخت به محل مواجب معروف بود. تیول به دو شکل دائم و موقت به افراد واگذار می‌شد. ذکر کلمه «تیول ابدی و احسان سرمدی» در سند فرمان‌ها، بیانگر واگذاری دائمی تیول بوده است. گاهی در زمان واگذاری تیول علاوه بر انتفاع مالی به آبادانی ولایات خراب نیز توجه می‌شد و پذیرش قرای آباد و خراب باهم شرط می‌شد تا قرایی هم که بر اثر بی‌توجهی مباشران ویران شده بودند

1. Kazembeyki, Mohammad-Ali. (2002). Society, Politics and Economics in Mazandaran, Iran 1848-1914. London: Routledge.



آباد شوند. برای نمونه قریه صنم خالصه سابق که تیول محمدخان شاهبیتای بود قرار بود بعداز فوت محمدخان به ابراهیمخان قاجار واگذار شود. در مجاورت این قریه سه قریه ویران به نامهای خرماکلا، طولاندره و کشکا قرار داشتند که به ابراهیمخان قاجار پیشنهاد شد بهتر است خراب و آباد را باهم بردارد (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۰۹۸، ۳۹۲). «این بلیه در این ولایت عام است [و] خالصهها و تیولات از عدم توجه مباشرین خراب [شده‌اند]»؛ بنابراین «قریه خرابه مال دیوان و ضرر هم مال دیوان باشد» (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۰۹۸، ۳۹۲)

واگذاری اراضی باتوجهبه موقعیت تیول/تیولدار فرق می‌کرد و به‌ویژه زمانی که تیولدار فوت می‌کرد، اگر کسری موجب داشت، حقوق و مزایای آن به‌راحتی و طبق دستورالعملی ساده قابل انتقال بود و وارثانش می‌توانستند امتیاز تیول متوفی را به‌سود خود حفظ کنند. برای نمونه تیول قوشچی‌باشی، بعداز فوت او، به‌دلیل خدماتش، طی فرمانی از محمدشاه به تاریخ شعبان المعظم سنه ۱۲۵۶ق/۱۸۴۰م به ورثه او سپرده شد تا زراعت کنند و متوجهات دیوانی را همه‌ساله دریافت و صرف مخارج نمایند. برای جلوگیری از مداخلات مأموران دولتی همواره بر اصطلاح «قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند» تأکید می‌شد (سند پیوست، تصویر شماره ۲). به این معنا که تیولدار، هم از نظر دیوانی و هم از نظر نظامی استقلال داشت و با ضبط ثلث موجب توسط دیوان باقی به‌صورت مادام‌العمر به ورثه او برقرار می‌شد (افضل‌الملک، ۱۳۶۱، ص ۴۷). البته این روش تابع قانون واحدی نبود. تیولدار در اغلب موارد تمایل داشت تا موجب را به‌صورت تیول دریافت دارد؛ زیرا از تعرض مأموران دولت در امان بود و به‌دلخواه خود از رعایا پول به‌عنوان مالیات دریافت می‌کرد (نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۱، صص ۸۸-۸۹). به‌دلیل چنین ویژگی‌هایی، روند موروثی شدن تیولات در مازندران هم‌چنان وجود داشت که از جمله در گزارش معاون حکومت مازندران به مقام وزارت امور خارجه، مورخ ۱۳۳۲ق/۱۹۱۳م آمده‌است: «بلوک زیت و شورم و رندان [شهریارکنده] و پنبه‌چوله که در بین ساری و اشرف واقع شده‌است جزو خالصه دولت [است] و از زمان آقامحمدخان تاکنون بابت محل حقوق سوار کرد و ترک و به‌دست سرکردگان آن‌ها بوده‌است. این اوقات ارتناً به عبدالله‌خان و غلام‌حسین‌خان پسرعموی مشارالیه رسیده و درعوض حقوقات دیوانی خودشان تصرف دارند» (استادوخ، GH1332-K45-P27-10).

به‌نظر می‌رسد، تیول از ملک خصوصی در اجاره دیوان نیز واگذار می‌شده‌است. برای نمونه زمین زراعی بزمین‌آباد میان‌دورود که شاه قاجار از مالکان آن روستا به‌مدت نود سال اجاره کرده بود، در جزو تیولات مقرب‌الخاقان میرزامسیح مستوفی برقرار گردید؛



درحالی‌که از مدت اجاره ملک مزبور، دو یا سه سال گذشته بود (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره‌برگ، ۶۲، ۱۲۴، ۱۷۲، ۲۰۲، ۲۶۳). «چون عمل زراعت آنجا نکث کلی داشت، میرزاسیخ از تیولات خود موضوع نمود که مقرر شد به اربابی صفرعلی معروف به ناظر که از اولاد مالکان مزبوره و از اشراف و اعیان این ولایت بود، مرحمت شود. درواقع وی خودش داوطلب شده مالیات آنجا را قبول نماید و قریه مزبوره را هم، سال‌به‌سال آبادتر کند و در ازدیاد منافعش اهتمام نماید» (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره‌برگ ۶۲).

اگر واگذاری اراضی خالصه برای هبه بود، به‌جای تیول اصطلاح سیورغال به‌کار می‌رفت. در زمان آقامحمدخان و فتح‌علی‌شاه درآمد سیورغال مازندران را به اهالی ساکن کوه و دشت اختصاص دادند (Kazembeyki, 2002, pp 13-14). سیورغال با تخفیف مالیاتی نیز همراه بود؛ چنان‌که برای اظهار مرحمت به سادات عالی درجات زیرولیم، براساس دو طغرا فرمان فتح‌علی‌شاه به‌تاریخ ۱۲۲۸ق و ۱۲۲۹ق و یک طغرا فرمان به‌تاریخ ۱۲۳۸ق و بعضی احکام شاه‌زاده محمدقلی میرزا والی سابق طبرستان (ساکما، ۲۶۳۳۱-۲۴۰، شماره‌برگ ۲، ۴، ۸) قرار شد تا جمع دیوانی مزرعه زیرولیم را (موافق سررشته‌جات دیوانی، مبلغ سی تومان و یک‌هزار و شش‌صد و هفتادوپنج دینار) که وقفی سادات نامبرده بود، به تخفیف ابدی آن‌ها برقرار شود که «من بعد کسی متعرض آن‌ها نگردد و به دعاگویی اقدام نمایند و قدغن نمود که احدی مطالبه مالیات و صادرات دیوانی و ولایتی و سایر عوارض حکمی و غیرحکمی متعرض آن‌ها نگردیده، از هر بابت آن‌ها را معاف و مسلم دارند و به‌هیچ‌وجه تعرض نرسانند» و «قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند» (ساکما، ۲۶۳۳۱-۲۴۰، شماره‌برگ ۱۶) و یا آنکه قریه وقفی را که داخل در خالصه دیوان بود به سیورغال می‌دادند. مانند قریه بنفشه‌ده من اعمال بلوک میان‌رود الکای نور که وقف امام‌زاده ابابکر بن علی بن ابی‌طالب و داخل خالصه دیوان بوده‌است به اربابی عمل و به سیورغال عالی جناب، مقدس القاب، حقایق و معارف اکتساب، فضایل و کمالات انتساب، علامه فهامی ملامحمدصادق نوری مرحمت و عنایت شد که خود متصرف باشد و به آبادانی و زراعت قریه مزبور مشغول شود و مداخل و منافع آن را صرف روشنائی و اخراجات امام‌زاده نماید (ساکما، ۳۴۷۵-۲۵۰، سند شماره ۱۴۸).

۴- مصارف تیولات

نظام تیول‌داری در مازندران همواره متأثر از عواملی چون وسعت و حاصلخیزی خاک، تنوع قومی و نظام ایلی ویژگی خاص خود را داشت و این امر در صرف درآمد تیولات اثرگذار بود. مصارف تیولات به دو صورت عواید و مالیات قرای خالصه رواج داشت.

۱. به معنای کاهش عایدات که در اسناد مربوط به زمین‌داری، به کار می‌رفت.



درادامه انواع هزینه‌کردهایی که براساس درآمد تیولات مازندران گزارش شده‌است بررسی می‌شود:

۴.۱. عواید قرای خالصه

۴.۱.۱. پرداخت مواجب به قشون

افواج اغلب از طریق محل درآمد (تیول)، مواجب دریافت می‌کردند و تحت ریاست خوانین و سرکردگان خود بودند. هر فوج به چند دسته تقسیم می‌شد و در رأس آن، مقام سرتیپ و دیگر مناصب عالی نظامی چون سرهنگ، سررشته‌دار، سرکرده و... وظایف خاص خود را انجام می‌دادند (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۴۴۴، ۱۱۶، ۴۰۰؛ استادوخ/GHI332-K45-10 P27) در مازندران «از قدیم‌الایام رسم این بود که محل مواجب نوکر در دست خود نوکر باشد. نوکر کرد و ترک و عرب و یخ‌کش و کلبادی مخصوصاً محل در دست دارند و علاوه از مواجب شش ماهه هم دستی‌بده هستند» (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۱۸۰). روش پرداخت مواجب به صورت سه‌ماهه و شش‌ماهه و یا از طریق محل (مواجب) رایج بوده‌است که در اسناد از آن‌ها به صورت‌های «دستی‌بگیر و دستی‌بده» نام برده می‌شود. برای نمونه به سه طایفه نوکر هزارجریبی به دستجات ابراهیم خان سرتیپ، لطف‌علی خان و نجف‌قلی خان سرهنگ، مواجب شش ماهه (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۱۸۲) و به نوکر سورتیج مواجب سه‌ماهه داده می‌شد (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۴۰۰). نحوه پرداخت مواجب سه‌ماهه به نوکر و قشون مازندران در گزارش سند دریافت تنخواه توسط بهرام‌میرزا حاکم مازندران به خوبی بیان شده‌است:

«نمی‌دانم از بی‌پایی و بی‌سامانی این نوکر چه بنویسم! [...] این‌ها دستی‌بگیر نیستند که داده شود یا نشود. هریک محل دارند و باید دستی بدهند؛ به آن معنی که رعیتی‌بده هستند و همیشه این وجه دستی‌بده آن‌هاست که به اسم مواجب سه‌ماهه به پای آن‌ها منظور می‌شود. به این ملاحظه که یه چیزی می‌دهند نه می‌گیرند، جزئی آسودگی دارند و هر وقت مأموریتی به هم رساند چنانچه جیره داده شود به همان قناعت کرده، دلگرمی که بابت مواجب از این‌قرار دارند، مشغول خدمت هستند. در واقع رعایت این‌ها خیلی لازم است؛ زیرا آن‌ها هم رعیتی می‌دهند و هم در سرحل و ثغور به نوکری و خدمت قیام و اقدام دارند. یک‌دو جا از قبیل تنکابن و لاریجان شاید رؤسا جور مرئوسین را بکشند. سایر نوکر مازندران از رئیس و مرئوس همه صورت یکدیگر هستند» (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۴۰۰).

پرداخت وجه نظام، منظم و به‌موقع نبود. برای نمونه، گاهی فقط به برخی از طوایف مواجب پرداخت می‌شد و به‌دنبال آن، صاحبان تیول از دیوان می‌خواستند تا مواجب همه



افواج را پرداخت کند تا این موضوع سبب دل‌سردی طوایف دیگر نشود (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره‌برگ ۱۳۰، ۱۸۰، ۴۰۰). یا این که حکومت، برخی از افواج مازندران (چون فوج بندپی و نوکر هزارجریبی جمعی لطف‌علی خان سرهنگ)^۱ را برای مقابله با اشرا و ترکمانان نافرمان به سرحد استرآباد می‌فرستاد تا به خدمت مشغول باشند (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره‌برگ ۲۴۰) و زمانی که از آن‌جا برمی‌گشتند، هنوز جیره دریافت نکرده بودند. از این رو تأخیر در پرداخت مواجب و جیره قشون از موارد رایج زمان قاجار بوده است. نحوه و میزان پرداخت مواجب سرکردگان و فرماندهان نیز نامنظم و کم بود. براساس سواد فرمانی درباره اضافه‌مواجب لطف‌علی خان سرهنگ آمده است: «بعد از این که استعداد او در شورای عسکریه امتحان و تصدیق داده شد، یک‌صد و پنجاه تومان بر مواجب سابق او افزودند. بدین صورت که بعد از وضع عشر و رسوم دیوانی، مواجب خود را دریافت دارد. وی که در سرحد استرآباد مشغول خدمتگزاری بود، سیصد و پنجاه تومان مواجب دیوانی داشت ولی مبلغ مزبور کفایت گذران او [را] نمی‌کرد» (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره‌برگ ۱۱۲، ۲۰۴). برخی طوایف نیز سال‌های سال از زمان آقامحمدخان مرأتعی را در مازندران به‌عنوان یورت^۲ مطابق فرمان و اسناد در تصرف داشتند؛ مانند افغان‌ها که عناب‌تپه و سه‌پشته را «که محل تعلیف مال و حشم چاکران [بود] و مزرعه آن را هم زرع و صرف معاش کرده به خدمتگزاری و جان‌نثاری قیام و اقدام دارند» (استادوخ، GH1333-K45-P84-19). بنابراین داشتن خاستگاه ایلی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های افواج در مازندران به‌شمار می‌رفت و در دریافت و پرداخت مواجب تأثیرگذار بود.

۴.۱.۲. پرداخت مواجب به امنای دیوان اعلی

بسیاری از املاک مازندران به‌صورت تیول در اختیار امنای دیوان اعلی قرار می‌گرفت؛ از قبیل وکیل‌الملک و نظام‌الملک در نور (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره‌برگ ۱۰۴) یا خالصه‌جات تیولی را به افراد دیوان و مشاعلی چون مثل قوشچی‌باشی و نایب‌ایشیک‌آقاسی واگذار می‌کردند. برای مثال مهدی‌قلی خان نایب‌ایشیک‌آقاسی پسر میرزا فضل‌الله خان نوائی، چهار قریه از قرای خالصه را به‌بابت مواجب خود به‌اسم تیول در دست داشت که قریب نه‌صد تومان مالیات دیوانی آن دهات بود (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره‌برگ ۳۹۰).

۴.۱.۳. پرداخت مواجب به زنان دربار

این مورد تاحدی یادآور اقطاع و املاکی است که به زنان سلجوقی و ایلی‌خانی داده می‌شد. در روستای لالاباد بارفروش (لاله‌آباد بابل) تیولاتی به والدۀ عضدالملک تعلق داشت

۱. از مقامات لشکری و مالکان بزرگ شرق مازندران
۲. چراگاه و قلمرو کوچ ایلی



(ساکما، ۲۴۰-۵۳۰۹۲، شماره برگ ۲)؛ مهدعلیا هم تیولی در مازندران داشت (ساکما، ۲۹۵-۷۴۰۶، شماره برگ ۰۹۲).

۴.۱.۴. اختصاص درآمد تیول به سادات

شاه برخی از املاک خالصه را هم به سادات واگذار می‌کرد. به این موضوع در حکمی از فتح‌علی شاه قاجار به تاریخ ۱۲۰۲ ق/۱۷۸۷ م اشاره شده است:

«ازقرار فرمان خاقان مغفور [...] قریتین ملاکلا و کلهودشت من بلوک تالارپی مازندران به تیول عالی جنابان حاجی سیدمحمدابراهیم ولد مرحوم حاجی آقا کوچک استرآبادی و اولاد ذکور مرحوم آقامحمدرفیع برقرار بوده [...] حال امضای سرکار همایون خطاب به حکام مازندران باید بشود که به تیول سادات مشارالیه مقرر دانند» (ساکما، ۲۹۵-۵۰۱۵، شماره برگ ۱).

۴.۱.۵. جلوگیری از غارت و سرکشی طوایف

واگذاری تیول علاوه بر خدمات از سوی تیول‌دار، گاهی برای رهاشدن از آزار و غارت‌گری‌های برخی ایلات اختصاص می‌یافت تا ترک غارتگری کنند و به کشاورزی بپردازند (ملک‌آرا، ۱۳۶۱، ص ۱۲۱). در قریه هزار خال نور پنجاه خانوار از ایل خواجه‌وند ساکن بودند که بین ایشان خانواری از اهالی مازندران نبود. این طایفه را آقامحمدخان قاجار از گروس (بیجار) و کردستان کوچانید و در مازندران مرتع و مرعی داد تا علاوه بر خدمات، شرارت این طایفه را از گروس و کردستان دفع نماید (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۶: ۱۴۴-۱۴۳) البته این اقدام نتیجه مثبتی برای حکومت نداشت (ظل‌السلطان، ۱۳۶۸، ص ۶۸۳)؛ حتی برای ایل و طوایفی که در ظاهر به دولت خدمت می‌کردند. برای نمونه تمامی دهات اکراد مازندران در این دوره به خدمت دولت مشغول بودند و موجب دریافت می‌کردند تا زمانی که اکراد از سیدخلیل علی‌کنده نظام‌العلمای فرمائی جعلی برای کوتاه‌ساختن دست ایالت از دهات خود آن را از عبدالسلام اگنط روسی سالی هزار تومان اجاره کردند؛ زیرا غیر از دهات اکراد تمامی دهات در اجاره اگنط بود. چگونگی این موضوع و واکنش مردم به آن در سند پیوست شماره ۱ بازتاب دارد که چگونه شرف ایران و ایرانی را با این اقدامات از بین می‌برده‌اند.



۴.۲. محل مصرف درآمد مالیات ارضی

۴.۲.۱. اعطای حق وصول مالیات قرای خالصه به دیوانیان

در اغلب موارد موجب حکام از طریق اعطای مالیات قرای خالصه موجود در حوزه حکمرانی آنها تأمین می‌شد. در سند مربوط به عضدالملک آمده‌است که مالیات قرای مظفرکلا، رنگرزمحله و... را تیول موجب خود و متعلقان خود بداند (ساکما، ۵۳۰۹۲-۲۴۰، شماره برگ ۲).

۴.۲.۲. اعطای حق وصول مالیات سالیانه قرای خصوصی به سوار ایل (به جای موجب)

بخشی از منابع عمده دولت از مالیات ایل و طوایف تأمین می‌شد؛ ولی در مازندران گاهی سوار ایل، مالیات سالانه قرای موروثی افراد دیگر را به جای موجب خود دریافت می‌کرد؛ مانند: «[...] قریه فومش کنار و دارد کاشت [که] ملک موروثی مرحوم آقامحمدعلی و بازماندگان اوست و از سنوات سابقه منال^۱ و مالیات دیوانی آن قریه به تیول سوار گرایی و اگذار شده بود [...]» (ساکما، ۳۴۵۱۱-۹۹۹). البته براساس گزارش مالکان زمین، گاهی سرکردگان ایل مزبور، به املاک و مراتع آنها تعدی می‌کردند؛ در صورتی که به جز دریافت منال دیوانی به هیچ وجه حق نداشتند به آن ملک تعرض کنند (ساکما، ۳۴۵۱۱-۹۹۹).

۴.۲.۳. پرداخت موجب به علما

در دوره قاجار به شماری از علما و روحانیون موجب پرداخت می‌شد. برای نمونه در ذی‌قعدة ۱۲۳۱ق ملاعبدالکریم و ملااسماعیل پسران ملاعلی محمد میار طی عریضه‌ای مشترک از فتح‌علی شاه درخواست کردند که چون میرابوطالب تنکابنی فوت کرده‌است و نامبرده در حین حیات سالانه پانزده تومان موجب از محل درآمدهای مالیاتی مازندران دریافت می‌کرده‌است، از این پس موجب او در حق آنها برقرار شود که طی فرمان فتح‌علی شاه به ملک‌آرا قرار شد سالانه، مبلغ هفت تومان به عنوان موجب ملامحمداسماعیل و ملاعبدالکریم از محل مالیات مازندران برقرار شود (نعیمایی عالی، ۱۳۹۱، صص ۲۶۴-۲۶۵).

تنوع مصارف تیولات در مازندران از میزان تکیه دولت بر زمین‌های تیولی برای پرداخت موجب لشکری و کشوری و دیگر اقشار برجسته جامعه نشان دارد.

۵- وظایف تیول‌دار

در برابر واگذاری تیول، از تیول‌دار انتظار می‌رفت تا در صورت لزوم نیروی نظامی فراهم کند که گاهی تعداد سربازان هم در سند فرمان تیول ذکر می‌شد. در مقابل تیول‌دار هم

۱. دارایی و خواسته



تمام اختیارات دیوانی ناحیه تیول را در دست داشت (ابوت، ۱۳۹۶، ص ۸۳). در مازندران به کمک کدخدا و مباشر مرقوم و مقرر می شد که در هر محل معین کنند که به وقت نیازمندی چقدر سوار برای خدمت به دولت می توانند حاضر کنند و از روز حرکت تا روز معاودت، ماهی یک تومان جیره علیق بگیرند. رعیت مازندران که اغلب برنج کوب و زارع بودند، از عهده دادن سوار بر نمی آمدند مگر طوایف و قبایلی که همیشه «نوکر دیوان باشند و مواجب بگیرند نه این که یک وقت مخصوص حاضر شوند»...]. برای نمونه در گزارش بهرام میرزا حاکم مازندران آمده است: زمانی که دولت به سرباز و سوار نیازمند شد، ایلات کرد و ترک می گفتند: دو هزار سوار مستعد می دهیم؛ در حالی که چهارصد سوار بودند. عبدالملکی یکصد سوار بودند می گفتند: چهارصد سوار می دهیم. خواجهوند چهارصد سوار بودند، یک هزار سوار از آن ها خیلی به قاعده می شود پادار کرد. علاوه بر آن، افرادی چون لطف علی خان سرهنگ^۱ مکرر بیان می کرد که یکصد نفر دیگر علاوه پادار می کنم تا از دیوان به اسم سربازی مقرر شود (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۲۳۴). از این رو طوایف و قبایل بسیاری در خدمت ارتش به کار گرفته می شدند و به سران آن ها در مازندران زمین و روستا اختصاص می یافت.

در عصر قاجار مالکیت زمین مبنای قدرت و نفوذ شخصی بود و تصدی مناصب حکومتی یکی از راه های اصلی تحصیل اراضی (تیول) و تأمین ثروت و نفوذ محسوب می شد (اتحادیه، ۱۳۷۳، ص ۱۳؛ شریف، ۱۳۵۲، ص ۸۱). بنابراین، بین زمین داری و منصب دولتی رابطه ای معنادار وجود داشت و در واقع «همه ارباب تیول، اعیان و ارکان دیوان هستند» (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۱۶۲). از جمله این افراد سرکردگان نظامی بودند که خالصه جات دولت در عوض محل حقوق دیوانی در دست آن ها قرار داشت و مواجب سرباز به صورت مستقیم پرداخت نمی شد (استادوخ، ۱۰-۲۷-P27-K45-GH1332؛ استادوخ، 44-42). (GH1333-K45-P95-42).

اقدام آقا محمدخان در به کارگیری تعداد چشمگیری از نیروهای نظامی (قبایل بومی و مستقر) در مازندران برای استواری حکومتش سبب شد تا جانشینان او هم فعالانه از این نوع نیروهای نظامی (که تحت امر رؤسایشان قرار داشتند) در جنگ ها به ویژه جنگ های ایران و روسیه استفاده کنند (kazembeyki, 2002, p31)؛ نعیمایی عالی، ۱۳۹۱، ص ۲۶۴). برای نمونه جان فشانی و خدمات ایل کرد و ترک در گرجستان، مرو، هرات، به ویژه صحرای ترکمان و سایر حدود ایران در تاریخ ثبت شده است و در عهد خاقان مغفور، جوانان این طوایف در داغستان قربانی تاج و تخت ایران شدند و جان های خود را در حفظ این آب و خاک نثار کردند (ساکما، ۱۰۱۷۹۵-۲۴۰، شماره برگ ۹۰، ۱۲۷، ۲۲۵، ۲۳۵).

۱. سیصد نفر ابواب جمعی داشت



با آنکه ایجاد تعادل در نیروی نظامی در مازندران از اواخر ۱۲۵۵ق (اوایل ۱۸۴۰م) به دست محمدشاه به قدرت‌گیری سرداران بومی و کاهش اقتدار رؤسای قبایل منجر شد، ولی نقش ایالت مازندران در تأمین نیروهای نظامی دولت تا سقوط قاجارها هم چنان حفظ شد و تا سال ۱۳۳۸ق/۱۹۲۰م بعد از ایالت آذربایجان، مازندران بیشترین سربازان را برای تأمین نیازهای حکومت قاجار فراهم می‌کرد (kazembeyki, 2002, pp 32-34).

در مازندران واگذاری زمین به صورت تیول همیشه تعهد نظامی برای مالکان ایجاد نمی‌کرد؛ بلکه این درآمد برای پرداخت مواجب دیگر متولیان امور دیوانی نیز به کار برده می‌شد. تیول‌داران بنابه شیوه‌های ملک‌داری رایج در هر محل، و روابط با رعایا یا مأموران حکومت وظایفی برعهده داشتند. مراقبت از تیول مهم‌ترین وظیفه تیول‌دار بود. شرایط این بود که در صورت خرابی تیولات، ابتدا تیول‌دار را وادار می‌کردند تا برای نمونه تا حدود شش ماه خرابی تیولات خود را رفع کند؛ وگرنه «... کلیه خالصه‌جات مازندران به جهت تطاول مباشران مسلوب‌المنفعه می‌شدند» (استادوخ، ۱۳۳۳-ک۴۵-پ۹۵-۴۲). در باب مستمریات ارباب و طوایف مازندران به حکومت گزارش می‌شد که «[...] وضع مازندران غیر از سایر ولایات است. از حاکم مازندران به‌بابت مستمریات چندان دستی‌بگیر نیستند؛ وانگهی این‌جا همه موضوعات و هر جا مستمری‌بگیر دارد [...]» (ساکما، ۱۳۰۶-۷۴-۲۹۵، شماره برگ ۴۰۰).

مصارف تیولات با توجه به سیاست حکومت در مازندران بسیار متنوع شده بود و به افراد در موقعیت‌های مختلف، اراضی زراعی به‌عنوان تیول داده می‌شد که همه این تیولات درازای خدمت به دولت نبودند؛ مانند تیولاتی که به زنان دربار داده می‌شد. عملکرد تیول‌داران در هر شرایطی به‌ویژه با ضعیف‌شدن دولت در راستای اهداف خودشان بود و با تصرف و غصب زمین‌های زراعی مازندران در راستای موروثی‌کردن تیول ظاهر شد مانند قریه جویبار (ساکما، ۱۳۰۶-۲۳۰، شماره برگ ۸۹).

۶- پیامدهای تیول‌داری (مزایا و معایب)

اگرچه تیول‌داری با سودآوری مالی، ساده‌کردن جمع‌آوری درآمدهای مالیاتی، تأمین نیروی نظامی از ایلات و طوایف و در نتیجه بی‌نیازکردن حکومت برای حفظ ارتش ثابت و پرداخت نقدینگی به آن، همراه بود (لمبتن، ۱۳۶۲، صص ۱۱۰-۱۱۱)، ولی معایب و پیامدهای مهمی را نیز به دنبال داشت که اغلب اقتصاد و اوضاع اجتماعی جامعه عصر خود را تحت تأثیر قرار می‌داد. ضعف سیاسی حکومت مرکزی سبب می‌شد تا صاحبان قدرت در اراضی تیولی، رفتارهای مستقلی در پیش بگیرند که مهم‌ترین نتیجه آن بروز پریشانی و



زیان‌های مالیاتی و اقتصادی و اجتماعی بود. پرداخت مالیات به دولت از مهم‌ترین اهداف تیول‌داری بود؛ ولی تعیین میزان بهره‌وری اراضی و میزان مالیات، یکی از چالش‌های پیش‌رو بود و همواره برای دولت و رعیت مشکلاتی را ایجاد می‌کرد (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۱۳۶، ۱۵۸، ۱۹۶).

درگیری بر سر تصاحب محل موجب میان افراد صاحب دیوان و طوایف، یکی دیگر از پیامدهای زیان‌بار نظام تیول‌داری بود؛ به نحوی که هریک از آن‌ها، خود را صاحب تیول مزبور می‌دانستند و برای مالکیت آن حاضر می‌شدند هر شرایطی را به دیوان متعهد شوند. برای نمونه قریه صلاح‌الدین کلا که از خاک کلاردشت است، براساس فرمانی به تیول میرزامهدی لشکرنویس مقرر و در دستورالعمل هم به اسم میرزامهدی و محل موجب او منظور شده بود؛ ولی سواره‌خواجه‌وند، قریه مزبور را محل موجب خود می‌دانستند. چون خواجه‌وندی‌ها در این باره حرف می‌زدند، میرزامهدی تقاضا کرد که یک‌صد تومان هر ساله اضافه بر مالیات دیوانی آنجا پیشکش کند و قریه مزبوره به بابت محل موجب به خود او به‌عنوان تیول مرحمت شود (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۳۳۸) و یا ایلخی چیان‌های دیوانی با اهالی اشرف و توابع پیوسته در گفت‌وگوی مرتع بودند و عباس‌قلی خان سرحدار، دائم اسباب شکایت آن‌ها و طایفه عبدالملکی را در مسئله مرتع مدنظر فراهم می‌کرد (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۳۱۶).

ضبط و مصادره اموال تیول‌داران در صورتی که مورد غضب و بی‌مهری شاه قرار می‌گرفتند از پیامدهای منفی آشکار این نظام بود که ریشه در نظام دیوان‌سالاری ایران داشت. برای نمونه قریه رکاوند در دوره آقامحمدخان به‌عنوان تیول با چند قریه دیگر به حمزه‌سلطان انزانی واگذار شد؛ ولی در اواخر سلطنت آقامحمدخان، نامبرده مقصر و مغضوب شاه قرار گرفت و کلیه اموال تیولی و حتی شخصی‌اش ضبط شد (ساکما، ۵۷۰۸۸-۲۴۰، شماره برگ ۱۴۹). گاهی هم اتفاق می‌افتاد که به‌دنبال این موضوع، فرزندان تیول‌دار مورد توجه شاه قرار می‌گرفتند و در نتیجه تیول پدر مغضوب به آن‌ها برمی‌گشت؛ چنان‌که در ادامه سند بالا این‌گونه آمده است: در اواخر سلطنت آقامحمدخان، رحیم‌خان انزانی (فرزند حمزه‌سلطان حاکم خراسان) مورد توجه شاه قرار گرفت و قریه رکاوند به‌موجب حکمی به تیول او واگذار شد. در دوره سلطنت آقامحمدشاه مجدداً فرمان تیول به اسم حمزه‌سلطان صادر شد و همین قسم خوانین انزانی ساکن نوکنده‌کاو استرآباد توابع بندر جز (که از صاحبان قدیم بودند) اغلب آن‌ها در رکاوند سکونت و تصرفات داشتند (ساکما، ۵۷۰۸۸-۲۴۰، شماره برگ ۱۵۱).



زمانی که امر تیولات دچار اختلال می‌شد و از تنخواه وجه تیول به کلی باقی می‌بود، کارگزاران حکومتی تبدیل تیول خود را خواستار می‌شدند. برای نمونه حاکم مازندران که در باب تیولات آذربایجان و از رسیدن تنخواه مقرری خود جوشقان را به عنوان تیول از دیوان درخواست کرد تا با نهایت دلگرمی مشغول خدمت‌گزاری باشد و اشاره کرد که این تبدیل برای دیوان اعلیٰ ضرری نخواهد داشت و به دارالخلافه نزدیک است (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۴۱۲). در زمینه درخواست تبدیل تیول مذکور از دیوان، امر و مقرر شد که جوشقان در سال بعد به او مرحمت شود و «[...] امساله [...] وجه مقرری خود را از آذربایجان دریافت دارد [...]» (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۴۱۲). بنابراین تبدیل محل موجب دیوانی یکی دیگر از چالش‌های مهم مالیه بود. دولت پس از تصویب قانون وظایف در مواردی که تبدیل محل موجب برای خزانه ضرری نداشت با آن موافقت می‌کرد (یوسفی فر و محمدی، ۱۳۹۸، ص ۱۸).

نبود مدیریت درست و نظارت دیوان بر تیول/تیول‌داری سبب ناامنی در روستاهای مازندران می‌شد. بدین صورت که افراد متفرقه، بدون داشتن حکم همایونی در امر تیولات مازندران دخالت می‌کردند که در گزارش وقایع اتفاقیه بهرام‌میرزا، حاکم این ولایت، بدین شرح دیده می‌شود: کربلائی‌یحیی مباشر بلوک نوکنده‌کاو پهناب تیولی مرحومه مهدعلیا، بیان داشت که مأموری از جانب علاءالدوله به نوکنده‌کاو آمده «پسرم را زنجیر کرده و انواع افتضاح در آن جا معمول داشته‌است». پس از تحقیق معلوم شد که مشهدی‌آقاییک‌نام و یک نفر دیگر از جانب علاءالدوله به ضبط نوکنده‌کاو پهناب مأمور هستند. به محض ورود، علاوه بر زنجیر و چوب‌زدن، زن‌ها را بسیار اذیت کردند. یکی دو نفر را هم سر و دست شکستند و همه قسم اغتشاش را باعث شدند. هیچ اعتنا به ساری نکردند و در نوکنده‌کاو این همه اختلال فراهم آوردند. باین حال فردی گفت، شاید حکم دیوان در دست داشته باشند. آن‌ها را خواستم و جويا شدم. کاغذی از جناب علاءالدوله داشتند نظر به این که امر و مقرر شده بود، هرکس بی فرمان مبارک به این جا بیاید، او را محبوس کنید و این‌ها هم فرمان نداشتند (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۹۲، ۱۶۵).

اسکان طوایف مهاجر در مازندران که به دنبال نظام تیول‌داری به‌ویژه در دادن یورت شکل می‌گرفت، همواره سبب کشمکش‌های طوایف با بومیان منطقه بود و در نهایت به نارضایتی و مهاجرت بومیان منجر می‌شد. در این باره می‌توان به نوشته میرزا عبدالله میار در شرح حال آقاخان اشاره کرد که او از یورت‌گرفتن و اسکان خواجه‌وندان در اراضی تحت مرزن‌آباد و کنار جاده به دلیل شرارت و خسارت‌هایی که به اهالی بومی وارد می‌کردند، نراضی بود؛ در نتیجه حکم به احتراق بیوت و منازل آن‌ها داد (نعیمایی عالی، ۱۳۹۱،



ص ۲۱۴). گاهی هم اقدامات طوایف مزبور سبب مهاجرت بومیان از روستای خود می‌شد. برای نمونه «بعد از آنکه ایل خواجه‌وند در کلاردشت یورت گرفت، به واسطه تصرف املاک و شرارت و فساد و سرقت، گذران معاش بر اهالی آن‌جا سخت شد؛ بنابراین بنای توطن در بلوک بیرون‌بشم گذاشتند. چندی به قریه گویترا ساکن شدند و عمارت و حمام در آن قریه بنا نهادند؛ ولی هم‌چنان به واسطه یورت گرفتن طایفه لک در قریه مزبوره از آن‌جا هم صرف‌نظر کردند و مرزن‌آباد را از طایفه نجار پردنگانی خریداری و آن مکان را تجدید عمارت و آباد نمودند» (نعیمایی عالی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۴).

از پیامدهای دیگر تیول‌داری، ویرانی املاک خالصه و کمبود عایدات بود که در واقع می‌توان آن را از مهم‌ترین پیامدهای تیول/ تیول‌داری در مازندران دانست. بدین شرح که تیول‌دار با هدف به‌دست آوردن سود بیشتر، تمام تلاش خود را برای بهره‌برداری بی‌قاعده از تیول در حداقل مدت، صرف می‌کرد؛ در حالی که از سوی حکومت هیچ نظارتی نبود. در گزارشی این مطالب تأیید شده است: «[...] غالب خالصه‌جات مازندران را هرچه خوب و بامنفعت بوده است به تیول برده‌اند و آنچه خراب است برای دیوان گذارده‌اند [...] ولایت را به جهت بردن همین تیولات به کلی خراب کرده‌اند» (ساکما، ۲۹۵-۷۴۰۶، شماره برگ ۳۵۶). ویرانی برخی از تیولات به گونه‌ای بود که از صاحب تیول می‌خواستند به اندازه موجب خود تیول بردارد و باقی را واگذارد که خالصه را به‌عنوان تیول خراب کردن شایسته نیست و هنگام سپردن تیولات هم بر تیول‌دار تأکید می‌کردند تا برای آبادانی و زراعت آن تمام کمال تلاش کند (استادوخ، ۲۰۱۳، GH1333-K45-P95-42).

دولت به دنبال ناکارایی اراضی واگذار شده به تیول، سیاست فروش خالصه‌جات را در پیش گرفت؛ چون به دنبال رفع نیازهای مالی خود بود. بنابراین از پیامدهای دیگر تیول‌داری در مازندران، می‌توان فروش خالصه‌جات و به دنبال آن گسترش مالکیت خصوصی را نام برد. براساس اسناد در دسترس، تغییر در حقوق مالکیت خالصه در مازندران، از زمان فتح‌علی شاه به تدریج شکل گرفت (ساکما، ۲۹۵-۷۱۹۱، شماره برگ ۴۵، ۴۸) تا رسید به زمان ناصرالدین شاه که خالصه‌جات بانام خالصه‌جات انتقالی/ واگذاری به افراد فروخته می‌شد.

نحوه واگذاری خالصه‌جات، مستلزم فرمان سلطنتی و تشریفات مربوط به آن بود که در آن املاک خالصه و اربابی حکم واحدی می‌یافتند. در ابتدا، این اراضی به صاحبان تیول واگذار شد (ساکما، ۲۴۰-۵۳۰۹۲، شماره برگ ۲؛ ۲۴۰-۹۲۲۶، شماره برگ ۱۰؛ ۲۲۳۵۶-۰۲۴۰؛ شماره برگ ۲) در صورتی که به گفته کرمانی درست‌تر این بود که دولت هر دهی را به همان اشخاصی که در آن ده زراعت می‌کردند، واگذار می‌کرد تا هم رعایا صاحب ثروت شوند و هم نرخ غله ارزان بماند. او در نحوه فروش خالصه‌جات دولتی، موضوع



تعیین قیمت در ابتدای فروش املاک خالصه را هم نقد می‌کند و آن را اشتباه دیگر دولت می‌داند (مجدالاسلام کرمانی، ۱۳۵۶، ص ۱۲۲). به‌دنبال این سیاست، منازعات ارضی در مازندران بالا گرفت و برای دولت و رعیت در دسرهای زیادی به‌وجود آمد؛ منازعاتی چون: ۱- انتقال اجباری ملک خریداری‌شده افراد به شاهزادگان (ساکما، ۲۳۵۵۹-۰-۲۴۰، شماره برگ ۲)؛ ۲- حفظ ملک توسط صاحبان تیول و موروثی شدن آن؛ ۳- تصرف و خرید خالصه‌جات توسط افراد بانفوذ جامعه؛ از جمله فرماندهان نظامی که با تکیه بر جایگاه اجتماعی خود املاک عمومی و خالصه‌جات تیولی را تصرف می‌کردند. یکی از آن‌ها امیرمؤید سوادکوهی بود که با گرفتن منصب نظامی به تصرف زمین در شیرگاه پرداخت (استادوخ، GH1336-K46-P10-13) و فرزندان او در سال ۱۳۳۱ق خالصه‌جات سوادکوه را بر املاک خود افزودند (ساکما، ۲۴۹۳-۰۰۲۹۳، شماره برگ ۲ و ۳). در این میان، بنابر سواد حکم هیئت وزراء اعظم، مقرر شد تا وزارت مالیه به دعوی راجع به خالصه‌جات باقی مانده دولت بپردازد و دعوی مربوط به خالصه‌جاتی که دولت فروخته بود در محاکم عدلیه رسیدگی شود؛ مشروط بر این که حیثیت آن دعوی به زمان قبل از تصرف یا حین تصرف دولت مربوط نباشد (استادوخ، GH1333-k45-p79-6).

به دلالت پژوهش‌های جدید، شیوه‌های زمین‌داری اقطاع و تیول را به‌همراه عواملی چون شرایط جغرافیایی (دشواری تهیه آب و جدایی روستاها از یکدیگر) و عوامل اجتماعی (مانند نظام ایلی و نظایر آن) می‌توان از ریشه‌های عمده مالکی در ایران به‌شمار آورد (برای نمونه، ر.ک. بهنام و راسخ، ۱۳۴۸، ص ۲۳۲) که در نتیجه سیاست اعطای تیول می‌توانست نتایج چندوجهی در مازندران و مناسبات آن با دولت مرکزی داشته باشد.

۷- قانون برگشت تیول و موضوعات مرتبط با آن

در اواخر قرن نوزدهم، با تغییراتی که در پی انقلاب مشروطیت در اداره کشور و مفهوم حکومت روی داد، بعد از استقرار دولت جدید، کمیسیونی به‌نام انجمن مالیه در تاریخ ۱۳۲۵ق برای مطالعه در اصلاحات اقتصادی برگزید شد و چون موضوع اقتصاد، با زمین‌داری و مالیات کاملاً ارتباط داشت، حاصل کار این کمیسیون، چهار قدم اصلاحی بزرگ بود که تمام آن‌ها در موضوع زمین‌داری و وظایف زمین‌داران بسیار مؤثر افتاد (لمبتن، ۱۳۶۲، ص ۳۳۱). یکی از آن‌ها، منسوخ‌شدن انواع تیولات مازندران به حکم مجلس شورای ملی بود (لمبتن، ۱۳۶۲، ص ۳۳۲؛ ساکما، ۲۴۷۰-۰۰۲۹۳، شماره برگ ۱۳۳)؛ با این هدف که بر عمومی‌بودن اراضی کشور تأکید کند و از هدررفتن املاک و امکانات زراعی جلوگیری کند (حقدار، ۱۳۹۵، ص ۹۸).

روند اجرای قانون برگشت انواع تیولات در مازندران^۱ به چند موضوع بستگی داشت:
۱- پرداخت مواجب از موضوعاتی بود که برای صاحبان تیول مهم بود؛ زیرا به دنبال قانون برگشت تیول، در پرداخت مواجب تغییراتی شکل گرفت و بعد از فوت تیول دار اگر از مستمری او باقی مانده بود، به فرزندان پرداخت می شد و دیگر تیول در حق کسی برقرار نمی شد. بدین شرح که تیولات با عنوان محل سوار و نوکر دیوان از تیولات غیر خارج شدند. مانند قریه کلاری که به تیول مرحوم آقاسید عبدالکریم قاضی مقرر بوده چون عنوان محل سوار و نوکر دیوان داشت به انضمام قراء دیگر از تیولات غیر خارج و در عوض محل مواجب نوکر مقرر داشتند و براساس سند مورخ رمضان ۱۳۲۳ق، قریه صلحداری کلای بندپی محل مستمری و به تیول آن مرحوم برقرار کردند و زمانی که فوت کرد، سی تومان از مستمری وی در حق آقاسیدحسین پسر آقاسیدخلیل اخوی مرحمت شد و باقی مستمری و تیول مزبوره در حق کسی برقرار نشد و به خرج مازندران هم منظور نشد (ساکما، ۲۴۰-۰۴۳۹۸۷، شماره برگ ۱۰).

۲- زوال تیول/تیول داری برخلاف میل خوانین و سرکردگان و صاحب منصبان محلی بود؛ تاجایی که برای حفظ ملک تیولی خود، تحت حمایت حکومت منطقه قرار می گرفتند یا اتباع خارجه را در این مسئله مداخله می دادند یا تلاش می کردند خود را تحت حمایت زمین داران بزرگ مازندران قرار دهند. برای نمونه اسنادی مرتبط با این موضوع به تاریخ ۱۳۳۳ق، راجع به قریه کالشی کلا خالصه واقع در بلوک دشت سر آمل موجود است که نشان می دهد که تیول داری در این استان هنوز رایج بوده است: «قریه مزبوره از بابت حقوق سوار و سرباز...» [قبل از دولت مشروطه، به تیول مقرر بود و صاحب منصبان محلی در آنجا مداخله داشتند. بعد از استقرار دولت جدید، برحسب قاعده می بایست این قریه هم جزو سایر خالصه جات در تحت مداخله مأموران مالیه درآید؛ ولی به واسطه امتناعات جدی صاحب منصبان محلی که هر بار به وسیله ای متوسل می شدند، این مقصود حاصل نشد. به ویژه تا این اوقات اسماعیل سلطان که یکی از صاحب منصبان مزبوره است خود را در تحت حمایت امیرمکرم درآورد. علاوه بر این که مبلغ عایدات این محل هر سال تفریط می شود، اغلب اتفاق می افتد که صاحب منصبان محلی، اتباع خارجه را در این مسئله مداخله می دهند» (ساکما، ۲۴۷۰-۰۰۲۹۳، شماره برگ ۱۳۳).

۳- وزارت مالیه از اغلب قراء خالصه مازندران اطلاعات محلی کافی نداشت؛ در نتیجه این املاک را افراد با فرمان های جعلی غصب می کردند. برای نمونه در تعلیق راجع به قراء خالصه جویبار و تالارک و زاغ مرز مازندران در موضوع حق شرعی و عرفی غاصبان املاک فوق، مورخ ۱۳۳۹ق/۱۹۲۰م خطاب به وزارت مالیه آمده است: «قریه جویبار در سابق به اسم

۱. تیولات خالصه، تیولات خصوصی و تیولات
وقفی



تیول در تصرف علی اکبرخان صارم نظام بود. وی در همان زمان به فکر درست نمودن فرمان جعلی شد. فرمان مزبور از فرمانی است که سیدخلیل نظام‌العلماء مازندرانی ساخته، در تصرف غاصبان برقرار بود» (ساکما، ۰۰۱۷۵۴-۲۳۰، شماره برگ ۸۴).

از موارد مشابه دیگر، تالارک بود که به قریه پهناب وصل بود. مطابق ثبت دفتر اداره تشخیص عایدات خالصه و اطلاعات محلی، این قریه خالصه دولت بود و به هیچ اسم و رسم به کسی منتقل نشد؛ ولی به دلیل حمایتی که از افراد در اداره مالیه ساری می شد، در تصرف میرزا حسین غاصب قرار داشت. از زمانی که فرمان را از او مطالبه کردند، حدود شش ماه می گذشت؛ ولی فرمانی نداشت تا ارائه بدهد (ساکما، ۰۰۱۷۵۴-۰۲۹۴، شماره برگ ۲۳۰).

«دیگری قرای زاغ مرز بود که متصرف آن را به اسم تیول در تصرف خود داشت تا زمان برگشت تیولات که ادعای ملکی نمود. بدین شرح که ملفوفه ای فقط به صحه همایونی ارائه می دهد که آن هم ساختگی است و به هیچ وجه دفتری نشده و مهر هم ندارد؛ چنانچه به نظر هر کس برسد، واضح است که به دسیسه و بدون سند تصرف می خواهد ملک خالصه مسلم دولت را ببرد» (ساکما، ۰۰۱۷۵۴-۰۲۹۴، شماره برگ ۲۳۰).

باتوجه به این که مدرک و مستند املاک خالصه (ثبت رقبات و جزو جمع های قدیم) در خزانه داری موجود بود، افراد مطابق همان کتابچه و جزو جمع به تدریج اطلاعات املاک خالصه را دریافت و در مقام تصرف برمی آمدند. بدیهی است هر یک از متصرفان در مقابل فرمانی که ارائه می دادند، ملکی خالصه را از دولت خریداری کرده بودند و بر فرض اینکه متصرف، فرمان خود را مفقود کرده باشد، ثبت آن که در دفاتر موجود بود؛ از روی همان کتابچه و دفاتر معین می شد که کدام محل به ملکیت اشخاص واگذار شده است (استادوخ، GH1331-K51-P59-1).

۴- مشخص نبودن وضعیت برخی از روستاهای مازندران که چه عنوانی دارد. آیا به صورت خالصه است یا شخصی؟ باینکه در اسناد، اصطلاح تیول ابدی و احسان سرمدی ذکر شده بود؛ ولی برخی از افراد معنای این کلمات را نمی دانستند و مردد بودند که آیا این کلمات به انتقالی تعبیر می شود یا خیر. چنان که در سواد راپرت میرزایحیی خان درباره خالصه جات قریه رکاوند و منضمات آن (مهدیرجه، علمدار محله) که به خوانین انزانی تعلق داشت، مورخ ۱۳۰۴ ش/ ۱۹۲۵ م چنین بازتاب یافته است: قبل از آقامحمدخان سندی در دست نبود که قریه مزبور چه عنوانی داشت. غیر از قریه رکاوند قراء خالصه سرمحله واقع در انزان توابع بندر جز، ران، کلاک، و زباط، واقع در اشرف تیول خوانین انزانی بود و در دوره سلطنت ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه ضبط و به دیگران انتقال داده شد و علت اینکه قریه رکاوند ضبط نشد و در دوره ناصری و مظفری انتقال نیافت،

به واسطه حکم اولیه آقامحمدخان بود که عبارت «تیول ابدی و احسان سرمدی» در آن ذکر شده بود (ساکما، ۵۷۰۸۸-۲۴۰، شماره برگ ۱۴۹، ۱۵۱).

۵- واکنش طوایف کوچانده شده کرد، ترک و افغان بعد از توقیف تمامی املاکشان در زمان کابینه وثوق الدوله بعد از ۱۵۰ سال سکونت در منطقه جالب توجه است (ساکما، ۱۰۱۷۹۵-۲۴۰، شماره برگ ۱۰۲) و خالصه جات تیولی از قدیم جمع معینی داشته که مأخذ مالیات بوده است؛ بدین ترتیب که در برخی از محل های مزبور به صورت جنسی و برخی دیگر به صورت نقدی یا تسعیر بوده است که این موضوعات خود در پژوهش مستقل دیگری می گنجند.

با توجه به اهمیت موضوع خالصه جات تیولی در مازندران، دولت بر آن شد تا این املاک را مجدداً به اسم خالصه به صورت مزایده به اجاره دهد؛ بدین شرح که اگر شرایط اجاره صاحب منصبان و سرکردگان مازندران که دعوی مالکیت داشتند با سایر پیشنهاددهندگان مساوی باشد، حق تقدم به صاحب منصبان داده شود (ساکما، ۱۰۱۷۹۵-۲۴۰، شماره برگ ۴۷۵). بنابراین می توان گفت که تیول داری در مازندران، با وجود تغییر سیاست های دولت، تا پایان عصر قاجار ادامه یافت.

۸- نتیجه

حاصلخیزی خاک، همجواری با روسیه و مسئله نافرمانی ترکمانان، بر سیاست گذاری ارضی شاهان قاجار در مازندران، مؤثر بود. دولت با درپیش گرفتن رویه خالصه سازی، اراضی مازندران را به صورت تیول به افراد دیوانی و نظامی واگذار کرد. تیول داری یکی از شیوه های بهره برداری غیرمستقیم از زمین های زراعی مازندران در دوره قاجار بود. تیول از انواع اراضی و اغلب از خالصه جات داده می شد و روال واگذاری آن بنابه فرمان شاه و با رعایت تشریفات مربوطه بود. گستردگی و تنوع خالصه جات مازندران نشان دهنده آن است که دولت قاجار، دائم درصدد افزایش اراضی حکومتی بوده است. اعضای دیوان اعلی، شاهزادگان، حاکمان و فرماندهان نظامی هم برای تصاحب تیول در مازندران رقابت می کردند و این رقابت سبب می شد تا افراد به جای مواجب به تیول بیشتر علاقه نشان دهند؛ زیرا مطابق میل خود رفتار می کردند. با درپیش گرفته شدن سیاست خالصه سازی، بسیاری از روستاهای مازندران مصارف تیول متنوع شدند و به تدریج تیول موروثی شدند و به دنبال بی مبالائی مباشران و نبود مراقبت و بهره بری بی قاعده از زمین ها، بسیاری از این اراضی حاصلخیز ویران و کم عایدات شدند. دولت برای رفع مشکلات مالی خود، سیاست فروش خالصه جات را در پیش گرفت و در ابتدای کار آن ها را به صاحبان تیول



به صورت مشروط واگذار کرد که این امر در گسترش مالکیت خصوصی بسیار مؤثر بود؛ ولی خرابی اراضی خالصه هم‌چنان ادامه داشت تا زمان قانون برگشت تیول که می‌بایست اغلب قرای خالصه مازندران اعم از انتقالی و غیر انتقالی به ضبط دولت درمی‌آمد. این موضوع به موقعیت خالصه‌جات انتقالی یا به صورت مشروط واگذار شده و صاحبان تیول و عملکرد وزارت مالیه برمی‌گشت که در مازندران با پیامدهایی چون غصب اراضی خالصه و اربابی مواجه شد و در نتیجه درست اجرا نشدن قانون برگشت تیول و در نهایت نبود نظارت و امنیت، تیول‌داری تا اواخر دوره قاجار در مازندران تداوم یابد.

منبع

اسناد آرشیوی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)

۰۰۱۷۵۴-۲۳۰-۹۲۲۶؛ ۲۴۰-۰۲۲۳۵۶؛ ۲۴۰-۰۲۳۰۹۵؛ ۲۴۰-۰۲۳۵۵۹؛ ۲۴۰-۰۲۶۳۳۱؛ ۲۴۰-۰۲۶۳۳۱-۰۴۳۹۸۷-۰۲۴۰-۵۳۰۹۲؛ ۲۴۰-۵۷۰۸۱؛ ۲۴۰-۱۰۱۷۹۵؛ ۲۴۰-۰۲۴۷۰؛ ۲۹۳-۰۰۲۴۹۳؛ ۲۹۳-۰۰۲۴۹۳-۲۹۵-۷۱۹۱؛ ۲۹۵-۳۴۵۱۱-۳۴۷۵-۲۵۰-۳۴۷۵-۹۹۹-۳۴۵۱۱-۲۹۵-۵۰۱۵

ساکما، ۲۹۵-۷۴۰۶ (دفتر نوشته‌جات مازندران؛ گزارش‌های معزالدوله بهرام‌میرزا حاکم مازندران، به تاریخ ۱۲۷۵-۱۲۹۰ق): شماره صفحات: ۶۲؛ ۰۹۲؛ ۰۹۸؛ ۱۰۴؛ ۱۱۲؛ ۱۱۶؛ ۱۲۴؛ ۱۳۰؛ ۱۳۶؛ ۱۵۸؛ ۱۶۴؛ ۱۷۲؛ ۱۸۰؛ ۱۸۲؛ ۱۹۶؛ ۲۰۲؛ ۲۰۴؛ ۲۳۴؛ ۲۴۰؛ ۲۶۳؛ ۳۱۶؛ ۳۲۸؛ ۳۵۶؛ ۳۹۰؛ ۳۹۲؛ ۴۰۰؛ ۴۴۴؛ ۴۴۴

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)

GH1331-K51-P59-1; GH1332-K45-P12-39; GH1332-K45-P27-10-1; GH1333-k45-p79-6;

GH1333-K45-P84-19; GH1333-K45-84-20; GH1333-K45-P95-42; GH1336-K46-P10-13.

کتاب

ابوت، کیث ادوارد. (۱۳۹۶). *شهرها و تجارت ایران در دوره قاجار*. (سیدعبدالحسین رئیس‌السادات، مترجم). تهران: امیرکبیر.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۸۶). *جغرافیای نور*. به تصحیح هارون و هومن. لس‌آنجلس: شرکت کتاب.

افضل‌الملک، غلام‌حسین. (۱۳۶۱). *افضل‌التواریخ*. (منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، مصححان). تهران: تاریخ ایران.



- بهنام، جمشید؛ راسخ، شاپور. (۱۳۴۸). *مقدمه بر جامعه‌شناسی ایران*. تهران: خوارزمی.
- حقدار، علی اصغر. (۱۳۹۵). *مجلس اول و نهادی مشروطیت: صورت مذاکرات، مصوبات، اسناد، خاطرات و تاریخ‌نگاری دوره اول مجلس شورای ملی*. تهران: باشگاه ادبیات.
- ظل السلطان، مسعود میرزا. (۱۳۶۸). *خاطرات ظل السلطان یا سرگذشت مسعودی*. (ج ۲). (چ ۱). (حسین خدیو جم، کوشش گر). تهران: اساطیر.
- عیسوی، چارلز. (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار ۱۲۱۵-۱۳۳۲ هجری قمری)*. (یعقوب آژند، مترجم). تهران: گستره.
- لمبتن، آن کترین سواين فورد. (۱۳۶۲). *مالک و زارع در ایران*. (منوچهر امیری، مترجم). تهران: علمی-فرهنگی.
- مجدالاسلام کرمانی، احمد. (۱۳۵۶). *تاریخ انحطاط مجلس*. به کوشش محمود خلیلی پور. (چ ۲). اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- ملک آرا، عباس میرزا. (۱۳۶۱). *شرح حال عباس میرزا ملک آرا*. (عبدالحسین نوایی، کوشش گر). تهران: بابک.
- نظام السلطنه مافی، حسین قلی خان. (۱۳۶۱). *خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی*. (ج ۱). (چ ۱). (معصومه نظام مافی و منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان و حمید رام‌پیشه، کوشش گران). تهران: تاریخ ایران.
- نعیمایی عالی، امین. (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر تاریخ اقوام، طوایف و خاندان‌های کلارستان (چالوس و کلاردشت) و تاریخ خاندان میار*. (چ ۱). تهران: خود نویسنده.

مقاله

- اتحادیه، منصوره. (۱۳۷۳). «تهران و املاک خالصه ورامین». *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، سال ۳۲، شماره ۱-۴، صص ۹-۴۵.
- حسن آبادی، ابوالفضل. (۱۳۸۶). «نگاهی به اسناد سیورغال در دوره صفویه (بررسی اسناد سیورغال موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی)». *گنجینه اسناد*، شماره ۶۷، صص ۶۳-۷۸.
- شریف، علی اصغر. (۱۳۵۲). «لغو تیول و تیول‌داری». *بررسی‌های تاریخی*، سال هشتم، شماره یک، پیاپی ۴۴ و ۴۵، صص ۷۹-۸۵.
- کاظم بیگی، محمدعلی. (۱۳۸۹). «اصلاحات مالی مجلس اول و اجرای آن در مازندران». *تاریخ اسلام و ایران* دانشگاه الزهراء، سال بیستم، دوره جدید، شماره ۶، پیاپی ۸۵، صص ۱۶۳-۲۰۳.
- نادی، زهرا و همکاران. (۱۳۹۷). «تأثیر تجاری شدن کشاورزی بر نظام مالکیت زمین در دوره قاجار (مطالعه موردی: مازندران)». *پژوهش‌نامه تاریخ‌های محلی ایران*، ۲(۱۲)، صص ۹۲-۷۹.
- یوسفی فر، شهرام؛ محمدی، امین. (۱۳۹۸). «مسئله پرداخت موروثی در عصر قاجار (از استقرار مشروطیت تا پایان قاجار)». *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، ۹(۲)، صص ۷۴-۱۰۴.



Kazembeyki, Mohammad-Ali. (2002). *Society, Politics and Economics in Mazandaran, Iran 1848-1914*. London: Routledge.

English Translation of References

Documents

Markaz-e Asnād-e Vezārat-e Omur-e Xāreje (Estādox) (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs):

GH1331-K51-P59-1; GH1332-K45-P12-39; GH1332-K45-P27-10-1;
GH1333-K45-P79-6; GH1333-K45-P84-19; GH1333-K45-84-20; GH1333-K45-P95-42; GH1336-K46-P10-13. [Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran):

001754-230; 240-9226; 240-022356; 240-023095; 240-023559; 240-26331; 240-043987;
240-53092; 240-57088; 240-101795; 293-002470; 293-002493; 295-7191; 999-34511. [Persian]

Sākmā, 295-7406 (*Daftar-e nevešte-jāt-e Māzandarān; Gozāreš-hā-ye Mo'ez-od-dowleh Bahrām Mirzāhākem-e Māzandarān, be tārix-e 1275 – 1290 AH* (Reports of Mo'ezz al-Dowleh Bahram Mirza, the Governor of Mazandaran, from 1275-1290 AH (1858-1873 AD)): page numbers: 62; 092; 098; 104; 112; 116; 124; 130; 136; 158; 164; 172; 180; 182; 196; 202; 204; 234; 240; 263; 316; 328; 356; 392; 400; 412. [Persian]

Books

Abbott, Keith Edward. (1983). "*Šahr-hāvatejārat-e Irāndardowre-ye Qājār*" (Cities & trade: Consul Abbott on the economy and society of Iran 1847-1866). Translated by SeyyedAbdolhosseinRaees Al-Sadat. Tehran: Amir Kabir. [Persian]

Afzal Al-Molk, Gholam Hossein. (1361/1982). "*Afzal ot-tavārix*" (The best of histories). Edited by MansourehEttehadieh (Nezam Mafi) & SirousSaadvandian. Tehran: Tārix-e Irān. [Persian]



- Behnam, Jamshid; & Rasekh, Shapour. (1348/1969). *“Moqaddame bar jāme’-e-šenāsi-ye Irān”* (Introduction to Iranian sociology). Tehran: Xārazmi. [Persian]
- Haghdar, Ali Asghar. (1395/2006). *“Majles-e avvalvanahādi-ye mašrutiyat: Surat-e mozākerāt, mosavvabāt, asnād, xāterātvatārix-negāri-ye dowre-ye avval-e Majles-e Šorā-ye Melli”* (First parliament and institution of constitutionalism). Tehran: Bāšgāh-e Adabiyāt. [Persian]
- Issavi, Charles Phillip. (1362/1983). *“Tārix-e eqtesādi-ye Irān: Asr-e Qājār 1215-1332 AH”* (The economic history of Iran). Translated by YaghoubAzhand. Tehran: Gostareh. [Persian]
- Kazembeyki, Mohammad-Ali. (2002). Society, politics and economics in Mazandaran, Iran 1848-1914. London: Routledge.
- Lambton, Ann Katharine Swynford. (1362/1983). *“Mālekvazāre’ dar Irān”* (Landlord and peasant in Persia: A study of land tenure and land revenue administration). Translated by Manouchehr Amiri. Tehran: ‘ElmivaFarhangi (ElmiFarhangi Publishing Co.). [Persian]
- Molkāra, Abbas Mirza. (1361/1982). *“Šarh-e hāl-e Abbās Mirzā Molk-ārā”* (The biography of Abbas Mirza Molkara). Edited by Abdolhossein Navaee. Tehran: Bābak. [Persian]
- Naeemaei Aali, Amin. (1391/2012). *“Moqaddame-ee bar tārix-e aqvām, tavāyefvaxāndān-hā-ye Kelarestāq (ČālusvaKelārdašt) vatārix-e xāndān-e Miyār”* (An introduction to the history of clans, tribes, and dynasties of Kelarestagh (Chalus and Kelardasht) and the history of the Miyar dynasty) (1st ed.). Tehran: Self-published. [Persian]
- Nezam Al-Saltaneh Mafi, Hossein Gholi Khan. (1362/1983). *“Asnādvaxāterāt-e Hossein Qolixān-e Nezām-os-Saltane-ye Māfi”* (Documents and memoirs of Hossein Gholikhan Khan Nizam Al-Saltanah Mafi) (vol. 1) (1st ed.). Edited by Masoumeh Nezam Mafi, Mansoureh Ettehadiieh, Sirous Saādvandian & Hamid Rampisheh. Tehran: Našr-e Tārix-e Irān. [Persian]
- Zell Al-Soltan, Masoud Mirza. (1368/1989). *“Xāterāt-e Zell-os-Soltānyāsargozašt-e Mas’udi”* (Memoirs of Zill al-Sultan) (1st ed.). Edited by Hossein Khadiv Jam. Tehran: Asātir. [Persian]



Articles

- Ettehadieh, Mansoureh. (1373/1994). "Tehrānvaamlāk-e xālese-ye Varāmin" (Tehran and the Net Estates of Varamin). *Dāneškade-ye Adabiyātva 'Olum-e Ensāni-ye Dānešgāh-e Tehrān* (Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran), 32(1 – 4), pp. 9 – 45. [Persian]
- Hasanabadi, Abolfazl. (1386/2007). "Negāhi be asnād-e Soyurqāldardowre-ye Safaviyeh (Barresi-ye asnād-e Soyurqāl-e mowjuddarmarkaz-e asnād-e Āstān-e Qods-e Razavi)" (A Review of Soyurghal Records in the Safavid Era (A Study of Soyurghal Records in the AstaneGhodseRazavi Record Center)). *Ganjine-ye Asnād*, 67, pp. 63 – 78. [Persian]
- Kazembeiki, Mohammad Ali. (1389/2010). "Eslāhāt-e māli-ye majles-e avvalvaejrā-ye āndarMāzandarān" (Financial reforms of the first parliament and its implementation in Mazandaran). *Tārix-e Eslām va IrānDānešgāh-e Azzahrā* (History of Islam and Iran of Alzahra University), 20(6), series no. 85, pp. 163 – 203. [Persian]
- Sharif, Ali Asghar. (1352/1973). "Laqv-e toyulvatoyul-dāri" (The abolition of fief sharecropping). *Barresi-hā-ye Tārixī*, 8(1), series no. 44 & 45, 79 – 85. [Persian]
- Yousefifar, Shahram; & Mohammadi, Amin. (1398/2019). "Mas'ale-ye pardāxt-e mavājeb-e mowrusidarasr-e Qājār (Azesteqrār-e mašrutiyattāpāyān-e Qājār)" (The problem of inheritance pay in the Qajar era). *Tahqiqāt-e Tārix-e Ejtemā'ee* (Social History Studies), 9(2), 74 – 104. [Persian]



پیوستها

۹۴۳۲
۱۳۳۲

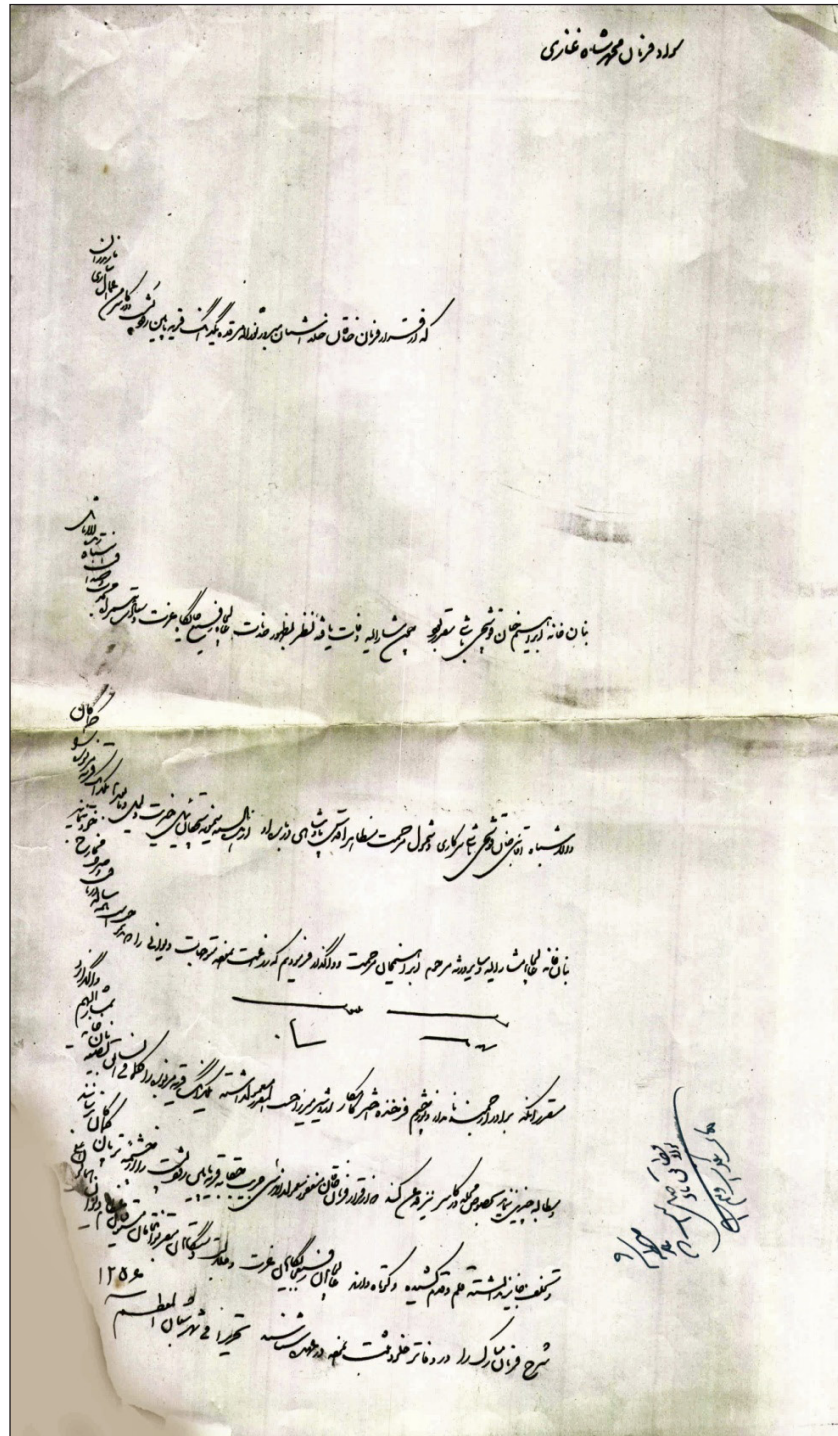
نصرت تسان بمرکت کردم
عزیز داشت چاکر مراد العسیر با عمارت که ملت بی چاره مانگ

از دست اجاب گرفته باشم
نحوه از دست تبارت چه سلام کنت در دست و فایز انصاف
مشرکت تمام دعات کرد که در سابق هر اویان غول نظر داشت
بگوش کنت دلالت است هزار کت را بدو جانانه هزار کت
تا کنت دمان هر صیاسیه غیر ملکینه نظام ایلاء که هر کس
کرتند و به کنت پیش نهاد بودند بر او کت ماه ساعتی دست
ایات جلیله دعات فدراس له
هزار کت از عید السلام کنت اچاره نیامیدند غنیام
هر کت ما و در زرا بی غیر از این فر
استند مگر همان در زرا طهران استند از دلالت
ایران غیر زرا بر سر لوجب از دست
چه مکتوبید و چکار مکتوبید خداوند انشاء
بمقالی شما در آفتاب کت ذمیر شکر
دزدیم بیاید نماز نرانی که کت ذمیر و از دست
ظلم ظالمه خارج خصوصاً عبر السلام
کنت
ردس خارج ذمیر غیر از اراد از نرانی تمام دعات
بهین قسم در اچاره کنت
جائگه اخراج کار کار از کنت مکتوبه مبرد
دیگر از ما که چیز باغ میاید شرف ایران
دارای را بوده است ما هم المیت ندریم
دیگر فدر بر ندریم امید داریم که حضرت
ایر علی
دیار دزرا بیست کت این تبارت
کنت را از نرانی سوره کت نرانی
ایم دست تمام با

لطال اولی
از فرزند

تصویر ۱





تصویر ۲



The letters of the Qajar Chancellors (Edicts, Annotations and Notes): An Analytical Investigation

Alireza Niknejad¹

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: The purpose of the study is to introduce some historical records of the Qajar period, namely edicts, annotations, and notes, and explain their importance while cataloging and describing archival records and in historical research of the Qajar period.

Method and Research Design: Library resources and archival records were used to describe, explain and analyze edicts, annotations, and notes.

Findings and conclusions: Findings show that in the Qajar era, edicts were the letters and correspondences issued by the Qajar. These records were issued in the administrative-judicial framework and had a special function. Annotations were the chancellor's note or order in the margins of the letters and other correspondence, whereas, notes were the chancellor's correspondence with the king

Keywords: The Qajar; Chancellor; Edict; Annotation; Notes.

Citation: Niknejad, A. (2022). Documentation of the letters of the Qajar chancellors (judgment, summary and writing). *Ganjine-ye Asnad*, 32(3), 136-165 | doi: 10.30484/ganj.2022.2951

1. PhD of History in Islamic Period, National Library and Archives of Iran, Tehran, Iran

alre.niknejad@gmail.com

Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«127»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2022.2951

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No.3, Autumn 2022 | pp: 136 - 165 (30) | Received: 16, May, 2021 | Accepted: 24, Aug, 2021

Archival research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

سندشناسی مکتوبات صدراعظم‌های قاجار (حکم، تعلیقه، نوشته)

علیرضایک نژاد^۱

چکیده:

هدف: معرفی اسناد دیوانی حکم، تعلیقه، و نوشته صدراعظم‌های قاجار، و تبیین اهمیت این اسناد در شناخت و فهرست‌نویسی اسناد و پژوهش‌های تاریخی عصر قاجار.

روش / رویکرد پژوهش: روش مقاله توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات آن با بهره‌گیری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و مدارک موجود از قبیل احکام، و بودجه مستمریات کل ممالک محروسه استخراج شده است. این منابع به لحاظ ساختار و کارکرد و محتوا در جهت توصیف و تبیین و تحلیل «حکم» و «تعلیقه» و «نوشته‌جات» استفاده می‌شوند.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: به نوع نامه‌ها و مکاتبات دیوانی صدراعظم‌های دوره قاجار حکم اطلاق می‌شد. این سند در چارچوب اداری-دیوانی صادر می‌شد و کارکرد خاصی داشت. به یادداشت، دستور و نوشته صدراعظم در هامش نامه‌ها و مکاتبات دیوانی، تعلیقه و به مکاتبات صدراعظم با شاه نوشته‌جات می‌گفتند.

کلیدواژه‌ها: قاجار؛ صدراعظم؛ حکم؛ تعلیقه؛ نوشته.

استناد: نیک نژاد، علیرضا. (۱۴۰۱). سندشناسی مکتوبات صدراعظم‌های قاجار (حکم، تعلیقه و نوشته)، گنجینه اسناد، ۳۲(۳)، ۱۳۸-۱۶۷ | doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲,۲۹۵۱

۱. دکتری ایران دوره اسلامی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران
alre.niknejad@gmail.com



گنجینه اسناد

۱۲۷

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/GANJ/۲۰۲۲,۲۹۵۱

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۲، دفتر ۳، پاییز ۱۴۰۱ | صص: ۱۳۶ - ۱۶۵ (۳۰)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۷

تحقیقات آرشیوی

۱. مقدمه

اسناد تاریخی امروزه اهمیت و جایگاهی ویژه در تحقیقات و پژوهش‌های تاریخی و علوم اجتماعی پیدا کرده‌اند. اگرچه امروزه اسناد مورد توجه برخی از پژوهش‌گران قرار گرفته‌اند، باین حال پژوهش در زمینه شناسایی، معرفی، قالب و ساختارشناسی اسناد به‌کندی پیش می‌رود و برخی از مورخان و پژوهش‌گران هم‌چنان در استفاده از اسناد در پژوهش‌های تاریخی ابا دارند. دلایل این رویکرد شاید نبود نظام تئوریک، نبود روش تحقیق صحیح و هم‌چنین دشواری شناخت و خوانش اسناد باشد؛ بنابراین طبیعی است که اندک مطالعات و کارهای انجام‌شده در این زمینه، از خوانش اسناد فراتر نرود.

۲. بیان مسئله

درباره اهمیت و نقش اسناد تاریخی در پژوهش‌های تاریخی به بحث و گفت‌وگو نیازی نیست، ولی شناخت این اسناد اجمالی است؛ به عبارت دیگر، با وجود انواع اسناد دیوانی و غیردیوانی موجود از دوره قاجار در بسیاری از مراکز اسنادی و آرشیوهای دولتی و خصوصی، هنوز نام و اصطلاح دیوانی این اسناد برای برخی از سندپژوهان مشخص نیست؛ در نتیجه برای تاریخ‌پژوهان هم این ابهام وجود دارد که نام این اسناد چیست؟ این اسناد دارای چه قالب‌ها و ساختارهای شکلی و محتوایی و جنبه‌های سندشناسی هستند؟ و چه کاربردی در تحقیقات تاریخی دارند؟

تولید و صدور اسناد، از اصول خاصی برخوردار بوده‌است و هر یک از آن‌ها دارای نام و اصطلاحی بوده‌اند. نام و اصطلاح برخی از آن‌ها در هر دوره‌ای تغییر می‌کرده‌است و بعضی دیگر تا چندین دوره متوالی ثابت و بدون تغییر می‌مانده‌اند.

۳. طرح موضوع

پادشاهان قاجار در تقسیم و توزیع قدرت و وظایف و امورات دیوانی و غیردیوانی، بخشی از اختیارات خود را میان دیوان‌سالاران تقسیم می‌کردند. دیوان‌سالاران بنابر ساختاری معین، هر یک دارای اختیاراتی خاص بودند و امورات دیوانی را در قالب اسناد و مکاتبات مشخصی انجام می‌دادند. بنابراین لازم است تا انواع این اسناد و نام و کاربرد آن‌ها شناخته شود. صدراعظم به‌عنوان نایب‌مناب^۱ و شخص اول دولت، مجری برخی از وظایف اجرایی ممالک بود و دستورات و امور اجرایی را در قالب «حکم» و «تعلیقه» صادر می‌کرد. پژوهش حاضر درصدد است که ساختار و کارکرد و ویژگی‌های این نوع از اسناد دوره قاجار را معرفی و تبیین کند. «احکام» و «تعلیقه‌جات» و «نوشته‌جات» از منابع اصلی شناخت اصطلاحات

۱. نایب‌مناب (nāy'ebmanāb) / جانشین؛
قلم‌مقام.



دیوانی و مکاتبات دیوانی صدراعظم است و شامل داده‌های مهمی درباره جایگاه صدراعظم در مراتب قدرت و وظایف او در دستگاه دیوان‌سالاری عصر قاجار است.

۴. پرسش اصلی

نام و نوع دستورات مکتوب دیوانی صدراعظم در زبان دیوانی دوره قاجار از جنبه اسنادی چیست؟

۵. پرسش‌های فرعی

دستورات مکتوب دیوانی صدراعظم‌ها به چه منظوری صادر می‌شد؟ ساختار یا سیمای بیرونی آن‌ها چگونه بود؟ نحوه مکاتبات صدراعظم با شاه چگونه بود؟

۶. منابع پژوهش

اسناد موجود در آرشیو سازمان‌ها، به‌ویژه سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران از منابع پژوهش حاضرند.

۷. اهمیت و ضرورت پژوهش

ماهیت اسامی «حکم» و «تعلیقه» و «نوشته‌جات» تا به امروز برای دانشجویان تاریخ و اسناد و مدارک آرشیوی و پژوهندگان اسناد، ناشناخته مانده‌است و اگر شناختی وجود دارد، کلی است؛ بنابراین پژوهش در این زمینه بسیار ضروری به نظر می‌رسد. شناخت ساختار و کارکرد این اسناد در دوره قاجار نیز بر اهمیت این پژوهش می‌افزاید.

۸. هدف پژوهش

هدف پژوهش حاضر، تبیین ساختار شکلی و محتوایی سند حکم و نوشته‌جات است.

۹. روش پژوهش و گردآوری داده‌ها

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و بر مبنای گردآوری داده‌های متون تاریخی و اسناد و مدارک آرشیوی موجود در مراکز اسنادی انجام شده‌است.



۱۰. پیشینه پژوهش

در میان آثار منتشر شده در زمینه اسناد دوره قاجار، جهانگیر قائم مقامی تنها کسی است که در کتاب «مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی» به تعریف اجمالی حکم می‌پردازد و صرفاً به نقل از منابع اکتفا می‌کند و از میان احکام گوناگون، فقط به احکام سلطانیات در ادوار تاریخی می‌پردازد و دیگر شقوق احکام، نظیر حکم و تعلیقه و نوشته صدر اعظم‌های دوره قاجار را معرفی نمی‌کند. بنابراین در زمینه شناخت و معرفی احکام و تعلیقه‌جات و نوشته‌جات صدر اعظم‌های دوره قاجار - با وجود اهمیت این موضوع چه در تحقیقات تاریخی عصر قاجار و چه در فهرست‌نویسی اسناد - تاکنون مقاله یا کتابی نگاشته نشده است.

۱۱. تاریخچه حکم و تعلیقه صدر اعظم‌های دوره صفوی

از نوع سند و دستور مکتوب دیوانی صدر اعظم‌ها در دوره‌های تاریخی اطلاعات چندانی در دست نیست و این اسناد تاکنون به صورت دقیق تعریف نشده‌اند و تنها در لابه‌لای اسناد و دستورالعمل‌ها مختصراً به آن‌ها اشاره شده است.

در زمینه تعلیقه، از دوره صفوی، و به‌ویژه در کتاب تذکرة الملوك میرزا رفیعا و تعلیقات مینورسکی اطلاعاتی وجود دارد. بنابر مندرجات تذکرة الملوك، به دستورات صدر اعظم یا وزیر دیوان اعلی تعلیقه، رقم تعلیقه و تعلیقه‌چہ اطلاق می‌شد: «تفصیل شغل واقعه‌نویس آن است که جواب نامه‌هایی [را] که از پادشاهان به پادشاه ایران نوشته شود، واقعه‌نویس انشاء نماید و ارقام مناصب و ملازمت و همه‌ساله و تیولی که از دفاتر خلود صادر شود و هرگونه رقمی که پادشاه «به‌بانی» مقرر دارد که آن را بالمشافهه می‌گویند یا این از قرار تعلیقه عالی جاه وزیر دیوان اعلی یا اینکه ... به واقعه‌نویس سپارند» (تذکرة الملوك، ۱۳۳۸، ص ۱۵). «دادوستد کل مالیات دیوانی و وجوهات انفادی^۱ خزانه عامره^۲ و غیره بیوتات از کل ممالک ایران در دارالسلطنه اصفهان بدون تعلیقه و امر عالی جاه معظم‌الیه دادوستد نمی‌شود و جمعی که ملازم دیوان می‌شوند، اگر رقم بالمشافهه صادر نشده باشد و ریش سفیدان هر طبقه عرض نموده باشند، مادام که تعلیقه وزیر اعظم نرسد، رقم خدمت داده نمی‌شود. اگر رقمی به رساله احدی از مقربان نوشته شود، مادام که ضمن رقم به مهر وزیر نرسد، به مهر مهرآثار مزین نمی‌گردد و خدمات جزئی و تعیین کتّاب دفترخانه همایون و خاصه و عمله بیوتات معموره که قابل عرض به خدمت اقدس نباشد، از قرار تعلیقه‌چہ «عالی جاه وزیر دیوان اعلی» که برطبق تجویز عالی جاهان «مستوفی الممالک» و ناظر بیوتات و مقرب الخاقان «مستوفی خاصه» صادر شده باشد، رقم ملازمت محاسبات عمال و مؤدیان حساب دیوانی کل ولایات از بیگلربیگیان و حکام و سلاطین و وزراء و تحویل داران جزو و کل و متصدیان و ضابطان و غیرهم بعد از تعلیقه معظم‌الیه دفتری و مستوفیان عظام

۱. انفادی: ارسالی

۲. مسئول نگهداری وجوه و اشیای خزانه و مسئول اعاده و تحصیل مطالبات (تعلیقات مینورسکی، ۱۳۶۸، ص ۱۲۶).



محاسبه مشخص و مفصاحساب می‌دهند و اگر نقصانی و کسری در مالیات دیوان به‌جهتی از جهات حسابیه به‌هم رسد که در خدمت وزیر اعظم، مؤدیان حسابیه موجه و محکوم بنمایند، به‌جهت تحصیل دعای خیر و ترفیه حال رعایا و آبادی مملکت چنانچه جمع قدیم را جبر و ادعای نقصان را حسابی دانند، تعلیقۀ تخفیف داده، کُتاب دفترخانه دیوان اعلی و خاصۀ شریفه به تعلیقۀ وزیر اعظم مستند به همان شرح در دفاتر خلود ثبت و به نقصان عمل می‌نمایند و هم‌چنین نسخه‌جات دیوانی و اسناد خرج دفتری و مفصای صاحب‌جمعان و تحویل‌داران و تحصیل‌داران و تعلیقۀ جات مناصب جزو و کل به مهر وزیر اعظم رسیده بدانچه مقرر دارد معمول می‌دارند» (تذکره‌الملوک، ۱۳۳۸، صص ۵-۷).

در دوره صفوی به احضاریه‌های دیوان‌بیگی تعلیقۀ بیاضی می‌گفتند (مینورسکی، ۱۳۳۸، ص ۲۷۱). در بیان شغل دیوان‌بیگی در تذکره‌الملوک چنین آمده است: «اگر ظلم مزبور در حوالی شهر که مسافت آن بیش از ده‌دوازده فرسخ نبوده واقع می‌شده، دیوان‌بیگی تعلیقۀ بیاضی برطبق عرض عارض، به‌عهده قورچی اجرلو^۱ و غیره تاینان^۲ نوشته، غوررسی می‌نمود و اگر عارض از حال بعیده عرض شکایتی می‌نموده، دستور چنان بود که در مقدمه قتل مبلغ پنج تومان التزام عارض و دیوان‌بیگی تعلیقۀ قلمی [می‌کرد] و منشی دیوان هم تعلیقۀ قلمی [می‌کرد] و بعداز آن حکم صادر [می‌شد] و وجه التزام ابواب جمع محصل مزبور و حکم مزبور در دفترها ثبت و به دستور سایر وجوهات دادوستد می‌شد» (تذکره‌الملوک، ۱۳۳۸، صص ۱۲، ۱۳).

علاوه‌بر آن، دستور ناظر بیوتات، دیوان‌بیگی، امیرشکارباشی، خلیفه‌الخلفاء و امیرآخورباشی نیز تعلیقۀ بوده است: «شغل مشارالیه [عالی‌جاه ناظر بیوتات] آن است که در اول سال تعلیقۀ می‌نوشت که مُشرف بیوتات اخراجات شش‌ماهه سرکار خاصۀ شریفه را به‌محصلی احدی بعداز وضع باقی نقدی و جنسی و اجناس همه‌ساله‌جات که از ولایات حسب‌الرقم مقرری بوده که انفاذ شود ناظر بیوتات در اول سال تعلیقۀ نوشته، اعتمادالدوله رقم کند» (تذکره‌الملوک، ۱۳۳۸، صص ۹-۱۱).

هم‌چنین به دستورات مکتوب عالی‌جاه امیرآخورباشی، خلفا و صاحب‌جمعان خزانه عامره و سایر بیوتات نیز تعلیقۀ جات می‌گفتند (تذکره‌الملوک، ۱۳۳۸، صص ۱۴، ۱۸، ۲۸).

۱۲. تعریف لغوی و اصطلاحی حکم

حکم واژه‌ای عربی است که در ادوار تاریخی، در معانی و کارکردهای گوناگونی آمده است؛ ولی آنچه به‌گفتار ما نزدیک است، در لغت‌نامه‌ها به‌معنای حکومت، امر، مثال‌فرمودن، تحکم، امرکردن، فرمان‌دادن، حکم‌راندن و ... است (دهخدا، ج ۶، ۱۳۷۷، ص ۹۱۵۷)؛

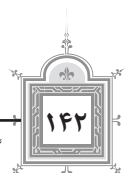
۱. گروهی صدنفری که وظایف ژاندارمری را برعهده داشتند و تحت فرمان دیوان‌بیگی بودند (تعلیقات مینورسکی، ۱۳۶۸، ص ۱۵۴).
۲. تاینان: زبردستان، فرمان‌برداران؛ جمع تاین.



ناظم‌الاطباء، ج ۲، ۱۳۴۳، ص ۱۲۶۸). هم‌چنین به صنفی از احکام پادشاهی، حکم (حکم بیاضی) می‌گفتند (ناظم‌الاطباء، ج ۲، ۱۳۴۳، ص ۱۲۶۸) و این در فرمان‌ها و مکاتبات، به‌جای فرمان و به‌عنوان مترادف سلطانیات نیز به‌کار می‌رفته‌است (لسان‌الملک، ۱۳۷۵، ج ۱، صص ۱۱۱، ۱۵۴؛ خورموجی، ۱۳۴۴، ج ۱، ص ۹۱؛ هدایت، ۱۳۳۹، ج ۹، صص ۳۱۴، ۳۳۴). در دوره مغول و ادوار بعد نیز به دستورات سلاطین «حکم» اطلاق می‌شده‌است (همدانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۰۶۶). از طرفی، به آرای قضات و روحانیون، حکم فقهی (شرعی) اطلاق می‌شد (دهخدا، ج ۶، ۱۳۷۷، ص ۹۱۵۷).

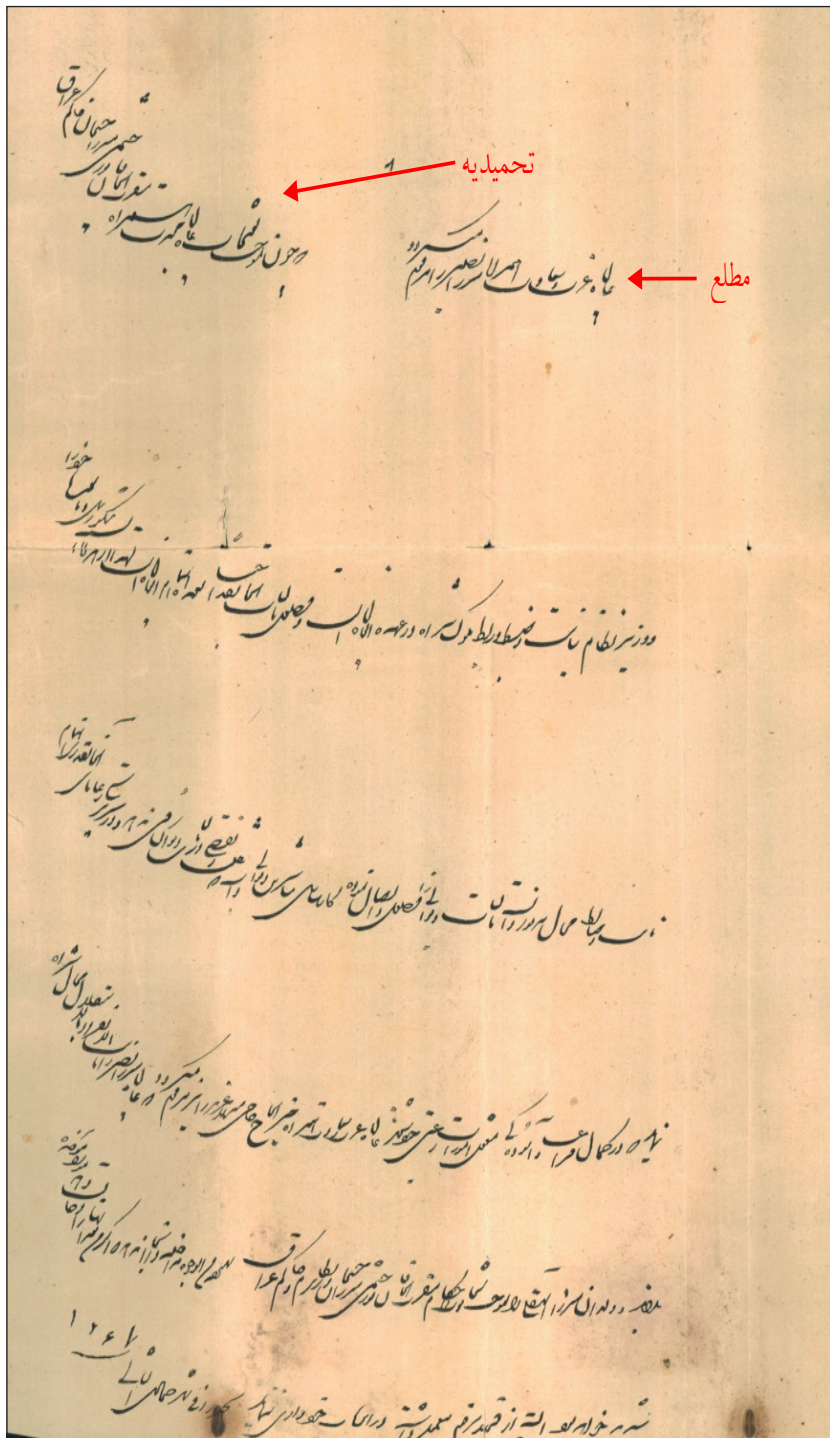
در دوره قاجار مسائل کلی ممالک را شاه ضبط‌وربط می‌کرد و حل و فصل مسائل و امور غیراز امر و دستور شاه برعهده صدراعظم بود. صدراعظم شخص اول دولت ممالک محروسه ایران و قائم‌مقام پادشاه محسوب می‌شد و دستوراتش در امور دیوانی و نظامی و ... را در قالب مرقومه و مکتوب دیوانی صادر می‌کرد. هم‌چنین صدراعظم (شخص اول دولت) در تعقیب دستورات شفاهی یا کتبی پادشاه و پیگیری امور دیوانی و مسائلی که قابل‌عرض به پادشاه نبود، احکام و دستوراتی صادر می‌کرد که نام اصلی و جنبه رسمی آن در مکاتبات و نامه‌های اداری در ادبیات دیوانی دوره قاجار اصطلاح «حکم» بوده‌است (ساکما، ۷۲۲۰-۲۹۵، برگ ۶۷/۱، ۶۸/۱).

قائم‌مقامی، حکم را چنین معرفی می‌کند: در متون فارسی به لفظ و کلمه حکم بسیار برمی‌خوریم که نویسندگان آن را در معانی گوناگون و بیشتر در معنی و مفهوم امر و دستور به‌کار برده‌اند؛ چنانکه در «التوسل الی الترسل» از تألیفات دوره خوارزمشاهیان نوشته شده‌است: «مثال جانب شریف فرزندی را زاد شریفا با فرمان ما موافق و قول او را [با] حکم ما مطابق دانند». از طرفی این کلمه به معنی مضمون و مفاد مصرحات فرمان‌های پادشاهان و هم‌چنین در معنی «به‌موجب و به‌مقتضی [به‌مقتضای]» نیز استعمال می‌شود... و درنهایت در تعریف حکم دچار تردید می‌شود و آن را معادل رقم قلمداد می‌کند. برای نشان‌دادن نمونه یکی از این احکام و یا ارقام، مقدمه حکم صادره درباره واگذاری حکومت کرمانشاهان به محمدحسین میرزا حشمت‌الدوله را در این‌جا نقل می‌کنیم: ... از دوره جلایریان به‌بعد رفته‌رفته کلمه مزبور در خارج از محدوده مفاهیم اداری و لغوی خود به‌صورت اصطلاحی دیوانی نیز به‌کار رفته‌است. این وضع را در کتاب دستورالکاتب می‌یابیم؛ به‌این ترتیب که حکم، به اوامر و فرمان‌های مکتوب پادشاه هم اطلاق شده‌است. در دوره تیموریان احکام برای امور مربوط به مشاهیر ایام و عرفا و بزرگان صوفیه صادر می‌شده‌است. در دوره قراقویونلوها و آق‌قویونلوها به اسنادی که برای ابقاء و تجدید و تأیید دستورات و فرمان‌های پیشین صادر می‌شد



حکم می‌گفتند و این وضع در دوره صفوی تا زمان شاه صفی نیز معمول بوده است. در احیاء الملوک از تألیفات دوره صفوی نیز چنین ضبط شده است که «به عرض می‌رسانند که در خلوت‌خانه، رقم را مطالعه نمایند و بعد از فراغ از مطالعه رقم و اطلاع بر حکم همایون به دیوان‌خانه اشرف آورند». رفته‌رفته حکم، به نوع خاصی از فرمان‌ها اطلاق شد که در درجه اهمیت کمتری بودند؛ مثلاً حکم احضار درباریان و امراء و رؤسا. حکم ظاهراً بدون طغراء بوده است. در دوره‌های بعد، به‌ویژه در دوره قاجار که دیگر به احکام و دستورات پادشاه رقم گفته نمی‌شد و رقم منحصر به اوامر و مخاطبات کتبی ولیعهد و شاه‌زادگانی اطلاق می‌شد که فرمانفرمایی و حکمرانی داشتند، اصطلاح حکم مترادف با رقم به کار می‌رفت (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، صص ۶۵-۷۳).

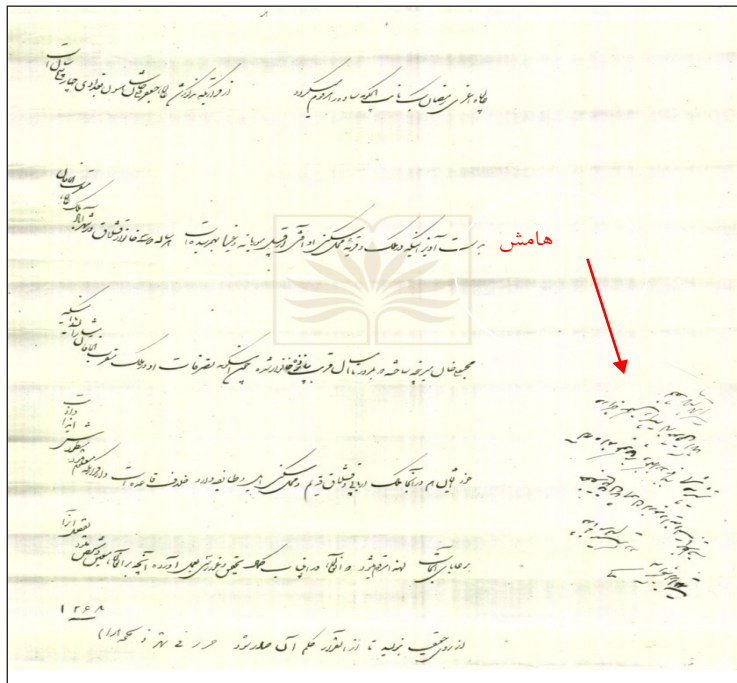
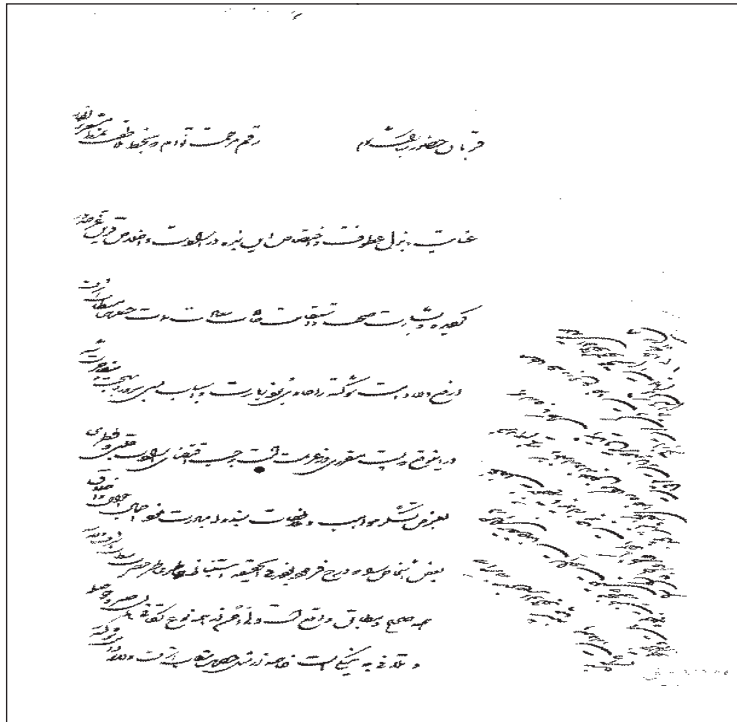
قائم‌مقامی تعریف مبهم دیگری نیز از حکم ارائه می‌دهد: «و اما به هر حال ابهامی که درباره «حکم» باقی می‌ماند لفظ «حکم» به صیغه جمع «احکام» است که در تذکره الملوک و دستور الملوک با مضاف‌الیه‌هایی بسیار آمده است؛ مانند «احکام سیورغالات» «احکام تیولات»، «احکام مواجب» و ... و ... که در برابر اقسام «ارقام» به کار رفته است و از مشاهده آن‌ها در نظر اول این اندیشه به وجود می‌آید که مضمون احکام، قسمتی از مسائل مالی بوده است و احکام با ارقام تفاوت کلی داشته‌اند» (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۷۱). بنابراین، «حکم» صدر اعظم به سندی اطلاق می‌شد که از لحاظ سندشناسی موشح به علامات و دارای تصدیقات (یعنی تحمیدیه، مهر، متن، هامش) و رویه و ظهریه می‌بود. گفتنی است، در ادبیات دیوانی دوره قاجار، این اصطلاح جایگزین تعلیق عصر صفوی شد. در دوره صفوی احکام، به معنی آرای دیوان‌بیبگی نیز بوده است (تذکره الملوک، ۱۳۶۸، ص ۲۴) و مقصود از حکم چنانکه از فصل ۲۷ تذکره الملوک برمی‌آید، احکام کم‌اهمیت‌تر بوده است (مینورسکی، ۱۳۶۸، ص ۲۷۰).

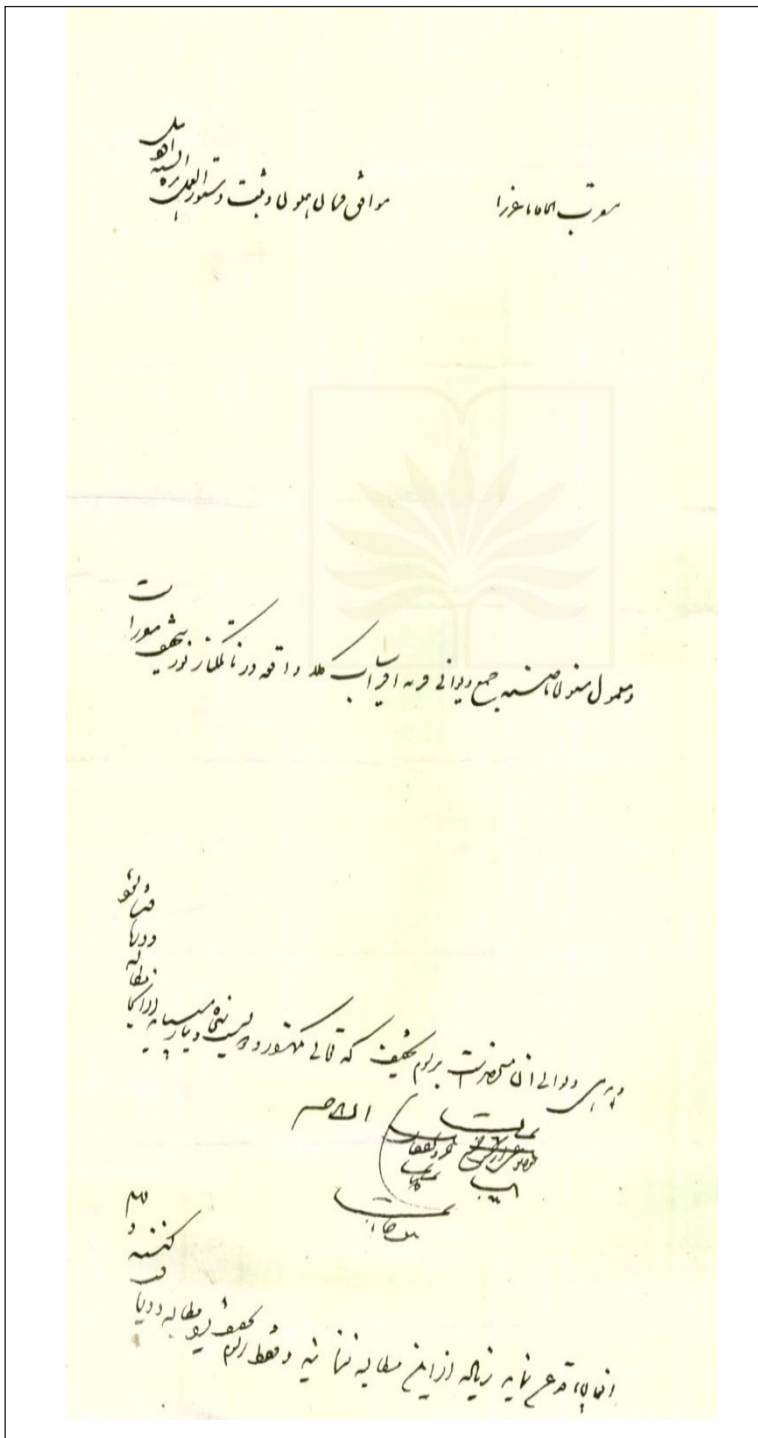


تصویر ۱

حکم میرزاتقی خان فراهانی
(ساکنه، ۱۶۳۹-۲۱۰)

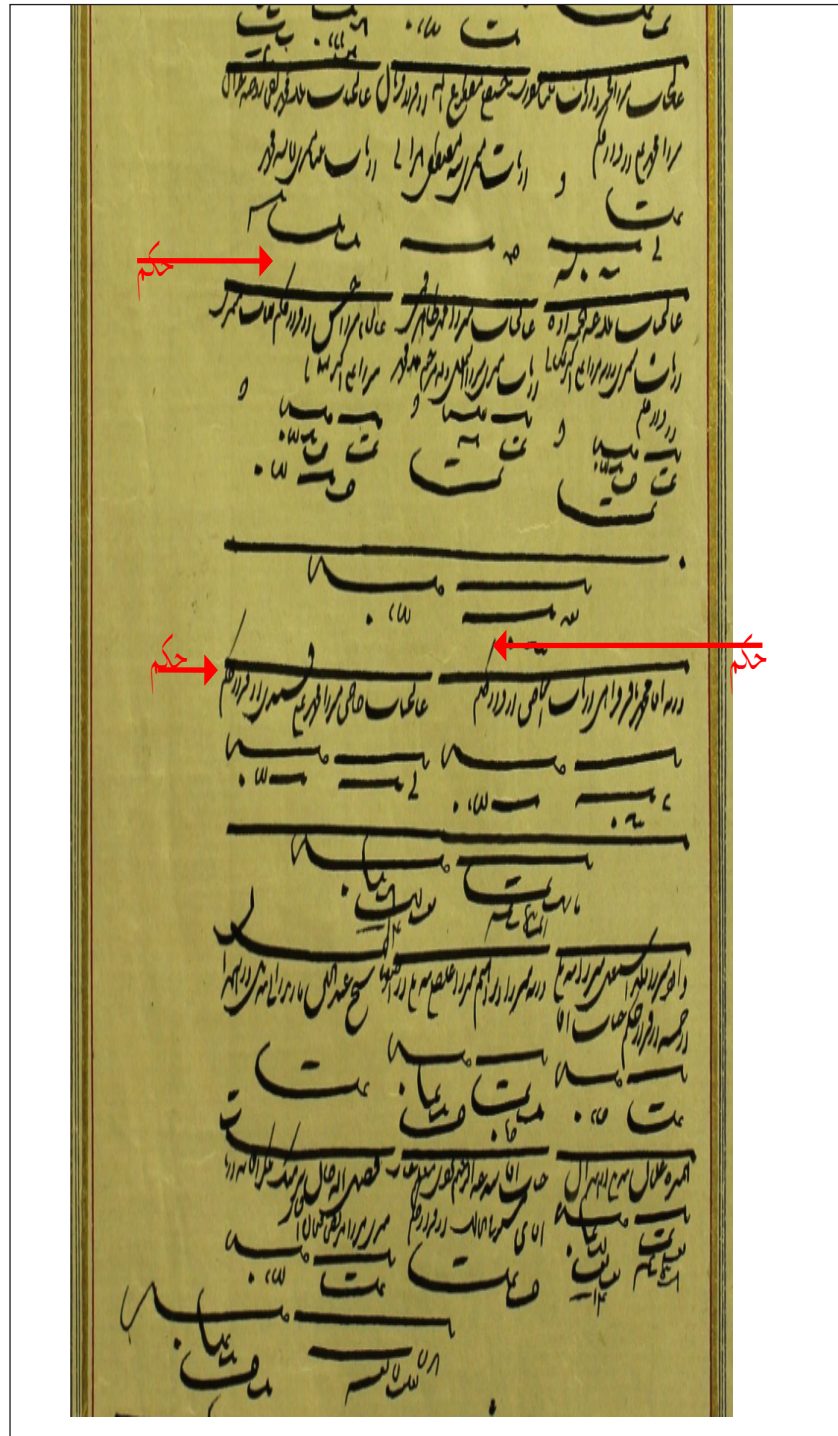






تصویر ۴
 حکم میرزا یوسف خان مستوفی الجمالک
 (ساکما، ۱۸۹۵-۱۸۹۶)

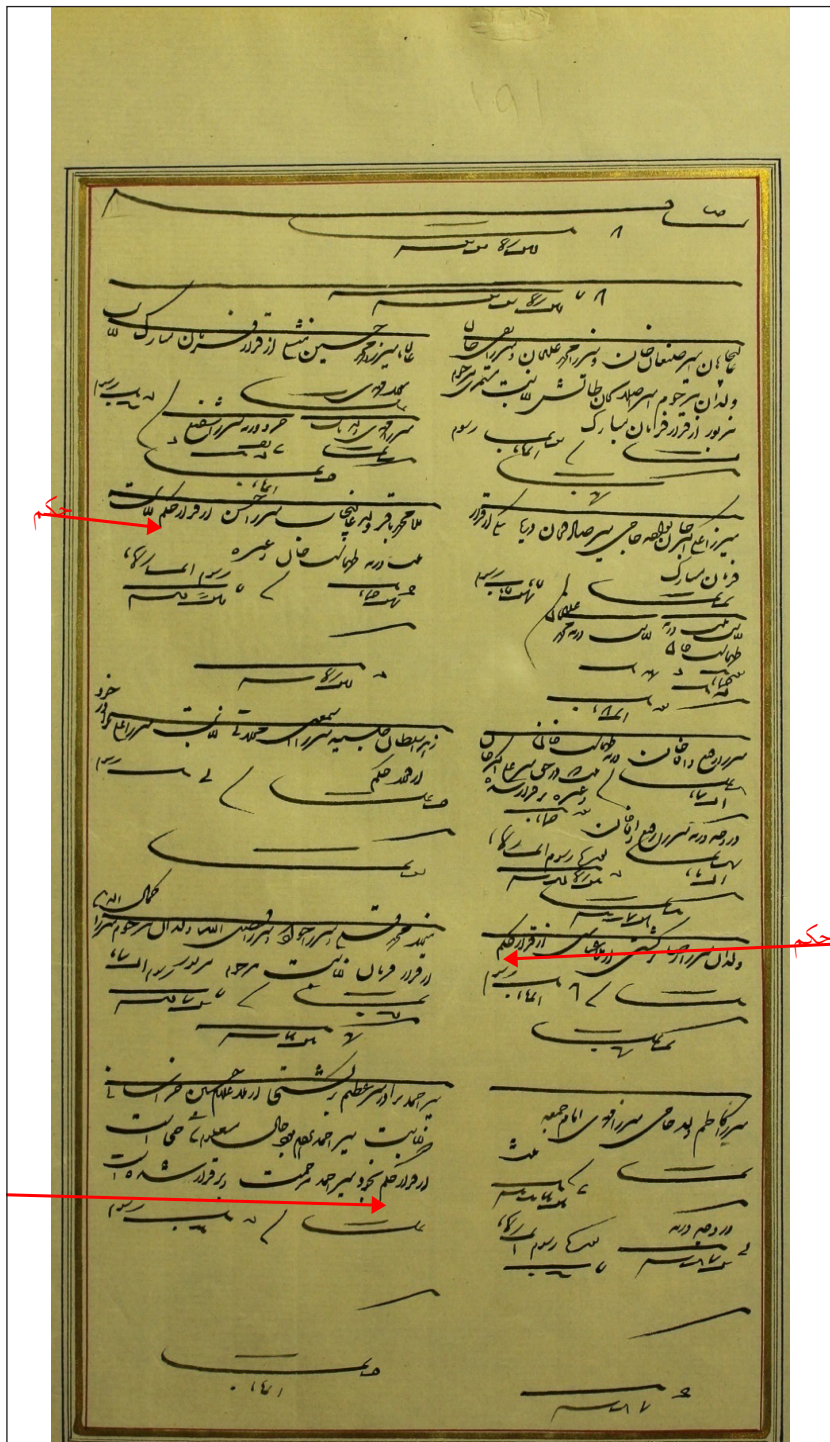




تصویر ۵

واژه حکم در بودجه مستمریات کل
ممالک محروسه ایران
(ساکها، ۷۳۲۰-۲۹۵، برگ ۶۷)



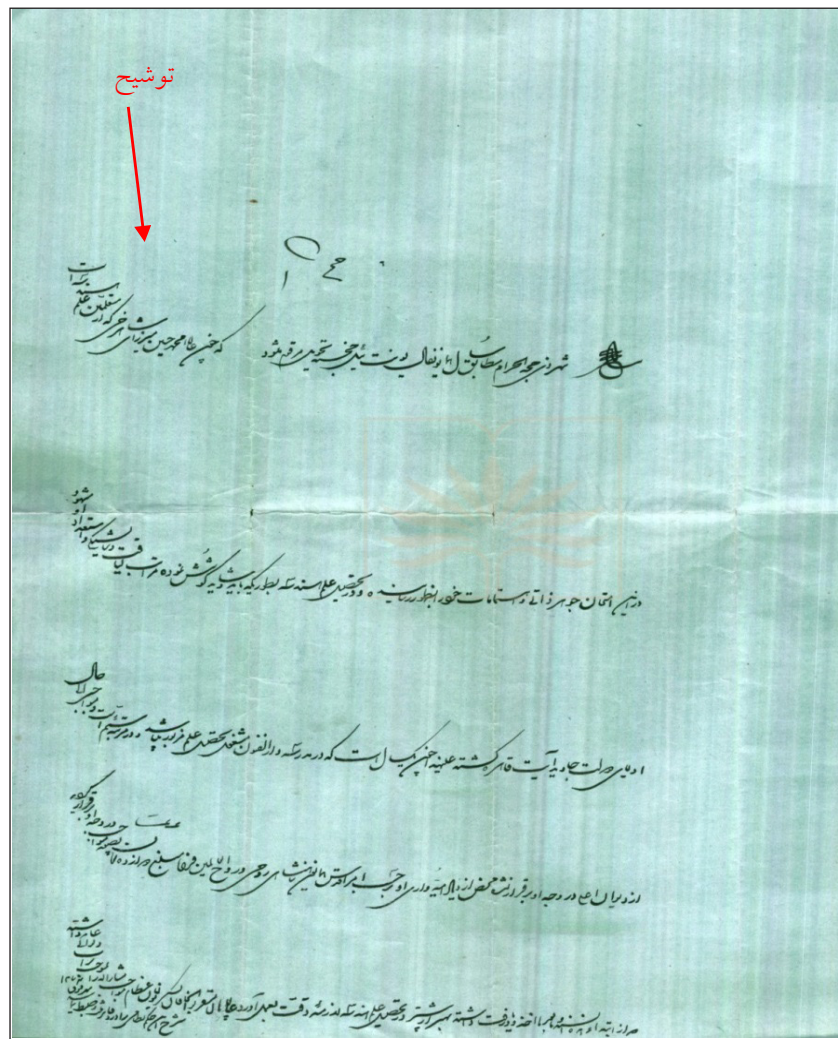


تصویر ۶

واژه حکم در بودجه مستمریات کل
ممالک محروسه ایران (ساکما، ۷۲۲۰-
۲۹۵، برگ ۹۴)



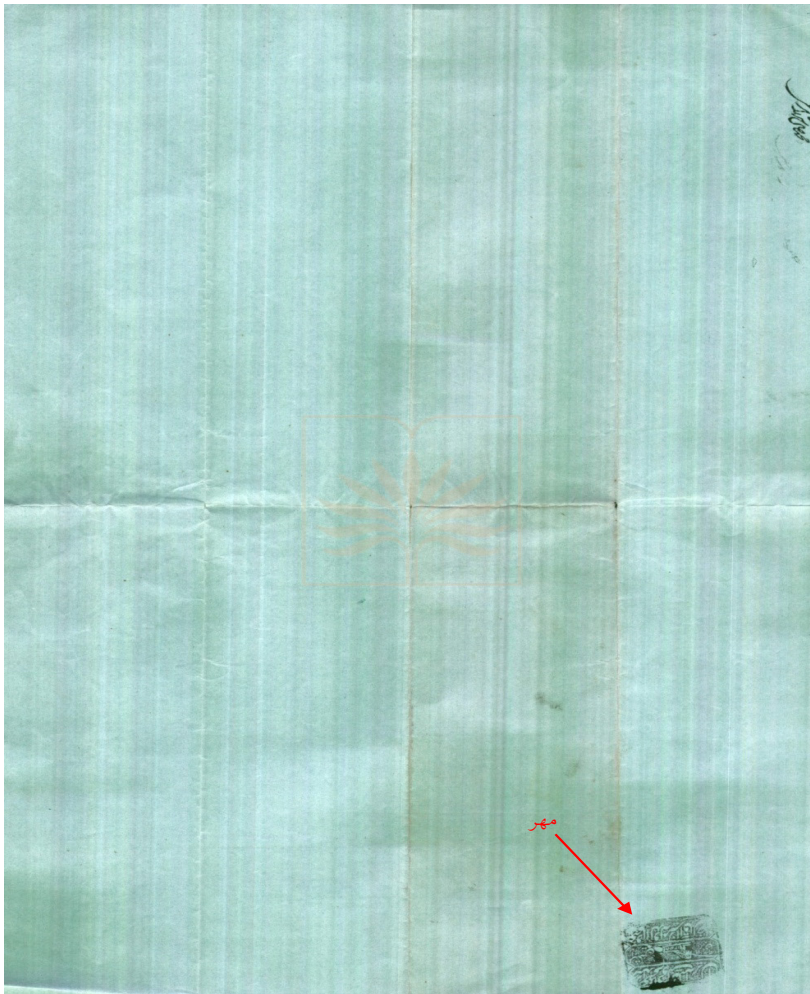
حکم شامل دو بخش رویه و ظهریه بوده است:
ساختار رویه یا سیمای بیرونی احکام (اضافات یا تصدیقات و حواشی) مرکب از تحمیدیه، توشیح، هامش، و مهر بوده است.
ساختار ظهریه شامل مهر و اسم وصول کننده حکم بوده است.
تحمیدیه: تحمیدیه تمام احکام در قسمت وسط صدر نامه و معمولاً با عبارت «هو» همراه بود.
توشیح: از بین تمام احکام مشاهده شده، تنها یک حکم از میرزا آقاخان نوری دارای توشیح است و سایر احکام بدون توشیح است. محل توشیح این حکم چنانکه تصویر زیر نشان می‌دهد، وسط صفحه، متمایل به سمت چپ مابین سطر اول با تحمیدیه است.



تصویر ۷

حکم با توشیح میرزا آقاخان نوری
صدر اعظم (ساکها، ۱۹۳۴-۲۹۶)





تصویر ۸

واژه حکم در بودجه مستمریات کل
ممالک محروسه ایران (ساکما، ۷۲۲۰-
۲۹۵، برگ ۹۴)

هامش: هامش در احکام در سمت راست و به صورت طولی یا عرضی و معمولاً خارج از متن نوشته می‌شود.

محتوا (متن): محتوای احکام شامل مطلع و شرح اشتیاق و مؤخره است که در ادامه یک‌به‌یک توضیح داده می‌شود:

مطلع: مطلع یا مقدمه احکام شامل خطاب و القاب بود: «عالی‌جاه عزت و سعادت همراه میرزانصیر را مرقوم می‌گردد» (ساکما، ۱۶۳۹-۲۱۰)؛ «عالی‌جاه اعزّی رمضان‌بیک نایب‌الحکومه ساوه را مرقوم می‌گردد» (ساکما، ۱۸۱۲۰-۲۹۶)؛ «عالی‌جاه عزت و مجدّت همراه اعزّی» (ساکما، ۶۰۰-۲۹۶)؛ «فدایت شوم فرزندی مهرعلی‌خان» (ساکما، ۶۳۳۴-۲۹۶)؛ «مقرب‌الخاقانا برادر» (ساکما، ۱۸۱۳۷-۲۹۶)؛ «امیرالامراءالعظاما مخدوما»

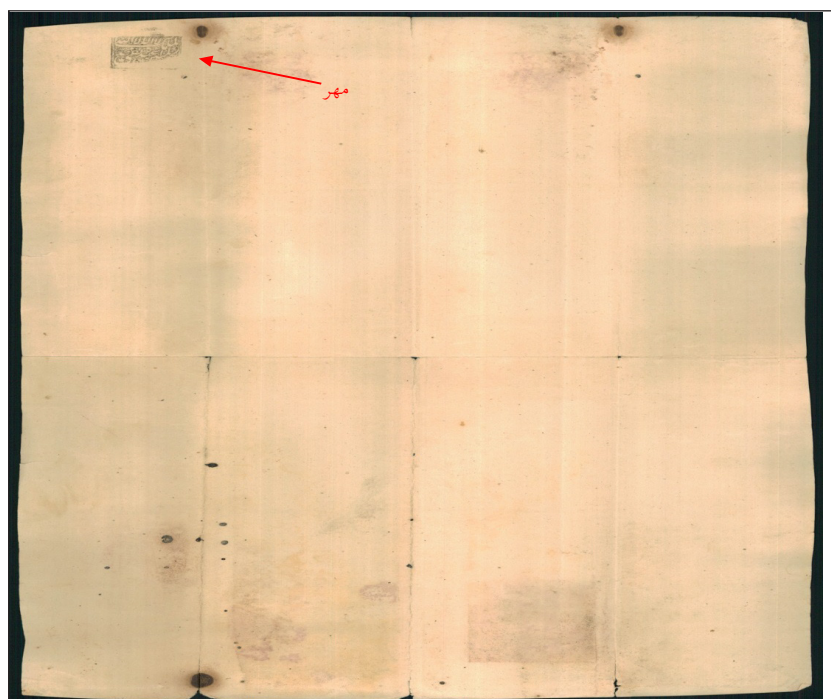
(ساکما، ۱۹۳۴۱-۲۹۶)؛ «امیرالأمراء العظاما مخدوما مهربانا» (ساکما، ۱۹۷۶۴-۲۹۶)؛ «مقرب الخاقانا مخدوما» (ساکما، ۱۹۸۵۲-۲۹۶)؛ «مقرب الخاقانا عزیزا» (ساکما، ۸۹۴۵-۲۹۶). ولی در احکام نظامی، خطاب و لقب حذف می‌شد: «به تاریخ شهر ذی‌حجه الحرام مطابق سال همایون فال یونت‌ئیل خجسته تحویل مرقوم می‌شود» (ساکما، ۱۹۳۴۳-۲۹۶).

شرح اشتیاق: بعد از لقب و نام وصول‌کننده حکم، شرح موضوع یا رکن کلام با الفاظی همچون «از قرار»، «چون»، «فرزندی»، «نورچشمی ...» و ... ذکر می‌شد و سپس شرح «حکم» می‌آمد. «احکام» معمولاً برای انتصاب، اعطای لقب و نشان و پرداخت مواجب و عتاب و خطاب، توصیه، رفع دعاوی ملکی، جلوگیری از مهاجرت و تخلیه روستاها، امور اجتماعی، پیگیری مسائل ایالات و ... صادر می‌شد.

مؤخره: شامل دستورالعمل و پیگیری است و در انتهای سند، تاریخ صدور حکم به ماه و سال قمری و سال ترکی مغولی می‌آمد.

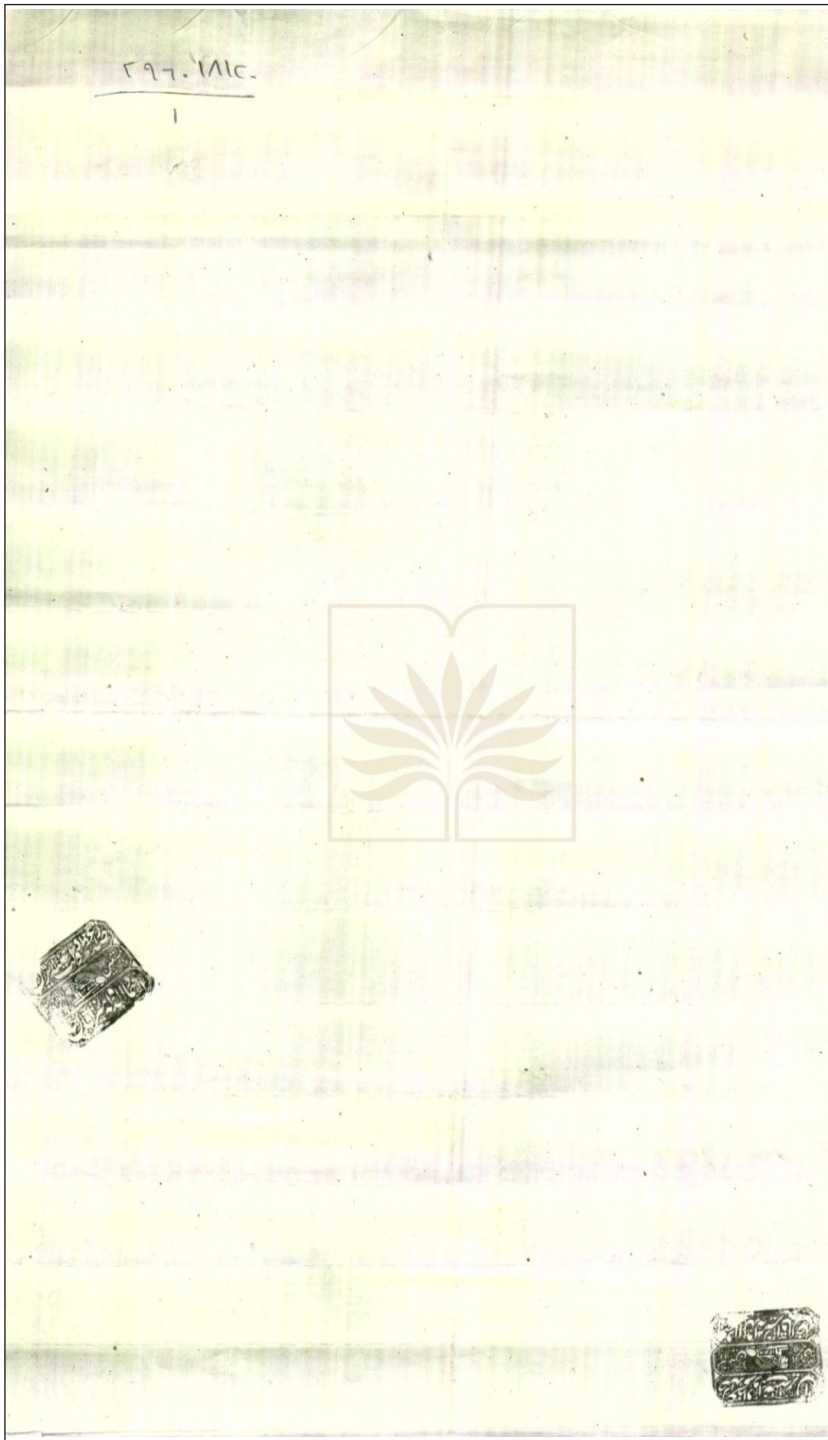
ظهریه احکام شامل دو قسمت بود: در صدر ظهریه نام مخاطب و وصول‌کننده حکم نوشته^۱ می‌شد و در قسمت وسط یا ذیل ظهریه، مهر صدراعظم صادرکننده حکم را ممهور می‌کردند.

۱. در ظهریه برخی از احکام نام مخاطب و وصول‌کننده نیامده است.



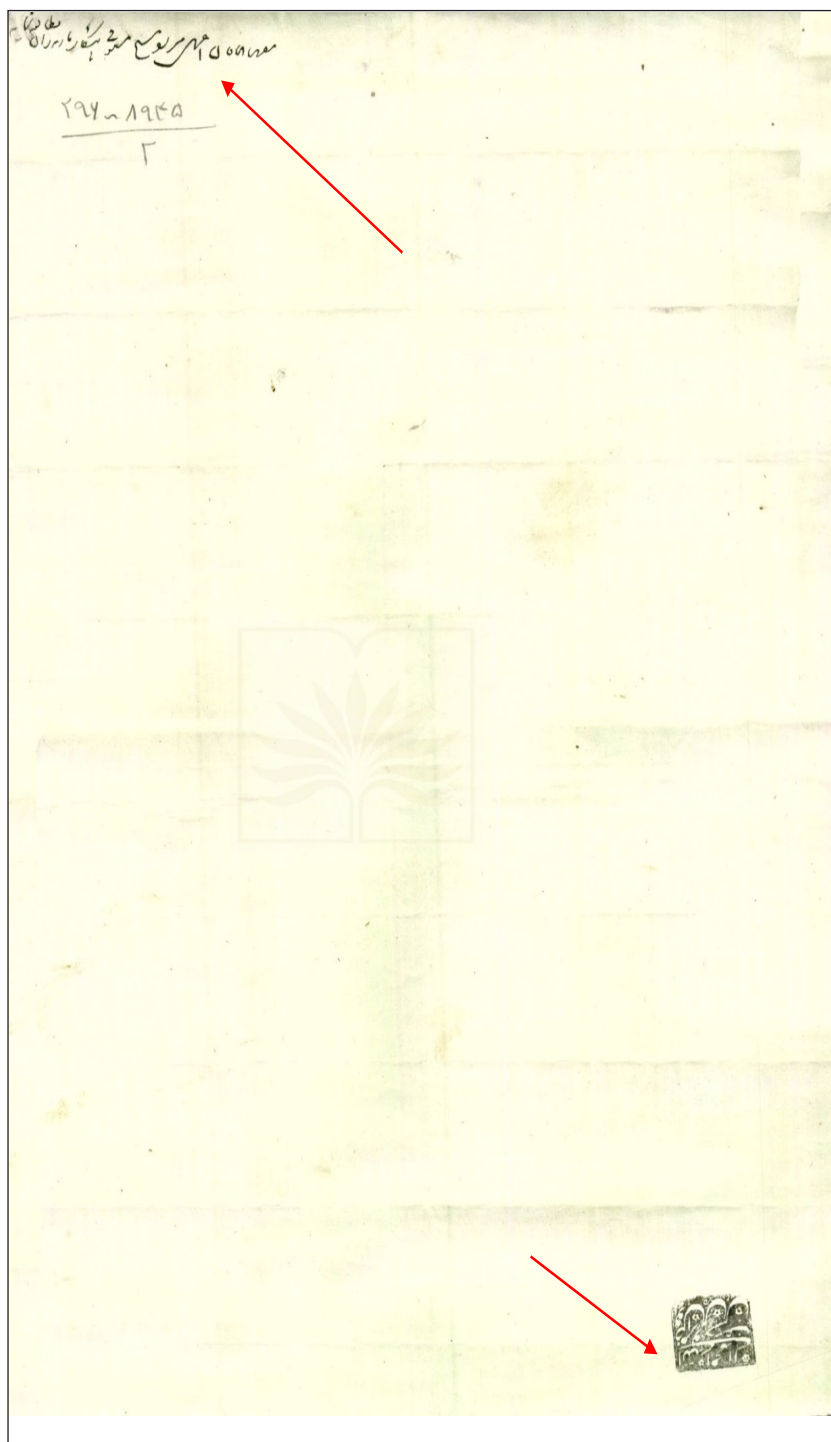
تصویر ۹

ظهریه حکم میرزا تقی خان فراهانی
(ساکما، ۱۶۳۹-۲۱۰)



تصویر ۱۰

ظہریہ حکم میرزا آقاخان نوری
(ساکھا، ۱۸۱۲-۲۹۶)



تصویر ۱۱

ظهريه حکم ميرزا يوسف خان
مستوفی الممالک (ساکها، ۱۹۴۵-۲۹۶)



شکل مهر احکام صدراعظم‌های این دوره به صورت مستطیل، مربع، هشت گوش، بیضی و گلابی است.^۱ مهر احکام صدراعظم در ظهیریه زده می‌شد. نمونه‌هایی از مهر صدراعظم‌های دوره قاجار:

۱. مراد، مهر صدور در ظهیریه احکام است و مهر صدور در ظهیریه فرمان‌ها و ... مدنظر نیست

<p>مهر حکم میرزا آقاخان نوری صدراعظم دولت علییه ایران اعتمادالدوله میرزا آقاخان نوری المستعین الرّاجی ۱۲۶۸</p>  <p>(ساکمه، ۱۹۴۶-۲۹۶)</p>	<p>مهر حکم میرزاتقی خان فراهانی لا إله إلا الله الملك الحق المبين عبده محمدتقی</p>  <p>(ساکمه، ۱۶۳۹-۲۱۰)</p>
<p>مهر حکم میرزا آقاخان نوری صدراعظم دولت علییه ایران اعتمادالدوله میرزا آقاخان نوری المستعین الرّاجی ۱۲۶۸</p>  <p>(ساکمه، ۱۸۱۲۰-۲۹۶)</p>	<p>مهر حکم میرزا آقاخان نوری صدراعظم دولت علییه ایران اعتمادالدوله میرزا آقاخان المستعین الرّاجی ۱۲۶۸</p>  <p>(متمه، ۱۱۳۵۵/۱ ق)</p>
<p>مهر حکم میرزا آقاخان نوری صدراعظم دولت علییه ایران اعتمادالدوله میرزا آقاخان ۱۲۶۸</p>  <p>(متمه، ۱۵۸۷۲ پ۶)</p>	<p>مهر حکم میرزا آقاخان نوری صدراعظم دولت علییه ایران اعتمادالدوله میرزا آقاخان ۱۲۶۸</p>  <p>(ساکمه، ۶۳۳۴-۲۹۶)</p>

<p>مهر حکم میرزا آقاخان نوری صراط علی حق مُسکه عبده نصرالله...!</p>  <p>(ساکه، ۱۸۰۰-۲۹۶)</p>	<p>مهر حکم میرزا آقاخان نوری عبده آقاخان ابن اسدالله</p>  <p>(ساکه، ۱۸۰۰-۲۹۶)</p>
<p>مهر میرزا حسین خان مشیرالدوله صدراعظم دولت علیه ایران مشیرالدوله میرزا حسین خان</p>  <p>(متما، ۲۲/۲-۶۰ پ)</p>	<p>مهر حکم میرزا آقاخان نوری صراط علی حق مُسکه عبده نصرالله</p>  <p>(ساکه، ۱۹۷۳-۲۹۶)</p>
<p>مهر میرزا حسین خان مشیرالدوله صدراعظم دولت علیه ایران مشیرالدوله میرزا حسین خان ۱۲۸۸</p>  <p>(متما، ۲۲/۲-۵۸۳ پ)</p>	<p>مهر میرزا حسین خان مشیرالدوله صدراعظم ۱۲۸۸</p>  <p>(جدی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۳)</p>
<p>مهر میرزا یوسف خان مستوفی الممالک یوسف بن حسن</p>  <p>(متما، ۲/۲-۷۷۱ پ)</p>	<p>مهر حکم میرزا محمد خان سپه سالار أنا عبد من عبید محمد ۱۲۸۳</p>  <p>(جدی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۹)</p>

۱. نقطه چین‌ها علامت افتادگی سال است.

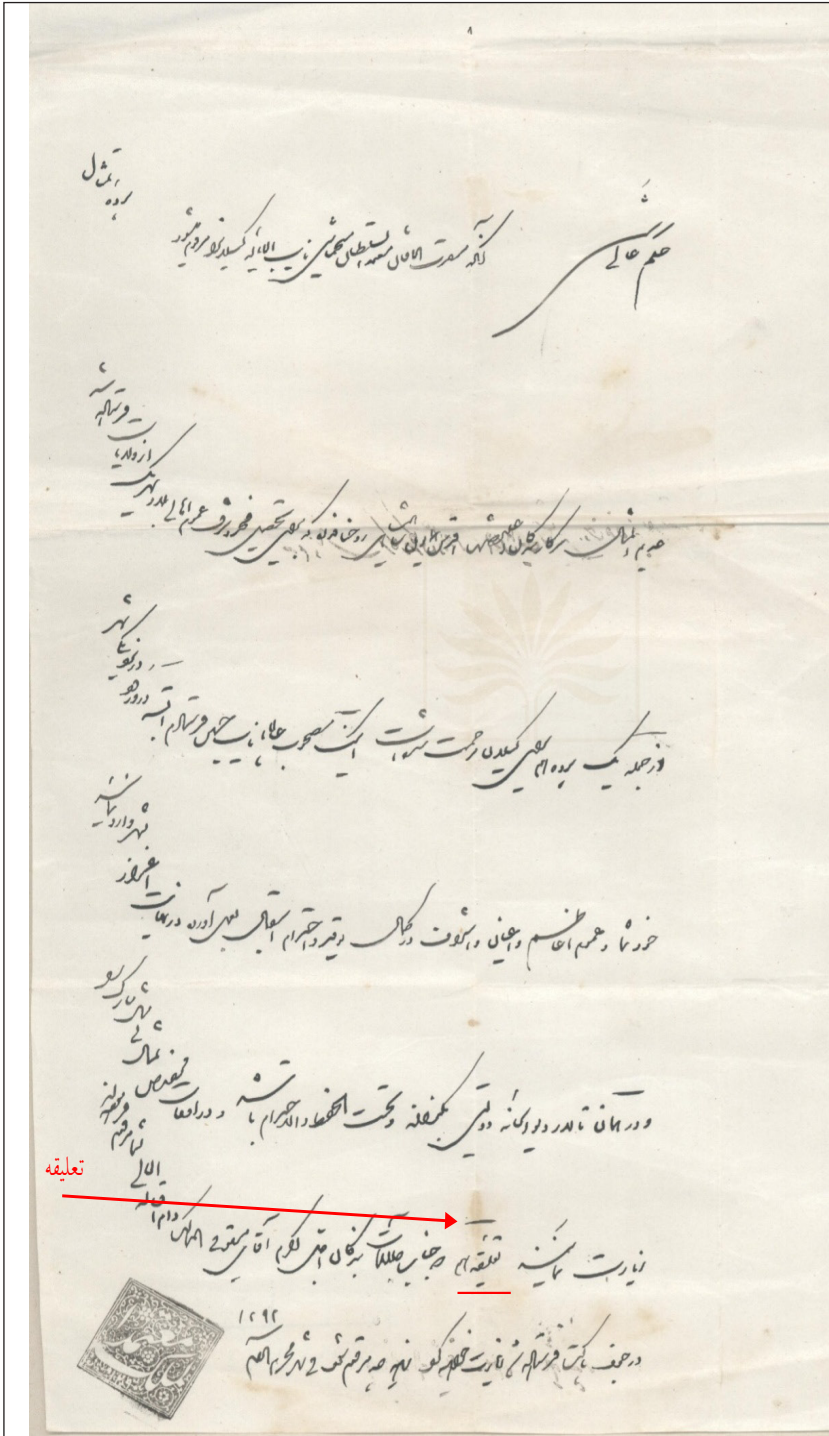
<p>مهر میرزایوسف خان مستوفی الجہالک أَوْصُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ يوسف بن محمد حسن</p>  <p>(ساکما، ۸۹۴۵-۲۹۶)</p>	<p>مهر میرزایوسف خان مستوفی الجہالک صدر اعظم یوسف بن حسن</p>  <p>(متما، ۵۷۶۲/۲ پ)</p>
<p>مهر میرزاعلی اصغر خان اتابک امین السلطان اتابک اعظم</p>  <p>(متما، ق. ۱۰۱۶۸-۰۰۰۰)</p>	<p>مهر میرزاعلی اصغر خان اتابک امین السلطان صدر اعظم</p>  <p>(ساکما، ۱۴۱۲-۲۹۶)</p>
<p>مهر میرزاعلی اصغر خان اتابک امین السلطان امین السلطان ۱۳۰۸</p>  <p>(ساکما، ۰۰۰۲۵۵-۲۹۶)</p>	<p>مهر میرزاعلی اصغر خان اتابک امین السلطان صدر اعظم</p>  <p>(متما، ق. ۱۰۱۶۸۲-۰۰۰۰)</p>
<p>مهر میرزاعلی اصغر خان اتابک امین السلطان صدر اعظم ۱۳۱۶</p>  <p>(متما، ۵۹۶۱/۲ پ)</p>	<p>مهر میرزاعلی اصغر خان اتابک امین السلطان صدر اعظم ۱۳۱۰</p>  <p>(متما، ۲۴۸۵۱ ق)</p>
<p>مهر میرزاعلی اصغر خان اتابک امین السلطان اتابک اعظم ۱۳۲۸</p>  <p>(متما، ۵۷۶۹/۲ پ)</p>	<p>مهر میرزاعلی اصغر خان اتابک امین السلطان هو اتابک اعظم ۱۳۱۸</p>  <p>(متما، ۶۸۵۲/۲ پ)</p>

۱۳. تعریف لغوی و اصطلاحی تعلیقه

لغت تعلیقه در لغت‌نامه‌ها به معنای آنچه بر حاشیه کتاب از شرح و نحو آن می‌افزایند (دهخدا به نقل از اقرب‌الموارد، ج ۵، ۱۳۷۷، ص ۶۸۱۸) و یا چیزی چون حاشیه که برای تکمیل یا توضیح یا تصحیح کتاب می‌نویسند و یا در تداول فارسی، به معنای نامه است (یادداشت به خط مرحوم دهخدا، ج ۵، ۱۳۷۷، ص ۶۸۱۸). هم‌چنین این کلمه مأخوذ از لغت عربی، به معنی ضمیمه و تتمه و حاشیه و فهرست و دفتر و مکتوبی آمده است که از جانب شخص بزرگی نوشته شده باشد (ناظم‌الاطباء، ج ۲، ۱۳۴۳، ص ۹۱۲). در ایران به نوشته پادشاهان رقم می‌گویند و نوشته امرای عظام مثل وکیل و وزیر و ... را تعلیقه می‌نامند (دهخدا به نقل از آندراج، ج ۵، ۱۳۷۷، ص ۶۸۱۸):

خط آمد و کیفیت رخسار تو کم شد تعلیقه معزولی ناز تو رقم شد

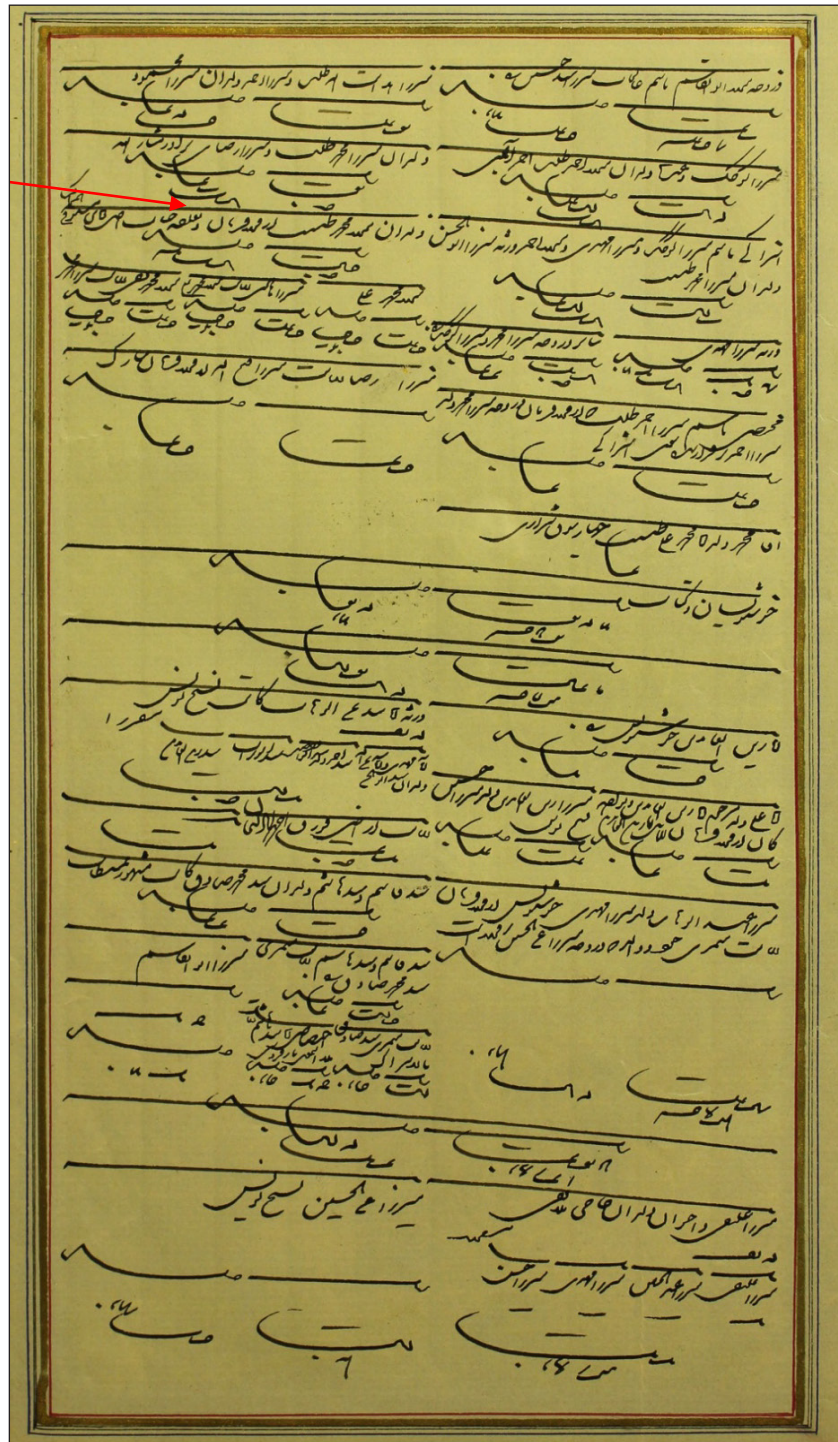
بر اساس کتاب تذکرةالملوک، به دستورات و مکتوبات اداری و دیوانی صدراعظم در عصر صفوی **تعلیقه** گفته می‌شد. در عصر قاجار این نام تغییر پیدا کرد و به «**حکم**» موسوم شد. به این ترتیب در ادبیات دیوانی «**حکم**» جایگزین «**تعلیقه**» شد؛ با این توضیح که «**تعلیقه**» از ادبیات دیوانی حذف نشد و به نوع دیگری از دستورات صدراعظم اطلاق شد (ساکما، ۷۲۲۰-۲۹۵، برگ ۱۰۷). به بیان دیگر، به دستورات و مرقومه‌ای که صدراعظم یا وزیر دیوان اعلی در حاشیه و هامش اسناد و مکتوبات و عرایض مرقوم می‌کرد یا به اصطلاح امروزی پاراف، و امضاء می‌کرد یا دستور اقدام، توصیه و دستورالعملی را در رابطه با آن صادر می‌کرد «**تعلیقه**» می‌گفتند و چنانکه اشاره شد با **حکم** متفاوت بوده است و فرق آن با **حکم** در این است که **حکم** موشح به علامت و مهمور به مهر صدراعظم و مقید به ثبت دفتر بوده است؛ حال آنکه **تعلیقه** در قالب دستورات کوتاه یا طغرابی بوده و مقید به ثبت در دفاتر و موشح به علامات نبوده است.



تصویر ۱۲

درباره تعلیقہ مستوفی الممالک
(ساکھا، ۱۶۲۴۳-۲۹۶)





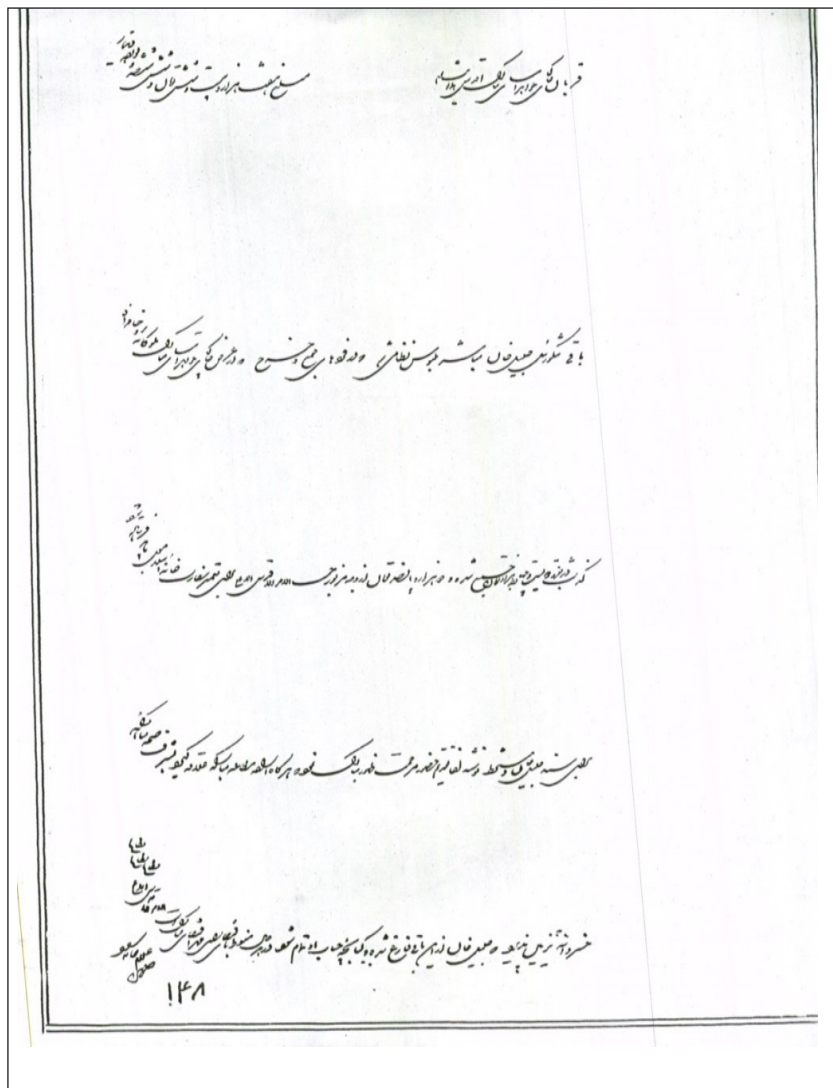
تصویر ۱۳

دربارهٔ تعلیقه‌جات مستوفی‌الجمالیات
(ساکما، ۷۲۲-۲۹۵، برگ ۱۰۷)



۱۴. نوشته‌جات (مکاتبات)

صدراعظم جدای از حکم و تعلیقه، نوشته دیگری داشت که مکاتبات روزانه او در راستای پیگیری دیوان و غیردیوان با پادشاه بود. این نوع مکاتبه گزارش روزانه صدراعظم درباره امور ممالک و درزمینه دیوانی، مالی، امور نظامی و ... بود که به ثبت دفتر مقید نبود (تصویر شماره ۱۴)؛ بلکه صرفاً به دربار فرستاده می‌شد و پس از رؤیت شاه، فردهای (برگ‌های) این گزارش‌ها در بیوتات سلطنتی، در قالب آلبوم درمی‌آمد و ضبط می‌شد (ساکما، ۷۳۸۲-۲۹۵؛ پیرا و نیک‌نژاد، ۱۳۹۷).



۱. مکاتبات میرزا آقاخان نوری با ناصرالدین‌شاه.

تصویر ۱۴

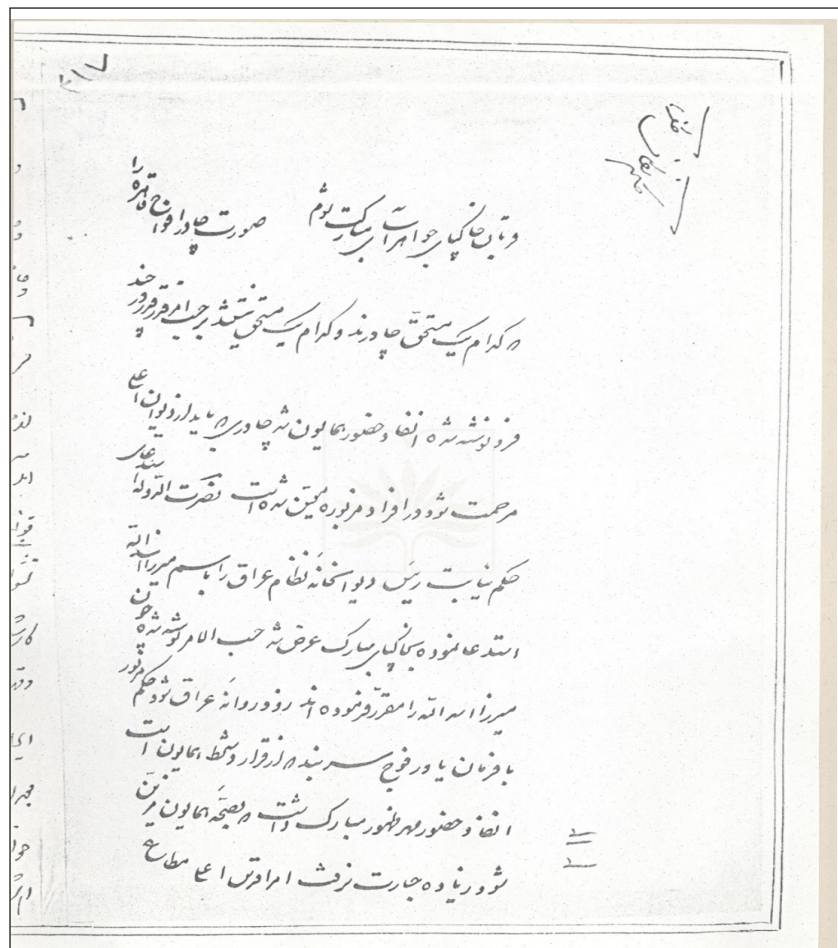
مکاتبه میرزا حسین‌خان سپه‌سالار با ناصرالدین‌شاه (ساکما، ۲۶۳۴-۲۹۵، ص ۴)



ساختار مکتوبات و نوشته‌جات صدراعظم (در خطاب) با شاه، شامل تحمیدیه و خطاب و رکن کلام و مؤخره بوده است. گفتنی است که نوشته‌جات فقط شامل رویه است و فاقد مهر و ظهریه و تاریخ نگارش است.

خطاب معمولاً بدین صورت نوشته می‌شد: «قربان خاک پای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم».

متن: شرح اتفاقات و گزارش موقوف و پیگیری امور بوده است. مؤخره: در مؤخره این چنین ذکر می‌شد: الأمر الأقدس الأعلى مطاع مطاع (ساکما، ۲۶۳۴-۲۹۵، ص ۴).



تصویر ۱۵

مکتبته میوزا حسین خان سپه سالار با
ناصرالدین شاه (ساکما، ۲۰۴۴-۲۹۵)



۱۵. ثبت و ضبط احکام و تعلیقه‌جات

از نحوه ثبت و ضبط احکام و تعلیقه‌جات صدور اطلاعی در دست نیست؛ به طوری که تا به حال سند و کتابچه‌ای دال بر ثبت احکام به دست نیامده است. ولی مسلم این است که احکام و تعلیقه‌جات برخلاف سلطانیات و ارقام، به ثبت و امضای مستوفیان و منشیان نمی‌رسیده است و صرفاً توسط منشی یا محرر صدر اعظم نوشته می‌شده و به ثبت و ضبط می‌رسیده است: «عالی‌جاهان لشکر نویسان عظام مواجب مشارالیه را به موجب برات دیوانی عاید داشته، شرح این حکم نظامی را در دفاتر ثبت و ضبط نمایند. شهر فوق [ذی‌حجه الحرام مطابق یونت‌ئیل] ۱۲۷۳» (ساکما، ۱۹۳۴۳-۲۹۶).

۱۶. نتیجه‌گیری

احکام و تعلیقه‌جات صدر اعظم‌های عصر قاجار یکی از مهم‌ترین اسناد و منابع تاریخی اند که در پژوهش‌های تاریخی این عصر اهمیتی ویژه دارند. علاوه بر آن، این اسناد متضمن اطلاعاتی درباره بخشی از وظایف دیوانی صدور در عصر قاجار است که در تعقیب دستورات پادشاه و در رابطه با اموری پایین‌تر از سطح دستورات پادشاه و مواردی که قابل عرض به شاه نبود، تولید و صادر می‌شد و خارج از گردش دیوانی توسط یکی از محرمان و مقربان و کتاب و منشیان صدر اعظم به رشته تحریر درمی‌آمد. این اسناد از لحاظ ساختار و سیمای بیرونی شامل رویه و ظهریه، همراه با اضافات و حواشی بوده است. تعلیقه به دستورات و نوشته‌های صدر اعظم گفته می‌شد که در هامش و حاشیه نامه‌ها و عرایض و مکتوبات می‌آمد. اصطلاح «حکم» نام اصلی و جنبه رسمی مکاتبات و نامه‌های اداری صدور بود و «تعلیقه» دستورات صدر اعظم بود که بدون علامات و در حواشی نامه‌ها و عرایض و ... می‌آمد. هم‌چنین روشن شد که نوشته‌جات، گزارش کار روزانه صدر اعظم به پادشاه بوده است که به خط خود صدر اعظم نوشته می‌شده و مقید به ثبت و موشح به علامات نبوده است. هم‌چنین روشن شد که حکم صدر اعظم در طبقه‌بندی اسناد اصطلاحی دیوانی است و بر این اساس، آن را جزء اسناد دیوانیات قرار می‌دهیم.



منبع

اسناد

آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): ۱۶۳۹-۲۱۰؛ ۲۶۳۴-۲۹۵؛ ۷۲۲۰-۲۹۵؛ ۷۳۸۲-۲۹۵؛
۲۰۴۴-۲۹۵؛ ۰۰۰۲۵۵-۲۹۶؛ ۱۴۱۲-۲۹۶؛ ۶۰۰۰-۲۹۶؛ ۶۳۳۴-۲۹۶؛ ۸۹۴۵-۲۹۶؛ ۱۶۲۴۳-۲۹۶؛
۱۸۰۰۰-۲۹۶؛ ۱۸۱۲۰-۲۹۶؛ ۱۸۱۳۷-۲۹۶؛ ۱۹۳۴۱-۲۹۶؛ ۱۹۳۴۳-۲۹۶؛ ۱۹۴۲۶-۲۹۶؛ ۱۹۷۲۳-
۲۹۶؛ ۱۹۷۶۴-۲۹۶؛ ۱۹۸۵۲-۲۹۶.
آرشیو موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (متما): ق ۰-۱۰۱۶۸۰-۰-۰؛ ق ۰-۱۰۱۶۸۱-۰-۰؛ ق ۰-۰-۰-
۱۰۱۶۸۲-۰-۰؛ ۱۳۵۵/۱؛ ۲۴۸۵۱/۱؛ ۵۷۶۲/۲؛ ۵۷۶۹/۲؛ ۵۸۳۸/۲؛ ۵۹۶۱/۲؛ ۶۰۲۲/۲؛ ۶۱۵۸/۲؛
۶۱۵۸/۲؛ ۶۸۵۲/۲؛ ۷۷۱۱/۲.

کتاب

پیرا، سعاد؛ نیک‌نژاد، علی‌رضا. (۱۳۹۷). *مکاتبات و نامه‌های میرزا علی اصغر خان اتابک امین‌السلطان با مظفرالدین‌شاه*. (سعاد پیرا و علی‌رضا نیک‌نژاد، مصححان). تهران: تاریخ ایران.
تذکره الملوک؛ به همراه تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک. (۱۳۶۸). (ج ۲). (سید محمد دبیر سیاقی،
کوشش گر). تهران: امیرکبیر.
جدی، محمدجواد. (۱۳۹۰). *مهرهای سلطنتی در مجموعه موزه کاخ گلستان*. تهران: کتابخانه، موزه و
مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
خورموجی، محمدجعفر. (۱۳۴۴). *تاریخ قاجار: حقایق الاخبار ناصری*. (ج ۱). (حسین خدیوجم، مصحح).
تهران: زوآر.
قائم‌مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۰). *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*. تهران: انجمن آثار ملی.
لسان‌الملک (سپهر، محمدتقی). (۱۳۷۵). *ناسخ‌التواریخ*. (ج ۱). (جمشید کیانفر، مصحح). تهران: اساطیر.
هدایت، رضاقلی‌خان. (۱۳۳۹). *تاریخ روضه‌الصفای ناصری*. (ج ۹). تهران: خیام.
همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. (۱۳۷۴). *جامع‌التواریخ*. (ج ۲). (بهمن کریمی، کوشش گر). تهران: اقبال.

لغت‌نامه

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. (ج ۵، ج ۶). تهران: دانشگاه تهران.
ناظم‌الاطباء (نقیسی، علی‌اکبر). (۱۳۴۳). *فرهنگ نقیسی یا فرنودسار*. (ج ۲). تهران: خیام.



English Translation of References

Documents

Āršiv-e Mo'assese-ye Motālē'āt-e Tārix-e Mo'āser-e Irān (Motmā) (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies) (www.IIchs.org): 0-ق; 0-0-101680-0ق; 0-101681-0ق; 24851ق; 1/11355ق; 2/5762پ; 2/5769پ; 2/5838پ; 2/7711پ; 2/6852پ; 2/6158پ; 2/6022پ; 2/5961پ. [Persian]

Āršiv-e Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran): 210-1639; 295-2643; 295-7220; 295-7382; 295-2044; 296-000255; 296-6000; 296-8945; 296-16243; 296-18000; 296-18120; 296-18137; 296-19341; 296-19343; 296-19426; 296-19723; 296-19764; 296-19852. [Persian]

Books

GhaemMaghami, Jahangir. (1350/1971). "*Moqaddame-ee bar šenāxt-e asnād-e tārixī*" (Recognition of historical documents). Tehran: Anjomanē'Āsār-e Melli (Society for the Appreciation of Cultural Works and Dignitaries). [Persian]

Hamedani, Rashid Al-Din Fazlollah. (1374/1995). "*Jāme'-ot-tavārix*" (Compendium of chronicles) (vol. 2) (2nd ed.). Edited by Bahman Karimi. Tehran: Eqbāl. [Persian]

Hedayat, Reza Gholi Khan. (1339/1960). "*Tārix-e roza-tos-safā-ye Nāseri*" (Rawdat al-Safa) (vol. 9). Tehran: Xayyām. [Persian]

Jeddi, Mohammad Javad. (1390/2011). "*Mohr-hā-ye saltanati dar majmu'e-ye muze-ye Kāx-e Golestān*" (Royal seals in Golestan palace museum collection: A fully descriptive and illustrated catalogue). Tehran: Ketābxāneh, MuzehvaMarkaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament). [Persian]

Khormoĵi, Mohammad Jafar. (1344/1965). "*Tārix-e Qājār: Haqāyeqol-axbār-e Nāseri*" (Qajar history: Truthful Naseri news) (vol. 1). Edited by Hossein Khadiv Jam. Tehran: Zovvār. [Persian]

Lesan Al-Molk (Sepehr, Mohammad Taghi). (1375/1996). "*Nāsex-ot-tavārix*" (The Corrector of Chronologies) (vol. 1). Edited by JamshidKianfar. Tehran: Asātir. [Persian]



Pira, Sa'ad; & Niknejad, Alireza. (1397/2018). *“Mokātebātva name-hā-ye Mirzā Ali Asqar-Xān-e Atābak Amin-os-Soltān bā Mozaffar-ed-Din Šāh”* (Correspondences and letters of Mirza Ali Asghar Khan Atabek Amin al-Sultan with Mozaffar al-Din Shah). Edited by Sa'ad Pira & Alireza Niknejad. Tehran: Tārix-e Irān. [Persian]

“Tazkera-tol-moluk; Be hamrāh-e ta'liqāt-e Minoreski bar tazker-tol-moluk” (Tazkirat Al-Muluk) (2nd ed.). (1368/1989). Edited by Seyyed Mohammad Dabir Siaghi. Tehran: Amir Kabir. [Persian]

Dictionaries

Dehkhoda, Ali- Akbar. (1377/1999). *“Loqat-nāme-ye Deh-xodā”* (Dehkhoda Dictionary) (Vol. 5 & 6). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]

Nazem Al-Atebba (Nafisi, Ali Akbar). (1343/1964). *“Farhang-e Nafisi yā Farnudsār”* (Nafisi's Dictionary or Farhang-e Farnudsar) (vol. 2). Tehran: Xayyām. [Persian]





The role of archival organizations' investment in social capital on the performance of archivists

Zahra Nasrollahi¹ | Nader Naghshineh² | Maryam Sarafzadeh³

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: To investigate the role of archival organizations' investment in social capital, on the archivists' performance and commitment to the quality of archival services.

Method and Research Design: The research method was descriptive survey. The statistical population consisted of 134 archivists working in the archives of Tehran. The data was collected using Ellinger's Standard Questionnaire (2013) and analyzed using appropriate statistical techniques, SPSS and PLS software.

Findings and conclusions: The results confirmed that there is a significant effect of organizational investment in social capital in commitment to the archive organization and archival service quality of the archivists. Moreover, organizational citizenship behavior has a significant effect on the job performance of the archivists. Therefore, investing in social capital in the archival organization improves and enhances the performance and productivity of the organization and improving organizational citizenship behavior increases the quality of job performance.

Keywords: Social Capital; Job Performance; Commitment to Service Quality; Commitment to Organization; Organizational Citizenship Behavior; Archivist; Archives.

Citation: Nasrollahi, Z., Naghshineh, N., & Sarrafzadeh, M. (2022). The Role of Archival Organizations' Investment in Social Capital on the Archivists' Performance. *Ganjine-ye Asnad*, 32(2), 166-199 | doi: 10.30484/ganj.2022.2937

1. MA in Archival studies, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, I. R. Iran, (Corresponding Author)

z55nasr@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Information Science and Knowledge, University of Tehran, Tehran, I. R. Iran

nnaghsh@ut.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Information Science and Knowledge, University of Tehran, Tehran, I. R. Iran m.sarafzadeh@ut.ac.ir

Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.



Ganjine-Ye Asnad

«127»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/ganj.2022.2937

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No.3, Autumn 2022 | pp: 166 - 199 (34) | Received: 2, May. 2022 | Accepted: 2, Mar. 2022

Archival research



فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

نقش سرمایه‌گذاری سازمان‌های آرشیوی در سرمایه اجتماعی، بر عملکرد آرشیویست‌ها

زهرا نصرالهی^۱ | نادر نقشبینه^۲ | مریم صرافزاده^۳

چکیده:

هدف: بررسی نقش سرمایه‌گذاری سازمان‌های آرشیوی در سرمایه اجتماعی بر عملکرد آرشیویست‌ها و تعهد به کیفیت خدمات آرشیوی.

روش/ رویکرد پژوهش: این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی، از نظر روش توصیفی از نوع همبستگی است که از طریق پیمایش انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش آرشیویست‌های شاغل در آرشیوهای شهر تهران است. حجم نمونه ۱۳۴ نفر از آرشیویست‌های آرشیوهای شهر تهران است. داده‌ها با استفاده از تکنیک‌های آماری مناسب و نرم‌افزار SPSS و PLS تجزیه و تحلیل شده است. داده‌ها از طریق پرسش‌نامه استاندارد الینگر (۲۰۱۳) جمع‌آوری شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتایج به دست آمده در این پژوهش حاکی از تأیید تأثیر معنادار سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه اجتماعی بر تعهد به سازمان آرشیوی، تأثیر معنادار تعهد به کیفیت خدمات بر عملکرد شغلی آرشیویست‌ها، و تأثیر معنادار رفتار شهروندی سازمانی بر عملکرد شغلی آرشیویست‌ها است. سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی در سازمان آرشیوی براساس یافته‌های این مطالعه، بهبود و ارتقاء عملکرد و بهره‌وری سازمان را به دنبال خواهد داشت. تقویت رفتار شهروندی سازمانی باعث افزایش کیفیت عملکرد شغلی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی؛ عملکرد شغلی؛ تعهد به کیفیت خدمات؛ تعهد به سازمان؛ رفتار شهروندی سازمانی؛ آرشیویست؛ آرشیو.

استناد: نصرالهی، زهرا، نقشبینه، نادر، صرافزاده مریم. (۱۴۰۱). نقش سرمایه‌گذاری سازمان‌های آرشیوی در سرمایه اجتماعی، بر عملکرد آرشیویست‌ها. *گنجینه اسناد*، ۳۲ (۲)، ۱۶۶-۱۹۹. doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲.۲۹۳۷

۱. کارشناس ارشد مطالعات آرشیوی دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
z55nasr@gmail.com
۲. دانشیار، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
nnaghsh@ut.ac.ir
۳. استادیار، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
m.sarrafzadeh@ut.ac.ir



گنجینه اسناد

۱۲۷

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj/۲۰۲۲.۲۹۳۷

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar | ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۲، دفتر ۳، پاییز ۱۴۰۱ | صص: ۱۶۶ - ۱۹۹ (۳۴)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۱۷

تحقیقات آرشیوی

۱. مقدمه

سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از اطلاعات، اعتماد، هنجارها و روابط متقابل در شبکه اجتماعی است (فریس^۱ و همکاران، ۲۰۱۷) که می‌تواند از طریق تسهیل تبادل اطلاعات نیمه‌محرمانه و توافقات دوطرفه، فرصت‌های تجاری مناسبی را به‌وجود آورد (جاوید و ایزدی، ۱۳۸۹). سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های رشد و پیشرفت جوامع به‌طور عام و توسعه اجتماعی جوامع به‌طور خاص، نقش بسیار مهم‌تری از دیگر سرمایه‌ها (هم‌چون سرمایه اقتصادی) دارد و به‌نوعی زمینه و قوام‌بخش دیگر سرمایه‌هاست و پایداری آن‌ها را تضمین می‌کند. سرمایه اجتماعی تعبیه‌شده در سازمان هزینه‌های معاملات را کاهش می‌دهد و در دستیابی اعضا به اهداف سازمان به‌طور مؤثر کمک می‌کند (گیلدرمن^۲ و همکاران، ۲۰۱۶). آنچه در سرمایه اجتماعی و مفهوم آن نهفته است، سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی و هم‌چنین افزایش، گسترش و به‌اشتراک گذاشتن منابع در روابط اجتماعی از طریق سرمایه اجتماعی برای تسهیل کنش جمعی و گسترش اعتماد و بده‌بستان در جامعه است. از این رو روابط اجتماعی بستر اصلی مفهوم سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود (شجاعی باغینی، ۱۳۸۷). فقدان سرمایه اجتماعی رابطه‌ای می‌تواند به بی‌ثباتی و بی‌میلی به اشتراک اطلاعات خاص در روابط متقاضی و کارپرداز منجر شود (ویلینا^۳ و همکاران، ۲۰۱۱). سرمایه اجتماعی مجموعه‌هنگارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی است که موجب ارتقای همکاری اعضای آن جامعه و کاهش هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌شود (فیلد، ۱۳۸۶). سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی بازتاب رفتارهای مدیریتی‌ای است که برای افزایش تجربیات کاری کارکنان به‌کار می‌رود و محیطی را ایجاد می‌کند که در آن روابط دوطرفه سودمندی بین سازمان و کارکنانش برقرار می‌شود. سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی جوی قابل اعتماد، قابل فهم و متعهدانه در سازمان‌ها ایجاد می‌کند (کوهن و پروساک^۴، ۲۰۰۱).

سرمایه اجتماعی به‌عنوان منبعی نادر و کمیاب می‌تواند موجب ارتقای محیط‌های کاری شود (الینگر^۵ و همکاران، ۲۰۱۳). از آنجاکه فعالیت آرشیوهای امروزی با مطرح شدن حوزه‌های با عنوان مدیریت پیشینه‌ها به حوزه کسب‌وکار کشیده شده است (کاکس^۶، ۲۰۰۶)، می‌توان در نظر گرفت که موجب ارتقای محیط کاری آرشیوها نیز خواهد شد. آرشیوها مراکز نگهداری حافظه اجتماعی و جمعی جامعه هستند و باید در خدمت جامعه و اهداف آنان باشند (قائم‌مقامی، ۱۳۹۴)؛ بنابراین مدیریت آرشیوها یکی از مسائل مهم در هر کشوری به حساب می‌آید. بهبود عملکرد آرشیوها نیازمند توجه به عواملی نظیر سرمایه اجتماعی، عملکرد آرشیویست‌ها، و تعهد به خدمات و رفتار شهروندی سازمانی است. اثربخشی مرکز آرشیوی مستلزم ساختار سازمانی مناسب و تعهد کارکنان برای افزایش

1. Ferris
2. Gelderman
3. Villena
4. Cohen & Prusak
5. Ellinger
6. COx



عملکرد است. برنامه آرشیو «کارمندسالار» است و توفیق آرشیوها به تصمیم‌هایی وابسته است که کارمندان - افرادی نظیر تولیدکنندگان سند، اهداگران، کاربران، مشاوران، و سرمایه‌گذاران - اتخاذ می‌کنند. از این رو اگر به کارمندان توجه شود و همچنین به آن‌ها انگیزه داده شود و آن‌ها از هدف و مدیریت برنامه راضی باشند، بدون تردید، در موفقیت برنامه احساس پرارچی خواهند کرد (پدرسون، ۱۳۸۰). برای عرضه بهتر خدمات به مشتریان لازم است تا کارکنان راضی و با انگیزه باشند و فعالیت‌های خود را بدون وجود موانع سازمانی انجام دهند (الینگر و همکاران، ۲۰۱۳). از این رو باید با دقت و برنامه‌ریزی مدون به کیفیت خدمات و عملکرد شغلی و سازمانی کارکنان آرشیو توجه شود.

باتوجه به مبانی نظری و پژوهش‌های گذشته (قنبری و عبدالملکی، ۱۳۹۹؛ نعمتی و همکاران، ۱۳۹۵؛ معصومی سنجان، ۱۳۹۴؛ الینگر و همکاران، ۲۰۱۳؛ مرعشی، ۱۳۹۳) می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی از عوامل اثرگذار بر عملکرد شغلی، تعهد شغلی و تعهد به کیفیت خدمات است.

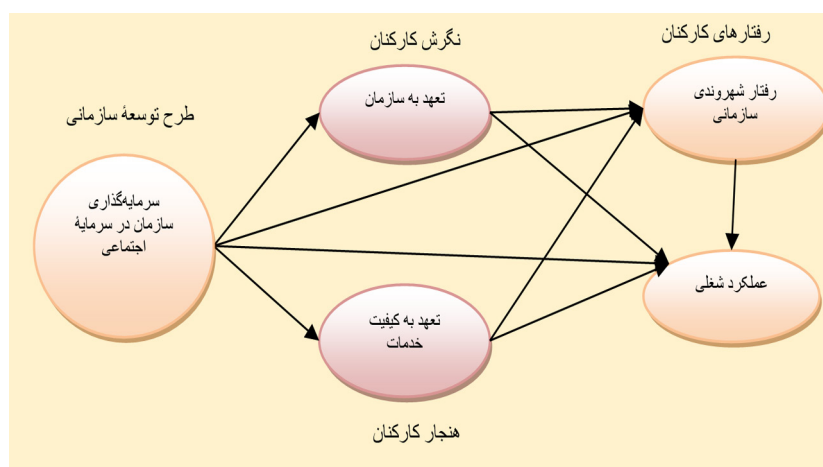
از آنجاکه نظریه سرمایه اجتماعی در محیط‌های آرشیوی (به‌عنوان یک سازمان) به‌طور جدی و گسترده مطالعه نشده است، بنابراین موضوع اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه اجتماعی، بر عملکرد آرشیویست‌ها است تا مشخص شود که این سرمایه‌گذاری، بر عملکرد شغلی آرشیویست‌ها تأثیری دارد یا خیر؟ در پژوهش‌های گذشته به بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه اجتماعی، بر عملکرد آرشیویست‌ها توجه نشده است و این خلأ پژوهشی در جامعه آماری پژوهش حاضر احساس می‌شود؛ بنابراین پژوهش حاضر به نتایج علمی جدیدی در این حوزه منجر خواهد شد. بر این اساس فرضیه‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

۱. سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه اجتماعی، تأثیری مثبت و معنادار بر تعهد به سازمان آرشیو دارد.
۲. سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه اجتماعی، تأثیری مثبت و معنادار بر تعهد به کیفیت خدمات دارد.
۳. سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه اجتماعی، تأثیری مثبت و معنادار بر عملکرد سازمانی دارد.
۴. سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه اجتماعی، تأثیری مثبت و معنادار بر رفتار شهروندی سازمانی دارد.
۵. تعهد به سازمان آرشیو تأثیری مثبت و معنادار بر عملکرد شغلی آرشیویست دارد.
۶. تعهد به سازمان آرشیو تأثیری مثبت و معنادار بر رفتار شهروندی سازمانی دارد.

۷. تعهد به کیفیت خدمات تأثیری مثبت و معنادار بر عملکرد شغلی آرشیویست‌ها دارد.

۸. تعهد به کیفیت خدمات تأثیری مثبت و معنادار بر رفتار شهروندی سازمانی دارد.
۹. رفتار شهروندی سازمانی آرشیویست‌ها تأثیری مثبت و معنادار بر عملکرد شغلی دارد.

الگوی مفهومی استفاده‌شده در پژوهش حاضر از الگوی مفهومی الینگر و همکاران (۲۰۱۳) گرفته شده است.



۲. پیشینه تحقیق پژوهش‌های داخلی

مروری بر مطالعات انجام‌شده در پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که پژوهشی که دقیقاً به بررسی نقش سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی بر عملکرد آرشیویست‌ها یا مراکز آرشیوی پرداخته باشد موجود نیست؛ بنابراین پژوهش‌های نزدیک‌تر به پژوهش حاضر در ادامه معرفی می‌شود:

قنبری و عبدالملکی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «نقش سرمایه اجتماعی بر عملکرد شغلی با میانجی‌گری کار تیمی (مطالعه موردی: کارکنان دانشگاه بوعلی سینا)» که از لحاظ روش توصیفی و از نوع همبستگی است و رویکرد مدل‌سازی آن معادله ساختاری کوواریانس‌محور است و جامعه پژوهش آن تمام کارکنان دانشگاه بوعلی سینا است به نتایج زیر دست یافتند: سرمایه اجتماعی بر عملکرد شغلی کارکنان اثر مثبت دارد؛ سرمایه

اجتماعی به دلیل کار گروهی، بر متغیر عملکرد شغلی کارکنان اثری مثبت و معنادار دارد. حسن‌زاده و یزدان‌ستا (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر عملکرد شغلی با توجه به نقش میانجی فرهنگ سازمانی معلمان ابتدایی شهر بوکان» که از نظر نوع کاربردی و از نظر روش توصیفی و از نوع همبستگی است، از بین ۷۰۰ نفر از معلمان جامعه پژوهشی خود ۲۳۹ نفر را به روش نمونه‌گیری تصادفی مطالعه کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین ابعاد سرمایه اجتماعی با عملکرد شغلی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

نعمتی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «نقش سرمایه اجتماعی، تعهد و رفتار شهروندی سازمانی در بهبود عملکرد شغلی (مورد مطالعه: شهرداری شهرستان خوی)» که از لحاظ روش توصیفی و از نوع همبستگی است و جامعه آماری آن ۱۴۰ نفر از کارکنان ستادی شهرداری شهرستان خوی است به نتایج زیر دست یافتند: تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی بر تعهد کارکنان، رفتارهای شهروندی سازمانی و عملکرد شغلی و همچنین تأثیر مثبت تعهد کارکنان و بروز رفتارهای شهروندی سازمانی توسط آن‌ها بر عملکرد شغلی تأیید شد.

سلیمی‌فرد (۱۳۹۴) پایان‌نامه خود را با عنوان «بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی بر عملکرد مالی در بانک مهر اقتصاد» انجام داده است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی است و از لحاظ روش در زمره پژوهش‌های توصیفی طبقه‌بندی می‌شود. روش انجام این تحقیق، از نوع پژوهش‌های تحلیل ماتریس کوواریانس است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی، بر تعهد سازمانی، تعهد به کیفیت خدمات، گرایش به نوآوری، و عملکرد مالی، تأثیر مثبت و معنادار دارد.

معصومی سنجانی (۱۳۹۴) پایان‌نامه خود را با عنوان «بررسی اثر سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه اجتماعی بر عملکرد و تعهد کارکنان» انجام داده است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش توصیفی و از نوع پیمایشی است. نمونه آماری این پژوهش ۹۷ نفر از کارکنان آموزش و پرورش منطقه ۱ تهران است که به روش نمونه‌گیری در دسترس تصادفی انتخاب شده‌اند. یافته‌ها حاکی از تأیید تأثیر معنادار سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه اجتماعی، بر تعهد به سازمان، تعهد به کیفیت خدمات، عملکرد سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی است. همچنین این نتایج تأییدکننده تأثیر معنادار تعهد به سازمان بر عملکرد شغلی، تأثیر معنادار تعهد به کیفیت خدمات در عملکرد شغلی و رفتار شهروندی سازمانی و نیز تأثیر معنادار عملکرد شغلی بر رفتارهای شهروندی سازمانی است.

رعایت خواه (۱۳۹۳) در پایان نامه خود به بررسی «تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد کارکنان از طریق نگرش آن‌ها در شرکت سهامی آب منطقه‌ای گیلان» پرداخته است. این پژوهش از نظر نوع کاربردی و از نظر روش توصیفی و از نوع همبستگی است. از ۲۶۱ نفر کارکنان جامعه پژوهشی ۱۲۹ نفر به روش نمونه‌گیری دردسترس مطالعه شده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داده است که سرمایه اجتماعی، بر تعهد سازمانی، تعهد به کیفیت خدمات، عملکرد شغلی و رفتار شهروندی سازمانی کارکنان شرکت سهامی آب منطقه‌ای گیلان تأثیر معنادار دارد. همچنین تعهد سازمانی بر عملکرد شغلی، و تعهد به کیفیت خدمات بر عملکرد شغلی و رفتار شهروندی سازمانی کارکنان این شرکت تأثیر معنادار دارد. در این میان تعهد سازمانی بر رفتار شهروندی سازمانی کارکنان شرکت سهامی آب منطقه‌ای گیلان تأثیر معنادار ندارد.

مرعشی (۱۳۹۳) در پایان نامه خود با عنوان «بررسی اثر سرمایه اجتماعی بر عملکرد کارکنان (مطالعه موردی: دانشگاه پیام نور مرکز ورامین)» پرداخته است. این پژوهش از نظر روش توصیفی، و از نوع همبستگی است و از نظر هدف کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش کارکنان دانشگاه پیام نور مرکز ورامین است که با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ۵۵ نفر از این کارکنان انتخاب شده‌اند. برای تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون استفاده شده است. نتایج حاکی است که سرمایه اجتماعی، بر تعهد و عملکرد کارکنان دانشگاه پیام نور ورامین تأثیر مثبت و معنادار دارد و همچنین سرمایه اجتماعی، بر تعهد به کیفیت خدمات و رفتار شهروندی سازمانی تأثیر مثبت و معنادار دارد.

پژوهش‌های خارجی

در میان پژوهش‌های خارجی در حوزه سرمایه اجتماعی و نقش سرمایه اجتماعی بر عملکرد کارکنان به پژوهش‌های زیر می‌توان اشاره کرد:

باسوا^۱ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «تأثیر رفتار شهروندی سازمانی بر عملکرد شغلی در صنایع بهداشت و درمان هند: نقش واسطه‌ای سرمایه اجتماعی»، رابطه بین رفتار شهروندی سازمانی و عملکرد شغلی و تأثیر سرمایه اجتماعی بر آن را بررسی کرده‌اند. داده‌ها از ۵۰۱ نفر پاسخ‌دهنده مشغول به کار در ۱۵ سازمان بهداشت و درمان کلکته هند به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده جمع‌آوری شد و در نهایت ۴۳۰ پرسش‌نامه دریافت شده مطالعه شد. نتایج این پژوهش نشان داد که رفتار شهروندی سازمانی، بر عملکرد شغلی تأثیر مثبت و معنادار دارد؛ رفتار شهروندی سازمانی، بر سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت می‌گذارد؛ سرمایه اجتماعی بر عملکرد شغلی تأثیر مثبت و معنادار دارد.

I. Basu



وارلی^۱ (۲۰۱۴) در پایان‌نامه خود با عنوان «رابطه بین تعهد سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی» به تعیین سطح تعهد و رفتارهای شهروندی سازمانی و بررسی تأثیر تعهد سازمانی بر رفتار شهروندی سازمانی پرداخته‌است. او برای جمع‌آوری داده‌ها از روش پیمایش استفاده کرده‌است. جامعه آماری این مطالعه سرپرستان و معلمان مدارس ترکیه است. نتایج این مطالعه حاکی است که براساس تعهد سازمانی، درک کارکنان از رفتار شهروندی سازمانی مثبت است و بین تعهد سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی رابطه معنادار وجود دارد.

الینگر و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهش خود با عنوان «تأثیر سرمایه‌گذاری‌های سازمانی در سرمایه اجتماعی بر تعهد و عملکرد کارکنان خدمات» تأثیر یک طرح توسعه منابع انسانی سازمانی درباره کارکنان خدمات را بررسی کردند. نتایج این مطالعه با پاسخ ۴۰۷ نفر از کارکنان خدماتی مواجه با مشتریان از نهادهای خدماتی مختلف از جمله بهداشت و درمان، خدمات بانکی و مالی، آموزش و پرورش و ... به پرسش‌نامه نشان داد که سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی با تعهد سازمانی، عملکرد شغلی و رفتار شهروندی سازمانی رابطه مثبت و با تعهد به کیفیت خدمات رابطه منفی دارد و همچنین تعهد سازمانی با عملکرد شغلی و رفتار شهروندی سازمانی رابطه منفی دارد و تعهد به کیفیت خدمات با عملکرد شغلی رابطه مثبت و با رفتار شهروندی سازمانی رابطه منفی دارد؛ هم‌چنین تأیید شد که عملکرد شغلی با رفتار شهروندی سازمانی رابطه مثبت دارد.

الینگر^۲ و همکاران (۲۰۱۱b) پژوهشی با عنوان «سرمایه‌گذاری‌های سازمانی در سرمایه اجتماعی، رهبری مدیریتی و عملکرد مرتبط با کار کارمندان» انجام داده‌اند. این مطالعه پژوهشی مبتنی بر پیمایش است و تأثیر رفتار رهبری مدیریتی بر روابط و عملکرد مرتبط با کار کارکنان را بررسی کرده‌است. نتایج حاصل از بررسی ۴۰۸ کارمند از سازمان‌های مختلف در طیف گسترده‌ای از صنایع نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی با عملکرد شغلی کارکنان، تعهد به کیفیت خدمات و رفتار شهروندی سازمانی ارتباط مثبت دارد.

الینگر و همکاران (۲۰۱۱a) در پژوهشی تحت عنوان «اندازه‌گیری سرمایه‌گذاری‌های سازمانی در سرمایه اجتماعی: چشم‌انداز خدمات کارمندان» به تدوین و اعتباربخشی به سرمایه‌گذاری‌های سازمانی در سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. این پژوهش توسعه و ارزیابی معیار سرمایه‌گذاری‌های سازمانی در سرمایه اجتماعی را توصیف کرده‌است. داده‌ها از ۷۳۵ نفر از کارکنان محیط‌های کاری متفاوت جمع‌آوری شده‌است. نتایج نشان می‌دهد که اندازه‌گیری سرمایه‌گذاری‌های سازمانی بر تعهد کارکنان به کیفیت خدمات -که بسیار تحت تأثیر رفتارهای مدیریتی است- تأثیر مثبت دارد. هم‌چنین بین اندازه‌گیری سرمایه‌گذاری‌های سازمانی با تعهد به سازمان و عملکرد، همبستگی مثبت وجود دارد.

1. Varli
2. Ellinger



۳. مبانی نظری

الف. سرمایه اجتماعی

بر اساس تعریف بوردیو، سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که در نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادینه شده بین افراد به دست می آید و به عبارت ساده تر، حاصل عضویت در گروه برای دستیابی به منافع آن گروه است (تاج بخش، ۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی توسط شبکه ها و روابط اجتماعی در حالی تشکیل می شود که هرگز از سرمایه جدا نمی شود (دی فیلیپس^۱، ۲۰۰۱)؛ و بر خلق دانش و سرمایه های ذهنی، به اشتراک گذاشتن، یادگیری گروهی، ایجاد شایستگی، تشویق همکاری و تبادل اطلاعات بین کارکنان و کاهش هزینه های نظارت تأثیر گذار است (گویال و آخلش^۲، ۲۰۰۷). سرمایه اجتماعی «دارایی ارتباطی» افراد و گروه های اجتماعی است (لین^۳، ۲۰۰۱) و می تواند باعث بهبود زندگی کاری کارکنان و عملکرد شغلی آنان شود (بنهادور^۴، ۲۰۱۶). در واقع سرمایه اجتماعی هم شامل شبکه و هم شامل دارایی هایی است که احتمال بسیج شدن آن از طریق شبکه ها وجود دارد (لانفردی^۵ و همکاران، ۲۰۱۵). فوکویاما سرمایه اجتماعی را هنجاری اجتماعی معرفی می کند. به نظر او سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در سیستم های اجتماعی است که موجب ارتقای همکاری اعضای جامعه و کاهش هزینه تبادلات و ارتباطات می شود (بارنز موث^۶، ۲۰۱۵).

ب. سرمایه اجتماعی در آرشیوها

در رابطه با سرمایه اجتماعی و خدمات آرشیوی، دولت به طور مداوم، از ارزش عمومی خدمات صحبت می کند. این ایده که «خدمات عمومی باید برای عموم مردم ارزش ایجاد کنند، به همان روشی است که بخش خصوصی ارزش سهامداران را ایجاد می کند. چگونگی عملکرد این کار در عرصه فرهنگی را سازمان ها بررسی می کنند» (هورتون^۷، ۲۰۰۶).

ارزش فرهنگی از سه عنصر تشکیل شده است:

الف- ارزش ابزاری: تأثیر اجتماعی و اقتصادی فرهنگ بر جامعه را بیان می کند.

اهمیت اجتماعی سرمایه گذاری در فرهنگ، اغلب، ولی نه همیشه، در این شکل بیان می شود.

ب- ارزش نهادی: ارزش نهادی مربوط به فرایندها و اقداماتی است که سازمان های

فرهنگی هنگام تعامل با مردم اتخاذ می کنند. ارزش نهادی با چگونگی مشارکت این سازمان ها ایجاد می شود (یا از بین می رود).

1. DeFilippis
2. Goyal & Akhilesh
3. Lin
4. Ben Hador
5. Lanfredi
6. Barnes-Mauthe
7. Horton



ج- ارزش ذاتی: ارزش شخصی فرد که از تجربه ذهنی او و تعاملش با فعالیت‌های فرهنگی استخراج شده‌است. این نوع ارزش را می‌توان در شهادت شخصی، ارزیابی‌های کیفی و حکایات ثبت کرد (هولدن، ۲۰۰۵).

همان‌طور که هولدن می‌گوید، کسب یا ارزیابی چگونگی کار این سه نوع ارزش احتمالاً به رویکردهای متفاوت نیاز دارد و به حوزه‌های انتخابی متفاوت اشاره می‌کند:

الف- عموم که از خدمات استفاده می‌کنند؛

ب- حرفه‌ای‌هایی که آن‌ها را اداره می‌کنند؛

ج- سیاستمدارانی که پارامترها را تنظیم می‌کنند.

به اعتقاد هورتون تعادل قدرت بین حوزه‌های انتخاب شده در حال تغییر است. شهروندان دیگر به دریافت خدمات منفعلانه بین سیاستمداران (براساس دیدگاه او درباره آنچه مردم می‌خواهند) و حرفه‌ای‌ها (باتوجه به آنچه مردم نیاز دارند) راضی نیستند (هورتون، ۲۰۰۶).

تا به امروز سیاستمداران نگران ارزش ابزاری خدمات و چگونگی مشارکت آن در برنامه‌های کلیدی دولت و برنامه‌های اجتماعی بودند؛ نگرانی‌ای که حوزه آرشیو در پی پاسخ به آن است؛ ولی عموم مردم به تعامل در سطح شخصی‌تر و ذاتی و تاحدودی نهادی تمایل دارند. اگرچه ممکن است تشخیص دهند که برای یک خدمات در سطح ابزاری ارزشی وجود دارد، ولی اگر بتوانند ارتباط شخصی با آن‌ها را ببینند، ارزش عمومی در یک خدمات بسیار بیشتر خواهد شد. پیامدهای این امر برای اینکه چگونه خدمات آرشیو می‌توانند ارزش خود را نشان دهند، ممکن است بسیار دوازده‌دسترس باشد و نگرانی‌های دیرینه درباره مشخصات این حوزه را در آگاهی عمومی برجسته کند.

اگر بتوان ایجاد سرمایه‌های اجتماعی را نتیجه عرضه خدمات تحویل در نظر گرفت، تأثیر نهایی چنین نتیجه‌ای می‌تواند خدمات «نسبی»‌ای باشد که دولت برای آن در جست‌وجوی شواهد و مدارک است (واول، ۲۰۰۲).

حوزه آرشیو با برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی دولت در سطح سیاست و استراتژی درگیر است. هم‌چنین از نظر عرضه خدمات واقعی، فعالیت‌های آموزشی و تلاش برای گسترش مشارکت اجتماعی در خط مقدم توسعه خدمات قرار دارد و این‌که کدام خدمات به ایجاد سرمایه اجتماعی در جوامع کمک می‌کند، چیزی است که به نوبه خود بر جامعه گسترده‌تر تأثیر می‌گذارد و درباره خدمات آرشیوی خود این فعالیت‌ها تأکید جدیدی بر لزوم آموزش عموم مردم و سیاستمداران درباره ماهیت آرشیو و نقش خدمات آن در قرن بیست‌ویکم است. با وجود این، نیاز به خدماتی از قبیل آرشیوهای محلی، کتابخانه‌های عمومی و موزه‌ها برای نشان دادن ارزش آن‌ها از نظر ارتباط با دولت واضح است.

1. Holden
2. Wavell

مفاهیمی هم چون سرمایه اجتماعی مسیری بالقوه را برای تعیین مشارکت‌های خدماتی فراهم می‌کند؛ ولی روش‌های لازم برای ارائه شواهدی محکم که دولت به دنبال آن است هنوز وجود ندارد. در جایی که نقش بارز خدمات آرشیو سازمان‌های محلی شناخته و پشتیبانی می‌شود، ارزش این خدمات از نظر اداری مشخص است و اهمیت این موضوع در نشان دادن ارزش بُعد فرهنگی ارائه خدمات است؛ و آرشیوها در این موضوع مانند کتاب‌خانه‌ها و موزه‌ها، با چالش‌های جدیدی روبه‌رو هستند (هورتون، ۲۰۰۶).

مردم با انجام استراتژی‌هایی برای ایجاد روابط با کسانی که می‌خواهند منابعی را در اختیار داشته باشند، عمداً شبکه‌های اجتماعی ایجاد می‌کنند. پژوهش‌گران تاریخ ممکن است عمداً با آرشیویست‌ها رابطه برقرار کنند تا از دانش عمیق آن‌ها درباره منابع آرشیوی بهره‌مند شوند. این رابطه در واقع سرمایه اجتماعی پژوهش‌گر است که از طریق آن به دانش تخصصی دسترسی پیدا می‌کند (جانسون^۱ و داف، ۲۰۰۵). مورخان، به عنوان کاربران سنتی آرشیوها، پژوهش‌گران خبره‌ای هستند که به ندرت بدون اینکه ادبیات ثانویه پژوهش خود را بخوانند و منابع آن را از کتاب‌خانه استخراج کنند از آرشیو بازدید می‌کنند (جانسون^۲ و داف، ۲۰۰۵). نان لین^۳ سرمایه اجتماعی را منابعی تعریف می‌کند که مردم از طریق روابط خود به آن دسترسی دارند. منابع می‌توانند کالاهای مادی مانند پول یا ماشین یا کالاهای ملموس از قبیل نفوذ یا اطلاعات باشند. افراد با دسترسی بهتر به این منابع، یعنی سرمایه اجتماعی بهتر، توانایی بیشتری برای دستیابی به اهداف مدنظر دارند.

جانسون در مطالعات خود نشان داد که آرشیویست‌ها، سرمایه اجتماعی مورد توجه مورخان هستند. باین حال، هم سرمایه و هم دسترسی به آن ممکن است مورد تهدید واقع شود. آرشیویست‌ها کاربران ماهر آرشیوها هستند و توانایی آن‌ها برای دسترسی به منابع آرشیو به دانش متنی آن‌ها، کیفیت و سطح جزئیات راهنماهای بازیابی^۴ (ابزارهای کمک جست‌وجو) و دانش آرشیوی بستگی دارد.

در آرشیوهای بزرگ‌تر، دسترسی به آرشیویست متخصص کمتر رواج پیدا می‌کند. واسطه‌ها، مانند سیستم‌های خودکار و آرشیوهای مرجع که فقط دانشی کلی از مجموعه‌ها دارند، شکاف بین آرشیوهای تخصصی و پژوهش‌گر آرشیوی را افزایش می‌دهند. در آرشیوها این تقسیم هم فیزیکی و هم استعاری است (جانسون و داف، ۲۰۰۵).

در هر کشوری آرشیوها به عنوان منابع اصیل و منسجم اطلاعات، در پیشبرد تبعات تاریخی، دانش‌افزایی، و تصمیم‌گیری صحیح بر اساس سوابق و شواهد تاریخی نقشی اساسی دارند. با توجه به همین نقش است که آرشیوها به دولت‌ها کمک می‌کنند تا در برنامه‌ریزی‌های کلان و در برنامه‌های توسعه کشور با ایجاد بستر مناسب دسترسی به

1. Johnson
2. Johnson
3. Lin
4. Finding aids



اطلاعات اسنادی برای آحاد جامعه به‌ویژه پژوهش‌گران، به‌منابۀ بانک اطلاعات قوی و کارآمد، استفاده شوند (رسولی، ۱۳۹۴).

عنصر اساسی‌ای که باعث ایجاد، درک، پذیرش، استفاده و به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات با دیگران می‌شود عامل انسانی در سازمان‌ها است. کیفیت، نوآوری، رقابت و موفقیت برای سازمان‌های امروزی با کارمندان واجد شرایط و مجهز به دانش امکان‌پذیر است (وارلی^۱، ۲۰۱۴).

شکل مهمی از سرمایه اجتماعی توان دستیابی به اطلاعات است که با روابط اجتماعی پیوند ذاتی و لازم و ملزوم دارد. اهمیت اطلاعات از این نظر است که مبنایی برای عمل فراهم می‌آورد؛ ولی اخذ اطلاعات هزینه‌بر است. در مقیاسی «حداقلی»، دستیابی به اطلاعات مستلزم دقت است که بسیار کم‌یاب است. وسیله‌ای که با آن بتوان به اطلاعات دست یافت، استفاده از روابط اجتماعی است که برای مقاصد دیگری برقرار و حفظ شده است. این شکل از سرمایه اجتماعی، اطلاعاتی را تأمین می‌کند که باعث تسهیل عمل می‌شود. در این حالت ارزش روابط بین افراد نه از آن حیث است که «برگه اعتباری» در قالب دینی که به‌واسطه عملکرد دیگری ایجاد می‌شود، در دسترس قرار می‌دهد، یا از آن حیث که می‌توان به طرف مقابل اعتماد کرد، بلکه روابط بین افراد صرفاً به‌علت اطلاعاتی که ایجاد می‌کند ارزش دارد (تاج‌بخش، ۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی دسترسی به منابع و اطلاعات دقیق را تسهیل می‌کند و باعث بهبود همکاری و اعتماد می‌شود (مانو^۲ و همکاران، ۲۰۰۵).

د. عملکرد شغلی

عملکرد شغلی از متغیرهایی است که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته زیاد به آن توجه شده است (قنبری و همتی، ۱۳۹۵). عملکرد شغلی نقش تلاش‌ها و رفتارهای فرد در تحقق اهداف سازمانی را می‌سنجد. توان و تمایل فرد عوامل اساسی در عملکرد و بهره‌وری فرد محسوب می‌شوند؛ یعنی فرد تا چه اندازه توان (دانش، مهارت، تجربه، و شایستگی) انجام کارها را دارد و تا چه اندازه تمایل (انگیزه، علاقه، تعهد، و اعتماد) به انجام کار دارد (نجفی، مفیدی، احقر، ۱۳۹۴). عملکرد شغلی کمیت یا کیفیت برندهای انسانی‌ای است که برای رسیدن به اهداف شغلی مورد توافق کارفرمایان و کارکنان ضرورت دارد (اوسیبانجو^۳ و همکاران، ۲۰۱۵). حیات سازمانی درگرو عملکرد صحیح کارکنان است و با مدیریت مؤثر عملکرد می‌توان کارکنان را پرورش داد و نقاط قوت و ضعف آنان را گوشزد کرد (آزادی و عیدی، ۱۳۹۴). عملکرد شغلی از طریق سرمایه اجتماعی به مکانیسم مهم توسعه اجتماعی تبدیل می‌شود. سرمایه اجتماعی سازمانی و نهادی، بسترهای همکاری جمعی، رضایت شغلی و احساس

1. VARLI
2. Manev
3. Osibanjo

کارآمدی را ممکن می‌سازد (خضری، مظلوم خراسانی، نوغانی دخت بهمنی، ۱۳۹۸).
الینگر و همکارانش (۲۰۱۳) نقش سرمایه اجتماعی بر نگرش و هنجارهای کاری و عملکرد شغلی کارکنان را بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که بهبود عملکرد خدماتی کارکنان و میزان تعهد هنجاری آن‌ها به قوانین کاری تابعی از وضعیت سرمایه اجتماعی است. مطالعات نشان می‌دهد سازمان‌هایی که در سرمایه اجتماعی بیشتر سرمایه‌گذاری می‌کنند، شاهد بهبود عملکرد کارکنان خود و به تبع آن بهبود عملکرد سازمان هستند (الینگر و همکاران، ۲۰۱۳). عملکرد در هر سازمانی تعریف خاص خود را دارد. در سازمان دولتی ارائه خدمات بهتر و توسعه رفاه و ثروت عمومی جامعه به عنوان هدف مطرح است و شاخص عملکرد سازمان است. تحقیقات (پاتنام، کلمن، بوردی، بیکر و ...) هم رابطه مثبت سرمایه اجتماعی با رفاه و توسعه اقتصادی جامعه را ثابت کرده‌است (مرعشی، ۱۳۹۳).

۵. تعهد سازمانی

تعهد کارمندان به سازمان‌هایشان از گذشته تا به امروز موضوعی بااهمیت برای مشاغل بوده‌است (وارلی، ۲۰۱۴). تعهد سازمانی را نوعی وابستگی عاطفی به سازمان در نظر می‌گیرند. براساس این شیوه، فردی که به شدت متعهد است، هویت خود را از سازمان می‌گیرد، در سازمان مشارکت دارد و با آن درمی‌آمیزد و از عضویت در آن لذت می‌برد. بسیاری از نظریه پردازان تعهد سازمانی را عامل تقویت وابستگی فرد به سازمان در نظر می‌گیرند. اگر افراد به سازمان خود متعهد نباشند، عملکرد و قابلیت در سازمان و در بین کارکنان کاهش می‌یابد (عباسی اسفجیر و همکاران، ۱۳۹۵). سرمایه اجتماعی که می‌توان آن را تأثیر اقتصادی مؤلفه‌های فرهنگی بر سیستمی اجتماعی مانند اعتماد به مشارکت داوطلبانه، هنجارهای حرفه‌ای، پاسخ‌گویی و ... دانست، بر شکل‌دهی تعهد سازمانی کارکنان تأثیر دارد (کالین و پارک، ۲۰۱۵).

تعهد سازمانی، نشانه پذیرش اهداف و ارزش‌های سازمانی از طرف کارکنان است و کارکنان متعهد، عملکرد شغلی بهتری دارند. بررسی تعهد سازمانی از دیدگاه اجتماعی، می‌تواند بسیاری از سرمایه‌ها و نیازهای فراموش شده در زمینه عوامل انسانی مؤثر بر تعهد کاری را نمایان کند (آزادی و عیدی، ۱۳۹۴).

بوکانان تعهد سازمانی را نوعی وابستگی عاطفی و تعصب آمیز به ارزش‌ها و اهداف سازمان بیان می‌کند. این وابستگی نه از طریق ارزش‌های ابزاری بلکه از طریق نقش فرد در رابطه با ارزش‌ها و اهداف سازمان و به طور کلی خود سازمان نمود پیدا می‌کند (بوکانان، ۱۹۷۴).



اهمیت تعهد سازمانی بیشتر به دلیل اثری است که بر روی نگرش‌ها و رفتارهای کارکنان دارد. سازمان‌ها به تعهد در میان کارکنانشان بسیار اهمیت می‌دهند؛ زیرا این فرض وجود دارد که تعهد، رفتارهای بازگیرنده کارکنان نظیر تأخیر، غیبت و انتقال را کاهش می‌دهد. معمولاً این اعتقاد وجود دارد که کارکنان متعهد در جهت دستیابی به اهداف سازمانی بیشتر تلاش می‌کنند (قوی پنجه، ۱۳۹۴). بقای سازمان به این حقیقت بستگی دارد که کارمندان سازمان را ترک نمی‌کنند. کارکنان هر چه به سازمان وابسته‌تر باشند، سازمان نیز قوی‌تر است (وارلی، ۲۰۱۴).

و. تعهد به کیفیت خدمات

کیفیت خدمات به معنی ادراک، قضاوت و ارزیابی‌های کلی مشتری از خدمات عرضه‌شده سازمان‌های دولتی است (زیتامل^۲ و همکاران، ۲۰۰۲). اولین تلاش‌ها برای ترسیم کیفیت خدمات براساس درک کیفیت کالاها بوده‌است؛ ولی درک مفهوم کیفیت خدمات برای توصیف ویژگی‌های خدمات، توسعه یافته‌است و درحالی‌که بازه خدمات به‌طور مشخص عاملی مهم برای مشتری است، فرایندی که خدمات طی آن ارائه می‌شود نیز در ارزیابی کیفیت خدمات در نظر گرفته می‌شود (پاراسورامان^۳ و همکاران، ۱۹۸۵).

کیفیت خدمات تابعی است از انتظارات مشتری از خدمات و تجربه و درک او از خدمات دریافتی. برخلاف کیفیت کالا، کیفیت خدمات هم براساس فرایند تحویل و ارائه خدمات و هم براساس نتیجه خدمات ارائه‌شده ارزیابی می‌شود. هر تماس مشتری با سازمان لحظه‌ای برای ایجاد اعتماد و فرصتی برای راضی یا ناراضی کردن او به‌شمار می‌رود. رضایت مشتری از خدمت را می‌توان با مقایسه انتظارات او از خدمات، با برداشت او از خدمات عرضه‌شده تعریف کرد. وقتی انتظارات مشتری از خدمات با برداشت‌های او از خدمات عرضه‌شده منطبق شود، کیفیت خدمات عرضه شده‌است (سیمونز، ۱۳۸۷). کیفیت خدمات یکی از مهم‌ترین سازه‌های معنی‌دار در توضیح نیت رفتاری آینده مشتریان است.

ز. رفتارهای شهروندی سازمانی

رفتارهای فردی داوطلبانه که به‌طور صریح یا ضمنی توسط سیستم رسمی پاداش برانگیخته نشده‌است ولی کارایی سازمان را افزایش می‌دهد رفتار شهروندی سازمانی نامیده می‌شود. هم‌چنین تمایل کارکنان به انجام رفتارهایی فراتر از الزامات رسمی نقش و جایگاهشان نیز یکی از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده رفتار شهروندی سازمانی شناخته می‌شود (برنارد، ۱۹۳۸). براساس تعریف اورگان (۱۹۸۸) رفتار شهروندی سازمانی، رفتاری منحصر به فرد، خودجوش، اختیاری و فراوظیفه‌ای است که در افزایش عملکرد اثربخش سازمان مؤثر

1. Buchanan
2. Zeithaml
3. Parasuraman



است؛ ولی به طور مستقیم یا غیرمستقیم به وسیله سیستم پاداش رسمی سازمانی تقویت نمی شود (مورمن^۱ و بلکلی، ۱۹۹۵؛ لی^۲ و همکاران، ۲۰۱۰؛ کاسترو^۳ و همکاران، ۲۰۰۴). رفتار شهروندی سازمانی، فرهنگ سازمانی مثبتی است که باعث تقویت تعامل، تعهد کارکنان، انگیزه کارکنان و عملکرد شغلی کارمندان می شود ولی بخشی از ساختار رسمی سازمانی یا سیستم پاداش نیست (باسو^۴، ۲۰۱۷).

ح. آرشیویست

در «فرهنگ اصطلاحات آرشیوی»، آرشیویست این گونه تعریف شده است:

الف- مسئول ارزش یابی، فراهم آوری، تنظیم، و توصیف، حفاظت و دردسترس قرار دادن اسناد دارای ارزش پایدار با توجه به اصل حفظ منشأ، نظم اولیه و کنترل جمعی برای حفاظت از اصالت و زمینه منابع.

ب- فردی که به طور حرفه ای مشغول اداره اسناد و یا مدیریت اسناد است. در ایالات متحده این واژه اغلب به معنی «متصدی نسخه های خطی» به کار می رود.

ج- متخصصی که در رشته علوم آرشیوی تحصیل کرده است و یا مسئول اداره کردن اسناد است (فرهنگ اصطلاحات آرشیوی، ۱۳۹۵).

آرشیویست (آرشیودار): در اصول اخلاقی آرشیو این طور بیان شده است: همه کسانی که به نوعی در یکی از قسمت های ارزش یابی، نظارت، نگهداری، آماده سازی، مرمت و سرپرستی اسناد مسئولیت دارند (زرین کلکی، ۱۳۸۵).

ط. آرشیو

آرشیو عبارت است از اسناد غیر جاری (اسنادی که برای اجرای وظایف جاری مورد نیاز نیستند) نهادها یا مؤسسات که به دلیل ارزش دائمی آنها نگهداری می شوند یا باید نگهداری شوند (فدایی عراقی، ۱۳۹۴).

آن پدرسون در کتاب آرشیوداری، سه مفهوم را برای آرشیو به کار برده است: ۱- اسنادی که دیگر استفاده جاری ندارند ولی به دلیل ارزش حقوقی یا اطلاعاتی نگهداری می شوند؛ ۲- محلی که مواد آرشیوی در آن نگهداری می شود؛ ۳- سازمان یا بخشی از سازمان اداری که وظیفه اصلی آن انتخاب و قابل دسترس کردن اسناد آرشیوی است (پدرسون^۵، ۱۹۸۱).

در گزارش نخست «طرح تدوین واژه نامه اسنادی-آرشیوی» (۱۳۷۴)، Archives چین

معنی شده است:

1. Moorman
2. Li
3. Castro
4. Basu
5. Pederson



الف- اسناد راکد ولی با ارزش دستگاه‌های دولتی و بخش خصوصی (افراد، خانواده‌ها، شرکت‌ها، ...) که به دلیل ارزش مستمرشان در خزانه نگهداری می‌شوند.

ب- ساختمان یا بخشی از ساختمان که اسناد آرشیوی در آن قرار داده می‌شود.

ج- سازمان یا مؤسسه مسئول گزینش، گردآوری، نگهداری و آماده‌سازی اسناد آرشیوی.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۸۸) واژه «آرشیو» را ذیل دو تعریف آورده است:
الف- محل یا سامانه نگهداری و سامان‌دهی اسناد و سوابق فعالیت‌های تجاری، دولتی، سازمانی یا فردی که به دلایل تاریخی، اطلاعاتی یا حقوقی، برای مدتی معین یا نامعین نگهداری می‌شوند؛

ب- مجموعه‌ای از منابع که به دلیل ارزش تاریخی یا حقوقی نگهداری می‌شوند.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر روش توصیفی و از نوع همبستگی است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه استاندارد است که الینگر و همکارانش در سال (۲۰۱۳) طراحی کرده‌اند. این پرسش‌نامه در طیف ۵ تایی لیکرت استفاده شده است. برای تعیین میزان اعتماد یا پایایی ابزار گردآوری داده‌ها، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد.

پرسش‌نامه‌ها به صورت حضوری توزیع شد و یا از طریق پست الکترونیکی ارسال شد. جامعه آماری پژوهش حاضر آرشیویست‌های^۱ مراکز و مؤسسه‌های آرشیوی شهر تهران است. از ۱۵۱ پرسش‌نامه توزیع شده، ۱۳۴ پرسش‌نامه قابل قبول جمع‌آوری شد؛ که جامعه آماری این مطالعه را تشکیل داد.

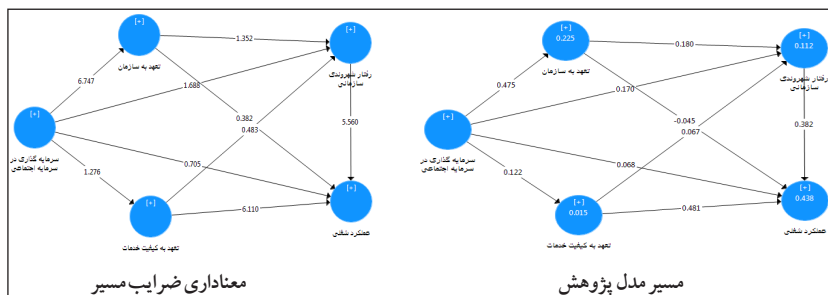
برای آزمون فرضیات، از مدل معادلات ساختاری و تحلیل مسیر استفاده شد. برای انجام این تحلیل از نرم‌افزارهای SPSS و PLS استفاده شد.

۵. یافته‌های پژوهش

برای بررسی فرضیه‌های تحقیق از تحلیل مسیر استفاده شد که در شکل شماره ۱، مدل معادلات ساختاری این فرضیه‌ها در قالب اعداد معنادار نشان داده شده است. در جدول شماره ۱ نیز خلاصه نتایج مربوط به فرضیه‌ها نشان داده شده است.

1. archivist





شکل ۱

خروجی گرافیکی مدل مسیر، ضرایب مسیر (ضرایب اثر مستقیم) بین متغیرهای برونزا و درونزا (مدل ساختاری)

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس نتایج به دست آمده از آمار استنباطی، سرمایه اجتماعی بر تعهد سازمانی آرشیویست‌های شهر تهران تأثیر معنادار (مثبت) دارد؛ بنابراین فرضیه شماره ۱ پژوهش تأیید می‌شود. این نتیجه با پژوهش الینگر و همکاران (۲۰۱۳) و الینگر و همکاران (۲۰۱۱)، معصومی سنجانی (۱۳۹۴)، سلیمی فرد (۱۳۹۴)، رعایت‌خواه (۱۳۹۳)، و مرعشی (۱۳۹۳) که نشان دادند سرمایه اجتماعی، بر تعهد سازمانی کارکنان تأثیر مثبت و معنادار دارد مطابقت دارد.

بر اساس نتایج به دست آمده از آمار استنباطی، سرمایه اجتماعی بر تعهد به کیفیت خدمات آرشیویست‌های شهر تهران تأثیر معنادار (مثبت) ندارد؛ بنابراین فرضیه شماره ۲ پژوهش رد شد. این نتیجه با پژوهش الینگر و همکاران (۲۰۱۳)، و الینگر و همکاران (۲۰۱۱b) در پژوهش «سرمایه‌گذاری‌های سازمانی در سرمایه اجتماعی، رهبری مدیریتی و عملکرد مرتبط با کار کارمندان» و با مطالعه الینگر و همکاران (۲۰۱۱a) در پژوهش «اندازه‌گیری سرمایه‌گذاری‌های سازمانی در سرمایه اجتماعی: چشم‌انداز خدمات کارمندان»، هم‌چنین با نتایج پژوهش معصومی سنجانی (۱۳۹۴)، سلیمی فرد (۱۳۹۴)، رعایت‌خواه (۱۳۹۳)، و مرعشی (۱۳۹۳) مطابقت ندارد.

فرضیات تحقیق	ضریب مسیر	معناداری	رد/تأیید
۱. سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه اجتماعی، بر تعهد به سازمان آرشیو تأثیر مثبت و معنادار دارد.	۰/۴۷۵	۶/۷۴۷	تأیید شد.
۲. سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه اجتماعی، بر تعهد به کیفیت خدمات تأثیر مثبت و معنادار دارد.	۰/۱۲۲	۱/۲۷۶	رد شد.
۳. سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه اجتماعی، بر عملکرد سازمانی تأثیر مثبت و معنادار دارد.	۰/۰۶۸	۰/۷۰۵	رد شد.
۴. سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه اجتماعی، بر رفتار شهروندی سازمانی تأثیر مثبت و معنادار دارد.	۰/۱۷	۱/۶۸۸	رد شد.

جدول ۱

آزمون فرضیات مدل پژوهش



فرضیات تحقیق	ضریب مسیر	معناداری	رد/تأیید
۵. تعهد به سازمان آرشو، بر عملکرد شغلی آرشویست‌ها تأثیر مثبت و معنادار دارد.	۰/۰۴۵-	۰/۲۸۲	رد شد.
۶. تعهد به سازمان آرشو، بر رفتار شهروندی سازمانی تأثیر مثبت و معنادار دارد.	۰/۱۸	۱/۳۵۲	رد شد.
۷. تعهد به کیفیت خدمات، بر عملکرد شغلی آرشویست‌ها تأثیر مثبت و معنادار دارد.	۰/۴۸۱	۶/۱۱۰	تأیید شد.
۸. تعهد به کیفیت خدمات، بر رفتار شهروندی سازمانی تأثیر مثبت و معنادار دارد.	۰/۰۶۷	۰/۴۸۳	رد شد.
۹. رفتار شهروندی سازمانی آرشویست‌ها، بر عملکرد شغلی تأثیر مثبت و معنادار دارد.	۰/۲۸۲	۵/۵۶۰	تأیید شد.

ادامه جدول ۱

آزمون فرضیات مدل پژوهش

بر اساس نتایج به دست آمده از آمار استنباطی، سرمایه اجتماعی بر عملکرد شغلی آرشویست‌های شهر تهران تأثیر مثبت و معنادار ندارد؛ بنابراین فرضیه شماره ۳ پژوهش رد شد. این نتیجه با پژوهش الینگر و همکاران (۲۰۱۳)، باسو (۲۰۱۷)، الینگر و همکاران (۲۰۱۱)، و الینگر و همکاران (۲۰۱۱) که نشان دادند سرمایه‌گذاری‌های سازمانی بر عملکرد شغلی تأثیر مثبت دارد و همچنین با پژوهش قنبری و عبدالملکی (۱۳۹۹)، نعمتی و همکاران (۱۳۹۵)، معصومی سنجانی (۱۳۹۴)، سلیمی فرد (۱۳۹۴)، رعایت‌خواه (۱۳۹۳)، و مرعشی (۱۳۹۳) مطابقت ندارد.

بر اساس نتایج به دست آمده از آمار استنباطی، سرمایه اجتماعی بر رفتار شهروندی سازمانی آرشویست‌های شهر تهران تأثیر مثبت و معنادار ندارد؛ بنابراین فرضیه شماره ۴ پژوهش تأیید نشد. این نتیجه با پژوهش الینگر و همکاران (۲۰۱۳)، الینگر و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهش «سرمایه‌گذاری‌های سازمانی در سرمایه اجتماعی، رهبری مدیریتی و عملکرد مرتبط با کار کارمندان»، نعمتی و همکاران (۱۳۹۵)، معصومی سنجانی (۱۳۹۴)، رعایت‌خواه (۱۳۹۳)، و مرعشی (۱۳۹۳) که نشان دادند سرمایه اجتماعی بر رفتار شهروندی سازمانی تأثیر مثبت و معنادار دارد، مطابقت ندارد.

بر اساس نتایج به دست آمده از آمار استنباطی، تعهد سازمان‌های آرشو بر عملکرد شغلی آرشویست‌ها تأثیر مثبت و معنادار ندارد؛ بنابراین فرضیه شماره ۵ هم تأیید نشد. این نتیجه با پژوهش الینگر و همکاران (۲۰۱۳) که نشان دادند تعهد سازمانی با عملکرد



شغلی رابطه منفی دارد مطابق دارد؛ ولی با پژوهش معصومی سنجانی (۱۳۹۴)، و رعایت خواه (۱۳۹۳) مطابقت ندارد.

بر اساس نتایج به دست آمده از آمار استنباطی، تعهد سازمان‌های آرشیو بر رفتار شهروندی سازمانی تأثیر مثبت و معنادار ندارد؛ بنابراین فرضیه شماره ۶ رد می‌شود. این نتیجه با پژوهش الینگر و همکاران (۲۰۱۳)، و رعایت خواه (۱۳۹۳) مطابقت دارد؛ ولی با پژوهش وارلی (۲۰۱۴) مطابقت ندارد.

بر اساس نتایج به دست آمده از آمار استنباطی، تعهد به کیفیت خدمات بر عملکرد شغلی آرشیویست‌ها تأثیر مثبت و معنادار دارد؛ بنابراین فرضیه شماره ۷ تأیید می‌شود. این نتیجه با پژوهش الینگر و همکاران (۲۰۱۳) مطابقت دارد و با نتایج معصومی سنجانی (۱۳۹۴)، و رعایت خواه (۱۳۹۳) مطابقت ندارد.

بر اساس نتایج به دست آمده از آمار استنباطی، تعهد به کیفیت خدمات بر رفتار شهروندی در سازمان‌های آرشیوی تأثیر مثبت و معنادار ندارد؛ بنابراین فرضیه شماره ۸ رد می‌شود. این نتیجه با پژوهش الینگر و همکاران (۲۰۱۳) مطابقت دارد؛ ولی با نتایج معصومی سنجانی (۱۳۹۴)، و رعایت خواه (۱۳۹۳) مطابقت ندارد.

بر اساس نتایج به دست آمده از آمار استنباطی، رفتار شهروندی سازمانی آرشیویست‌ها بر عملکرد شغلی تأثیر مثبت و معنادار دارد؛ بنابراین فرضیه شماره ۹ تأیید می‌شود. این نتیجه با پژوهش باسو (۲۰۱۷)، الینگر و همکاران (۲۰۱۳)، معصومی سنجانی (۱۳۹۴)، و رعایت خواه (۱۳۹۳) مطابقت دارد.

محدودیت‌های پژوهش

پژوهش‌گر در این مطالعه با موانع و محدودیت‌هایی روبه‌رو شد. از موانع این تحقیق می‌توان به تعداد کم آرشیویست در هر مرکز اشاره کرد. هم‌چنین احتمال این که فرم‌های پر شده آرشیویست‌ها را مدیران مراکز بررسی کنند، برخی از آرشیویست‌ها را در پاسخ‌گویی محتاط می‌کرد.

نبود پیشینه در زمینه سرمایه اجتماعی در سازمان‌های آرشیوی و تعطیلی برخی مراکز در بازه جمع‌آوری داده‌ها هم از دیگر محدودیت‌های این پژوهش بودند.



پیشنهاد‌های برخاسته از پژوهش

الف- براساس یافته‌ی فرضیه‌ی اول که نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه‌ی اجتماعی، بر تعهد به سازمان آرشیو تأثیر مثبت و معنادار دارد و براساس هفت گویه‌ی این فرضیه:

۱. مدیران برای ارائه‌ی فرصت‌های عادلانه در سازمان تلاش لازم را انجام می‌دهند.
۲. مدیران اغلب در حال تشویق کارکنان هستند.
۳. مدیران در انجام نقش خود مؤثرند و در تنظیم لحن مثبت خود تبحر دارند.
۴. مدیران سازگارند و با کارکنان خود مستقیماً ارتباط دارند.
۵. مدیریت احترام لازم را به کارکنان خود نشان می‌دهد.
۶. وعده‌های داده‌شده به کارکنان عملی و اجرایی می‌شود.
۷. مدیران و کارکنان، زمانی مطلوب و باکیفیت را در کنار یکدیگر سپری می‌کنند.

پیشنهاد می‌شود مدیران و سرپرستان مراکز آرشیوی برای بالابردن و گسترش رفتارهای کارکنان مطابق با نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی تصمیماتی را مبتنی بر تشویق آرشیویست‌ها در دستور کار خود قرار دهند و در ارائه‌ی فرصت‌های عادلانه در سازمان تلاش کنند؛ همچنین به وعده‌هایی که به کارکنان خود می‌دهند پایبند باشند تا بتوانند اعتماد را که بخش جدانشدنی سرمایه‌ی اجتماعی است در محیط کاری ایجاد کنند. براساس یافته‌ی این مطالعه اعتمادسازی و سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی در سازمان آرشیوی، بهبود و ارتقاء عملکرد و بهره‌وری سازمان را به دنبال خواهد داشت.

ب- براساس یافته‌ی فرضیه‌ی هفتم که نشان می‌دهد تعهد به کیفیت خدمات بر عملکرد شغلی آرشیویست‌ها تأثیر مثبت و معنادار دارد، پیشنهاد می‌شود تا انتظارات مراجع‌کنندگان به سازمان آرشیوی به‌دقت بررسی شود و آرشیویست‌ها برای برآورده‌کردن نیاز مراجع‌کنندگان با بهترین کیفیت ممکن، در جریان نیازهای واقعی آن‌ها قرار گیرند تا از ارباب‌رجوع خود بازخورد مثبت دریافت کنند. برای برآورده‌شدن انتظارات مراجع‌کنندگان به‌نحو احسن، نیاز است تا مدیران حمایت همه‌جانبه‌ی خود را برای افزایش کیفیت محیط کار و خدمات سازمان مهیا کنند.

ج- براساس یافته فرضیه نهم، رفتار شهروندی سازمانی آرشیویست‌ها بر عملکرد شغلی تأثیر مثبت و معنادار دارد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود تا مدیران در تقویت رفتار شهروندی سازمانی - که باعث افزایش کیفیت عملکرد شغلی می‌شود- تصمیماتی شایسته اتخاذ کنند؛ با میل و رغبت زمانی را برای رفع مشکلات کاری همکاران خود اختصاص دهند و با هدف بهبود عملکرد سازمان به تقویت حس همکاری و رعایت حال همکاران توجه کنند. تقویت حس مسئولیت‌پذیری، ایجاد روحیه همکاری و کار گروهی باعث تحقق اهداف سازمان آرشیوی می‌شود؛ بنابراین توجه مدیران به این مهم ضروری به نظر می‌رسد. هم‌چنین مدیران باید بستری را آماده کنند تا کارکنانی که غیبت کاری داشته‌اند، کارهای عقب‌مانده خود را به‌نحو احسن و در اسرع وقت انجام دهند.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

پیشنهاد می‌شود تا در راستای بهبود وضعیت موجود و حل مسئله پژوهش حاضر موضوع‌های زیر نیز پژوهش شود:

۱. بررسی موانع و مشکلات ایجاد و ارتقای سرمایه اجتماعی در سازمان‌های آرشیوی؛
۲. بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی آرشیوها؛
۳. بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر ساختار سازمانی آرشیوها؛
۴. بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و ایجاد آرشیوهای مشارکتی؛
۵. بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و توانمندسازی آرشیوهای الکترونیکی.

منابع

کتاب

- پدرسون، آن. (۱۳۸۰). *نگهداری اسناد*. (رضا مهاجر، مترجم). تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهش‌کده اسناد.
- تاج‌بخش، کیان. (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*. (افشین خاک‌باز و حسن پویان، مترجمان). تهران: شیرازه.
- جاوید، محمدجواد؛ ایزدی جیران، اصغر. (۱۳۸۹). *سرمایه اجتماعی و وضعیت آن در ایران*. تهران: پژوهش‌کده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- رسولی، ندا. (۱۳۹۴). *مجموعه مقالات دومین همایش ملی آرشیوی (آرشیو برای همه)*. (ج ۲). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.



- سیمونز، جی. (۱۳۸۷). *مدیریت خدمات: استراتژی، عملیات و تکنولوژی اطلاعات*. (چ ۲). (محمد اعرابی و داود ایزدی، مترجمان). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شجاعی باغبینی، محمدمهدی. (۱۳۸۷). *مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی*. تهران: پژوهش‌کده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- فدایی عراقی، غلام‌رضا. (۱۳۹۴). *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشیوی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- فرهنگ اصطلاحات آرشیوی*. (۱۳۹۵). (انوشیر شبانی، مترجم؛ زهرا ضرغامی، ویراستار). تهران: سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی. (۱۳۸۸). *فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان*. (دفتر ششم). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- فیلد، جان. (۱۳۸۶). *سرمایه اجتماعی*. (غلام‌رضا غفاری و حسین رضضانی، مترجمان). تهران: کویر.
- قائم‌مقامی، جهانگیر. (۱۳۹۴). *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

مقاله

- آزادی، رسول؛ عیدی، حسین. (۱۳۹۴). «اثرات رضایت شغلی و سرمایه اجتماعی بر عملکرد کارکنان با نقش میانجی‌گری تعهد سازمانی (مطالعه موردی، کارکنان وزارت ورزش و جوانان)». *مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش*، دوره ۲، شماره ۸، صص ۱۱-۲۴.
- حسن‌زاده، ایران؛ یزدان‌ستا، فاروق. (۱۳۹۷). «بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر عملکرد شغلی باتوجهبه نقش میانجی فرهنگ سازمانی معلمان ابتدایی شهر بوکان». اولین همایش ملی *آسیب‌شناسی روابط انسانی*. سقز.
- خضری، زهرا؛ مظلوم خراسانی، محمد؛ نوغانی دخت بهمنی، محسن. (۱۳۸۹). «فرا تحلیل مطالعات سرمایه اجتماعی و عملکرد شغلی». *مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*، سال ۲، شماره ۱۶، زرین‌کلکی، بهناز. (۱۳۸۵). «تاریخچه اصول اخلاق آرشیوی و مواد آن». فصل‌نامه *گنجینه اسناد*، شماره ۶۴، صص ۱۶۴-۱۷۴.
- «طرح تدوین واژه‌نامه اسنادی-آرشیوی». (۱۳۷۴). *گنجینه اسناد*، دفتر اول و دوم، بهار و تابستان، شماره پیاپی ۱۷ و ۱۸، صص ۱۰۸-۱۱۶.
- عباسی اسفنجیر، علی‌اصغر؛ دهقان، محسن؛ آزاد، محرم؛ خاک‌پور نیما. (۱۳۹۵). «ارتباط و تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر تعهد سازمانی (مطالعه موردی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت‌الله آملی)». فصل‌نامه *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان (Sociological Studies of Youth Journal)*، سال ۷، شماره ۲۲، صص ۶۵-۸۶.
- قنبری، سیروس؛ عبدالملکی، جمال. (۱۳۹۹). «نقش سرمایه اجتماعی بر عملکرد شغلی با میانجی‌گری کار

تیمی (مطالعه موردی: کارکنان دانشگاه بوعلی سینا). «پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، سال ۹، شماره ۱، صص ۱-۱۸.

قنبری، سیروس؛ همتی، مدینه. (۱۳۹۵). «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی با عملکرد شغلی کارکنان دانشگاه بوعلی سینا». *نامه آموزش عالی*، سال ۹، شماره ۳۵، صص ۱۱۵-۱۳۳.

نجفی، مینا؛ مفیدی، فرخنده؛ احقر، قدسی. (۱۳۹۴). «رابطه سبک‌های مقابله‌ای و فرسودگی شغلی با عملکرد شغلی مدیران مراکز پیش از دبستان». *فصل‌نامه مطالعات پیش دبستان و دبستان*، سال ۱، شماره ۲.

نعمتی، محمدعلی؛ اکبرزاده صفوئی، مرتضی؛ زنگیان، سمیه؛ باقرصاد رنانی، منصور. (۱۳۹۵). «نقش سرمایه اجتماعی، تعهد و رفتار شهروندی سازمانی در بهبود عملکرد شغلی (مورد مطالعه: شهرداری شهرستان خوی)». *فصل‌نامه علمی-پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری*، دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۱۱۵-۱۳۲.

پایان‌نامه

رعایت‌خواه، صدیقه. (۱۳۹۳). «تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد کارکنان از طریق نگرش آن‌ها در شرکت سهامی آب منطقه‌ای گیلان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی.

سلیمی فرد، عادل. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی بر عملکرد مالی در بانک مهر اقتصاد». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

قوی‌پنجه، امیر. (۱۳۹۴). «اثر استرس شغلی بر تعهد سازمانی، رضایت شغلی و عملکرد شغلی مربیان ورزشی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت‌بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تفت.

مرعشی، جواد. (۱۳۹۳). «بررسی اثر سرمایه اجتماعی بر عملکرد کارکنان (مطالعه موردی: دانشگاه پیام نور مرکز ورامین)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز ورامین، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، گروه مدیریت.

معصومی سنجانی، معصوم. (۱۳۹۴). «بررسی اثر سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه اجتماعی بر عملکرد و تعهد کارکنان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده مدیریت، گروه مدیریت و بازرگانی.

References

Book

Barnard, Chester I. (1938). *The functions of the executive*. Cambridge, MA: Harvard University Press.

Cohen, Don; Prusak, Laurence. (2001). *In Good Company: How Social Capital*



- Makes Organizations Work*. Harvard Business School Press, Boston, MA.
- Cox, Richard J. (2006). Ethics, accountability, and recordkeeping in a dangerous world. London: Facet publishing.
- Holden, John. (2005). *Valuing culture in the South East*. Demos, London.
- Lin, Nan. (2001). *Social Capital: A Theory of Social Structure and Action*. Cambridge University Press.
- Organ, Dennis W. (1988). *Organizational citizenship behavior: The good soldier syndrome*. Lexington Books/DC Heath and Com.
- Pederson, Ann E. (1981). *Keeping Archives*. (ed. In chief). Sydney: Australian Society of Archives.

Article

- Barnes-Mauthe, M; Oleson, K. L; Brander, L. M; Zafindrasilivonona, B; Oliver, T. A; van Beukering, P. (2015). "Social capital as an ecosystem service: Evidence from a locally managed marine area". *Ecosystem services*, 16, pp 283-293.
- Basu, Eeman; Pradhan, Rabindra Kumar; Tewari, Hare Ram. (2017). "Impact of organizational citizenship behavior on job performance in Indian healthcare industries: The mediating role of social capital". *International Journal of Productivity and Performance Management*, 66(6), pp 780-796.
- Ben Hador, Batia. (2016). "How Intra-organizational Social Capital Influences Employee performance". *Journal of Management Development*, 35(9).
- Buchanan, Bruce. (1974). "Building organizational commitment: The socialization of managers in work organizations". *Administrative Science Quarterly*, vol 19, pp 533-546.
- Castro, Carmen Barroso; Armario, Enrique Martín; Ruiz, David Martín. (2004). "The influence of employee organizational citizenship behavior on customer loyalty". *International Journal Of Service Industry Management*, 15(1), pp 27-53.
- DeFilippis, James. (2001). "The myth of social capital in community development". *Housing policy debate*, 12(4), pp 781-806.
- Ellinger, Alexander E; Elmadağ BaŞ, AyŞ Banu; Ellinger, Andrea D; Wang, Yu-Lin;

- Bachrach, Daniel G. (2011a). "Measurement of organizational investments in social capital: The service employee perspective". *Journal of Business Research*, 64(6), pp 572-578.
- Ellinger, Andrea D; Ellinger, Alexander E; Bachrach, Daniel G; Wang, Yu-Lin; Elmadağ BaŞ, AyŞ Banu. (2011b). "Organizational investments in social capital, managerial coaching, and employee work-related performance". *Management Learning*, 42(1), pp 67-85.
- Ellinger, Alexander E; Musgrove, Carolyn (Casey) Findley; Ellinger, Andrea D; Bachrach, Daniel G; Elmadağ BaŞ, AyŞ Banu; Wang, Yu-Lin. (2013). "Influences of organizational investments in social capital on service employee commitment and performance". *Journal of Business Research*, 66(8), pp 1124-1133.
- Ferris, Stephen P; Javakhadze, David; Rajkovic, Tijana. (2017). "The international effect of managerial social capital on the cost of equity". *Journal of Banking & Finance*, 74, pp 84-93.
- Gelderman, Cees J; Semeijn, Janjaap; Mertschuweit, Patrique P. (2016). "The impact of social capital and technological uncertainty on strategic performance: The supplier Perspective". *Journal of Purchasing and Supply Management*, 22(3), 225-234.
- Goyal, Ajay; Akhilesh, K. B. (2007). "Interplay among innovativeness, cognitive intelligence, emotional intelligence and social capital of work teams". *Team Performance Management*, 13(7/8), pp 206-226.
- Horton, Sarah. (2006). "Social capital, government policy and public value: implications for archive service delivery". In: *Aslib proceedings*, 58(6). Emerald Group Publishing Limited.
- Johnson, Catherine Anne; Duff, Wendy. (2005). "Chatting up the archivist: Social capital and the archival researcher". *The American Archivist*, 68(1), pp 113-129.
- Kelin, Howard; Park, Heeman. (2015). "Organizational commitment". In: *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*. (Second Edition). (pp 334-340).
- Landfredi, M; Zoppei, Silvia; Ferrari, Clarissa; Bonetto, Chiara; Van Bortel, Tine; Thornicroft, G; ASPEN Study group. (2015). "Self-stigma as a mediator between social



- capital and empowerment among people with major depressive disorder in Europe: The ASPEN study". *European Psychiatry*, 30(1), pp 58-64.
- Li, Ning; Liang, Jian; Crant, J. Michael. (2010). "The role of proactive personality in job satisfaction and organizational citizenship behavior: A relational perspective". *Journal of Applied Psychology*, 95(2), pp 395-404.
- Manev, Ivan M; Gyoshev, Bojidar S; Manolova, Tatiana S. (2005). "The Role of Human and Social Capital and Entrepreneurial Orientation for Small Business Performance in a Transitional Economy". *International journal of entrepreneurship and innovation management*, 5(3/4), pp 298-318.
- Moorman, Robert H; Blakely, Gerald L. (1995). "Individualism-collectivism as individual difference predictor of organizational citizenship behavior". *Journal Of Organizational Behavior*, Vol 16, No 2, pp 127-142.
- Osibanjo, Omotayo Adewale; Akinbode, James Olalekan; Faloa, Hezekiah; Oludayo, Olumuyiwa. (2015). "Work Ethics and Employees' Job Performance". *Journal of leadership, Accountability and ethics*, 12(1), pp 107-117.
- Parasuraman, A Parsu; Zeithaml, Valarie A; Berry, Leonard L. (1985). "A conceptual model of service quality and its implications for future research". *Journal of Marketing*, 49(4), pp 41-50, Fall.
- Varlı, H. (2014). "Örgütsel bağlılık ve örgütsel vatandaşlık davranışı arasındaki ilişkiler". (Master's thesis, Aksaray Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü).
- Villena, Verónica H; Revilla, Elena; Choi, Thomas Y. (2011). "The dark side of buyer-supplier relationships: A social capital perspective". *Journal of Operations management*, 29(6), pp 561-576.
- Wavell, Caroline; Baxter, Graeme; Johnson, Ian; Williams, Dorothy. (2002). "Impact evaluation of museums, archives and libraries: available evidence project".
- Zeithaml, Valarie A; Parasuraman, A Parsu; Malhotra, Arvind. (2002). "Service quality delivery through web sites: A critical review of extant knowledge". *Journal of the Academy of Marketing Science*, 30(4), pp 362-375. English Translation of References



Books

- Barnard, Chester I. (1938). *The functions of the executive*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Cohen, Don; & Prusak, Laurence. (2001). *In good company: How social capital makes organizations work*. Harvard Business School Press, Boston, MA.
- Cox, Richard J. (2006). *Ethics, accountability, and recordkeeping in a dangerous world*. London: Facet publishing.
- FadaeiAraghi, Gholamreza. (1394/2015). *“Moqaddame-ee bar šenāxt-e asnād-e āršivi”* (An introduction to archival documents). Tehran: SAMT (Sāzmān-e MotālēēvaTadvin-e Kotob-e ‘Olum-e Ensāni-ye Danešgāh-hā) (The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities). [Persian]
- “Farhang-e estelāhāt-e āršivi”* (Dictionary of Archival Terminology). (1395/2016). Translated by AnoushirShabani. Edited by Zahra Zarghami. Tehran: Sāzmān-e AsnādvaKetābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran).[Persian]
- Farhangestān-e Zabān o Adab-e Fārsi (Academy of Persian Language and Literature). (1388/2009). *“Farhang-e vāže-hā-ye mosavvab –e Farhangestān”* (Dictionary of words approved by the academy) (vol. 6). Tehran: Farhangestān-e Zabān o Adab-e Fārsi (Academy of Persian Language and Literature).[Persian]
- Field, John. (1386/2007). *“Sarmāye-ye ejtemā’ee”* (Social capital). Translated by GholamrezaGhaffari& Hossein Ramezani. Tehran: Kavir.[Persian]
- GhaemMaghami, Jahangir. (1394/2015). *“Moqaddame-ee bar šenāxt-e asnād-e tārixī”* (Recognition of historical documents) (2nd ed.). Tehran: AnjomanēĀsārvaMafāxer-e Farhangi (Society for the Appreciation of Cultural Works and Dignitaries). [Persian]
- Holden, John. (2005). *Valuing culture in the South East*. Demos, London.
- Javid, Mohammad Javad; & Izadi Jeyran, Asghar. (1389/2010). *“Sarmāye-ye ejtemā’eevavaz’eeyat-e ān dar Irān”* (Social capital and its situation in Iran). Tehran: Pažuheškade-ye Motālē’āt-e FarhangivaEjtemā’ee (Institute for Social and



- Cultural Studies).[Persian]
- Lin, Nan. (2001). *Social capital: A theory of social structure and action*. Cambridge University Press.
- Organ, Dennis W. (1988). Organizational citizenship behavior: The good soldier syndrome. Lexington Books/DC Heath and Com.
- Pederson, Ann E. (1981). *Keeping archives*. (ed. In chif). Sydney: Australian Society of Archives.
- Pederson, Ann E. (1380/2001). “*Negahdāri-ye asnād*” (Keeping archives). Translated by Reza Mohajer. Tehran: Sāzmān-e Asnād-e Melli-ye Irān (National Library and Archives Organization of Iran), Pažuheškade-ye Asnād (Document Research Institute).[Persian]
- Rasouli, Neda. (1394/2015). “*Majmou’emaqālāt-e dovominhamāyeš-e melli-ye āršivi (Āršivbarāyehameh)*” (The collection of articles from the second national archival conference: Archive for everyone) (vol. 2). Tehran: Sāzmān-e AsnādvaKetābxāne-ye Melli-ye Iran (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran). [Persian]
- Simmons, James A. (1387/2008). “*Modiriyat-e xadamāt: Ešterāteži, amaliyātvateknoloži-ye ettelā’āt*” (Service management: Operations, strategy, and information technology) (2nd ed.). Translated by Mohammad Arabi & Davoud Izadi. Tehran: Dafter-e Pažuheš-hā-ye Farhangi (Iran Cultural Studies).[Persian]
- ShojaeiBaghini, Mohammad Mehdi. (1387/2008). “*Mabāni-ye mafhumi-ye sarmāye-ye ejtemā’ee*” (Conceptual foundations of social capital). Tehran: Pažuheškade-ye Motāle’āt-e FarhangivaEjtemāee (Institute for Social and Cultural Studies). [Persian]
- Tajbakhsh, Kian. (1385/2006). “*Sarmāye-ye ejtemā’ee: E’temād, demokrāsi va towse’e*” (Social capital: Trust, democracy and development). Translated by Afshin Khakbaz & Hasan Pouyan. Tehran: Širāzeh.[Persian]

Articles

Abbasi Asfajir, Ali Asghar; Dehghan, Mohsen; Azad, Moharram; & Khakpor, Nima.



- (1395/2016). "Ertebātvata'sir-e ab'ād-e sarmāye-ye ejtemāee bar ta'ahhod-e sāzmāni (Motālēe-ye moredi: Dānešgāh-e Āzād-e Eslāmi Vāhed-e Āyatollāh Āmoli)" (The relationship and influence of social capital dimensions on organizational commitment (Case study: Islamic Azad University, Ayatollah Amoli Branch)). *Fasl-nāme-ye Motāle'āt-e Jāme'e-šenāxti-ye Javānān* (Sociological Studies of Youth Journal), 7(22), pp. 65 – 86.[Persian]
- Azadi, Rasoul; & Eydi, Hossein. (1394/2015). "Asarāt-e rezāyat-e šoqlivasarmāye-ye ejtemāee bar 'amalkard-e kārkonān bānaqš-e miyānjigari-ye ta'ahhod-e sāzmāni (motālēe-ye moredi, kārkonān-e Vezārat-e Varzešva Javānān)" (The effects of social capital and job satisfaction on employee performance with organizational commitment mediation role (Case Study, Youth and Sports Ministry)). *Motāle'āt-e Modiriyat-e Raftār-e Sāzmānidar Varzeš* (Organizational Behavioral Management in Sport Studies), 2(8), pp. 11 – 24.[Persian]
- Barnes-Mauthe, M; Oleson, K. L; Brander, L. M; Zafindrasilivonona, B; Oliver, T. A; & van Beukering, P. (2015). "Social capital as an *ecosystem service*: Evidence from a locally managed marine area". *Ecosystem services*, 16, pp 283-293.
- Basu, Eeman; Pradhan, Rabindra Kumar; Tewari, Hare Ram. (2017). "Impact of organizational citizenship behavior on job performance in Indian healthcare industries: The mediating role of social capital". *International Journal of Productivity and Performance Management*, 66(6), pp 780-796.
- Ben Hador, Batia. (2016). "How intra-organizational social capital influences employee performance". *Journal of Management Development*, 35(9).
- Buchanan, Bruce. (1974). "Building organizational commitment: The socialization of managers in work organizations". *Administrative Science Quarterly*, vol 19, pp 533-546.
- Castro, Carmen Barroso; Armario, Enrique Martín; Ruiz, David Martín. (2004). "The influence of employee organizational citizenship behavior on customer loyalty". *International Journal Of Service Industry Management*, 15(1), pp 27-53.
- DeFilippis, James. (2001). "The myth of social capital in community development". *Housing policy debate*, 12(4), pp 781-806.

- Ellinger, Alexander E; ElmadağBaş, Ayş Banu; Ellinger, Andrea D; Wang, Yu-Lin; &Bachrach, Daniel G. (2011a). "Measurement of organizational investments in social capital: The service employee perspective". *Journal of Business Research*, 64(6), pp 572-578.
- Ellinger, Andrea D; Ellinger, Alexander E; Bachrach, Daniel G; Wang, Yu-Lin; &ElmadağBaş, Ayş Banu. (2011b). "Organizational investments in social capital, managerial coaching, and employee work-related performance". *Management Learning*, 42(1), pp 67-85.
- Ellinger, Alexander E; Musgrove, Carolyn (Casey) Findley; Ellinger, Andrea D; Bachrach, Daniel G; ElmadağBaş, Ayş Banu;& Wang, Yu-Lin. (2013). "Influences of organizational investments in social capital on service employee commitment and performance". *Journal of Business Research*, 66(8), pp 1124-1133.
- Ferris, Stephen P; Javakhadze, David; &Rajkovic, Tijana. (2017). "The international effect of managerial social capital on the cost of equity". *Journal of Banking & Finance*, 74, pp 84-93.
- Gelderman, Cees J; Semeijn, Janjaap; &Mertschuweit, Patrique P. (2016). "The impact of social capital and technological uncertainty on strategic performance: The supplier Perspective". *Journal of Purchasing and Supply Management*, 22(3), 225-234.
- Ghanbari, Sirous; &Abdolmaleki, Jamal. (1399/2020). "Naqš-e sarmāye-ye ejtemāee bar 'amalkard-e šoqlibāmiyānjigari-yrkār-e timi (Motālēe-ye moredi: Kārkonān-e Dānešgāh-e Bu 'Ali Sinā)" (The role of social capital in the job performance mediated by teamwork (Case study: Bu Ali Sina University staffs)). *Pažuheš-hā-ye Rāhbordi-ye Masāel-e Ejtemā'ee-ye Irān* (Strategic Research on Social Problems in Iran), 9(1), pp. 1 – 18.[Persian]
- Ghanbari, Sirous; &Hemmati, Madineh. (1395/2016). "Barresi-ye rābete-ye bein-e sarmāye-ye ejtemāee bar 'amalkard-e šoqli-ye Kārkonān-e Dānešgāh-e Bu 'Ali Sinā" (The study of relationship between social capitals with job performances of Bu-Ali Sina University employees). *Nāme-ye Āmuzeš-e 'Āli* (Higher Education Letter) (HEL), 9(35), pp. 115 – 133.[Persian]

- Goyal, Ajay; Akhilesh, K. B. (2007). "Interplay among innovativeness, cognitive intelligence, emotional intelligence and social capital of work teams". *Team Performance Management*, 13(7/8), pp 206-226.
- Hasanzadeh, Iran; & Yazdanseta, Farough. (1397/9018). "Barresi-ye naqš-e sarmāye-ye ejtemāee bar 'amalkard-e šoqlibātavajjoh be naqš-e miyānji-ye farhang-e sāzmāni-ye mo'alleman-e šahr-e Bukān" (). *Avvalin Hamāyeš-e Melli-ye Āsib-šenāsi-ye Ravābet-e Ensāni* (First National Conference on Pathology of Human Relations). Saqqez. [Persian]
- Horton, Sarah. (2006). "Social capital, government policy and public value: implications for archive service delivery". In: *Aslib proceedings*, 58(6). Emerald Group Publishing Limited.
- Johnson, Catherine Anne; Duff, Wendy. (2005). "Chatting up the archivist: Social capital and the archival researcher". *The American Archivist*, 68(1), pp 113-129.
- Kelin, Howard; Park, Heeman. (2015). "Organizational commitment". In: *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*. (Second Edition). (pp 334-340).
- Khezri, Zahra; Mazloun Khorasani, Mohammad; & Noghanidokht Bahmani, Mohsen. (1389/2010). "Farā-tahlil-e motāle'āt-e sarmāye-ye ejtemāeeva 'amalkard-e šoqli" (Meta-Analysis of studies of social capital and job performances). *Majalle-ye Dstāvārd-hā-ye Novindar Motāle'āt-e 'Olum-e Ensāni* (Journal of New Achievements in Humanities Studies), 2(16). [Persian]
- Lanfredi, M; Zoppei, Silvia; Ferrari, Clarissa; Bonetto, Chiara; Van Bortel, Tine; Thornicroft, G; ASPEN Study group. (2015). "Self-stigma as a mediator between social capital and empowerment among people with major depressive disorder in Europe: The ASPEN study". *European Psychiatry*, 30(1), pp 58-64.
- Li, Ning; Liang, Jian; & Crant, J. Michael. (2010). "The role of proactive personality in job satisfaction and organizational citizenship behavior: A relational perspective". *Journal of Applied Psychology*, 95(2), pp 395-404.
- Manev, Ivan M; Gyoshev, Bojidar S; Manolova, Tatiana S. (2005). "The Role of Human and Social Capital and Entrepreneurial Orientation for Small Business Perfor-

- mance in a Transitional Economy”. *International journal of entrepreneurship and innovation management*, 5(3/4), pp 298-318.
- Moorman, Robert H; & Blakely, Gerald L. (1995). “Individualism-collectivism as individual difference predictor of *organizational citizenship behavior*”. *Journal of Organizational Behavior*, Vol 16, No 2, pp 127-142.
- Najafi, Mina; Mofidi, Farkhondeh; & Ahghar, Ghodsi. (1394/2015). “Rābete-ye sabk-hā-ye moqābele-eevafarsudegi-ye šoqlibā ‘amalkard-e šoqli-ye modirān-e marākez-e pišazdabestān” (Studying relationship of coping style and job burnout with job performance of managers of pre-school centers). *Fasl-nāme-ye Motāle’āt-e Piš-Dabestān va Dabestān* (Preschool and Elementary Studies), 1(2). [Persian]
- Nemati, Mohammad Ali; Akbarzadeh Safouei, Morteza; Zangian, Somayyeh; & Baghersad Renani, Mansour. (1395/2016). “Naqš-e sarmāye-ye ejtemāee, ta’ahhodvaraftār-e šahr vandi-ye sāzmānidar behbud-e ‘amalkard-e mālišoqli (Mored-e motālēe: Šahrdāri-ye Šahrestān-e Xoy)” (The role of social capital, commitment, and organizational citizenship behavior in improving job performance (Case study: Khoymunicipality)). *Fasl-nāme-ye ‘Elmi-Pažuheš-ye Eqtesād va Modiriyat-e Šahri* (Journal of Urban Economics and Management), 5(17), pp. 115 – 132. [Persian]
- Osibanjo, Omotayo Adewale; Akinbode, James Olalekan; Faloa, Hezekiah; & Oludayo, Olumuyiwa. (2015). “Work ethics and employees’ job performance”. *Journal of leadership, Accountability and ethics*, 12(1), pp 107-117.
- Parasuraman, A Parsu; Zeithaml, Valarie A; & Berry, Leonard L. (1985). “A conceptual model of service quality and its implications for future research”. *Journal of Marketing*, 49(4), pp 41-50, Fall.
- “Tarh-e tadvin-e važenāme-ye asnādi-āršivi” (Documentary-archival dictionary compilation plan). (1374/1995). *Ganjine-ye Asnād, vols. 1 & 2*, Spring & Summer, series 17 & 18, pp. 108 – 116. [Persian]
- Villena, Verónica H; Revilla, Elena; & Choi, Thomas Y. (2011). “The dark side of buyer-supplier relationships: A social capital perspective”. *Journal of Operations management*, 29(6), pp 561-576.

- Wavell, Caroline; Baxter, Graeme; Johnson, Ian; & Williams, Dorothy. (2002). "Impact evaluation of museums, archives and libraries: available evidence project".
- Zarrinkelki, Behnaz. (1385/2006). "Tārixčē-ye osul-e axlāq-e āršivivamavād-e ān" (Archival code of ethics history and its contents). *Fasl-nāme-ye Ganjine-ye Asnād*, 64, pp. 164 – 174. [Persian]
- Zeithaml, Valerie A; Parasuraman, A Parsu; & Malhotra, Arvind. (2002). "Service quality delivery through web sites: A critical review of extant knowledge". *Journal of the Academy of Marketing Science*, 30(4), pp 362-375.

Dissertations

- Ghavipankeh, Amir. (1394/2015). "*Asar-e esters-e šoqli bar ta'ahhod-e sāzmāni, rezāyat-e šoqliva 'amalkard-e šoqli-ye morabbiyān-e varzeši*" (The effect of job stress on organizational commitment, job satisfaction and job performance of sports coaches). [Masters' thesis]. Dāneškade-ye TarbiyatBadani (Faculty of physical education), Dānešgāh-e Āzād-e Eslāmi (Islamic Azad University), Vāhed-e Taft (Taft Branch). [Persian]
- Marashi, Javad. (1393/2014). "*Barresi-ye asar-e sarmāye-ye ejtemā'ee bar 'amalkard-e kārkonān (Motāle'e-ye moredi: Dānešgāh-e Payām-e Nur-e Markaz-e Varāmin)*" (Investigating the effect of social capital on employee performance (Case study: Payam Noor University, VaraminBranch)). [Masters' thesis]. Dānešgāh-e Payām-e Nur-e Markaz-e Varāmin (Payam Noor University, VaraminBranch), Dāneškade-ye 'Olum-e EjtemāeevaEqtesādi (Faculty of Social Sciences and Economics). [Persian]
- MasoumiSanjani, Masoum. (1394/2015). "*Barresi-ye asar-e sarmāye-gozvri-ye sāzmānidarsarmāye-ye ejtemā'ee bar 'amalkardvata'ahhod-e kārkonān*" (Investigating the effect of organizational investment in social capital on employee performance and commitment). [Masters' thesis]. Dānešgāh-e Āzād-e Eslāmi, Vāhed-e TehrānMarkazi (Islamic Azad University, Central Tehran Branch), Dāneškade-ye Modiriyat (Faculty of Management), Goruh-e ModiriyatvāBāzargāni (Faculty of Management and Business). [Persian]

- Reayatkhah, Sedigheh. (1393/2014). *“Ta’sir-e sarmāye-ye ejtemā’ee bar ‘amalkard-e kārkonānāztariq-e negareš-e ānhādarŠerkat-e Sahāmi-ye Āb-e mantaqee-ye Gilān”* (The effect of social capital on employees’ performance through their attitude in Gilan Regional Water Joint Stock Company). [Masters’ thesis]. Dāneškade-ye ModiriyatvaHesābdāri (Faculty of Management and Accounting), Dānešgāh-e Āzād-e Eslāmi (Islamic Azad University).[Persian]
- Salimifard, Adeleh. (1394/2015). *“Barresi-ye ta’sir-e sarmāye-gozāridarsarmāye-ye ejtemā’ee bar ‘amalkard-e mālidarBānk-e Mehr-e Eqtesād”* (Investigating the impact of investment in social capital on financial performance in MehrEghtesad-Bank). [Masters’ thesis]. Dāneškade-ye Eqtesādva ‘Olum-e Ejtemāee (Faculty of Economics and Social Sciences), Dānešgāh-e ŠahidČamrān-e Ahvāz (Shahid Chamran University of Ahvaz).[Persian]
- Varlı, H. (2014). *“Örgütselbağlılıkveörgütselvatandaşlıkdavranışarasındakiilişkil er”*. (Master’s thesis, AksarayÜniversitesiSosyalBilimlerEnstitüsü).

Table of contents

Ganjineh-Ye Asnad

(Peer-reviewed Journal)

Vol.32, No.3, (Autumn 2022)

Ser.No: 127

ISSN: 1023-3652

E-ISSN: 2538-2268

Historical Research

Social consequences of World War II in Hamadan (1941-1946)\ **Majid Forotan, Kayvan Shafei, Mohammad-Ghorban Kiyani, Anvar Khalandi** 6-36(31)

The Police Force of Iran, Its Organization and Structure in The Qajar Period(1796 – 1925)\ **Ali Rashidiyani Zarrini, Fatemeh Janahmadi, Mohammad Ghasri** 38-65(28)

The battle in "Shalir Valley" (Operation Valfajr 4)\ **Kiyomars Feyzi, Nasrollah Pourmohammadi-Amlashi, BagherAli Adelfar** 66-108(43)

Fiefs in Mazandaran during The Qajar Period (1795-1925)\ **Masomeh Yadollah-pour Arabi, Shahram Yousefifar, MohammadAli Kazembeigi** 110-135(26)

Archival Studies

The letters of the Qajar Chancellors (Edicts, Annotations and Notes): An Analytical Investigation\ **Alireza Niknejad** 136-165(30)

The role of archival organizations' investment in social capital on the performance of archivists\ **Zahra Nasrollahi, Nader Naghshineh, Maryam Sarafzadeh** 166-199(34)

English Abstracts \ **Sanaz Baghestani**

Ganjine-ye Asnad

Historical Research & Archival Studies Quarterly

Vol.32, No.3, (Autumn 2022)

(127)

E-ISSN: 2538-2268 | ISSN: 1023-3652

A peer-reviewed journal published by the National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran

Editor-in-Chief:

Saeid Rezaei Sharifabadi, PhD srezaei@alzahra.ac.ir

Managing Editor:

Golamreza Azizi, PhD greazizi@gmail.com

Executive Officer: Seyyed Mahmood Sadat Bidgoli, PhD m.sadat@yahoo.com

Editorial Board:

Terry Eastwood, Professor, University of British Columbia, Canada.

Ray Edmondson, OAM, B.A. Dip Lib Phd, Australia.

Gholamreza Fadaei, Professor, University of Tehran, Iran.

A.Hossein Farajpahlou, Professor, Shahid Chamran University, Iran.

Saeid Rezaei Sharifabadi, Professor, Alzahra University, Iran.

Hossein Mirjafari, Professor, University of Isfahan, Iran.

Morteza Nouraei, Professor, University of Isfahan, Iran.

Mohammad Bagher Vosoghi, Professor, University of Tehran, Iran.

Fariborz Khosravi, Associate Professor, National library and Archives of Iran, Iran.

Narges Neshat, Associate Professor, National library and Archives of Iran, Iran.

S. Amirmasoud Shahramnia, Associate Professor, University of Isfahan, Iran.

ganjineh.nlai.ir | Email: ganjinehasnad@gmail.com | Tel: 9821 81625554

Address: Iran National Archives, Kosha St, Haqani High way, Tehran, Iran

Index by: Google scholar, Research gate, ISC, SID & Iran Journal

